

سینہ

ایندی موعود

معرفی و بررسی پانصد کتاب

در باره امام زمان (عج)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آيينه موعود

علی دژاکام



دژاکام، علی، ۱۳۴۰.

آیینه موعود / علی دژاکام. - قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲.

ISBN: 964 - 7030 - 89 - 4

۳۱۹ ص

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. [۲۸۱] - ۳۱۹ همچنین به صورت زیر نویس

۱. مهدویت - ماخذ. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق - ماخذ.

الف. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها. دفتر نشر معارف.

ب. عنوان

۲۷۹ / ۴۶۲ BP ۷۲۴/۴ / ۵ ۴۸ ۲۹

۲۹۵۴۹ - ۸۲ م

کتابخانه ملی ایران



آیینه موعود

مؤلف: علی دژاکام

کنترل فنی: کورش گوهریان

طراح جلد: رقیه با وفا

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۸۲

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴ - ۷۰۳۰ - ۸۹ - ۴

پژوهشکده فرهنگ و معارف

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابانهای قدس و وصال شیرازی، کوچه اسکو، شماره ۴۱

ص. پ ۱۳۱۴۵ / ۱۸۱۹، تلفن و نمابر ۶۴۹۷۵۴۴

دفتر نشر معارف: قم، خیابان صفائیه، کوچه ۳۲، پلاک ۵، تلفن و نمابر ۷۷۴۴۶۱۶

حق چاپ محفوظ است.

www.nahad.net/pzhoheshi

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۳	سخن پژوهشگرده
۱۵	پیشگفتار
الف. چهارده کتاب در چهارده مقاله	
۲۵	۱. جهان پیش از ظهور (عصر ظهور: علی کورانی)
۲۵	دربارۀ مؤلف
۲۶	دربارۀ کتاب
۲۷	فصلهای اساسی کتاب
۲۷	۱. سیمای کلی دوران ظهور
۲۹	۲. رومیان و نقش آنان در زمان ظهور
۳۱	۳. ترکان و نقش آنان در دوران ظهور
۳۲	۴. یهودیان و نقش آنان در دوران ظهور
۳۲	۵. اعراب و نقش آنان در دوران ظهور
۳۸	۶. جنگ جهانی در دوران ظهور
۳۹	۷. ایرانیان و نقش آنان در دوران ظهور
۴۰	۸. نهضت ظهور مقدس
۴۳	۹. سیمای حکومت جهانی امام مهدی (ع)
۴۴	۱۰. حضرت مهدی (ع) از دیدگاه شیعه
۴۵	۱۱. مهدی منتظر (ع) از دیدگاه اهل سنت

۲. سیاستمدار پرده‌نشین (تاریخ سیاسی امام دوازدهم: جاسم حسین) ۴۷
- در باره مؤلف ۴۷
- در باره کتاب ۴۸
- فصلهای اساسی کتاب ۵۰
۱. نقش احادیث در غیبت امام دوازدهم (ع) ۵۰
۲. نقش امامان در فعالیت‌های مخفی ۵۱
۳. دیدگاه‌های امامیه در رابطه با امام غایب ۵۴
۴. بازتاب فعالیت‌های مخفی امام دوازدهم در اقدامات سفیران ایشان ۵۴
۵. فعالیت‌های مخفی دومین سفیر امام دوازدهم (ع) ۵۸
۶. دوران نوبختی، سومین سفیر ۵۹
۷. سفیر چهارم و غیبت کبری امام دوازدهم ۵۹
- چکیده کتاب ۶۰
۳. ستاره درخشان روزگاران (رهبری بر فراز قرون: سید محمد باقر صدر) ۶۹
۱. چگونه برای حضرت مهدی این عمر طولانی امکانپذیر شده است؟ ... ۷۳
۲. اصرار بر رهبری شخص حضرت مهدی...؟ ۷۷
۳. شایستگی‌های رهبر منتظر چگونه به کمال رسید...؟ ۸۰
۴. چگونه بپذیریم که امام مهدی (ع) وجود خارجی دارد؟ ۸۱
۵. چرا امام زمان تاکنون ظهور نکرده است؟ ۸۱
۶. آیا یک فرد می‌تواند سرنوشت بشریت را تغییر دهد؟ ۸۳
۴. امام عدالت گستر (عصر زندگی: محمد حکیمی) ۸۵
- در باره کتاب ۸۵
۱. عدالت اجتماعی ۸۸
۲. در سایه شمشیر ۸۸
۳. تدارک جنگ و تربیت جنگاوران ۸۸
۴. سازش ناپذیری ۹۰
۵. تصحیح انحراف‌های فکری ۹۰
۶. وحدت عقیدتی و مرامی ۹۱
۷. رفاه اقتصادی ۹۱
۸. مساوات ۹۲

فهرست مطالب / ۷

۹۲	۹. حاکمیت فراگیر جهانی
۹۳	۱۰. حکومت مستضعفان
۹۳	۱۱. آیین و روش جدید
۹۴	۱۲. رشد عقلی و تکامل علم
۹۵	۱۳. امنیت اجتماعی
۹۶	۱۴. رشد تربیت انسانی
۹۶	۱۵. اصول بیعت
۹۷	۱۶. وضع معابد
۹۷	۱۷. سامان‌یابی زندگی
۹۸	۱۸. انتظار
۱۰۰	۱۹. سیره عملی و روش شخصی امام موعود(ع)
۱۰۰	۲۰. تداوم راه پیامبر(ص)
۱۰۱	۵. راه مهدی، راه خدا (راه مهدی: سیدرضا صدر)
۱۰۱	درباره نویسنده کتاب
۱۰۳	۱. چهاری که مساوی است با یک
۱۰۳	۲. نظریه مهدی
۱۰۵	۳. عدل عالمگیر
۱۰۶	۴. حکومت الهی در جهان
۱۰۷	۵. شرایط عدل گستر
۱۰۸	۶. دادور و دادگر و دادگستر
۱۱۰	۷. مهدی نوعی
۱۱۱	۸. ویژگیها و خصایص مهدی
۱۱۳	۹. انتظار فرج
۱۱۴	۱۰. تعلق اراده ازلی به اقامه عدل جهانی
۱۱۵	۱۱. بشارت و اشارات
۱۱۵	۱۲. پدران و نیاکان
۱۱۶	۱۳. سفرای کبار
۱۱۶	۱۴. معجزاتی چند از حضرتش در زمان غیبت صغری
۱۱۶	۱۵. شرفیابی در غیبت صغری

۱۱۷ ۶. خورشید پنهان (خورشید مغرب: محمدرضا حکیمی)

۱۱۷ درباره مؤلف.

۱۱۸ ۱. میلاد

۱۱۹ ۲. شمایل و سیرت

۱۲۱ ۳. غیبت

۱۲۲ ۴. در کتابهای پیشینیان

۱۲۴ ۵. در کتابهای اهل سنت

۱۲۴ ۶. در کتابهای شیعه

۱۲۵ ۷. مهدی در قرآن

۱۲۶ ۸. در علوم و عقلی

۱۲۶ ۹. در فلسفه تربیتی و سیاسی

۱۲۶ ۱۰. عینیت مقاومت نه عینیت تسلیم

۱۲۷ ۱۱. انتظار

۱۲۹ ۱۲. طلب خورشید

۱۳۰ ۱۳. مسیح المسایح

۱۳۰ ۱۴. دیدار پیامبران

۱۳۱ ۱۵. چونان محمد (ص)

۱۳۱ ۱۶. افشای راز بزرگ

۱۳۲ ۱۷. خاور انوار

۱۳۲ ۱۸. تصفیة اردوگاه

۱۳۲ ۱۹. رمضان - عاشورا

۱۳۳ ۲۰. سلام بر آل یاسین

۱۳۳ ۲۱. خونخواه شهیدان تاریخ

۱۳۳ ۲۲. نور ولا و موالات

۱۳۵ ۷. آزادی بشریت (یوم الخلاص: کامل سلیمان)

۱۳۵ درباره مؤلف:

۱۳۶ درباره کتاب

۱۳۹ درباره ترجمه

۱۴۰ پیام کتاب

✕
✓
✕
✓
✕

فهرست مطالب / ۹

۸. راز طول عمر حضرت مهدی (ع) (امام مهدی: سیدهادی حسینی) ۱۴۵
۱. طول عمر و تعالیم دینی ۱۴۵
۲. طول عمر در تاریخ ۱۴۶
۳. امکان عقلی و علمی و عملی طول عمر ۱۴۷
۴. نظریه‌های طول عمر ۱۵۰
۵. عوامل طول عمر ۱۵۱
۶. امام مهدی (ع) وجودی بی همتا ۱۵۱
۹. حکومت مهدی (ع)، امید بشریت (حکومت جهانی مهدی: مکارم شیرازی) ۱۵۵
۱. آینده روشن ۱۵۷
۲. انقلاب جهانی، انقلاب یا اصلاحات تدریجی ۱۵۹
۳. آمادگیهای لازم برای حکومت جهانی ۱۶۰
۴. انتظار ۱۶۱
۵. مصلح بزرگ جهانی در منابع اسلامی ۱۶۲
۶. نشانه‌های آغاز انقلاب ۱۶۴
۷. ویژگیهای عقیده شیعه پیرامون مهدی ۱۶۴
۸. راه پیروزی آن مصلح بزرگ ۱۶۵
۹. روش حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) ۱۶۶
۱۰. مدعیان دروغین ۱۶۶
۱۰. تداوم امامت (امامت و مهدویت: لطف‌الله صافی گلپایگانی) ۱۶۹
۱. ولایت تکوینی و ولایت تشریحی ۱۷۰
۲. تجلی توحید در نظر امامت ۱۷۴
۳. پیرامون معرفت امام ۱۷۴
۴. انتظار ۱۷۵
۵. ارزش انتظار ۱۷۵
۶. وابستگی جهان به امام زمان (ع) ۱۷۶
۷. عقیده نجات‌بخش ۱۷۷
۸. اصالت مهدویت ۱۷۸
۹. معرفت حجت خدا ۱۷۹
۱۰. پیرامون بشارتهای قرآن و احادیث ۱۷۹

۱۸۱ ۱۱. مشخصات و اوصاف حضرت مهدی (ع)
۱۸۵ ۱۱. کمال دین (کمال الدین و تمام النعمة: شیخ صدوق)
۱۸۵ درباره مؤلف
۱۸۹ انگیزه تألیف کتاب
۱۹۰ نام کتاب
۱۹۱ ارزش و اعتبار کتاب
۱۹۴ ساختار و محتوای کتاب
۱۹۷ ۱۲. مهدی در آئینه روایات (مهدی موعود: علامه مجلسی)
۱۹۷ درباره مؤلف
۲۰۰ درباره کتاب
۲۰۱ تأملاتی چند در کار مترجم و کتاب
۲۰۲ محتوای کتاب
۲۰۷ ۱۳. دعای منتظران (مکیال المکارم: سید محمد تقی موسوی اصفهانی)
۲۰۹ بخش اول
۲۱۰ بخش دوم
۲۱۱ بخش سوم
۲۱۱ بخش چهارم
۲۱۴ بخش پنجم
۲۱۷ بخش ششم
۲۱۷ بخش هفتم
۲۱۹ بخش هشتم
۲۲۱ ۱۴. ستاره درخشان (نجم الثاقب: میرزا حسین طبرسی نوری)
۲۲۲ گزارش اجمالی کتاب

ب. چشم اندازی بر پنجاه کتاب

۲۲۹ ۱. آثار اعتقاد به امام زمان (ع)
۲۲۹ ۲. آخرین امید
۲۳۰ ۳. اشتیاق جمال: پیرامون حضرت مهدی (ع)
۲۳۰ ۴. الامام المهدي (ع)

فهرست مطالب / ۱۱

۲۳۰	۵. الامام المهدي عند أهل السنة
۲۳۱	۶. کتاب الغيبة
۲۳۲	۷. المحجّة فی ما نزل فی القائم الحجّة (عج)
۲۳۴	۸. المهدي (ع)
۲۳۷	۹. امامت و غیبت
۲۳۹	۱۰. امام مهدی (ع)، طاووس بهشت
۲۳۹	۱۱. امام مهدی (ع)، از ولادت تا حضور
۲۴۰	۱۲. امام مهدی و آینه زندگی
۲۴۰	۱۳. انتظار، مذهب اعتراض
۲۴۱	۱۴. بامداد بشریت
۲۴۱	۱۵. بر ساحل انتظار
۲۴۱	۱۶. پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان (ع)
۲۴۲	۱۷. پژوهشی در زندگی امام مهدی (ع) و غیبت صغری
۲۴۴	۱۸. تاریخ الغيبة الكبرى
۲۴۴	۱۹. در سنامه تاریخ عصر غیبت
۲۴۶	۲۰. جزیره خضرا در ترازوی نقد
۲۴۷	۲۱. پاسخ به شبهات احمد الکاتب
۲۴۸	۲۲. چشم اندازی به حکومت مهدی (ع)
۲۴۸	۲۳. حضرت مهدی (ع) از ظهور تا پیروزی
۲۴۹	۲۴. مهدی منتظر (ع) در اندیشه اسلامی
۲۵۱	۲۵. دادگستر جهان
۲۵۳	۲۶. در انتظار ققنوس
۲۵۷	۲۷. در جستجوی نور
۲۵۷	۲۸. در ساحل انتظار
۲۵۸	۲۹. رجعت از دیدگاه عقل، قرآن، حدیث
۲۵۹	۳۰. روح بهار
۲۵۹	۳۱. رهایی بخش
۲۵۹	۳۲. زمینه سازان جهانی حضرت مهدی
۲۶۱	۳۳. سپیده امید (کاوشی در مهدویت)

۲۶۱	۳۴. سیمای حضرت مهدی در قرآن
۲۶۱	۳۵. سیمای مهدویت در قرآن
۲۶۲	۳۶. شوق مهدی (ع).....
۲۶۴	۳۷. غریبه آشنا.....
۲۶۵	۳۸. غیبت نعمانی.....
۲۶۷	۳۹. غیبت و مهدویت در تشیع امامیه.....
۲۶۸	۴۰. قیام و انقلاب مهدی (ع) از دیدگاه فلسفه تاریخ.....
۲۶۹	۴۱. مصلح جهانی.....
۲۷۰	۴۲. منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر.....
۲۷۳	۴۳. مهدی تجسم امید و نجات.....
۲۷۳	۴۴. مهدی (عج) ده انقلاب در یک انقلاب.....
۲۷۴	۴۵. مهدی (ع) کیست؟.....
۲۷۵	۴۶. مهدی (ع)، و مسأله رجعت.....
۲۷۵	۴۷. مهر محبوب.....
۲۷۶	۴۸. وظایف منتظران.....
۲۷۷	۴۹. یاد محبوب.....
۲۷۸	۵۰. یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج).....

ج. فهرستواره کتب مهدویت

۲۸۱	۱. آثار تألیفی پیش از ولادت.....
۲۸۳	۲. آثار تألیفی مستقل از آغاز عصر غیبت تا پیش از سده اخیر.....
۲۹۰	۳. آثار منتشره از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۱.....
۳۱۹	کتابنامه‌ها.....

سخن پژوهشگرده

روی تو کس ندید و هزارت رقیب هست
در غنچه‌ای هنوز و صدت عندلیب هست
هر چند دورم از تو که دور از تو کس مباد
لیکن امید وصل توام عن قریب هست
«حافظ»

مهدی حقیقتی است فراتر از اسطوره و مهدی باوری، برخاسته از بنیان‌های فکری و مبانی عقیدتی عمیقی است که بدون آنان، نمی‌توان به یک باور ژرف دست یافت. این مبانی، ریشه در درک اندازه‌های وجودی انسان و عجز و نارسایی حس، عقل و تجربه او در فهم بایدها و نبایدهای راه بلند او تا قرب خدا دارد.

اندازه‌های وجودی انسان و استمرار و ارتباط او با همه عوالم از یک طرف، نارسایی علم‌گرایی و عقل‌گرایی از طرف دیگر، آدمی را به اضطرار به وحی و اضطرار به حجت و انسان کامل می‌رساند.

تجلی باور مهدی، دریاری رساندن به اوست. یاری مهدی، زمینه‌های قیام او را فراهم کردن و خود را مهیای پذیرش او کردن است: «اعینونی بورع و اجتهاد و عفة و سداد»؛ «من سرّه ان یکون من اصحاب القائم، فلیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر». حقیقت انتظار نیز هم، همین است: «افض الاعمال انتظار الفرج». انتظار عمل است و آن هم بهترین عمل.

مهدی باوری و مهدی یآوری دو ویژگی مهم انسان حقیقت جود و عدالت طلب است؛ زیرا مهدی تجلی حق مطلق و تنها موعود عدالت گستر است.

کتاب «آئینه موعود» به سفارش پژوهشکده فرهنگ و معارف توسط جناب آقای علی دژاکام در راستای مهدی باوری نگاشته شده است و امید است که زمینه‌های مهدی یآوری را نیز فراهم آورد.

«پژوهشکده فرهنگ و معارف» وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، ضمن سپاس از تلاشهای ایشان و در راستای اشاعه فرهنگ مهدویت کتاب «آئینه موعود» را به همه مهدی باوران و مهدی یاوران تقدیم می‌کند. امید که این کتاب قدمی هرچند کوچک در جهت تحقق حکومت جهانی امام مهدی (ع) باشد.

پژوهشکده فرهنگ و معارف

پیشگفتار

مژده‌ای دل که مسیحا نفسی می‌آید که زانفاس خوشش بوی کسی می‌آید
از غم هجر مکن ناله و فریاد که دوش زده‌ام فـالی و فریادرسی می‌آید
«حافظ»

تاریخ، بخصوص تاریخ ادیان، به خوبی با مفهوم «انتظار» آشناست. تاریخ گواه است که همیشه کثیری از آدمیان منتظر یک منجی بوده‌اند که بتواند همه ایده‌آل‌های بشر را جامه عمل پوشاند، مدینه فاضله را تحقق بخشد و عدالت را در همه زمینه‌ها و حوزه‌ها برپا کند. اگرچه از این «منجی» در فرهنگ‌های مختلف با اسامی و تعابیر گوناگون یاد شده است، ولی اصل اعتقاد به یک منجی و اصل انتظار یکی است. در این زمینه، تحقیقات زیادی شکل گرفته که برخی از آنها در کتاب پیش روی شما، منعکس شده است.

اگرچه درباره نجات بخش آخر الزمان، بخصوص در فرهنگ اسلامی و شیعی سخن بسیار رفته و زوایای مختلفی از این بحث مورد کنکاش قرار گرفته و تحقیقات بسیاری شده است، ولی دریاب اینکه ریشه‌های

پیدایی الهی و انسانی اعتقاد به «نجات بخش آخرالزمان» در جامعه بشری چیست، کمتر بحث و گفتگو شده است.

از نظر برخی، بحث از نجات بخش آخرالزمان بحثی درون دینی بوده و مبتنی بر آموزه‌های دینی برگرفته شده از کتب مقدس می‌باشد، به همین جهت ریشه‌ای جز ریشه الهی نداشته و سخن گفتن از ریشه‌های پیدایی این اعتقاد، بخصوص ریشه‌های غیر الهی آن ضرورتی ندارد.

به نظر می‌رسد به چند دلیل این تصور باطل است:

۱. تصور فوق مبتنی بر تصدیق تحقیقی نیست، بلکه فقط یک تصور خام است.

۲. بحث از انتظار و نجات بخش آخرالزمان، فقط در کتب مذهبی و توسط متفکران دینی مطرح نشده تا درون دینی باشد، بلکه در کتب غیر مذهبی و توسط متفکران غیردینی نیز طرح شده و از زوایای غیردینی هم بدان پرداخته شده است؛ بعنوان مثال، جامعه‌شناسی انتظار، یک بحث برون دینی است.

۳. انتظار یک منجی فقط در جامعه دینداران وجود ندارد، بلکه در جامعه‌های غیر دیندار هم وجود دارد؛ بعنوان نمونه می‌توان به آپانیشادها در هند اشاره کرد.

۴. همان گونه که در باب منشأ دین می‌توان بحث برون دینی کرد و لازم نیز هست در اینجا نیز می‌توان و باید بحث برون دینی نمود و لازم هم هست.

نتایج بسیاری بر این بحث مترتب است که مهمترین آن اثبات حقانیت و یا اثبات عدم حقانیت چنین اعتقادی است. اگر ثابت شود که این اعتقاد

ریشه در واقعیت انسانی و الهی دارد؛ یعنی توهم و خیال نبوده و ساخته و پرداخته طبقه خاصی برای استثمار و استعمار توده نیست و از فشارهای روانی و اجتماعی نشأت نمی‌گیرد و... حقانیت اعتقاد به وجود یک منجی ثابت می‌شود و این ثمرات فردی و اجتماعی زیادی دارد که مهمترین آن در اسلام، اثبات حقانیت اسلام و تشیع است. منشأ پیدایش اعتقاد به مصلح جهانی را باید با رهیافت جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و دین‌شناسی مورد بحث و بررسی قرار داد.

صرف نظر از ریشه‌های پیدایی اعتقاد به منجی آخرالزمان باید توجه داشت که چنین اعتقادی تحقق پیدا کرده و در جامعه بشری وجود دارد و در برخی از ادیان بخصوص اسلام و بالاخص مذهب تشیع مبتنی بر فلسفه‌ای قوی بوده و ریشه در فرهنگ مکتوب اصیل دینی مانند قرآن و روایات معتبر مروی از چهارده معصوم دارد.

به خلاف ادیان و مکاتب دیگر، موعودگرایی در تشیع ثمرات عملی فردی و اجتماعی بسیاری دارد که در تحقیق حاضر به بخشی از آن پرداخته شده است. در فرهنگ اسلام، بخصوص شیعه، منجی آخر الزمان تحت عنوان «مهدی» و «مهدویت» بخوبی و با کمترین ابهام به تصویر کشیده شده است. نسب‌شناسی، زمان‌شناسی، تیپولوژی، شرایط پیش از ظهور، وضعیت بعد از ظهور، یاران، چگونگی تشکیل ارتش و حکومت جهانی و... بروشنی و با استدلال و مستند به بحث گذاشته شده و حدود شش هزار حدیث درباره «مهدویت» در کتب معتبر شیعه و سنی وجود دارد که به جزئی‌ترین مسائل اشاره کرده‌اند.

همین احادیث و آیات جانمایه تحقیقات بسیاری شده است. این

تحقیقات پیش از تولد حضرت مهدی شروع شده و هنوز ادامه دارد. کمتر موضوعی درباره مهدویت وجود دارد که در این تحقیقات بدان پرداخته نشده باشد.

کتاب آینه موعود در راستای مهدی‌شناسی بوده و در تلاش است آینه‌ای باشد برای به تصویر کشیدن سیمای نورانی حضرت مهدی موعود (عج) و تحقیقات انجام گرفته در این باب.

کتاب‌شناسی^۱ وسیله و ابزاری است برای دستیابی به اطلاعات بیشتر در زمان کمتر. این واژه از اوایل قرن هجدهم به معنای توصیف و بیان تاریخچه منظم کتابها به کار رفت. در حال حاضر در دو معنای دور از هم ولی اساساً به هم پیوسته کاربرد دارد:

۱. فهرستی از کتابها که طبق نظامی خاص ترتیب و تدوین یافته باشند. این معنی در اصطلاح، کتابشناسی شمارشی^۲ یا نظام‌مند^۳ و یا توصیفی^۴ نیز نامیده می‌شود.

۲. بررسی کتابها از نظر مادی و فیزیکی و هیأت ظاهری؛ یعنی کندوکاو در موادی (اوراق یا بخش‌های) که از آن ساخته شده یا شیوه‌ای که پیوند و تدوین یافته. این معنی در اصطلاح کتابشناسی انتقادی^۵ نامیده می‌شود. مراد از انتقادی به معنای نقادانه و ارزیابانه نیست، بلکه متن‌شناسانه و شکل پژوهانه است که به مددکار تصحیح متون و تعیین صحت چاپ و اصالت تاریخ و این‌گونه مسائل می‌آید.

یکی از کهن‌ترین انواع کتابشناسی‌های توصیفی، فهرستی است که

1. bibliography

2. enumerative

3. Systematic

4. descriptive

5. Critical

جالینوس، حکیم نامدار یونانی، در قرن دوم میلادی از آثار متعدد خود به دست می‌دهد.

امروزه به جهت شکل، چهار نوع کتاب‌شناسی وجود دارد:

۱. کتاب‌شناسی توصیفی: گزارمانی است که در آن علاوه بر مشخصات اصلی کتاب، وصف نسخه از لحاظ نوع کاغذ، جلد، چاپ، تصاویر و دیگر جنبه‌های مادی آن ذکر می‌شود و در مورد کتب معمولی چاپی، موضوع و محتوای کتاب را نیز به طور خلاصه توصیف و معرفی می‌کند.

۲. کتاب‌شناسی انتقادی: کتاب‌شناسی گزارمانی است که در آن علاوه بر مشخصات اصلی کتاب، محتوای کتاب نیز به طور خلاصه شرح و ارزیابی و نقد می‌شود.

۳. کتاب‌شناسی گزینشی: کتاب‌شناسی‌ای است که فقط منتخبی از آثار مورد نظر را به دست می‌دهد. چنین گزینشی یا برای تأمین نیازهای رده خاصی از استفاده‌کنندگان تهیه می‌شود، یا مواد کم اهمیت‌تر، جزوات و غیره را حذف می‌کند.

۴. کتاب‌شناسی موضوعی: در این نوع کتاب‌شناسیها کتابها و دیگر موادی که مربوط به یک موضوع خاص - اعم از آنکه موضوع یک شخص، محل و یا یک مفهوم باشد - ضبط و فهرست می‌شود. به عبارت دیگر کتاب‌شناسی‌ای که آثار یک موضوع خاص را در بر می‌گیرد.^۱

کتاب‌شناسی حضرت مهدی تحت عنوان آئینه موعود تلفیقی از توصیفی، گزینشی و موضوعی و دارای سه بخش است:

بخش اول تحت عنوان «چهارده کتاب در چهارده مقاله» به معرفی تفصیلی، خلاصه‌گویی و گزیده‌نگاری چهارده کتاب در موضوع مهدی (ع) و مهدویت پرداخته است. همپوشی موضوعی، اهمیت کتاب، تحلیلی بودن و نوآوری از معیارهای انتخاب کتابهای این بخش می‌باشد. از این رو، ممکن است کتابها با یکدیگر هم وزن نبوده و به جهت نویسنده نیز سطح رعایت نشده باشد. این بخش، از کتاب‌شناسی معمول و مرسوم پیروی نمی‌کند، بلکه می‌توان گفت روش جدیدی است که به تازگی بدان پرداخته شده است. به همین جهت ترتیب مقالات در این بخش نه الفبایی است و نه تاریخی، بلکه از تحلیلی به روایی و نقلی سیر می‌کند. در این بخش، فقط بدنبال ارائه اطلاعات درباره کتاب نیستیم، بلکه علاوه بر آن می‌خواهیم محتوای کتاب را نیز برای خواننده حتی المقدور بازگو کرده و اطلاعات لازم را در باب موضوع به او ارائه کنیم.

بخش دوم با عنوان «چشم‌اندازی بر پنجاه کتاب» با معیارهای پیش‌گفته، پنجاه کتاب را برگزیده و به معرفی اجمالی آنها پرداخته است.

بخش سوم تحت عنوان «فهرستواره کتب مهدویت» در سه مرحله پیش از ولادت، از آغاز عصر غیبت تا پیش از سدهٔ اخیر و دو دهه گذشته با ۴۳۶ عنوان کتاب در مورد مهدی و مهدویت را فهرست کرده که شش کتاب آخر، خود کتاب‌شناسی حضرت مهدی هستند.

در پایان، از تمام کسانی که در به فعلیت رسیدن این اثر سهیم بوده‌اند سپاسگزارم. آقای دکتر کلانتری که اصل موضوع را پیشنهاد دادند؛ آقای محمد قلعه‌وند که در برخی از مراحل تحقیق یاری رساندند؛ آقای امیر اهری که ویرایش اثر را بر عهده گرفتند؛ آقای مرتضی سلیمانی که

نمونه خوانی را به دقت به انجام رساندند و آقایان رضا علی محمدی و محمد افضلی و خانم زهرا دژاکام که زحمت تایپ و صفحه آرایی را متحمل شدند. همچنین از آقای کورش گوهریان که آماده سازی و کنترل نهایی اثر را به عهده داشتند، تشکر می کنم.

امید آن دارم که این تحفه ناقابل و تلاش ناچیز مورد رضایت و عنایت حضرت حجت ابن الحسن حضرت مهدی (عج) قرار بگیرد.

رواق منظر چشم من آشیانه توست	کرم نما و فرود آ که خانه خانه توست
به تن مقصرم از دولت ملازمت	ولی خلاصه جان خاک آستانه توست
تو خود چه لعبتی ای شهبوار شیرین کار	که توستی چو فلک دام تازیانه توست

«حافظ»

و ما توفیقی الا بالله

علی دژاکام

تابستان ۱۳۸۲

الف. چهارده کتاب

در

چهارده مقاله

۱. جهان پیش از ظهور

عصر ظهور. علی کورانی. ترجمه عباس جلالی.
تهران: شرکت چاپ و نشر سازمان تبلیغات، ۱۳۷۹.

درباره مؤلف

نویسنده چیره دست، استاد علی کورانی از علمای مبارز و نویسندگان ادیب و خوش ذوق لبنان از منطقه جبل عامل است که علاوه بر سوابق مجاهدت و تلاش چشمگیر در لبنان و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، نقش فعال و پر ثمر امروز او در ارتباط با قضایای انقلاب اسلامی ایران و عراق و... بر آگاهان پوشیده نیست.

وی از مدتی پیش به ایران آمد و در قم ساکن گشت. در این چند سال، با قلم شیوان و دلنشین خود، آثار متنوع، مفید، محققانه و ابتکاری تألیف کرده است. از وی *الممهدون للمهدی*، *طریقه حزب الله*، *ملائكة الغیب* *قادمون* که با قلم شیوه‌ای حجة الاسلام و المسلمین جواد محدثی ترجمه

و از طریق معاون فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی به نام فرشته‌ای از غرب منتشر گردید، و عصر الظهور - جهان پیش از ظهور - و... را می‌شناسیم.

درباره کتاب

کتاب حاضر از کتب ارزنده در زمینه تحلیل و بررسی عمیق وقایع و حوادث دوران ظهور فرخنده حضرت مهدی (ع) می‌باشد. این اثر کوشش ارزشمندی است در گردآوری و تجزیه و تحلیل احادیث و ملاحم نویسنده محترم کوشیده تا پاره‌ای از تحولات سیاسی نظامی روز را در رابطه با متون بجا مانده از بزرگان اسلام تفسیر نماید.

کتاب دارای بشارتی خوشحال کننده برای قوم سلمان (ایرانیان) است که با نگاهی به تاریخ گذشته و سابقه آنان در اسلام و گرایش به آل محمد (ص) و در آخر با بوجود آوردن انقلاب کبیر اسلامی نشان داده‌اند که بحق شایسته چنین بشاراتی می‌باشند. بشارت به اینکه آنان رسالت مهمی در ایجاد شرایط برای ظهور و ادامه آن دارند و در میان ۳۱۳ تن اصحاب خاص آن حضرت جایگاهی تعیین شده خواهند داشت.

هدف این کتاب ارائه سیمایی از عصر و زمان ظهور امام مهدی (ع) و قیام مقدس آن حضرت بویژه از منطقه ظهور آن حضرت، مانند یمن، حجاز، ایران، عراق، فلسطین و... است که از آیات و روایات استفاده می‌شود.

سخن ناشر، مقدمه مترجم، مقدمه مؤلف، انگیزه ترجمه، سیمای کلی دوران ظهور، آشوبگری شرق و غرب علیه مسلمانان، رومیان و نقش آنان در زمان ظهور، ترکان و نقش آنان در دوران ظهور، یهودیان و

نقش آنان در دوران ظهور، اعراب و نقش آنان در دوره ظهور، عراق و نقش آن در دوران ظهور، جنگ جهانی در دوران ظهور، ایرانیان و نقش آنان در دوران ظهور، ایرانیان و آغاز زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی(ع)، سیمای حکومت جهانی امام مهدی(ع) از دیدگاه شیعه و مهدی منتظر از دیدگاه اهل سنت ساختار کتاب را تشکیل می‌دهند.

فصلهای اساسی کتاب

۱. سیمای کلی دوران ظهور

نویسنده محترم بر این باور است که قرآن کریم معجزه جاوید پیامبر اسلام(ص) است و در هر زمان و نسلی تازگی دارد و از جمله معجزه‌های همیشه تازه آن خبرهایی است که توسط آن حضرت از آینده زندگی انسانها و خط سیر اسلام، تا فرارسیدن زمان بازگشت اسلام (موعود) بیان شده است. عصری که خداوند دین خود را بر تمام ادیان و مکاتب جهان بر خلاف خواست مشرکان و کافران پیروز می‌گرداند.

و عصر ظهور اسلام - که موضوع کتاب است - همان عصر ظهور حضرت مهدی(ع) است و هیچ تفاوتی میان این دو عصر در صدها روایت بشارت‌دهنده پیامبر(ص) وجود ندارد، با آنکه اختلاف روش داشته‌اند؛ و اگر روایات امامان اهل بیت(ع) را بر آنها بیفزائیم بیش از یکهزار روایات می‌شود، اگر چه ائمه(ع) همیشه احادیث خود را به پیامبر(ص) نسبت نداده‌اند، لکن بارها تأکید فرموده‌اند که آنچه بیان نموده‌اند از پدران پاک و از جد بزرگوارشان پیامبر اکرم(ص) می‌باشد.

به اعتقاد مؤلف سیمایی که این روایات از اوضاع جهان در زمان ظهور

ترسیم می‌کند، بویژه از منطقه ظهور آن حضرت، مانند یمن، حجاز، ایران، عراق، شام، فلسطین، مصر، مغرب (مراکش) و... سیمایی است کامل که بسیاری از حوادث بزرگ و کوچک و نامهای اشخاص و اماکن را دربر می‌گیرد.

جناب کورانی کوشیده، این روایات را از میان احادیث فراوان، استخراج نموده و برگزینده و تا حد ممکن به شکلی واضح پیوسته و دقیق در دسترس عموم مسلمانان قرار دهد. در این فصل، پیش از پرداختن به مشروح روایات، خلاصه‌ای از آنها را عرضه می‌کند تا نمایی کلی از عصر ظهور ارائه کرده باشد.^۱

به اعتقاد ایشان بررسی عدد فتنه‌ها و آغاز و انطباق آنها با تاریخ مسلمانان مهم نیست، بلکه مهم، شناخت آخرین فتنه‌ای است که جملگی اتفاق نظر دارند به با ظهور حضرت مهدی (ع) از بین خواهد رفت، همان فتنه‌ای که منطبق بر فتنه غرب است و اثر آن در طلیعه این قرن برای ملل مسلمان آشکار گشته و دشواریهای بسیاری از به دنبال داشته است. چرا که غریبان در داخل سرزمین‌مان با ما جنگیده و بر ثروتها و سرنوشت و امور ما مسلط می‌گردند. در این امر، دشمنان شرقی ما با آنان همکاری نموده و بخشی از سرزمین ما را به تصرف درآورده و با محو موجودیت اسلام و آثار آن، آنجا را در قلمرو فرمانروایی خود درمی‌آورند. نویسنده برای اثبات مدعای خود به چند روایت اشاره کرده، مانند:... در آن زمان فتنه و آشوب، شام را احاطه کرده و عراق را می‌پوشاند، و جزیره را در هم می‌کوبد.^۲

۲. رک: ابن جماد، ص ۹.

۱. رک: عصر ظهور، صص ۲۳ - ۲۴.

تعداد زیادی از روایات تصریح می‌کند که فتنه آخرین، متصل به ظهور آن بزرگوار می‌باشد و در برخی از روایات اگر چه به صورت مطلق آمده و بطور واضح آن را فتنه پیش از ظهور حضرت ذکر نکرده، اما آن را آخرین فتنه، با همان ویژگیها توصیف نموده است و چون مقصود همان فتنه و آشوب است، ناگزیر باید مطلق را بر مقید حمل کرد.

۲. رومیان و نقش آنان در زمان ظهور

نویسنده بر این باور است که منظور از روم در روایات مربوط به آخر الزمان و ظهور حضرت مهدی (ع)، ملل اروپایی و در قرنهای اخیر، گسترش آنان در آمریکا می‌باشد که فرزندان روم و وارثان امپراطوری تاریخی رومیان هستند.^۱

علاوه بر آن، آنچه از آیات ۳۱ و ۳۲ سوره مبارکه روم، و آیه‌های ۱۲ و ۲۱ سوره کهف و غیر آن درباره شرکت آنان نسبت به خداوند متعال، و احزاب و پیروان آنان استفاده می‌شود، این است که مراد از آنان ملتها و احزاب مدعی پیروی از حضرت مسیح (ع) می‌باشند؛ و روشن است که رهبری ملتهای مسیحی به دست رومیان ایتالیایی و قسطنطنینه بوده سپس غریبها از آنان به ارث برده‌اند.

نام روم در بسیاری از روایات زمان ظهور، از جمله روایات مربوط به فتنه و آشوب و تسلط آنان بر مسلمانان آمده است. روایات دیگر نیز از حرکت ناوگانهای جنگی آنها به سواحل سرزمینهای عربی، اندکی پیش از ظهور مهدی (ع) خبر می‌دهند.^۲ از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «وقتی که در سرزمین شام، بلوایی را مشاهده نمودی، پس مرگ است و

مُردن، تا آنکه غریبان به تحرک آمده و روانه سرزمینهای عربی گردند که حوادثی بین آنان رخ خواهد داد.^۱

از برخی روایات چنین استفاده می‌شود که نیروهای غربی آهنگ سرزمین شام کرده و در عکا و صور، و طبق این روایات نزدیک غار اصحاب کهف؛ یعنی در انطاکیه از ناحیه ساحل سوریه - ترکیه، فرود می‌آیند.^۲

از جمله روایات دیگر در این زمینه، روایات مربوط به فرود آمدن حضرت عیسی (ع) و دعوت مسیحیان به اسلام و پیروی از حضرت مهدی (ع) است.

و در روایات آمده است که عیسی (ع) به وسیله حضرت مهدی (ع) و معجزاتی که خداوند در اختیار او نهاده با رومیان بحث و مناظره می‌کند.^۳ از جمله روایات مورد بحث، احادیث مربوط به آتش بس میان مسلمانان و رومیان می‌باشد که حضرت مهدی قرار داد عدم تجاوز را با آنان امضا خواهد نمود. ظاهراً این پیمان بعد از نبرد بزرگ قدس که در مثلث عکا، قدس، انطاکیه بین سپاه آن حضرت و لشکریان سفیانی با پشتیبانی یهود و رومیان رخ می‌دهد و بعد از پیروزی حضرت مهدی و ورودش به قدس و فرود آمدن حضرت عیسی (ع) خواهد بود.

در برخی از روایات، مدت پیمان نامه صلح، هفت سال ذکر شده، اما غربی‌ها تنها پس از دو سال عهد شکنی نموده و پیمان خود را با مسلمانان برهم زده و با سپاهی که متشکل از قریب به یک میلیون سرباز

۱. الملاحم و الفتن، ص ۱۰۷ و عصر ظهور، ص ۵۵.

۲. عصر ظهور، ص ۵۵.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۶ و عصر ظهور، ص ۵۷.

می باشد، با حمل ۸۰ پرچم در سواحل فلسطین و سرزمین شام با مسلمانان درگیر می شوند.^۱

۳. ترکان و نقش آنان در دوران ظهور

جناب کورانی معتقد است: منظور از ترکها در روایات جنبش خجسته ظهور حضرت، روسها و اطرافیان آنان از ملتهای اروپایی شرقی هستند. آنان گرچه از لحاظ تاریخی مسیحی اند و از ملتهای مستعمره امپراطوری روم بشمار می روند، تا جایی که مدعی وراثت آنها شده، و شاهان خود را مانند آلمانیها و غیر آنها، قیصر (سزار) نامیده اند، اما:

اولاً: آنان از قبیله های گوناگون منطقه شرق آسیا - اروپا هستند که در زبان روایات و تاریخ، به «قبیله ها و ملتهای ترک» نامیده شده اند و این نام علاوه بر ترکهای ترکیه و ایران، شامل قبیله های تاتار و مغول و بلغارستان و روسیه و غیر آنان نیز می گردد.

ثانیاً: مسیحیت اخیراً به آنها سرایت کرده و اصالة در میان آنان رایج نبوده، بلکه بصورت یک قشر سطحی درآمد، و بدتر از وضع آنان، در میان ملتهای اروپای غربی وجود دارد. چرا که مادی گرایی شرک آمیز بر آنان چیره گشته و شاید به همین دلیل است که تسلیم نظریه کمونیزم مادی گرا و الحادی شده و در برابر نفوذ آن، مقاومت نکردند.

ثالثاً: اگرچه پاره ای از روایات مربوط به جنبش ترکان علیه مسلمانان، بر یورش ترکهای مغول و تاخت و تاز آنها به سرزمین ما در قرن هفتم هجری منطبق می گردد، اما برخی از آن روایات، حرکت های آنان را که به حوادث ظهور حضرت مهدی (ع) متصل می گردد و همچنین همکاری

آنها با رومیان علیه ما و اختلافشان با یکدیگر در همان زمان را بیان می‌کند و این ماجرا جز بر روسها منطبق نگشته، و یا اینکه اگر قضیه به درازا کشیده شود، بر وارثان دولت آنها در روسیه و اروپای شرقی که ریشه و تبار ترکی دارند منطبق است.^۱

نویسنده در ادامه چند دسته از روایات دال بر نقش ترکان پیش از ظهور را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. از جمله آنها روایات مربوط به انقلاب آذربایجان در رویارویی با ترکان می‌باشد.

به عنوان مثال از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: «آذربایجان برای ما لازم است، چیزی در مقابل آن یارای مقاومت ندارد و چون انقلابگر ما قیام کند، به سوی او بشتابید، اگرچه با رفتن چهار دست و پا بر روی برف باشد.»^۲

۴. یهودیان و نقش آنان در دوران ظهور

اگر پیرامون نقش یهودیان در آخر الزمان و عصر ظهور حضرت مهدی(ع) جز آیه‌های نخستین سوره بنی اسرائیل چیزی در اختیار ما نبود، همان کافی بود. زیرا این آیات در عین خلاصه بودن، وحی الهی بوده و به گونه‌ای رسا و گویا، شمه‌ای از تاریخ و سرگذشت آنها را بیان کرده و به نحو معجزه‌آسا و با دقت، آینده آنها را روشن می‌سازد. علاوه بر این آیه‌ها و آیات دیگر، تعدادی از روایات وجود دارد که پاره‌ای از آنها مربوط به تفسیر آیات، و برخی دیگر پیرامون وضع یهودیان در عصر ظهور و انقلاب حضرت مهدی(ع) می‌باشد.^۳

۱. همان، صص ۶۱-۶۲. ۲. تجیب‌المنهاتی، ص ۱۷۰ و عصر ظهور، ص ۶۳.

۳. همان، ص ۶۷.

۵. اعراب و نقش آنان در دوران ظهور

روایات بسیاری دربارهٔ اعراب و اوضاع و احوال آنها و فرمانروایانشان در زمان ظهور و نهضت ظهور حضرت مهدی (ع) وارد شده است. از جمله روایات مربوط به حکومت زمینه‌ساز آن حضرت در یمن که بطور عموم، در مدح و ستایش آن وارد شده است.

و از آن جمله، روایات جنبش مصریان است که از آن روایات، مدح و تعریف آنان استفاده می‌شود، بویژه روایاتی که می‌گوید، برخی از یاران امام مهدی (ع) و معاونان برگزیدهٔ آن حضرت از مصر می‌باشند و نیز روایات دیگری که دلالت دارد مصر بعنوان منبر حضرت مهدی (ع)؛ یعنی پایگاه اندیشه و تبلیغات جهان اسلام خواهد بود و روایاتی که مربوط به ورود حضرت به مصر و ایراد سخن برفراز منبر آن می‌باشد. از این رو، ممکن است جنبش مصریان در شمار حرکت‌های زمینه‌ساز ظهور وی و شرکت در نهضت ظهور آن حضرت بحساب آید.

همچنین روایاتی مربوط به «گروه‌های موجود در عراق» و «مؤمنان حقیقی آنجا» می‌باشد. از جمله آن احادیث، روایات مربوط به مغربی‌هاست که از ایفای نقش متعدد نیروهای ارتش مغرب در مصر و سوریه و اردن و عراق سخن می‌گوید. نکوهش این نیروها از این دسته روایات استفاده می‌شود و به احتمال قوی این نیروها از سوی دشمنان اسلام بر ضد زمینه‌سازان حضرت مهدی (ع) و ضد جنبش اسلامی در سرزمین‌های عربی به کار گرفته می‌شوند، که شباهت به نیروهای میانجی‌گر بین‌المللی و یا نیروهای دفاع از عربیت است.

همچنین در منابع شیعه و اهل سنت روایاتی در نکوهش فرمانروایای

عرب به نحو کلی آمده است.^۱ از آن جمله این روایت علی (ع) است که: «به خدا سوگند، مثل اینکه او را بین رکن و مقام می بینم که مردم با او و با کتابی نوین بیعت می کنند، در حالی که این امر بر عرب سخت و دشوار است، وای بر سرکشان عربی از شری که بزودی دامنگیر آنان خواهد شد.»^۲

حوادث شام پیش از خروج سفیانی، فتنه همگانی و فتنه سرزمین شام و جنبش سفیانی، زمین لرزه‌ای در دمشق و اطراف آن، ورود سپاه ایران و مغرب به سرزمین شام، کشمکش بر سر قدرت بین اصبه و اَبَق از مباحث دیگر این بخش است.

جنبش سفیانی

سفیانی از شخصیتهای بارز در نهضت حضرت مهدی (ع) است. او دشمن سرسخت و رویاروی آن حضرت می باشد، هر چند که امام (ع) در حقیقت با نیروهای کافری که از سفیانی پشتیبانی می کنند روبروست. روایات تصریح کرده اند که خروج سفیانی از وعده های حتمی خداوند است. از امام زین العابدین (ع) روایت شده است که فرمود: «امر قائم از سوی خداوندی حتمی است و امر سفیانی نیز از جانب خداوند قطعی است و قائم ظهور نمی کند، مگر پس از آمدن سفیانی.»
روایات مربوط به سفیانی متواتر اجمالی است و پاره ای از آنها متواتر لفظی است.^۳

بیوگرافی سفیانی، پلیدی و سرکشی سفیانی، فرهنگ و گرایش سیاسی سفیانی، تلاش سفیانی برای مذهبی جلوه دادن جنبش خود،

۱. همان، صص ۹۵-۹۶. ۲. المستدرک (حاکم نیشابوری)، ج ۴، ص ۲۳۹.

۳. عصر ظهور، ص ۱۱۵.

کینه سفیانی نسبت به اهل بیت و شیعیان، درفش سرخ سفیانی، آیا سفیانی یکی است یا چند تن، آغاز جنبش و مراحل آن، از وادی یابس (دره خشک) تا دمشق، نبرد بزرگ قرقیسیا، اشغال عراق توسط سفیانی، آغاز بازگشت و عقب نشینی سفیانی و سفیانی در نبرد فتح قدس، در ادامه این بخش آمده است.

یمن و نقش آن در دوران ظهور

روایات متعددی از اهل بیت (ع)، درباره انقلاب اسلامی و زمینه ساز ظهور حضرت مهدی (ع) در یمن وارد شده است که برخی از آنها که دارای سندی صحیح می باشند، به حتمی بودن وقوع این انقلاب تصریح می کنند و آن را درفش هدایت و زمینه ساز قیام حضرت مهدی و یاری کننده آن حضرت توصیف می کنند... حتی برخی از روایات، انقلاب اسلامی یمن در زمان ظهور را هدایت بخش ترین درفش ها بطور مطلق بحساب می آورند. در وجود یاری رسانند به آن، همانگونه تأکید می کنند که در یاری درفش مشرق ایرانی، بلکه بیش از آن تأکید می نمایند و وقت آن را همزمان با خروج سفیانی در ماه رجب؛ یعنی چند ماه قبل از ظهور حضرت مهدی (ع) و پایتخت آن را صنعا معرفی می کنند.

در روایات، از رهبر این جنبش با عنوان یمنی یاد شده است؛ و روایتی نام او را «حسن» و یا «حسین» و از نسل زید بن علی (ع) می داند، ولی این روایت از نظر متن و سند قابل بحث است.^۱ در ادامه بحث مهمترین روایات مربوط به انقلاب یمنی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

مصر و حوادث آن در دوران ظهور

روایات پیشامدهایی که پیرامون مصر وارد شده متعدد است. نخست، روایاتی که در آنها پیامبر بر فتح مصر توسط مسلمانان را بشارت می‌دهد، تا برسد به روایات مربوط به استیلای مغربی‌ها بر مصر در حوادث انقلاب فاطمینان و بالاخره حوادث زمان ظهور حضرت مهدی (ع) بیان می‌شود.

اما در منابع پیشامدهای زمان ظهور با حوادث تأسیس دولت فاطمی در هم آمیخته است. زیرا در روایات مربوط به حضرت مهدی (ع)، ورود سپاه مغربی به مصر نیز دیده می‌شود و راه تشخیص آن، وجود روایتی است که دلالت بر پیوستن آن به زمن ظهور و یا پیوستن به حادثه معینی از حادثه‌های زمان ظهور حضرت، مانند خروج سفیانی و غیر آن داشته باشد. با ملاحظه دقیق، فقط سلسله روایاتی در دست ما می‌ماند که پیشامدهایی را در مصر عنوان کرده‌اند. بدون تردید آن حوادث جزء پیشامدهای زمان ظهور حضرت مهدی (ع) بوده و یا به احتمال قوی از آنهاست. از آن جمله، روایات مربوط به کشته شدن فرمانروای مصر به دست مردم آن کشور است. این روایت بطوری که در کتاب *بشارة الاسلام*^۱ به نقل از ارشاد مفید دیده می‌شود، به عنوان یکی از نشانه‌های ظهور مهدی (ع) آمده است.^۲

سرزمین اسلامی مغرب و حوادث دوران ظهور

برخی از روایات درباره جنبش مغربی‌ها در زمان ظهور حضرت، صراحت دارد و هیچگونه رابطه‌ای با جنبش فاطمی‌ها ندارد. حتی

۱. *بشارة الاسلام*، ص ۱۷۵. ۲. همان، ص ۱۶۵.

شواهدی در آن و در غیر آن در دست است مبنی بر اینکه این جنبش در زمان ظهور امام مهدی (ع) اتفاق می افتد. از بارزترین آنها، روایات ورود ارتش مغربی به سوریه و اردن است که اندکی قبل از حرکت سفیانی واقع می شود.^۱

عراق و نقش آن در دوران ظهور

پیرامون اوضاع و حوادث عراق در دوران ظهور، روایات زیادی وارد شده است، از آن روایات چنین برمی آید که عراق، میدان کشمکشی آرام نشدنی میان نیروهای متعددی می باشد و این کشور در حقیقت چهار مرحله را پشت سر می گذارد:

۱. روزگار قبل از ظهور حضرت مهدی (ع) است که ستمکاران مدت طولانی به عراق مسلط می باشند، در آن دوره، کشتار و ترس و وحشتی فراگیر پیش می آید که مردم آرامش خود را از دست می دهند تا زمانی که زمینه سازان ظهور، یاران درفش های سیاه آن کشور را آزاد می کنند.

۲. برپایی نظام اسلامی در آن کشور و وجود کشمکش میان جناح طرفدار خراسانیهای زمینه ساز و جناح طرفدار سفیانی فرمانروای شامات برای نفوذ در آن.

۳. اشغال عراق توسط سفیانی و آزار و اذیت مردم بوسیله او و سپس ورود سپاهیان یمنی ها و ایرانیان زمینه ساز ظهور به این کشور که نیروهای سفیانی را شکست داده و آنان را از عراق بیرون می رانند.

۴. آزاد شدن عراق توسط امام مهدی (ع) و پاک نمودن آن از لوث وجود سفیانیان و گروهکهای شورشی و غیر آن و قرار دادن آنجا بعنوان

محل استقرار و مرکز فرانروایی.

روایات دیگری نیز پیرامون حوادثی که در خلال این چهار مرحله بوجود می‌آید وارد شده است. خروج شیبانی که از جمله مخالفان حضرت مهدی(ع) قبل از سفیانی است، به شهادت رسیدن نفس زکیه همراه با هفتاد تن دیگر از صلحا در پشت کوفه (نجف)، خروج عوف سلمی از جزیره و یا تکریت و ممنوعیت عراقیها از رفتن به حج به مدت سه سال، فرو رفتن شهر بصره و خراب شدن آن اندکی پیش از ظهور حضرت مهدی(ع)، فرو رفتنی دیگر در بغداد و حله، ورود نیروهای مغربی یا غربی به عراق، قیام فردی نیکوکار و شایسته با گروهی اندک جهت رویارویی با لشکر سفیانی و شورش گروه‌هایی از خوارج شیعه و سنی بر ضد آن حضرت از جمله این حوادث است.^۱ در این بخش هر چهار مرحله بتفصیل با تکیه بر روایات شرح و بسط داده شده است.

۶. جنگ جهانی در دوران ظهور

روایات بسیاری در حد تواتر اجمالی بر وقوع جنگ جهانی، نزدیک ظهور حضرت مهدی(ع) دلالت دارد، و بعید است که بتوان آن را بر دو جنگ جهانی اول و دوم گذشته که در عصر ما اتفاق افتاده است، تطبیق نمود. زیرا صفاتی که در روایات برای این جنگ ذکر شده، با اوصاف آن دو جنگ تفاوت دارد، مخصوصاً در تعداد قربانیان این جنگ و زمانش که نزدیک به ظهور حضرت(ع) خواهد بود، بلکه از برخی روایات استفاده می‌شود که این نبرد، در همان سال ظهور و یا بعد از آغاز نهضت مقدس آن بزرگوار بوقوع می‌پیوندد.^۲

۱. همان، صص ۱۷۸-۱۷۷. ۲. همان، ص ۲۱۱.

از امیر مؤمنان منقول است که فرمود: «نزدیک زمان قائم (ع) دو نوع مرگ وجود دارد: مرگ سرخ و مرگ سفید و ملخ‌هایی که به رنگ خون بوده و گاه و بیگاه آشکار می‌شوند. اما مرگ سرخ یعنی شمشیر و مرگ سفید طاعون است.»^۱

۷. ایرانیان و نقش آنان در دوران ظهور

نویسنده ابتدا روایاتی را که پیرامون ایرانیان بطور عموم وارد شده، مورد بررسی قرار داده و سپس به نقش آنان در زمان ظهور می‌پردازد. از نظر ایشان روایات مربوط به ایرانیان تحت سه عنوان است: طرفداران سلمان فارسی، اهل شرق زمین، اهل خراسان، یاران درفش‌های سیاه، فارسیان و سرخ رویان، فرزندان سرخ رویان، اهل قم و اهل طالقان.^۲

کلیه منابع روایی شیعه و سنی، اتفاق نظر دارند که آن بزرگوار بعد از نهضتی مقدماتی که برایش بوجود می‌آید، ظهور می‌کند... و یاران درفش‌های سیاه، ایرانی‌اند که زمینه‌ساز حکومت آن حضرت و آماده‌کننده مقدمات فرمانروایی وی می‌باشند. در این روایات اتفاق است که دو شخصیت وعده داده شده، سید خراسانی و یا هاشمی خراسانی و یاور او شعیب بن صالح هر دو ایرانی هستند. اما منابع حدیثی شیعه علاوه بر ایرانیان، افراد دیگری را نیز بعنوان زمینه‌سازان ظهور حضرت مهدی (ع) به نام یمنی‌ها ذکر نموده است، چنانکه روایات بی‌شماری در منابع شیعه وجود دارد که به طور عموم دلالت دارد که قبل از ظهور آن حضرت، حکومت و یا نیرو و یا نهضتی مبارز و انتقام‌گیرنده برپا خواهد شد... مانند روایتی که می‌گوید: «او می‌آید و برای خداوند شمشیری

۱. الارشاد (مفید)، ص ۴۰۵ و الغیة (طوسی) ص ۲۷۷. ۲. عصر ظهور، ص ۲۱۹.

است از نیام کشیده شده» البته نویسنده محترم در این روایت تردید می‌کند.^۱

او روایات مربوط به مقدمات ظهور را به سه دسته تقسیم می‌کند:

الف. روایات مربوط به روی کار آمدن یاران درفش‌های سیاه که شیعه و سنی بر آن اتفاق دارند.

ب. روایات مربوط به حکومت یمنی که فقط در منابع شیعه وارد شده است. البته شبیه این روایات، در برخی از منابع اهل سنت نیز وجود دارد مبنی بر ظاهر شدن یمنی پس از ظهور حضرت مهدی (ع).

ج. روایاتی که حاکی از ظاهر شدن و روی کار آمدن زمینه‌سازان ظهور آن بزرگوار است، بی‌آنکه آنها را مشخص نماید.^۲

نقش ایرانیان زمینه‌ساز را به چهار مرحله تقسیم کرده است:

۱. آغاز نهضت آن توسط مردی از قم تا ورودشان در جنگ.

۲. داخل شدن در جنگی طولانی تا اینکه خواسته‌های خویش را بر

دشمن تحمیل کنند.

۳. رد کردن خواسته‌های نخستین خود.

۴. سپردن پرچم اسلام به دست توانای حضرت مهدی و شرکت

جستن آنها در نهضت مقدس آن حضرت.^۳

۸. نهضت ظهور مقدس

از نظر نویسنده حکومت زمینه‌سازان ایرانی به دو مرحله تقسیم

می‌شود:

۳. همان، ص ۲۳۱.

۲. همان، ص ۲۳۰.

۱. همان، ص ۲۲۹.

۱. از زمان آغاز نهضت به وسیله مردی از قم.
۲. ظاهر شدن دو شخصیت مورد نظر، یکی به نام سیدخراسانی و دیگری شعیب بن صالح.

روایات دلالت دارند که نهضت و انقلاب مقدس حضرت مهدی (ع) در مدت چهارده ماه کامل می‌گردد. در شش ماهه اول، امام (ع) در اضطراب و نگرانی بسر می‌برد و حوادث را بطور نهان، توسط یاران خود رهبری می‌کند و در هشت ماه بعدی در مکه ظهور می‌کند و رهسپار مدینه و آنگاه راهی عراق و قدس می‌گردد و با دشمنان خود وارد نبرد می‌شود، جهان اسلام را بطور یکپارچه تحت فرمان و طاعت خود در می‌آورد؛ آنگاه با رومیان (غریبان) پیمان آتش بس می‌بندد.

پیش از نهضت ظهور حضرت مهدی (ع) دو حادثه رخ می‌دهد:

۱. وقوع کودتایی در سرزمین شام به رهبری عثمان سفیانی.
۲. ندایی آسمانی به مردم جهان که همه به زبان خود آن را می‌شنوند. پس از این دونشانه تا زمان ظهور حضرت مهدی (ع) در ماه محرم، نزدیک شش ماه باقی است.

منابع روایی اهل سنت، شماری از اقدامات امام (ع) را در این برهه بیان می‌کند که می‌توان آن را در پیوستن آن حضرت به یاران خود در مدینه منوره و سپس در مکه مکرمه و دیدار وی با کسانی که از اطراف جهان با شوق و اضطراب جهت بیعت با او، در پی آن حضرت می‌باشند، خلاصه نمود که از آن جمله هفت تن از دانشمندان اسلامی کشورهای مختلف هستند که بدون قرار قبلی امام را در مکه ملاقات کرده و هریک در شهر خود از سیصد و سیزده نفر از افراد متدین و مخلص بیعت

گرفته‌اند و در جستجوی حضرت می‌باشند تا از جانب خود و پیروانشان، با آن بزرگوار بیعت نمایند به این طمع که امام (ع) آنان را بپذیرد و آنها از یاران وی که پیامبر (ص) وعده فرموده است، محسوب شوند.

و در منابع شیعه، این شش ماه را در مرحله ظهور غیر علنی بعد از غیبت کبری، قلمداد می‌کنند و مراد از روایت امیرمؤمنان (ع) که: «ظاهر شدن او اندکی ابهام‌آمیز است تا اینکه نام و یادش همه جا را فرا گرفته، آنگاه ظهور می‌کند» این است که در آغاز امام (ع) بتدریج ظهور می‌کند و آنگاه مسأله ظهور برای مردم روشن و آشکار می‌گردد؛ و احتمال دارد ظهور تدریجی حضرت، بدین جهت باشد که امر ظهور و پذیرش مردم به معرض آزمایش گذاشته شود تا مسأله ظهور واضح شده و جا بیفتد. در مورد این مقطع علاوه بر خبر پیشین روایات دیگری نیز وجود دارد که از حیث سند صحیح شمرده می‌شوند.^۱

طبق روایات و وضع اجتماعی و روند آن، هنگام ظهور حضرت مهدی (ع) نیروهای فعال و مؤثری بدین ترتیب در مکه وجود دارد:

الف. حکومت حجاز با وجود ضعفی که دارد، نیروهای خود را جهت رویارویی با ظهور احتمالی آن حضرت بسیج می‌کند، ظهوری که مسلمانان چشم انتظار آن از مکه هستند و فعالیت‌های خود را بدین جهت در موسم حج افزایش می‌دهند.

ب. شبکه‌های امنیتی ابرقدرتها که در راستای تأیید و پشتیبانی از حکومت حجاز و نیروهای سفیانی فعالیت می‌کنند و یا به صورت مخفیانه اوضاع حجاز بویژه مکه را مراقب‌اند.

ج. نیروهای امنیتی سفیانی که در تعقیب فراریان مدینه از چنگال حکومت وی می‌باشند و پیوسته اوضاع را جهت ورود لشکر سفیانی در موقعیت مناسب، زیر نظر داشته و هرگونه قیام و نهضت امام مهدی (ع) را از ناحیه مکه، سرکوب می‌نمایند.^۱

حضرت مهدی (ع) در ایران و عراق، پشروی به سوی قدس، فرود آمدن مسیح (ع) از آسمان، قرار داد صلح و آتش بس بین امام (ع) و غربیان و غربیان به اسلام می‌گروند، از دیگر مباحث این بخش است.

۹. سیمای حکومت جهانی امام مهدی (ع)

آیات و روایات روشنگر و نوید بخش ظهور امام مهدی (ع) دلالت می‌کنند که مأموریت الهی آن حضرت بسیار سترگ و دارای ابعادی مختلف و اهدافی بسیار والاست. این امر اقدامی است گسترده که زندگی بشریت را در زمین دگرگون می‌سازد و فصل نوینی را به تمام معنا به روی انسانیت می‌گشاید.

حتی اگر مأموریت آن حضرت منحصر به احیا و برپایی مجدد تمدن عادلانه و الهی و پرتوافشانی آن بر جهان باشد کافی است، اما علاوه بر این همه، ترقی و تکامل زندگی بشر را از لحاظ مادی در عصر خود و بعد از آن به گونه‌ای تأمین خواهد کرد که با مراحل گذشته، هرچند که مترقی و پیشرفته بوده، قابل مقایسه نخواهد بود. و نیز رسالت تحقق بخشیدن سطحی مهم در گشایش و راهیابی به ژرفای هستی و جهان بالا و اهل آن است، که خود مقدمه‌ای است برای راهیابی و یکپارچگی کاملی که بابرپایی قیامت و رستاخیز آخرت، بین عالم غیب و شهود حکمفرما می‌شود.^۲

پاکسازی زمین از وجود ستم و ستمکاران، احیاء دوباره اسلام و جهان شمولی آن، دگرگونی زندگی مادی و ایجاد رفاه، استخراج گنج‌های زمین و تقسیم آن بین مردم و دگرگونی علوم طبیعی و وسایل آن، شمه‌ای از ابعاد رسالت حضرت مهدی است که در این بخش با استفاده از روایات به بحث و بررسی گذاشته شده است.

۱۰. حضرت مهدی (ع) از دیدگاه شیعه

اعتقاد به امامت امامان دوازده گانه از پایه‌های اساسی مذهب شیعه شمرده می‌شود و بدین سبب است که مذهب شیعه به نام «مذهب امامی» و «مذهب تشیع» و «مذهب اهل بیت» خوانده می‌شود و پیروان این عقیده را «امامی» و «شیعه» و پیرو اهل بیت می‌نامند.

به اعتقاد شیعه نخستین امام معصوم امیر مؤمنان علی بن ابیطالب (ع) و آخرین آنان حضرت مهدی (ع) می‌باشد که در سال ۲۵۵ هجری در سامرا دیده به جهان گشود. آنگاه خداوند عمر او را طولانی گردانید و وی را از دیده‌ها پنهان نگاه داشت تا روزی که وعده خود را قطعی نموده و آن بزرگوار را ظاهر گرداند و به وسیله او آیین اسلام را بر تمام ادیان پیروز و غالب، و جهان را پُر از عدل و داد سازد.

از این رو، این باور که مهدی موعود (ع) امام دوازدهم و زنده و غایب است، جزئی از مذهب شیعه شمرده می‌شود و بدون آن نمی‌توان یک مسلمان شیعه دوازده‌امامی و حتی یک مسلمان سنی یا زیدی و یا اسماعیلی بود. مقام حضرت مهدی (ع) در پیشگاه پروردگار، سخنان امامان درباره حضرت مهدی (ع) و نمونه‌هایی از دعا و زیارت آن حضرت از بحث‌های این بخش است.

۱۱/ مهدی منتظر (ع) از دیدگاه اهل سنت

برخی تصور می‌کنند اعتقاد به مهدی منتظر، ویژه شیعیان است در حالی که اصل این عقیده میان اهل سنت و شیعه به طور یکسان وجود داشته و بین این دو فرقه از حیث بشارت‌های پیامبر (ص) به ظهور آن حضرت و مأموریت جهانی وی و شخصیت برجسته و مقدس آن بزرگوار و حتی نشانه‌های ظهور و ویژگی‌های انقلاب او، تفاوتی وجود ندارد. تنها فرقی که در این مورد وجود دارد این است که شیعیان او را امام دوازدهم به نام محمد بن حسن عسکری (ع) و متولد به سال ۲۵۵ هجری می‌دانند و بر این عقیده‌اند که خداوند عمر او را همچون خضر (ع) طولانی نموده و او اکنون زنده و غایب است، و خداوند هر زمان اراده فرماید ظهور خواهد کرد، در حالی که اغلب دانشمندان اهل سنت می‌گویند هنوز متولد نشده و غایب نیست، بلکه بزودی متولد خواهد شد و به آنچه پیامبر (ص) بشارت داده، جامه عمل می‌پوشاند؛ و عده کمی از آنان در مورد ولادت و غیبت او با شیعه هم عقیده‌اند. روایات فراوان موجود در منابع و اصول روایی و اعتقادی اهل سنت و نیز فتاوا و آراء دانشمندان و تاریخ علمی و سیاسی آنان در خلال نسل‌های گذشته گواه بر اصالت اعتقاد به حضرت مهدی (ع) نزد اهل سنت است. در این بخش دیدگاه ابن قیم جوزی، ابن حجر هیثمی، ابن کثیر، سیوطی، ابن ابی الحدید، علامه مناوی صاحب فیض‌القدیر، علامه خیرالدین آلوسی، شیخ محمد خضر حسین (استاد دانشگاه الازهر)، شیخ ناصرالدین الیانی، کتانی عاکل، عدوی مصری، سعدالدین تفتازانی، قرمانی دمشقی و محی‌الدین عربی از دانشمندان اهل سنت مورد بحث قرار گرفته است.

۲. سیاستمدار پرده‌نشین

تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم. دکتر جاسم حسین.
ترجمه محمد تقی آیت اللهی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.

درباره مؤلف

جاسم محمد حسین، متخصص تاریخ اسلام است. وی تحصیلات خود را در تاریخ خاورمیانه در بصره، بغداد و ادینبورگ به انجام رسانده و دکترای خود را از دانشگاه ادینبورگ اخذ کرده است. علاوه بر اثر حاضر، از نویسنده مقالات تحقیقی دیگری در مجلات: البلاغ، مؤرخین عرب، السیره، نور، البحث و همدرد اسلامیکوس به زبانهای عربی و انگلیسی در کشورهای عراق، انگلستان، لبنان، پاکستان و تانزانیا به چاپ رسیده که در زیر ترجمه عناوین آنها می آید:

۱. بررسی مراسم مذهبی تعزیه در میان شیعیان از دیدگاه تاریخی و

جامعه‌شناسی

۲. مبارزات مذهبی در دوران سلطنت الجایتو سلطان مغول

۳. یورش تیموریان به عراق و سوریه و تأثیرات سیاسی آن

۴. سیاست اصولی و منسجم امامان

۵. نقش احادیث مذهبی در غیبت امام دوازدهم (ع)

۶. تأثیر غیبت کبرای امام دوازدهم بر موقعیت سیاسی و مذهبی

فقهای امامیه

۷. بررسی تاریخ پیوندهای مذهبی و سیاسی در خاورمیانه در قرون

نهم و دهم هجری

۸. نقش وکالت امامیه با عنایت خاص نسبت به دوران نخستین سفیر

درباره کتاب

در این کتاب پژوهشی نو درباره غیبت امام مهدی (ع) صورت گرفته است. نویسنده، با استفاده از مآخذ قدیمی، نادر و غیر مشهور تشیع، مطالعه‌ای تفصیلی را در نهضت شیعه امامیه، از زمان امام ششم (ع) تا آخر غیبت صغرای امام دوازدهم (ع) انجام داده است. آنچه ارائه می‌شود، تصویری روشن از سازمان مذهبی مخفی هواداران و پیروان امام در سراسر دنیای اسلام است. این سازمان می‌بایست مخفی می‌بود و به فعالیت خود ادامه می‌داد. زیرا پیوسته تحت شکنجه و آزار و زجر زمامداران قرار بود.

نیروی عظیمی که نهضت را متحد می‌ساخت، اعتقادی بود که به امامت به عنوان نهاد مرکزی که قادر به حفظ تمامیت اسلام است وجود داشت. امام ابزاری است که به وسیله آن عدالت و مساوات سرانجام در جهان حاکمیت خواهد یافت. دکتر حسین به ذکر احادیثی که از دیر باز

درباره مهدی (ع) در میان شیعیان رایج بوده، می‌پردازد. وی همچنین این نکته را مشخص می‌سازد که گرچه شیعیان در اینکه کدام امام، حضرت مهدی (ع) است دچار نوعی سرگردانی بودند، ولی در میان احادیث موجود دلایلی وجود دارد که او امام دوازدهم و آخرین امام است. این موضوع حتی در متون اهل سنت نیز دیده می‌شود.

در این کتاب برای نخستین بار به زبان انگلیسی، وجود امام دوازدهم به صورت کامل اثبات شده است. مباحث تفصیلی آن بسیار دلنشین‌تر از موضوعات سطحی است که دانشمندان غربی بیان داشته‌اند و این امر ناشی از مطالعه جامع و همه‌جانبه نویسنده کتاب می‌باشد.

غیبت کبرای امام دوازدهم جنبه اعتقاد دینی دارد و همچون دیگر اعتقادات مهم مذهبی، موضوعی نیست که دانشمندان قادر به اثبات یا نفی آن باشند، در عین حال بخاطر واقعیت درونی مذهبی آن هیچ کس قادر به نفی آن نخواهد بود. دلیل این اعتقاد قلبی همان است که این آیین قادر بوده تا میلیونها مسلمان شیعه را شیفته خود ساخته، ایمان آنها را علی‌رغم همه آزارها و شکنجه‌هایی که در طول تاریخ اسلام بر این جامعه وارد می‌آمد، استوار بدارد.

گرچه به دلیل ارتباط نزدیک میان غیبت و امامت یا رهبری توأم سیاسی و دینی، این موضوع در مباحث کلامی شیعه جای می‌گیرد، اما چنین به نظر می‌رسد که این رویداد جنبه تاریخی نیز داشته باشد. اما متأسفانه بتدریج جنبه‌های تاریخی آن نادیده انگاشته شده است. از این رو، مشاهده می‌کنیم که دانشمندان اخیر همچون ایگناز گلدزبهر، مارگولیو، اسناوک هورگرونج، و دارمسترر نیز تلاش دارند غیبت امام

دوازدهم را به عنوان پدیده‌ای اعتقادی مطالعه کنند و بکشند تا منشأهای پیش از اسلام آن را دنبال نمایند.

تحقیق حاضر کوششی است تا زمینه‌های تاریخی و محیطی غیبت امام دوازدهم را بررسی کند. آرزوی امامیه این بوده تا قدرت سیاسی را تحت زعامت امامی که قائم بالسیف (قیام با شمشیر) باشد، بدست آورند. اثر حاضر می‌کوشد تا نقش این آمال را در غیبت آن حضرت بررسی کند و بعلاوه نشو و ارتقاء و تکوین نهاد مخفی امامت (وکالت) را ریشه‌یابی کرده و تأثیر آن را در زمان غیبت صغرای امام دوازدهم بررسی کنیم.

فصلهای اساسی کتاب:

۱. نقش احادیث در غیبت امام دوازدهم (ع)

نویسنده در این فصل، نقش احادیث ائمه معصوم (ع) را در غیبت امام بررسی کرده و معتقد است پس از شهادت امام حسین (ع)، امامان شیعه از امام سجاد تا امام حسن عسکری (ع) در برابر امویان و عباسیان سیاست تقیه را پیش گرفتند. ولی همه آنها منتظر بودند که تمام مصائبشان سرانجام با ظهور قائم آل محمد (ص) که با شمشیر قیام خواهد کرد خاتمه یابد. امامیه آمال خود را بر مبنای تفسیر آیات خاصی از قرآن و نیز احادیثی از پیامبر (ص) درباره نقش سیاسی و مذهبی قائم قرار دادند. بنابراین، بحث پیرامون این آیات و احادیث به منظور درک تأثیر آن بر نگرش عباسیان به شیعیان و در نتیجه بازتاب آنها در موضوع غیبت امام دوازدهم امری سیاسی خواهد بود.^۱

احادیث مربوط به امام دوازدهم و غیبت آن حضرت به شکلی که در پی می آید، تقسیم بندی شده و مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند:

۱. احادیث مربوط به مهدی قائم

۲. احادیث اهل سنت (اهل حدیث)

۳. امام دوازدهم در احادیث زیدیه

۴. امام دوازدهم در احادیث امامیه:

الف. احادیث مربوط به امام دوازدهم

ب. نقش سیاسی قائم

ج. علائم ظهور قائم^۱

به اعتقاد نویسندگان انتشار احادیث امامیه و فعالیت های پنهانی علویان، موجب شد تا حکومت عباسی، امام حسن عسکری را به زور در مرکز تحت نظر نگه دارند.^۲

۲. نقش امامان در فعالیت های مخفی

نویسندگان در این فصل، نقش امامان در فعالیت های مخفی و تأثیر آن بر تکامل تدریجی غیبت از امام ششم تا یازدهم را بررسی می کنند.

و معتقد است از شهادت امام حسین (ع) به بعد، امامان شیعه در برابر خلفای حاکم، سیاستی کم و بیش انفعالی را دنبال کردند، اما این امر هرگز بدان معنی نبود که حقوق امویان یا عباسیان را به خلافت پذیرفته باشند، بلکه آنان معتقد بودند چون این خاندان با ابزار طبیعی به قدرت رسیده اند، سقوط ایشان نیز با اراده خداوند خواهد بود. خداوند سقوط

۱. همان، صص ۳۳-۵۵. ۲. همان، ص ۵۵.

حتمی آنها را تضمین فرموده و آنها را در اجرای اراده خود در زمانی که مناسب باشد، یاری می دهد. بدین ترتیب، پیوسته آماده قیام بودند و موقعیت حق طلبانه خود را حفظ می کردند. زیرا خداوند امامی را که به عنوان مهدی قائم خواسته، مقدر فرموده است. از عبارت امام علی (ع) می توان متوجه موضوع شد: «و خدا هر کس را از میان ما خاندان پیغمبر خواسته، به عنوان مهدی برگزیده است.»^۱

از این رو، امام صادق (ع) که قادر به رهبری قیامی بود، اگر پیروان متعهدی داشت، قیام می کرد. اما تفرقه در میان پدیدار شد و انگیزه های حضرتش را نادیده گرفتند. بخش قابل توجهی از پیروان امام صادق (ع) از شیوه های سیاسی او ناراضی شدند، و خود را از تعالیم او جدا ساختند و بدون دخالت حضرتش برای دستیابی به قدرت تلاش کردند. ظهور زیدیه و اسماعیلیه که تفسیر نوینی از احادیث مربوط به مهدی قائم و قیام او داشته آن را در تلاش خود در دستیابی به قدرت به کار بردند، بازتاب این مسئله است. قیامهای زیدیه و اسماعیلیه میان سالهای ۱۴۵-۱۹۶ هـ ق رخ داد و با تشکیل حکومت اسماعیلی و نصب امامی با عنوان مهدی خاتمه یافت.

در عین حال، امامیه ادعای هر علوی که خود را مهدی قائم موعود از سوی پیامبر (ص) بداند تکذیب می کردند، ولی با بعضی از قیامهای علویان که به ایشان وفادار بودند، همدردی نشان می دادند. همین مطلب ما را به این نکته رهنمون می سازد که ائمه (ع) برای وصول به اهداف حقه خود دو روش را طرح ریزی کرده بودند:

نخست: فعالیتهای علمی، فرهنگی و مذهبی که با اشاعه آن در میان مردم بدون آنکه خود را بظاهر درگیر مسائل سیاسی کنند همت گماشتند.

دوم: حمایت پنهانی از بعضی از قیامهای شیعیان که وفادار به ایشان بودند، بدان امید که بتوانند قدرت را بدست آورده و پس از موفقیت به ایشان واگذار کنند.^۱

فعالتهای نظامی گروههای مختلف شیعه، عباسیان را متحیر ساخته بود و آنها را به این اعتقاد و اطمینان داشت که امامان شیعه پشت سر آنها قرار دارند. یا حداقل نتیجه فعالتهای فکری، عقیدتی و فرهنگی ایشان به عملیات نظامی می انجامد. بنابراین، مقامات حکومت عباسی از سالهای ۲۰۷ هـ ق به بعد ائمه را به اقامت اجباری در پایتخت و تحت نظر گرفتن ایشان وادار کردند. این سیاست بر امام رضا(ع)، امام جواد(ع)، امام هادی(ع) و امام عسکری(ع) تحمیل شد و آنان را به گسترش سازمان مخفی وکالت وادار ساخت تا تحت چنین شرایط دشواری نیز کارآیی داشته باشند. در همین حال، وجود چنین وضعیت بحرانی امام حضرت عسکری(ع) را ناچار نمود تا شیوه‌ای اتخاذ کند که به وسیله آن بتواند از مراقبت شدید عباسیان بر پسرش که بعداً امام دوازدهم می شود جلوگیری به عمل آورد، به گونه‌ای که او را قادر سازد تا هویت خود را پوشیده دارد و فعالتهای خود را دور از تیررس دید حکام عباسی و بازرسی دقیق آنها انجام دهد.^۲

۳. دیدگاه‌های امامیه در رابطه با امام غایب

نویسنده در این فصل، دیدگاه‌های امامیه درباره امام غایب و ولادت آن حضرت و انشعابات‌ی که بعد از شهادت امام حسن عسکری (ع) میان هواداران حضرت به وجود آمده را تحلیل می‌کند. بررسی تاریخی و اعتقادی حاکی از آن است که با رحلت امام عسکری (ع)، امامیه درگیر مسایلی شدند که پس از رحلت امام هفتم (ع) نیز پیش آمده بود. اینان به واقفیه، محمدیه، جعفریه و قطعیه منشعب شدند.

نویسنده در ادامه به بررسی روایت صدوق پیرامون مادر حضرت اشاره داشته و شواهدی را بر عدم صحت این روایت و علت تعدد نام مادر حضرت بیان می‌دارد.

سپس دلایل غیبت صغری را بیان کرده و نتیجه می‌گیرد که این عوامل باعث شد فعالیت‌های سازمان امامت به طور مخفی انجام گیرد و امام دوازدهم (ع) حتی از دیدگاه پیروان خود، غایب باشد و از طریق سازمان مخفی امامت، فعالیت‌های خود را ادامه دهد.

ایشان در پایان این فصل، به طرح امام حسن عسکری (ع) برای اختفای جانشین خود، تغییر مکان آن حضرت، ادامه فعالیت‌های سیاسی و مذهبی از طریق نهاد وکالت، تلاش عباسیان برای دستگیری فرزند امام حسن عسکری (ع) اشاره دارد.

۴. بازتاب فعالیت‌های مخفی امام دوازدهم در اقدامات سفیران ایشان

الف. بررسی اجمالی وکالت قبل از امام دوازدهم: شرایط بحرانی‌ای که ائمه (ع) در زمان عباسیان با آن روبرو شدند، ایشان را واداشت تا ابزار جدیدی را برای ارتباطات با اعضاء جامعه خود جستجو کنند. مآخذ

شیعه امامیه حاکی از آن است که امام ششم حضرت صادق(ع) نخستین امامی است که نظام زیرزمینی ارتباطات را در جامعه خود به کار گرفت.^۱ با وجود مشکلاتی که نظام وکالت در مراحل نخستین با آن مواجه شد، نواحی تحت پوشش وکلا و محدوده اقتدار آنان در زمان امام کاظم(ع) با تشدید فعالیتها گسترش یافت.

پس از شهادت امام کاظم(ع) اعضاء سازمان امامت با موضوعی عقیدتی سیاسی در رابطه با مهدی قائم و غیبت او مواجه شدند. وکلای امام کاظم(ع) همچون رواسی در مصر، زیادقندی در بغداد، علی بن ابی حمزه و حیان سراج در کوفه، و حسن بن قیامه در واسط، احادیث بسیاری از امام صادق(ع) در رابطه با مهدی قائم و غیبت آن حضرت را در اختیار داشتند. اما این احادیث با صراحت هویت آن حضرت را بیان نمی‌کرد.^۲

امام رضا(ع) در فاصله سالهای ۱۸۳-۲۰۲ ه. ق حداقل بصورت جزئی به حل مسئله پرداخت و ماهیت واقعی مهدی قائم را به نقل از امامان پیش برای اعضاء واقفه روشن کرد. بنابه روایت کثی به نظر می‌رسد آن حضرت در اقناع بعضی از اعضاء واقفه نظیر رواسی و پیروان او در قبول امامت خود موفق بوده است.

وکلای امام رضا(ع) عبارت بودند از عزیزبن مهتدی در قم، صفوان بن یحیی در کوفه، عبدالله بن جنذب و عبدالرحمن بن حجاج در بغداد. عبدالرحمن بن حجاج به همراه هشتاد وکیل دیگر رهبری سازمان را تا زمان امان نهم، حضرت جواد(ع) به عهده داشت، و موفقیت چشمگیری

۲. همان، ص ۱۳۵.

۱. همان، ص ۱۳۴.

در حفظ سازمان از انشعابات جدید، بدست آورد. بعلاوه شیوه‌های کارگزاران او در جهات مختلف بویژه در گسترش فضای تقیه با اجازه دادن به بعضی از پیروان خود به شرکت در دستگاه دولتی و ارتش عباسیان توسعه یافت.

فقدان تماس مستقیم امام هادی (ع) و پیروانش، نقش مذهبی و سیاسی وکالت را افزایش داد به نحوی که کارگزاران امام، مسئولیت بیشتری در گردش امور یافتند. بتدریج رهبری وکالت تنها مرجعی شد که می‌توانست حقانیت امام جدید را تعیین و ثابت کند. به عنوان نمونه حضرت جواد (ع) وصایت خود را دربارهٔ جانشین خویش به وکیل الوکلاء خود محمد بن فرج داد. آن حضرت به او وصیت کرد که پس از وفاتش از امام هادی (ع) فرمان گیرد. چون امام جواد (ع) در سال ۳۲۰ هـ ق از دنیا رفت، رهبران برجستهٔ سازمان وکالت، جلسه‌ای سری در منزل محمد بن فرج تشکیل دادند تا امام جدید یعنی امام هادی (ع) را معرفی کنند.

وکلائی امام بتدریج تجربیات ارزنده‌ای را در سازماندهی پیروانشان در واحدهای جداگانه بدست آوردند. اخبار تاریخی متعدد نشان می‌دهد که وکلا، شیعیان را بر مبنای نواحی گوناگون به چهار گروه تقسیم کردند:

۱. شیعیان بغداد، مدائن، سواد و کوفه

۲. شیعیان بصره و اهواز

۳. شیعیان قم و همدان

۴. شیعیان حجاز، یمن و مصر.^۱

در زمان امام دهم و امام یازدهم، رهبری سازمان در چهار ناحیه، تنها در انحصار چهار نفر قرار داشت. مسئولیت آنها پس از خودشان به اعقابشان می‌رسید و در طول غیبت صغری در سیطرهٔ ایشان قرار داشت. به عنوان نمونه، علی بن مهزیار وکیل امام جواد(ع) و امام هادی(ع) در اهواز بود؛ و پسرانش در همان ناحیه وکلای امام دوازدهم بودند. ابراهیم بن محمد همدانی وکیل امام هادی(ع) در همدان بود، و فرزندش این سمت را از پدر به پسر تا زمان امام دوازدهم به ارث برد. وکیل دیگر اسماعیل بن اسحاق بن نوبخت بود که بعدها خاندان او اعضاء سازمان در بغداد را هدایت کردند و یکی از خویشانش موسوم به حسین بن روح، سومین سفیر یا نمایندهٔ امام دوازدهم شد.

مهمترین وکلا عثمان بن سعید عمری بود که زیر نظر امام دهم حضرت هادی(ع) پرورش یافت. امام هادی(ع) نخست او را وکیل خود و سپس وی را وکیل پسرش امام عسکری(ع) کرد. پس از رحلت امام عسکری(ع)، عثمان رهبری عام سازمان را به عنوان نخستین نمایندهٔ امام دوازدهم به عهده گرفت و سپس محمد به عنوان سفیر دوم امام دوازدهم به جانشینی او منصوب شد.^۲

ب. وظایف اصلی وکالت: از وظایف سفرا این بود که نام و محل زندگی امام را نه تنها از دشمنان، بلکه از شیعیان نیز مخفی دارند. در عین حال بر سفیر لازم بود که وجود مبارک امام را برای هواداران مورد اعتماد حضرتش به اثبات رساند.^۳

۱. همان، ص ۱۳۷.

۲. همان، ص ۱۳۹.

۳. همان، ص ۱۳۹.

ج. دوره نخستین سفیر: نخستین سفیر، از برجستگان امامیه، اعضاء سازمان وکالت را قانع کرد که امام دوازدهم برای محفوظ ماندن از دست دشمنان در پرده غیبت بسر می برد و آنها را متقاعد ساخت که خود نماینده راستین آن حضرت می باشد.^۱

۵. فعالیت‌های مخفی دومین سفیر امام دوازدهم (ع)

دومین سفیر، محمد بن عثمان بن سعید عمری نام داشت که کنیه اش ابوجعفر بود. وی این فعالیتها را ابتدا به عنوان وکیل امام دوازدهم و سپس در مسئولیت سفیر آن حضرت در طی پنجاه سال انجام داد. ابوجعفر از زمان امام یازدهم حضرت عسکری (ع) دستیار اصلی نخستین سفیر بود. بنا به روایت شیخ طوسی، چون نخستین سفیر درگذشت، ابوجعفر مراسم میت را بجای آورد. جسد او را غسل داد، کفن کرد و او را دفن نمود.^۲

به رغم مشکلاتی که ابوجعفر به دلیل وجود وکلای دروغین همچون: ابن هلال، بلالی و ابن نضیر با آن روبرو بود، فعالیت‌های پنهانی سازمان وکالت را ادامه می داد و نقش آن را در میان امامیه گسترش می بخشید. در همان حال، اقدامات سفیر اول را دنبال می نمود و می کوشید تا وجود امام غائب را برای معتمدان امامیه اثبات کند. وی این عقیده را در میان امامیه نشر می داد که غیبت امام با اراده الهی صورت گرفته و احادیث ائمه پیشین (ع) مؤید این معناست و او، خود، سفیر راستین امام غائب می باشد. بعلاوه، می کوشید وظایف سفیر اول را بدون آنکه مورد آزار دستگاه عباسیان قرار گیرد دنبال کند.^۳

۳. همان، ص ۱۶۸.

۲. همان، ص ۱۶۲.

۱. همان، ص ۱۴۳.

۶. دوران نوبختی، سومین سفیر

ابوالقاسم حسین بن روح بن ابی بحر نوبختی، سومین سفیر امام دوازدهم بود. تاریخ تولد او معلوم نیست. وی در خلال سالهای ۳۰۵-۳۲۶ هـ ق در این مسئولیت انجام وظیفه می‌کرد. به گفته ابن شهر آشوب، نوبختی دستیار نزدیک امام یازدهم حضرت عسکری (ع) و سفیر ایشان بود.^۱

ابن روح از طریق ده وکیل خود در بغداد فعالیت‌های وکلای امامیه و محافل سیاسی زیرزمینی را در دیگر استانها هدایت می‌کرد.^۲ نویسنده در ادامه به تقابل نوبختی با شلمغانی اشاره می‌کند که ابتدا دستیار و قائم مقام نوبختی بود و بعدها به خاطر عقاید الحادی و انحرافی اش از جدا شدند.

۷. سفیر چهارم و غیبت کبرای امام دوازدهم

شیخ طوسی روایت می‌کند که ابن روح، ابوالحسن علی بن محمد سمري را برای جانشینی خود تعیین کرد. به گفته طبرسی این تعیین با تصریح و دستور شخص امام دوازدهم صورت گرفت.

یک هفته قبل از رحلت سمري این توفیق از سوی امام دوازدهم در مورد سمري صادر شد: «خداوند به برادرانت در رابطه با شما (یعنی در مرگ شما) اجر عنایت فرماید، چون در واقع شش روز دیگر وفات خواهی کرد. از این رو، امور خود را مهیا کن، و هیچ کس را به جانشینی خویش پس از مرگ منصوب منما. زیرا اکنون غیبت دوم (کبری) آغاز شده است و تا زمانی طولانی که خداوند اجازه فرماید ظهوری نخواهد بود تا قلوب (مردم) از قساوت، و جهان از بی‌عدالتی مشحون گردد و

۱. همان، ص ۱۹۲. ۲. همان، ص ۱۹۶.

کسانی به سوی هواداران (=شیعیان) من آیند و مدعی شوند که مرا رؤیت کرده‌اند، لکن آگاه باش، هرکس قبل از قیام سفیانی و صیحه آسمانی ادعای رؤیت مرا کند، مفتری او کذاب است.»^۱

چکیده کتاب

۱. موضوع ماهیت غیبت امام دوازدهم در تاریخ تشیع از قدمت بسیار برخوردار بوده و با مسئله امامت ارتباط نزدیک دارد. شیعیان از آغاز معتقد بودند که پیامبر (ص) جامعه خود را بدون رهبری که شریعت را تفسیر کند و آن را در جامعه اجرا نماید، رها نمی‌سازد. لذا، آن حضرت علی (ع) را به جانشینی خود منصوب کرد و تصریح فرمود که رهبری جامعه پس از او به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و سپس به پسر ارشد امام بعد از نسل حسین (ع) منتقل می‌شود تا برسد به مهدی (ع) فرزند امام حسن عسکری (ع).

در عین حال، ائمه (ع) جز چند سال از حکومت علی (ع) فرصت نیافتند بر کل جامعه پس از پیامبر (ص) حکم برانند؛ و چون خلفای اموی و عباسی قدرت سیاسی را غصب کردند، ائمه (ع) ناچار شدند تا آن را دوباره با روشهای صحیح و ابزار مشروع کسب کنند، گرچه منابع سیاسی و اقتصادی دشمنان بویژه پس از شهادت امام حسین (ع) قویتر بود. هیچ کدام از امامان (ع) پس از شهادت امام حسین (ع) خود را در هیچ یک از فعالیتهای سیاسی درگیر نکردند و در تحریکات مستقیم به قیام شرکت نمودند. در حقیقت به نظر می‌رسد آنان فعالیتهای خود را در سه زمینه عمده محدود ساخته باشند:

الف. آنان مردم را به نشر احادیث نبوی تشویق می‌کردند تا ایشان را با حق اهل بیت پیامبر (ص) نسبت به رهبری جامعه آشنا سازند و نشان دهند که محروم ساختن آنها از رهبری ظاهری سیاسی بدین معنی نیست که آنان به قبول موضع انفعال محض راضی شده‌اند؛ و نیز به مفهوم حمایت ضمنی و سازش با دستگاه حکومت زمان نیست. در حقیقت، آنان اساساً مبارزه سیاسی را در شرایطی می‌پذیرند که موفقیت قطعی را نتیجه دهد، و مطمئن باشند که تعداد کافی از شیعیان مؤمن و مخلص وجود دارند که قیام را یاری داده و اسلام را با مشی امامیه اجرا کنند.

ب. از زمان امام صادق (ع) امامان، آن بخش از احادیث نبوی مربوط به قیام امامی از اهل بیت که حکومت حق را در جهان تأسیس خواهد کرد نشر می‌دادند. این امام قائم مهدی است که در احادیث نبوی ذکرش به میان آمده است. او نخست در پرده غیبت بسر خواهد برد و در پنهانی هدایت امور امامت را ادامه خواهد داد. سپس در پرده غیبت کبری پنهان خواهد شد. اما احادیث، تاریخ قیامش را تعیین نمی‌کنند. این ابهام موجب شد تا برخی از علویان احادیث مذکور را در تأیید اهداف سیاسی خویش بکار برند، بدون آنکه رهنمودهای امام را در رابطه با شرایط اصلی غیبت و قیام مهدی قائم در نظر گیرند. نمونه روشنی از آن را در مورد اسماعیلیه می‌توان دید که از امامیه جدا شدند و بین سالهای ۱۴-۲۹۶ هـ ق فعالیت‌های خود را مخفیانه ادامه دادند تا آنکه یکی از آنان در سال ۲۹۶ هـ ق به قدرت رسید و ادعای مهدویت کرد.

زیدیه نیز این احادیث را در تلاش‌های خود برای دستیابی به قدرت بکار می‌گرفتند، اما از احتیاطها و برنامه‌ریزی دقیق اسماعیلیه و امامیه

بی بهره بودند. در حقیقت ابهام موجود در این احادیث که از امام صادق (ع) روایت شده یکی از دلایلی بود که بعضی از امامیه را معتقد ساخت که امام غایب موسی کاظم (ع) است و به عنوان مهدی قائم قیام خواهد کرد. این عده را واقفه می نامند.

۲. مقامات دولت عباسی از خطر ناشی از شیعیان و بویژه امامیه آگاه بودند. بنابراین کوشیدند تا توجه مردم را از حقوق اهل بیت منحرف کنند. بدین ترتیب احادیثی از قول پیامبر (ص) جعل کردند که حاکی از آن بود که امام بعد از پیامبر عباس است نه امام علی (ع). در همان حال، آنان برای انشعاب در میان شیعیان مشغول بکار شدند.

بدین منظور افرادی از جریره را به مقامات حساسی منصوب کردند تا سازمان امامیه را مورد واریسی و تحقیق قرار دهند و علیه آنان تبلیغات کنند. پس از شکست این سیاست، عباسیان از زمان مأمون نقشه جدیدی طرح کردند تا فعالیت‌های شیعیان را نابود سازند. بخشی از این نقشه آن بود که پای امامان را به دربار بکشانند تا بدین وسیله بتوانند هر حرکتی از آنان را تحت نظر داشته باشند. این نکته را در سیاست مأمون می توان دید. وی امام رضا (ع) را از مدینه به مرو آورد و او را ظاهراً به ولیعهدی خود منصوب نمود و وی را تحت نظر قرار داد.

مأمون سیاست مشابهی را در قبال امام نهم، حضرت جواد (ع) پیش گرفت. پس از آن خلفای عباسی، سیاست مأمون را در نگرش خود نسبت به امام دهم، حضرت هادی (ع)، و پسرش حضرت عسکری (ع) ادامه دادند. این دو امام تقریباً در تمام دوران زندگی خود در سامرا تحت نظر قرار داشتند. از این رو، برای ائمه (س) بسیار مشکل بود که با پیروان

خویش روابط عادی برقرار کنند، جز نزدیکترین دستیاران خود که با آنها دیدارهای سری داشتند.

احتمالاً به نظر می‌رسد که تحت نظر گرفتن امامان بعدی، آنان را وادار ساخته باشد تا نقش سازمان وکالت را گسترش بخشند، و به سفیر اختیاراتی تفویض کنند تا فعالیتهای امامیه را سرپرستی کند. از زمان امام جواد(ع) به بعد، ائمه(ع) فعالیتهای پیروان خود را از طریق سفیر خویش هدایت می‌کردند. برای عامه امامیه این وضعیت شگفت‌آور بود. آنان می‌بایست از طریق ارتباط غیر مستقیم با امام خو گرفته و آموزش ببینند. با وجود این، نقش سفیر در طی این دوره به اندازه نقش آن در دوره غیبت صغری محرز نبود، زیرا محل اقامت امام و موقعیت حضرتش شناخته شده و روشن بود.

به نظر می‌رسد ادامه سیاست تحت نظر گرفتن امامان، آنان را تشویق کرد تا راهی بیابند که از محدودیتشان بکاهد. از سالهای ۲۵۰ - ۲۴۵ هـ ق به بعد از امام هادی(ع) و امام عسکری(ع) عباراتی روایت می‌شد که دلالت بر غیبت امام دوازدهم داشت، بدون آنکه ذکری از نام او به میان آید و این احادیث در میان امامیه منتشر می‌شد. بعلاوه امام هادی(ع) و امام عسکری(ع) به وکلای نزدیک خود دستور می‌دادند تا از دستورات عثمان بن سعید و پسرش ابوجعفر (سفرای اول و دوم) پیروی کنند. بنابراین ۷ به نظر می‌رسد که غیبت امام دوازدهم، هم از نظر ظاهری و هم تاریخی از آمال نیاکانش نشأت گرفته است تا هرگونه مراقبت دستگاه وقت را خنثی سازند و آن حضرت بتواند در امنیت وظائف امامت را انجام دهد.

۳. در این مطالعه کوشش بر آن بود تا اثبات شود که امام یازدهم حضرت عسکری (ع) جانشینی موسوم به محمد از خود به جای گذاشته و در سال ۲۵۹ هـ. ق وی مخفیانه توسط پدرش از سامرا به مدینه اعزام شده است. او امام دوازدهم می‌باشد و غیبت صغرایش در سالهای ۳۲۹ - ۲۶۰ هـ. ق رخ داده است. این دوره را دوره نخستین غیبت می‌گویند که در طول آن، حضرتش بدون آنکه هویت خویش یا مکان خود را جز برای چهار سفیر و نخبگان شیعه فاش سازد به فعالیتهای خود ادامه می‌دادند. غیبت اول با بسط نقش وکالت توأم می‌شود. در طول این دوره، چهار سفیر فعالیتهای امامیه را هدایت می‌کردند، اسامی آنان عبارت بود از: عثمان بن سعید عمری، ابوجعفر محمدبن عثمان، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمری. مرکز فعالیتهای سفیر بغداد بود که در سایر بلاد وکلایی داشت و تحت نظر آنان وکلای محلی نیز فعالیت می‌کردند.

مطالعه منتقدانه این دوره نشان می‌دهد که وظیفه اصلی سفرا انجام وظیفه خاصی بود که پیش از این، ائمه (س) به عهده داشتند تا امام را از فشارهای سیاسی عباسیان که بر اسلاف آن حضرت از زمان مأمون اعمال می‌شد، محفوظ دارند. انشعاب خاصه در میان امامیه پس از وفات امام عسکری (ع) در سال ۲۶۰ هـ. ق سفرای اول و دوم را وادار ساخت تا تلاش خود را در جهت متحد ساختن دوباره اقشار امامیه مصروف دارند. بدین منظور به اثبات وجود امام دوازدهم پرداختند و بر این نکته تأکید داشتند که او مهدی قائم است؛ یعنی آن حضرت حکومتهای مستکبر را با ابزار نظامی نابود خواهد کرد.

نقش سفیر در طول غیبت امام فزونی یافت به گونه‌ای که در دوران سفیر چهارم، بیانات او همچون سخنان شخص امام مورد توجه بود. به نظر می‌رسد نقش فزاینده سفیر نیز در نتیجه رهنمودهای شخص امام باشد. آن حضرت بدین ترتیب می‌خواست پیروانش رهبری فقها را تا زمان ظهور مجدد او بپذیرند.

۴. با وفات چهارمین سفیر در سال ۳۲۹ هـ ق سفیر دیگری منصوب نشد و تمام ارتباطات مستقیم با امام خاتمه یافت، که این خود به معنی ختم وکالت امامیه بود. این حادثه نیز به عنوان آغاز غیبت دوم نگریسته می‌شود. در این مرحله، امامیه ظهور دوباره امام را در آینده نزدیکی انتظار داشتند و در نتیجه هیچ یک از فقها به خود جرأت نمی‌داد به نمایندگی از سوی امام اقدامی کند. با این وجود، طولانی شدن غیبت آن حضرت، آنان را به تلاشی به منظور پُر کردن خلأ ناشی از مرگ سفیر چهارم رهنمون ساخت. آنان توجه خود را به امور عقیدتی معطوف داشتند و در این زمینه از راهبران امامیه شدند. بتدریج به عنوان نایبان غیر مستقیم (نایب عام) امام غایب مورد توجه قرار گرفتند و در طول غیبت کبری جامعه را به فقه اسلامی رهبری و هدایت کرده‌اند.

رعایت اصل ریشه‌یابی دقیق نسبت به حوادث عصر غیبت صغری، موجب پدید آمدن امتیاز خاص و شاید منحصر به فردی در این اثر شده و آن همانا پرداختن به مسأله سازمان وکالت و نگاه دقیق و تفصیلی به آن است. زیرا در حقیقت، سازمان وکالت در عصر غیبت صغری ادامه حرکتی بود که از عصر امام صادق (ع) پدید آمد و با گزینش وکلا و اعزام آنان به مناطق شیعی محقق شد. البته برخی دیگر از محققان، شروع

سازمان وکالت را از زمان امام هفتم (ع) می‌دانند و این نظریه نویسنده را رد می‌کنند، اما به نظر می‌رسد، حق با جاسم حسین باشد.

این اثر از جمله معدود منابع تحقیقی و پژوهشی پیرامون عصر غیبت صغری است که با دید تحلیلی - انتقادی به بررسی وضعیت سیاسی، اجتماعی، دینی و فرهنگی این عصر پرداخته است.

از ویژگیها و امتیازات این اثر آن است که مؤلف سعی کرده تا حوادث و جریانات حضور ائمه در عصر غیبت صغری را با ملاحظه ریشه‌های تاریخی آن که در میان شیعیان رایج بوده است و مشخصاً اثبات می‌کند که مهدی موعود (ع)، همان امام دوازدهم شیعیان است بررسی کند.

مؤلف در موارد بسیاری، فراتر از ظواهر نصوص حرکت کرده و از خلال نصوص تاریخی توانسته است پیام، نص یا لوازم آن را نیز استکشاف کند.

از آنجا که کشف روابط درون گروهی شیعه در عصر غیبت صغری و ارتباطات شیعیان با سفرای ناحیه مقدسه، نقش بسیار مهمی در شناخت دقیق و وضعیت سیاسی و اجتماعی شیعه در این عصر دارد، لذا مؤلف ضمن نگاه دقیق به مسائل عصر نواب اربعه با بهره‌گیری از منابعی که برخی از آنها شهرت چندانی هم ندارد؛ سعی کرده است چهارچوبی منطقی را برای ترسیم وقایع این عصر فراهم آورد.

۵. این اثر در زبان انگلیسی، اولین تألیفی است که به طور کامل درباره وجود امام دوازدهم (ع) بحث کرده و آن را اثبات کرده است. البته به زبان عربی، اردو و فارسی نیز ترجمه شده است.

۶. گرچه مؤلف سعی کرده است اعضای سازمان وکالت را از عصر

امام صادق (ع) به بعد کشف و در جای خود نقل کند و تا حدود زیادی نیز در این جهت موفق بوده، اما در برخی موارد، معرفی او کامل نبوده و در مواردی، افرادی را به عنوان وکیل معرفی کرده که وکالتشان اثبات نشده است.

مؤلف گاه با دقتهای موشکافانه، به نقد و بررسی برخی روایتهای می‌پردازد. از جمله می‌توان به بررسی وی در مورد روایت صدوق پیرامون مادر حضرت حجت (عج) اشاره کرد.

۸. منابع و مأخذ به کار گرفته شده در این اثر حاکی از تلاش و کوشش طاقت‌فرسای محقق ارجمند است؛ به عنوان مثال، در برخی از فصول نزدیک به ۱۶۸ مأخذ مورد استفاده قرار گرفته است.

به شهادت تاریخ خونبار انقلاب اسلامی عراق و مبارزات بی‌امان آن و به گواهی همه شاگردان و دست‌پروردگان این قهرمان میدان شجاعت و فضیلت، او همواره تلاش می‌کرد اسلام مسخ شده بی‌تحرک را که ساخته و پرداخته استعمار و دشمنان اسلام راستین بود، به اسلامی ناب و پویا مبدل سازد و همچون اجداد بزرگوار خویش «حدود معطله» خداوند را اقامه کند.

او که قتل را عادت و شهادت را کرامت می‌دانست، با دلیری و بی‌پروایی، رو در روی رژیم ملحد و ضداسلامی بعث ایستاد و با خون خود پیمان بست که آنی از این نبرد دست نکشد و دشمن اسلام و قرآن و تشیع علوی را مجال زیست ندهد و عاقبت در بیست و دوم جمادی‌الثانی سال ۱۴۰۰ هـ. ق در پنجاه سالگی به شرف شهادت نایل آمد؛ گو اینکه سراسر عمر پُر برکتش سرشار از عشق و خون و شهادت بود و به گفته دعبل خزاعی چوبه دار خود را عمری بود که بر دوش خویش می‌کشید. از شهید صدر تنها یک فرزند پسر به نام سیدمحمد جعفر صدر به یادگار مانده است که ایشان نیز در کسوت روحانی است.

آثار علمی و قلمی او بدین شرح است:

۱. غایة الفکر فی علم الاصول
۲. فلسفتنا
۳. اقتصادنا
۴. فدک فی التاریخ
۵. المعالم الجدیة للأصول
۶. ماذا تعرف عن الاقتصاد الاسلامی

٧. الانسان المعاصر و المشكلة الاجتماعية
٨. البنك اللاربوى فى الاسلام
٩. الاسس المنطقية للاستقراء
١٠. بحوث فى شرح العروة الوثقى (در چهار جلد)
١١. الفتاوى الواضحة
١٢. مباحث الدليل اللفظى
١٣. تعارض الادلة الشرعية
١٤. حاشيه بر كتاب منهاج الصالحين (در دو جلد)
١٥. دروس فى علم الاصول (در چهار جلد)
١٦. المرسل، الرسول، الرسالة
١٧. نظرة عامة فى العبادات
١٨. احكام الحج
١٩. بحث حول المهدي (ع)
٢٠. بحث حول الولاية
٢١. لمحة فقهية عن دستور الجمهورية الاسلامية
٢٢. الصورة الكاملة للاقتصاد فى المجتمع الاسلامى
٢٣. الخطوط التفصيلية للاقتصاد فى المجتمع الاسلامى
٢٤. خلافة الانسان و شهادة الانبياء
٢٥. منابع القدرة فى الدولة الاسلامية
٢٦. البنك فى المجتمع الاسلامى
٢٧. المدرسة القرآنية

۲۸. تقریرات آیة الله سید محمود هاشمی (در هفت جلد)

۲۹. تقریرات درسهای خارج فقه ایشان به کوشش آیت الله سید کاظم

حائری

۳۰. اطروحة المرجعية الصالحة

کتاب مورد بحث ترجمه کتاب بحث حول المهدی (ع) است.

شهید صدر در این کتاب به روش عقلی، علمی و دینی به شبهات و پرسشهایی که درباره شخصیت مهدی موعود و قیام جهانی آن حضرت مطرح می شود، پاسخ می دهند. مقدمه و تحقیق جناب آقای دکتر عبدالجبار شراره از نقاط مثبت این کتاب است.

مهدویت، فرایند یک عقیده اسلامی که فقط رنگ دین داشته باشد، نیست. مهدویت فصل مهمی از خواسته های بشری است که انسانها با داشتن ادیان و مذاهب مختلف، روسوی آن دارند.

حتی انتظار روز موعود، مختص کسانی که به غیب ایمان دارند، نیست. دیگران هم به چنین روزی چشم دوخته اند، تا آنجا که پرتو این خواسته، مکتبهایی را هم که به هیچ وجه زیر بار مسایل غیبی نمی روند، فرا گرفته است. شهید صدر در این اثر به پرسشهای بنیادین پیرامون طول عمر امام زمان، رهبری ایشان، وجود خارجی حضرت، عدم ظهور امام و قدرت حضرت مهدی (ع) پاسخهای علمی، منطقی و دینی داده است.

شهید صدر در بررسی مسأله، امام مهدی (ع) به مقدمات بدیهی استدلال نکرده و به تتبع در کتابهای تفسیری و روایی پرداخته است. همچنین در سند روایات بررسی نکرده، بلکه روش دیگری در پیش گرفته است. ایشان ابتدا اشکالات و سؤالاتی را که در این زمینه شده یا

می‌شود، مطرح کرده سپس با تکیه بر دلیل عقلی و داده‌های علمی و تمدن‌کنونی، به بررسی عمیق و دقیق آن پرداخته است. شهید صدر برای بحث خود، تصور روشنی درباره مهدویت و وجود ریشه‌های آن در میراث دینی - انسانی، نشان می‌دهد؛^۱ سپس به اصالت بخشیدن آن در تفکر اسلامی پرداخته و می‌گوید مهدویت - برخلاف پندار برخی از پژوهشگران - در دیدگاه اسلام یک آرزو و خیال نیست که احساسات را به بازی بگیرد و آرامش‌بخشی برای دردها و رنج‌های روحی او باشد، بلکه مهدی (ع)، انسانی معین و زنده‌ای است^۲ که با مردم زندگی می‌کند و در درد و رنج ایشان شریک است و خود نیز همانند مردم، منتظر روز موعود است.

قبول همه جانبه این تصور اصیل، قدری مشکل است و در اذهان مردم اشکالات و سؤالاتی را مطرح کرده که آشکار و پنهان آن را به زبان می‌آورند. از این رو شهید صدر، با صراحت و روشنی، این اشکالات و پرسشها را مطرح می‌کند و سپس در چارچوب تفکر اسلامی که مبنای آن عقل، واقعیت و برهان است، بدانها جواب می‌دهد. در اینجا به اجمال به پرسشها و پاسخهای یاد شده را اشاره می‌کنیم:

۱. چگونه برای حضرت مهدی این عمر طولانی امکانپذیر شده است؟

منظور از «امکان» چیست؟ «امکان» در اینجا می‌تواند سه معنا داشته باشد: امکان عملی، امکان علمی، امکان منطقی و فلسفی.

شهید صدر در جواب سؤال فوق می‌فرماید: امکان عملی، یعنی

۱. وهبری بر فراز قرون، ص ۵۳. ۲. همان، ص ۵۶.

کاری که هم اینک به گونه‌ای است که برای هر انسانی انجام آن ممکن باشد؛ مثلاً سفر به آن سوی اقیانوسها و فرورفتن در عمق دریاها و رفتن به کرهٔ ماه، کارهایی است که عملاً امکان‌پذیر شده است و کسانی هستند که به شکلی این کارها را انجام دهند.

اما امکان علمی در جایی است که گرچه فعلاً و با وسایل پیشرفتهٔ امروزی برای ما امکان انجام آن نیست، ولی از نظر علم و راهکارهای پویای علمی، مشکلی از جهت امکان وقوع آن با وسایل خاص و در موقعیت مناسب وجود ندارد.

مثلاً سفر به کرهٔ زهره از منظر علم، غیر ممکن نیست، بلکه راهکارهای علمی موجود، امکان وقوع آن را خبر می‌دهد، گرچه فعلاً میسر نیست. زیرا میان سفر به زهره و به ماه بیش از یک مرحله فرق مهمی وجود ندارد. مشکل، تنها مسافت بیشتر است که باید حل شود.^۱

مقصود از امکان منطقی و فلسفی این است که از نظر عقل، پیش از تجربه و مطابق قوانین موجود، توجیهی برای رد و حکم به ممنوع بودن یافت نشود. مثلاً اگر بخواهیم سه عدد پرتقال را بدون اینکه یکی را نصف کنیم، به عددهای مساوی تقسیم کنیم، از نظر منطق و عقل، امکان ندارد. زیرا عقل قبل از هرچیز و بدون اینکه تجربه‌ای کرده باشد، می‌داند که عدد سه فرد است و جفت نیست تا بشود آن را به تساوی تقسیم کرد و تقسیم آن به تساوی بدان معنا است که عدد زوج باشد. پس عدد سه در یک زمان هم زوج است و هم فرد و این تناقض است و تناقض از نظر منطق محال است. شکی نیست که رسیدن عمر انسان به

هزاران سال از نظر منطق ممکن است. از نظر عقل مجرد، این نوع پیش فرضها موجب هیچ تناقضی نیست. زیرا مفهوم حیات، مرگ زودرس را در بر ندارد و این کاملاً روشن است. همچنین شکی نیست که این عمر طولانی فعلاً امکان عملی ندارد.^۱

از نظر دانش امروز مشکلی از جهت نظری در این زمینه وجود ندارد. این موضوع در حقیقت بستگی دارد به نوع تفسیری که علم فیزیولوژی از پدیده پیری دارد. آیا پدیده پیری از یک قانون طبیعی سرچشمه می گیرد، قانونی که بر بافت و سلولهای انسان، حاکم است و پس از رسیدن به رشد کامل بتدریج سلولها سخت شده و توانایی کاری اش کم می گردد و در نهایت از فعالیت باز می ماند؟ آیا بدنی هم که از هرگونه تأثیر خارجی مصون بوده، محکوم به فنا است؟ یا اینکه این فرسودگی و ناتوانی بافتها و سلولها در کارایی فیزیولوژی، نتیجه نبرد با عوامل خارجی؛ مانند میکروبها و یا مسمومیت است که از راه پرخوری یا کار سنگین یا دیگر عوامل، به وجود می آید؟

این پرسشی است که امروزه علم از خود می کند و تلاش دارد برای آن پاسخی بیابد. البته جوابهای علمی زیادی هم تاکنون به آن داده شده است. اگر ما آن نظر علمی را بپذیریم که می گوید ناتوانی و پیری، نتیجه نبرد و کشمکش با عوامل مشخص خارجی است، معنایش این می شود که از جنبه نظری امکان دارد اگر بافتهای تشکیل دهنده جسم انسان را از عوامل تأثیر گذار، دور نگه داریم، حیات طولانی شود و در نهایت بر پدیده پیری فایق آید و اگر نظریه دیگر را بپذیریم که می گوید پیری یک

قانون طبیعی برای سلولها و بافتهای زنده است؛ به این نتیجه می‌رسیم که آنها تخم نیستی را با خود حمل می‌کنند و زمانی به مرحله ناتوانی و پیری رسیده و در نهایت می‌میرند.

ولی ما می‌گوییم: حتی اگر این نظریه را هم بپذیریم، معنایش این نیست که هرگز این قانون طبیعی انعطاف‌پذیر نباشد، بلکه این قانون بر فرض ثبوت، قانون انعطاف‌پذیری است. زیرا ما در زندگی خود می‌بینیم و دانشمندان در آزمایشگاههای علمی خود مشاهده می‌کنند که پیری یک پدیده فیزیولوژی است و وابسته به زمان نیست. گاهی زود فرا می‌رسد و گاهی با فاصله زمانی بیشتری آشکار می‌شود. پزشکان هم به این موضوع اعتراف دارند.

دانشمندان توانسته‌اند عملاً از انعطاف‌پذیری این قانون که تصور می‌رود طبیعی باشد، بهره برده و عمر برخی حیوانات را صدها بار نسبت به عمر طبیعی شان بیشتر کنند؛ و این کار با ایجاد زمینه‌ها و عواملی بوده است که کاربری قانون پیری را به تأخیر می‌اندازد.

پس ثابت شد که تأخیر عملکرد این قانون با ایجاد زمینه‌ها و عوامل مشخص از نظر علمی، ممکن است. گرچه هنوز علم نتوانسته است نسبت به انسان این تأخیر را پیاده کند و این هم فقط به دلیل آن است که انسان نسبت به دیگر جانوران، مشکلی خاص خود را دارد و این بدان معناست که از جهت علمی با توجه به موضع گیریهای پویای دانش امروزی، هرگز مانعی در راه وقوع طول عمر انسان، وجود ندارد، چه پیری نتیجه کشمکش و برخورد با عوامل خارجی باشد و چه نتیجه قانون طبیعی سلولها که خود راه فنا می‌پیمایند.

بنابر آنچه گفته شد، دربارهٔ عمر حضرت مهدی و در پاسخ به ابهامات، بایستی گفت: طول عمر برای انسان، از نظر منطق و علم امری ممکن است و علم تلاش می‌کند بتدریج این امکان نظری را به امکان عملی تبدیل سازد.^۱

شهید صدر علاوه بر جواب پیشین که مبتنی بر امکان منطقی و علمی بود، جواب دینی نیز می‌دهد که همان معجزه بودن طول عمر حضرت است، ایشان می‌فرماید: اگر فرض کنیم که از نظر علم طول عمر امام امکان نداشته باشد و قانون پیری قانونی حتمی باشد و بشریت هرگز نتواند آن را تغییر دهد، در این صورت باید گفت: طول عمر افرادی چون نوح و مهدی که قرن‌ها بر خلاف قوانین طبیعی زنده مانده‌اند، از موارد اعجاز محسوب می‌گردد.

معجزه، در مقطع خاصی قانون طبیعت را از کار می‌اندازد تا زندگی شخصی را که رسالت آسمانی به وجود او بستگی دارد، حفظ کند.^۲

۲. اصرار بر رهبری حضرت مهدی که نتیجه‌اش تعطیلی قوانین طبیعی است، چرا؟

شهید صدر سعی می‌کند با طرح سؤال و جوابی دیگر به پرسش مطرح شده پاسخ بگوید. ایشان می‌فرماید: آیا می‌توانیم نسبت به تغییر مورد نظر از طریق بررسی سنتهای اجتماعی و تجربیات زندگی، چنین نتیجه بگیریم که یکی از عوامل پیروزی و موفقیت رهبر منتظر، همین عمر طولانی است؟ جواب شهید صدر به این سؤال مثبت است و برای تثبیت آن دلایلی ذکر می‌کند که در پی می‌آید.

ایجاد یک دگرگونی بنیادین، چنین اقتضا می‌کند که رهبری آن در دست انسانی فوق العاده باشد؛ با شناختی کامل از تواناییها و برتریهای مکتب خود و آگاهی ژرف از ضعف نظامهایی که بایستی منهدم کند و تمدنی نو بر ویرانه آن بسازد. به هر مقدار که جان و دل رهبر نظم نوین جهانی، از ابتدال و پوچی تمدنی که به جنگش برخاسته، آگاه باشد و بداند که آن تمدن تنها یک نقطه کوچک نسبت به خط طولانی تمدن انسانی است، به همان مقدار از نظر روحی قدرت بیشتری برای رو در رویی و پایداری می‌یابد و آن قدر می‌جنگد تا پیروزی را به دست آورد.

روشن است که مقدار لازم این روان‌شناختی با حجم دگرگونی مورد نظر و با تمدنی که باید واژگون شود، تناسب دارد. این درگیریها هرچه با نظامهای بزرگتر و تمدنهای کهن‌تر باشد، شناخت فراگیرتری را می‌طلبد؛ و چون در روز موعود مقرر است که جهان پُر از ظلم و ستم با همه زرق و برق و جلوه‌های رنگارنگش زیر و زبر شود، طبیعی است که باید دنبال شخصی بود که یک تنه از همه جهان فراتر بوده و مولود تمدنی نباشد که می‌خواهد آن را دگرگون و کاخ عدل را بر ویرانه آن بسازد. زیرا کسی که در سایه یک تمدن کهن و ریشه‌دار که همه جهان تحت تأثیر سیطره ارزشی آن است، بزرگ شود، در مقابل آن تمدن احساس کوچکی می‌کند. دلیل آن هم این است که آن فرد از وقتی که چشم به جهان می‌گشاید و از هنگامی که پرورش می‌یابد تا زمانی که بزرگ می‌شود، همواره حاکمیت آن تمدن را می‌بیند و به هر جا نگاه می‌اندازد جز جلوه‌های رنگارنگ آن را نمی‌بیند.

و بالعکس، کسی که با تاریخ زندگی کرده و پیش از آنکه این تمدن

شکل بگیرد، حضور داشته و همه تمدنهای بزرگ و فروپاشی آنان را یکی پس از دیگری با چشمان خود دیده باشد، نه اینکه فقط تاریخ را خوانده باشد، تمدنی را دیده است که بایست آخرین پرده از داستان زندگی انسان قبل از روز موعود را به نمایش بگذارد. در واقع چنین کسی این تمدن را پیش از پیدایش و قبل از جوانه زدن و هنگام پیدایش و ظهور و بروز، شاهد آن بوده تا اینکه به مرحله رشد رسیده و بالاخره زمانی که کاملاً شکوفا گشته و بتدریج بر همه مقدرات جهان سیطره پیدا کرده است.

در حقیقت شخصی که همه این مراحل را با زیرکی و آگاهی کامل، پشت سر گذاشته، با این غول وحشتناک - که در صدد از پای در آوردن آن است - از آن زاویه تاریخی که با چشمان خود دیده است می نگرد، نه اینکه فقط به کتابهای تاریخی مراجعه کرده و یا به عنوان یک سرنوشت محتمل آن را پذیرفته باشد. چنین شخصی قطعاً دیدگاهش همانند دیدگاه روسو^۱ نخواهد بود که درباره او می گویند: حتی تصور اینکه فرانسه روزی بدون شاه باشد، او را دچار ترس و وحشت می کرد. با اینکه او در جهان اندیشه و فلسفه از بزرگترین مبلغان و داعیان دگرگونی سیاست حاکم بود؛ و این بدان علت بود که روسو در فضای پادشاهی پرورش یافته بود و در طول زندگی در جو پادشاهی تنفس می کرد.

ولی شخصی که در همه تاریخ حضور داشته، خود دارای ابهت تاریخ و قدرت تاریخ است و کاملاً می داند که آنچه اینک حاکمیت دارد،

۱. ژان ژاک روسو (۱۷۱۲ - ۱۷۷۸ م.) نویسنده و متفکر فرانسوی است. برخی از ناقدان، وی را شخصی می دانند که بیشترین نقش را در ادبیات فرانسه و فلسفه جدید داشته است. معروفترین تألیف او قرارداد اجتماعی است.

ر.ک: موسوعة المورد، ج ۸، ص ۱۶۹.

گوشه‌ای از تاریخ و قدرت تاریخ است که با زمینه‌های خاصی به وجود آمده است و با گذشت زمان و زمینه‌های جدید از میان خواهد رفت و چیزی از آن باقی نخواند ماند؛ چنان که درگذشته نزدیک یا دور اصلاً وجود نداشت. وانگهی عمر تمدن‌ها هرچند طول بکشد نسبت به عمر طولانی تاریخ چند روزی بیش نیست.^۱

۳. شایستگی‌های رهبر منتظر چگونه به کمال رسید، با اینکه پدرش امام حسن عسکری او را پیش از پنج سال همراهی نکرد؟ آن حضرت پس از رحلت پدر، جانشین وی در امامت و رهبری شد و این بدان معناست که ایشان همه ویژگی‌های فکری و روحی یک امام را در همان اوان کودکی دارا بود. امامت زودرس رخدادی سابقه‌دار است؛ چندتن از پدران آن حضرت نیز چنین بوده‌اند، مانند امام جواد(ع) که در سن هشت سالگی به امامت رسید^۲ و امام هادی(ع) که در نه سالگی به این مهم نایل آید.^۳ ولی این پدیده در حضرت مهدی(ع) به اوج خود می‌رسد و می‌بینیم که در پنج سالگی به امامت رسیده است. دلیل اینکه ما این پدیده را یک واقعیت تاریخی می‌نامیم این است که این امر در رابطه با برخی از پدران آن حضرت، یک حقیقت ملموس و عینی بوده است، مسلمانان آن را درک کرده و با آن زندگی کرده‌اند و هیچ چیز برای اثبات یک واقعیت، بهتر از وقوع آن در میان یک جمعیت نیست.^۴

۱. همان، صص ۸۰-۸۳. ۲. الفصول المهمة (ابن صباح المالکی).

۳. ر.ک: العاملی، السید تاج‌الدین (از بزرگان قرن یازدهم هجری)؛ التمه فی تواریخ الائمة، قم مؤسسه بعثت؛ ابن حجر، الصواعق المحرقة، ص ۱۲۳-۱۲۴ او در این کتاب بخشی از سیره امام و کرامات او را نقل می‌کند.

۴. ر.ک: الشیخ المفید، محمدبن محمدبن النعمان، همان، ص ۳۱۹ به بعد؛

۴. چگونه بپذیریم که امام مهدی (ع) وجود خارجی دارد؟

این اصل که مهدی رهبر موعود و منجی عالم بشریت است، به صورت عام در احادیث نبوی، و به صورت خاص در روایات ائمه اهل بیت (ع) آمده است. در این روایات مسأله به گونه‌ای مورد تأکید قرار گرفته که جای هیچ گونه شکی باقی نمی‌گذارد. چهارصد حدیث فقط از طریق برادران اهل سنت شمارش شده که به ضمیمه روایات شیعه به بیش از شش هزار روایت می‌رسد.^۱ چنین آماری بسیار بالاست. در مورد خیلی از مسائل بدیهی اسلام که مسلمانان به آن معتقدند، این همه روایت وارد نشده است. اما تجسم این اندیشه در وجود امام دوازدهم (ع) دلایل کافی دارد که کاملاً اقناع کننده است. این دلایل را می‌توان در دو دلیل یکی نقلی و دیگری علمی، خلاصه کرد.

دلیل نقلی، وجود امام موعود را اثبات می‌کند و دلیل علمی، ثابت می‌کند که مهدی یک اسطوره و فرضیه نیست، بلکه حقیقتی است که وجود او در تاریخ لمس شده است. صدها روایت و حدیث از پیامبر (ص)^۲ و ائمه اهل بیت (ع) رسیده است که می‌گویند مهدی موعود دارای این خصوصیات است. دلیل علمی تجربه است، تجربه‌ای که مدت زمان هفتاد سال، گروهی از مردم با آن زندگی کردند؛ یعنی «غیبت صغری»^۳.

۵. چرا امام زمان تاکنون ظهور نکرده است؟

هرکاری برای تغییر ساختار جامعه به وقوع بپیوندد، موفقیت آن

۱. ر.ک: منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر. صافی گلپایگان، لطف الله.
۲. ر.ک: معجم احادیث الامام المهدی، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ج ۱، احادیث نبوی.
۳. در این زمینه کتاب المهدی که عموی بزرگوارم، سیدصدر، قدس الله روحه الزکیه، تألیف فرموده‌اند، ملاحظه شود.

بستگی به یک سلسله شرایط و زمینه‌های خارجی دارد و تا همه آن شرایط کاملاً تحقق نیابد، امکان رسیدن به هدف وجود ندارد.

البته آن تغییرات اجتماعی که سرچشمه‌ای الهی دارد از نظر پیام، ربطی به عوامل خارجی^۱ ندارد؛ زیرا پیامی که زیربنای این تغییرات است، الهی و آسمانی است و شرایط خارجی در آن مؤثر نیست، ولی از جنبه اجرایی به شرایط بیرونی متکی است و موفقیت و زمان انجام آن بستگی به آن دارد و درست به همین جهت بوده است که آسمان در انتظار ماند تا پنج قرن از جاهلیت بگذرد و آن وقت آخرین پیام خود را به واسطه حضرت محمد (ص) فرستاد؛ و با آنکه جهان در دوران فترت نیاز شدید به پیامبر داشت، ولی به خاطر وابستگی اجرایی به شرایط خارجی در آن تأخیر شد. این عوامل خارجی که اجرای اصلاحات بدان نیاز دارد عبارت است از فضای مناسب و جو عمومی برای تغییرات مورد نظر و برخی جزئیات که جنبش انقلابی در پیچ و خمهای باریک آن را می‌طلبد. سنت تغییرناپذیر الهی بر این است که اجرا و ایجاد تغییرات اصلاحی بستگی به عوامل خارجی، فضای مناسب و جو عمومی داشته باشد و به همین جهت بوده است که اسلام پس از یک دوره طولانی و پس از چندین قرن ظهور کرد.

۱. علی رغم اینکه شهید صدر، در اینجا به عوامل خارجی و نقش آن در پیروزی انقلابها، اهمیت می‌دهد - که درکی عمیق از عوامل اجتماعی و روانی است - ولی ایشان نظریه جدیدی در راه فهم تغییرات اجتماعی که از ناحیه رسالت‌های آسمانی پدیدار می‌گردد، عرضه داشته است که از جهت رسالت و پیام، قانون خاص خود را دارد و از جهت موفقیت در اجرا وابسته به عوامل خارجی است. مقصود از عوامل خارجی، حال و سیاسی و اجتماعی مردم، واقعیت‌های بین‌المللی و توانایی‌های مردم در بهره‌وری از امکانات ذاتی و استعداد‌های روحی است.

ما موقعیت امام زمان (ع) را با این دید بررسی می‌کنیم تا دریابیم که انقلاب او از نظر اجرا همانند همه انقلابها به زمینه‌های عینی و خارجی بستگی دارد و بایستی فضای مناسب موجود باشد. از این رو طبیعی است که منتظر آن شرایط باشیم و همه می‌دانند که حضرت مهدی کارش محدود به یک منطقه و یک بخش از جهان نیست و رسالتی که از جانب خداوند بزرگ بر دوش او گذاشته شده، جهانی است و بایستی همه بشریت را از تاریکی ستم به روشنایی عدل، رهنمون گردد. برای اجرای چنین تحول بزرگی تنها وجود رهبر صالح کافی نیست و گرنه در همان زمان پیامبر این شرایط وجود داشت. پس این تحول بزرگ، فضای مناسب جهانی را می‌طلبد که همه زمینه‌های خارجی لازم برای انقلاب عمومی در آن وجود داشته باشد.

عامل اساسی در ایجاد این فضای مناسب و پذیرش پیام جدید عدالت توسط مردم همانا احساس پوکی و پوچی است که انسان متمدن آن روز خواهد کرد و منشأ این احساس، تجربه‌های مختلف بشری از تمدن است؛ تمدنی که جنبه‌های منفی آن پشت او را خم می‌کند و به آنجا می‌رسد که می‌فهمد شدیداً نیاز به کمک دارد و از عمق جان، توجه خود را به عالم غیب یا منبعی مجهول، معطوف می‌دارد.

۶. آیا یک فرد می‌تواند سرنوشت بشریت را تغییر دهد؟

منشأ و خاستگاه این پرسش مربوط به دیدگاه خاصی است که تاریخ را این چنین تفسیر می‌کند که انسان در حرکت تاریخ، عامل ثانوی و فرعی است^۱ و عامل اصلی، نیروهای مادی و خارجی هستند که انسان را

۱. اشاره به نظریه مادی تاریخ است؛ یعنی تفسیری که مارکسیسم از تاریخ دارد. در کتاب

احاطه کرده‌اند! در نتیجه، یک فرد در بهترین حالات، مفسر جهت‌گیری آن عامل اصلی است و چیزی جز این نیست. در حالی که به نظر ما اساس تاریخ بر دو محور قرار دارد: یکی انسان و دیگری عوامل مادی که انسان را احاطه کرده است؛ همان طور که عوامل مادی و ابزار تولید و طبیعت در انسان اثر می‌گذارد، انسان نیز در اطراف خود و در دیگر عوامل خارجی اثر می‌گذارد و هیچ توجیهی وجود ندارد که بگوییم حرکت از ماده شروع و به انسان ختم می‌گردد؛ مگر عکس آن را هم بپذیریم که ممکن است حرکت از انسان شروع و به ماده ختم گردد. زیرا انسان و ماده در طول زمان در یکدیگر اثر می‌گذارند. به ویژه شخصی که واسطه میان زمین و آسمان است و خود همانند یک نیرو برای حرکت تاریخ عمل کند و این چیزی است که در تاریخ پیامبران بویژه در تاریخ پیامبر خاتم (ص) وجود دارد.^۱

اقتصادنا، ج ۱، ص ۱۹ تحلیل علمی و بحث فلسفی عمیقی در این زمینه شده است.

۱. ر.ک: به فلسفتنا و مقدمه اقتصادنا.

۴. امام عدالت کستر

عصر زندگی. محمد حکیمی.

قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.

درباره کتاب

نام کتاب نخست این سؤال را برمی‌انگیزد که مگر بشریت در روزگاران طولانی زندگی خویش، به عصر زندگی و دوران حیات گام نهاده است؟ و مگر روزگاران گذشته و کنونی زندگی او، دوران مرگ و مردگی بوده است. این کتاب، به روشن ساختن همین حقیقت نظر دارد، که زندگی راستین و حیات انسانی، با همه ویژگیهایی که برای آن برشمرده‌اند و شایسته انسان و اجتماعات انسانی است، تا کون تحقق نیافته است.

در کدام دوره از تاریخ کهن، سراسر آبادیهای زمین، آکنده از عدالت اجتماعی و اقتصادی بوده است؟ در کدام دوره، همه انسانها در پهنه

زمین تربیت درست انسانی یافته‌اند؟ در کدام زمان، دانش و آگاهیهای انسانی، در همه مسائل حیات، به اوج تکامل و حقیقت‌یابی رسیده است؟ در کدام عصر، انسان همه امکانات و نیروهای بالقوه خویش را به فعلیت رسانده و همه استعدادهای نهفته فطرت خود را شکوفا ساخته است؟ در کدام سده انسانیتهای بر زندگی حاکم گردیده و ناانسانیها بکلی از جامعه‌ها بیرون رانده شده است؟

نویسنده در میان موضوعات مطرح درباره حضرت مهدی (ع)، موضوعی را برگزیده که کارآمد، به روز، عطش‌آفرین و تاحدی دارای سخنی تازه در مسائل اجتماعی و سیاسی عصر حاضر است. آنچه کتاب در تمام بخشها به آن می‌پردازد، «عدالت اجتماعی» است؛ موضوعی که جهان تشنه آن است.

مطالبی که در این کتاب مطرح شده، تا حد زیادی کاربردی است و مخاطب را به تأمل وادامی دارد. تنوع مباحث بر اهمیت کتاب می‌افزاید، خصوصاً اینکه این امور با ارائه مطالب آماری و علمی روز (در پانوشت کتاب) ذکر شده است.

سعی نویسنده بر آن بوده که با نگاه روز به مسائل بنگرد و احساس تشنگی را از همان آغاز - ولو با عنوان کتاب عصر زندگی - به خواننده متذکر شود. او کوشیده مباحث را به صورتی تحلیلی با کمک گرفتن از آیات و روایات تبیین و تفسیر نماید.

مؤلف با استفاده از حدود سیصد نمونه از آیات و روایات، خواننده را به سخن امروزی داشتن آیات و روایات و تأمل در آنها فراخوانده است. عصر زندگی می‌کوشد با تحلیلهای نسبتاً مناسب، در بخشهای

متفاوت کتاب، به بعضی از بیماریها و آفاق اخلاقی یا اجتماعی بشر و مشکلات و آسیبهای جریانهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و... پیش از ظهور پرداخته و علت پیدایش آن را ذکر کرده و راه برطرف شدن آنها را نیز توضیح دهد.

از موارد مثبت این است که نویسنده، جریان مبارزات، و سختیها و شیرینیهای دوران پس از ظهور و حکومت حضرت مهدی (ع) را امری خارق العاده و دور از دسترس قلمداد نکرده، بلکه به طبیعی بودن مشکلات و مسائلی که در مقابل هر انقلاب و حکومتی - مخصوصاً انقلاب و حکومت دینی - قد علم می کند، پرداخته است؛ یعنی حضرت مهدی (ع) نیز مانند همه پیامبران و امامان (ع) درگیر مشکلات و مسائلی خواهد بود و حکومت ایشان نیز روالی طبیعی داشته و بر مجرای واقعیت است. گرچه امدادهای غیبی نیز قابل نفی نیست. مؤلف این مسائل را در مطالبی نسبتاً مرتبط مطرح می کند و با اشاره ای تطبیقی به حکومت پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) خوانندگان را با نوع حکومت امام زمان (ع)، آشنا می سازد. وی مشکل اساسی بشر را، یأس، سرخوردگی و عصر زندگی را امیدی فراروی بشر می داند و در این میان مسأله انتظار را بسیار خوب مطرح می سازد و منتظر را به فضای انتظار کشانده، احساس صمیمانه ای میان او و امامش برقرار می سازد.

نویسنده به دنبال گشودن دریچه امید به فردای باطراوت برای بشریت گرفتار یأس و سرخوردگی هاست که با ظهور مهدی موعود (عج) تحقق خواهد یافت و برای این کار، مطالب ارزشمند و وزینی ارائه می دهد. کتاب دارای بیست بخش است که گزارش محتوایی آن در پی می آید:

۱. عدالت اجتماعی

در احادیثی که درباره قیام مهدی (ع) آمده است، دعوت به توحید و مبارزه با شرک و کفر اعتقادی، به اندازه ایجاد عدالت و اجرای آن، مورد تأکید قرار نگرفته است.

ایجاد عدالت، اقدام اصلی و سرلوحه همه برنامه‌های حضرت مهدی (ع) است، چنانکه این اصل از نخستین هدفها و اصلی‌ترین برنامه‌های همه پیامبران بوده است.

امام در برابر طبقات آگاه و عالمان و روشنفکرانی که بخواهند به گونه‌ای در برابر اجرای عدالت بایستند، مقاومت می‌کند؛ و با کسانی که با توجیه کلام خدا و تأویل آیات قرآن کریم، قصد تضعیف مبانی انقلاب او را دارند، درگیر می‌شود و آنان را از جلو راه انقلاب برمی‌دارد.^۱

۲. در سایه شمشیر

از کارهای حتمی امام موعود (ع) جنگی تمام عیار با تمام انسان‌نماهای خون‌آشام است. در آغاز آن انقلاب بزرگ، جنگ در رأس همه کارها قرار دارد. این موضوع در آیات بطور کلی و در احادیث بطور مشروح آمده است.^۲

۳. تدارک جنگ و تربیت جنگاوران

بی‌تردید، جنگی با این گستردگی و توفندگی و درگیری با همه پایگاههای سلطه و قدرت در جهان بویژه با توجه به عمق و گستردگی روزافزون قدرت اقتصادی و نظامی سلطه‌گران، مشکلات فراوانی در پی

۱. عصر زندگی، صص ۲۴ - ۲۳.

۲. همان، ۵۹.

خواهد داشت. زیرا که امام برنامه‌های خود را - بطور کلی - از راه عادی و در چهارچوب معیارها و سنتهای طبیعی - نه ماورای طبیعی و غیبی، مگر در مواردی خاص - اجر می‌کند. پس باید دستیارانی ویژه داشته باشد، دستیارانی نستوه و خستگی ناشناس که در بُعد بدنی و روحی، شایستگی لازم برای تحمل چنین مبارزات را در جریان بحرانی جهانی و دگرگون‌ساز داشته باشند.^۱

یاران امام در این پیکار بزرگ، در درجه نخست ۳۱۳ تن هستند که در روایات فراوانی از آنان سخن رفته است. ایشان انسانهایی خودساخته و دریادلانی مجهز به سلاح معنوی و مادی هستند که در بُعد جسمانی نیرومند و پُرتوانند، و در بُعد معنوی دارای قدرت اراده‌ای نافذ که بر انبوه مشکلات فایق می‌آیند و خواسته‌های پیشوای خویش را بی‌کم و کاست تحقق می‌بخشند، و بدون مجامله و سازش و نرمش و ضعف و ترس، حق دقیق و عدل صریح را در عینیت جامعه شکل می‌دهند.

قیام امام مهدی (ع) با ۳۱۳ تن افراد مخصوص و مشخص آغاز می‌گردد، لیکن تهاجم برای گسترش قیام و انقلاب به دیگر نواحی جهان و آزادی ملت‌های دربند، پس از گردآمدن ده هزار نفر آغاز خواهد شد و تردید نیست که بتدریج بر این گروه نیز افزوده خواهد گشت، و آزادگان وارسته دیگری صحنه به صحنه به این ارتش خدایی خواهند پیوست؛ و به گفته علامه مجلسی: «یاران آن امام محدود در ۳۱۳ تن نیستند، بلکه این گروه در آغاز قیام نزد او حضور می‌یابند.»^۲

در تشکیل هسته اصلی آن پیکار بزرگ و جهاد مقدس، زنان نیز نقش

دارند و طبق تعبیر برخی از احادیث حدود پنجاه زن، از یاران اصلی امام و همراه هسته مرکزی آن قیام و همراه ۳۱۳ تن می‌باشند.^۱

۴. سازش ناپذیری

امام مهدی (ع) در راه و کار خود سازش ناپذیر است و در اجرای حدود و احکام الهی و مبارزه با ستمگران قاطعیتی خدایی دارد، چشم‌پوشی و مسامحه‌ای در راه و روش او نیست، از ملامت ملامتگران نمی‌هراسد، از هیچ مقام و قدرتی نمی‌ترسد، و بدون هیچگونه ملاحظه‌ای تبه‌کاران را کیفر می‌کند و صالحان زاهد و ساده‌زیست و بی‌آلایش را در مصادر امور می‌گمارد.^۲

۵. تصحیح انحرافهای فکری

از اقدامات مهم امام، تصحیح انحرافهایی که به مرور ایام در تفسیر احکام و توجیه مبانی دین روی داده و حذف برداشتهای غیر اسلامی و نادرست است که به نام اسلام به اذهان القا شده، و در مبانی دین تحریف معنوی یا موضعی پدید آورده است.^۳

کوشش امام و رسالت او تطبیق درست و دقیق تعالیم قرآن بر مسائل حیات بشری و مشخص کردن حد و مرزهای واقعی احکام اسلام است، به گونه‌ای که توجیه و تأویل بردار نباشد، و مانع هرگونه انحراف و کژی و بدآموزی را شود. دگروار تفسیر کردن تعالیم اسلامی، منحصر به احکام فرعی و فقهی و مسائل اجتماعی و اقتصادی نیست، بلکه اصول دین نیز مشمول این جریان است.^۴

۳. همان ۸۹.

۲. همان ۷۷.

۱. همان ۷۴.

۴. همان ص ۹۷.

۶. وحدت عقیدتی و مرامی

برای تشکیل جامعه واحد و امت واحده، یک موضوع واحد ضروری است و آن جهان بینی واحد و اعتقاد واحد است.^۱

در دوران ظهور و روزگار دولت عدل بنیاد مهدی (ع)، جهان بینی واحدی بر جهان حاکم می‌گردد، و راه و روش و برنامه‌ها نیز یکی است؛ و یکپارچگی و یگانگی واقعی در عقیده و مرام پدید می‌آید؛ و مردمان همه یکدل و یک زبان به سوی سعادت و صلاح حرکت می‌کنند. ناسازگاری و دوگانگی در اندیشه‌ها و عقیده‌ها نیست، چنانکه در راه و روشهای اجتماعی نیز اختلاف و چندگانگی دیده نمی‌شود.^۲

۷. رفاه اقتصادی

از برنامه‌ها و اقدامهای امام مهدی (ع)، پدید آوردن رفاه در کل جامعه بشری است. در آن دوران، طبق ترسیم آیات و احادیث، جامعه بشری واحدی تشکیل می‌گردد که مانند خانواده‌ای زندگی کنند، و مسئله ناهنجار جوامع پیشرفته و ابرقدرت، و جامعه‌های در حال رشد، و جامعه‌های عقب مانده و محروم، از میان می‌رود و بشریت به طور کلی به رفاه اقتصادی و بی‌نیازی دست می‌یابد؛ و همین، چگونگی زمینه‌سازی رشد و تعالی معنوی و فکری انسان را می‌سازد.^۳

نویسنده در ادامه به بررسی عواملی می‌پردازد که برای رفاه اقتصادی مردم مورد توجه امام است. این عوامل عبارتند از: برقراری عدالت اجتماعی، اجرای اصل مساوات، عمران و آبادی زمین، پیشرفت فنون، بارانهای مفید و پیاپی، برنامه‌ریزی درست و از یک نقطه، بهره‌برداری از

۱. همان ص ۹۹.

۲. همان ص ۱۰۰.

۳. همان ص ۱۰۷.

معادن و منابع زیرزمینی، بازپس‌گیری ثروت‌های غصب‌شده، استفاده از همه عوامل عمومی و خصوصی، و کنترل و نظارت دقیق مرکزی

۸. مساوات

از برنامه‌های امام مهدی (ع)، اجرای اصل مساوات است. در احادیث بارها و بارها به این موضوع تصریح گشته است.

مساوات، با ابعاد گوناگون و در زمینه‌های مختلف، در تعالیم اسلامی آمده و از آغاز دعوت اسلام آموزش داده شده است.

تعالیم اسلام با مساوات چنان درآمیخته است که دور و نزدیک و مسلمان و غیرمسلمان، اسلام را دین مساوات می‌دانند.

اصل مساوات و برابری، در آیات قرآن و احادیث پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع)، فراوان مورد تأکید قرار گرفته، و ابعاد و جوانب آن تبیین شده است. مساوات در چندین زمینه ممکن است جریان یابد که این زمینه‌ها بنیاد و پایه مساوت در زمینه‌های دیگر است:^۱

۱. مساوات در نظام تکوین و آفرینش

۲. مساوات در برابر قانون

۳. مساوات در بهره‌برداری از مواهب طبیعی

۴. مساوات در تقسیم بیت‌المال

۵. مساوات به عنوان نوعی مسئولیت اجتماعی

۹. حاکمیت فراگیر جهانی

از برنامه‌های امام مهدی (ع)، تشکیل حکومت فراگیر جهانی و اداره

همه/اجتماعات از یک نقطه و با یک سیاست و برنامه است. در آن دوران و به دست امام آرمان والای تشکیل جامعه بزرگ بشری و خانواده انسانی تحقق می پذیرد، و آرزوی دیرینه همه پیامبران و امامان و مصلحان و انسان دوستان برآورده می گردد.^۱

۱۰. حکومت مستضعفان

تشکیل دولت مستضعفان و تحقق بخشیدن به آرمان والا و الهی حکومت فرودستان و عقب نگهداشته شدگان، از برنامه های اصلی و اقدامهای اساسی و تردیدناپذیر امام موعود (ع) است. در جامعه و نظامی که امام مهدی (ع) بنیاد می نهد، زمام همه امور در دست طبقات محروم است و این مستضعفانند که بر آن حکم می رانند، و به اداره جامعه می پردازند. چنین آرمانی هدف اصلی همه ادیان آسمانی بویژه اسلام بوده است.^۲

۱۱. آیین و روش جدید

با توجه به اینکه قرآن کریم، کتاب جاودان الهی است و اسلام آیینی ابدی، چگونه امام مهدی (ع) آیین جدید و کتاب تازه برای بشریت به ارمغان می آورد؟

آیین نو و کتاب جدید و برنامه و راه و روش تازه و دیگر تعبیرهایی از این دست که در احادیث رسیده، برای تبیین مسائلی چند است:

۱. در گذشته بنا به عللی، احکام و معارف فراوانی از مجموعه فرهنگ اسلام تبیین نگشته یا متناسب با سطح فرهنگ و فکر اجتماعات گذشته نبوده یا زمینه عملی آنها وجود نداشته است. بی گمان بازگویی چنین

معارف و علوم و مسائل، برای جامعه اسلامی، ناشناخته خواهد بود و چون امام مهدی (ع) این تعالیم را از ظاهر و باطن قرآن کریم استنباط می‌کند و به مردم می‌آموزد، تازگی داشته و آیین نو و کتاب جدید انگاشته می‌شود.

۲. تعالیم و احکامی از قرآن کریم و اسلام فراموش شده و از یادها رفته است، به گونه‌ای که در جامعه اسلامی ناآشنا و برای مسلمانان ناشناخته است. طرح این مسائل نیز کتاب و آیین نو پنداشته می‌شود.

۳. اصول و احکام فراوانی دچار تحریف و دگرگونی معنوی یا موضعی گشته است، و امام آنها را چنانکه در اسلام اصیل بوده است دیگر باره مطرح می‌سازد، و تحریف و انحرافهای روی داده را روشن می‌کند، و مفهوم حکم یا جایگاه آن را مشخص می‌سازد، و این با طرز تلقی و برداشت عمومی مردم و علما سازگاری ندارد. از این رو، برنامه جدید و راه و روش تازه حساب می‌شود.^۱

۱۲. رشد عقلی و تکامل علم

یکی از اهداف اصلی و اصول رسالت پیامبران نشر دانایی و گسترش آگاهی در میان جامعه انسانی است، دانایی و آگاهی در همه زمینه‌ها، از خودشناسی تا خداشناسی، و از ذره‌شناسی تا جهان‌شناسی.^۲

این موضوع از مهمترین برنامه‌ها و اقدامهای امام مهدی (ع) است. او از حقایق گسترده و جهانی برای بشر پرده برمی‌دارد، و مردمان را به دانشهای یقینی و درست هدایت می‌کند، و شناختهای ناب و خالص به ارمغان می‌آورد، و از این رهگذر دو محور اساسی تحقق می‌پذیرد:

۱. همان، صص ۱۷۵ - ۱۷۶. ۲. همان، ص ۱۸۵.

۱. با گسترش شناخت و کشف اسرار کائنات، پایه‌های خداشناسی استوار می‌گردد.

۲. گسترش شناخت و دانایی، تشکیل جامعه انسانی و بسامان و مرفه را ممکن می‌سازد.^۱

۱۳. امنیت اجتماعی

امام مهدی (ع) پدیدآورنده امنیت اجتماعی است، امنیتی که بشریت در تمام دوران تاریخ خود مانند آن را ندیده است. او در جامعه عدالت بنیاد خود، همه معیارها و ضوابط غیر انسانی و نادرست را کنار می‌زند، و علل و عوامل دلهره، نگرانی و ترس را نابود می‌کند، و بیم‌آفرینان و هراس‌انگیزان را از سر راه جامعه برمی‌دارد، و اعمال نفوذها و قانون شکنیها را نفی می‌کند، و حرکت جامعه و روابط اجتماعی را بر پایه‌های قانون و عدل و احترام به حقوق و ارزش انسان استوار می‌سازد. در آن دوران سعادت بار، هیچ حقی تضییع نمی‌گردد و هرکس در هر مقام، به بیش از آنچه حق دارد، دست نمی‌یابد. همه چیز به اندازه و حساب و حق است. به معنای واقعی کلمه اراده آزاد انسانی در قلمرو درست و قانونی خود حرکت می‌کند و انسانها بی‌مانع، امکان‌پذیر شدن و رشد را می‌یابند.

در این جامعه، انسان به انسان نزدیک می‌شود، دوستی و مهرورزی جای‌کینه‌توزی و دشمنی را می‌گیرد. تضاد، درگیری و تزاخم، جایش را به رقابت سالم و آزاد و انسانی می‌دهد. و دارالاسلام و جامعه امن و زندگی آرام و آسوده‌ای که نمونه زندگی در بهشت جاوید است، نصیب انسان می‌گردد.^۲

۲. همان، ص ۱۹۹.

۱. همان، ص ۱۸۸.

۱۴. رشد تربیت انسانی

بهترین قوانین، بهترین مجریان را می‌طلبد. از این رو، ساختن انسان و پرورش و رشد انسانیت انسان و تربیت اصولی افراد انسانی، مقدمه اصلی تشکیل هر نظام صالح و انسانی است؛ و همواره هدف نخستین مصلحان واقع‌گرا و انسان‌شناس است.

امام مهدی (ع)، از این نقطه زیربنایی آغاز می‌کند تا برنامه‌های دیگر او به شایستگی انجام یابد، و زمینه‌ها و شرایط و عوامل اصلی صلاح، شایستگی، بسامانی، رفاه، عدالت، دادگری، قانون‌شناسی، تعهدپذیری، مهرورزی، محبت، ایثار و فداکاری در سطح جامعه‌ها پدیدار گردد.^۱

۱۵. اصول بیعت

از برنامه‌ها و روشهای امام مهدی (ع)، پیمان‌گزاری با یاران خویش است. امام مهدی (ع) نیز چون نیاکان خویش از یارانش بیعت می‌گیرد، و با آنان پیمان می‌بندد. پیمان امام بر سر اصولی است که راه و رسم و شیوه و روش او در حکومت را تبیین می‌کند، و قابل ژرف‌نگری است. مهمترین اصول این بیعت عبارت است از:

۱. احترام به ارزش انسان
۲. احترام به حقوق انسان
۳. دادگری و عدالت‌گستری
۴. دوری از هرگونه مال‌اندوزی و گرایش به سرمایه‌داری
۵. دوری از ظلم

۶. دوری از زندگی اشرافی

۷. دوری از احتکار

۸. ساده زیستی و همسانی با توده‌های محروم و مستضعف

۹. پذیرش زندگی دشوار و خاکی

۱۰. ایثار و فداکاریهای بزرگ^۱

۱۶. وضع معابد

مبازره با بدعتها و روشهای نا انسانی و غیر اسلامی در همه زمینه‌ها -
بویژه تصفیة مذهب و سازمانهای وابسته به آن - از کارهای امام
موعود(ع) است. از این رو، ریشه‌سوزی بدعتها در مساجد و معابد کاملاً
مورد توجه است.^۲

۱۷. سامان‌یابی زندگی

مؤلف برای اینکه نشان بدهد امام مهدی (ع) چه برنامه‌هایی را
عرضه می‌کند و با چه روشهایی می‌ستیزد و چه اصولی را جایگزین آنها
می‌سازد، ویژگیهای اجتماعات انسانی پیش از ظهور را تبیین می‌کند که
عبارت است از:

۱. انحراف در معیارها برای شناخت حق ۲. گسیختن روابط
- انسانی ۳. گسستن روابط خانوادگی ۴. انگیزه‌های غیرانسانی در روابط
- اجتماعی ۵. روابط سودجویانه و استثمار ۶. حاکمیت معیارهای
- سرمایه‌داری ۷. تزییع عبادات ۸. جدایی و تفرقه ۹. کنار گذاشتن
- اصول و چنگ زدن به فروع

۱۸. انتظار

نویسنده با استفاده از کتاب *مکیال المکارم* درباره مفهوم انتظار چنین می‌نگارد. «انتظار کیفیتی روحی است که موجب بوجود آمدن حالت آمادگی است برای آنچه انتظار دارند، و ضد آن یأس و ناامیدی است. هرچه انتظار بیشتر باشد آمادگی نیز بیشتر است؛ آیا نمی‌بینی اگر مسافری در راه داشته باشی و چشم به راه آمدن او باشی، هرچه زمان رسیدن او نزدیک گردد، آمادگی برای آمدنش فزونی می‌یابد. حالت انتظار، گاهی به پایه‌ای می‌رسد که خواب از چشم می‌گیرد، چنانکه درجات انتظار از این نظر تفاوت می‌کند، همچنین از نظر حب و دوستی نسبت به آنچه را انتظار دارند تفاوت دارد، و هرچه عشق به «منتظر» افزون باشد آمادگی برای (فرا رسیدن) محبوب افزون می‌گردد، و (دیر آمدن) فراق محبوب دردناک می‌شود، تا بدانجا که (انسان) «منتظر» از خود بی‌خود می‌شود و دردها و سختیهای دردآور و مشکلات وحشت‌انگیز خود را (در راه محبوب خود) حس نمی‌کند»^۱.

الف) انتظار امام و امت: امام و امت هر دو منتظرند. امت در انتظار امام و منتظر خویش است؛ و امام نیز همواره در انتظار بسر می‌برد.^۲

انتظار در روان ژرف و بیکرانه امام منجی که قلب جهان است، حالتی ویژه دارد و با انتظارهای دیگر تفاوتی اصولی.

امام موعود(ع)، در انتظار به پایان رسیدن غمنامه بزرگ انسان، و در انتظار ورق خوردن آخرین برگ سیاه تاریخ، و پایان یافتن فاجعه دردناک و بزرگ ستم و ستمگری است. او براستی منتظر است، منتظر راستین

۱. مکیال المکارم فی فوائد الدعاه للقيام، ج ۲، ص ۱۵۲. ۲. عصر زندگی، ص ۲۶۳.

زندگی درست در جامعه انسانی و تحقق عدالت و قسط قرآنی.^۱
در برخی از احادیث، «انتظار فرج» برترین کارها به شمار آمده است.
شاید یکی از علل این گونه آموزشها این بوده که پیروان امام مهدی (ع)
بکوشند تا خود را به امامشان نزدیک کنند، و مانند او بیندیشند و امت با
امام در انتظار بسر ببرند.^۲

امام، سراپا شوق و عشق به نجات انسان و چشم به راه گشایش و فرج
در کار محرومان و مستضعفان است همواره و هر روز و هر شب، در سوز
این انتظار و اشتیاق به سر می برد؛ و دل دریاسان او کانون فروزان این
شورها و احساسهای الهی انسانی است. او همواره در این انتظار به سر
می برد، و این ویژگی انتظار اوست؛ و شور و انتظاری با این ابعاد و
ژرفایی و عالم گستری، ویژه دل بیکرانه اوست.^۳

انتظار امام مهدی (ع)، به انتظار و اشتیاق حضرت یعقوب (ع) مانند
شده است.

ب) انتظار و تعهدهای انسانی: انتظار در ابعاد گوناگون حیات انسانی،
آثاری ژرف می گذارد. بیشترین تأثیر آن در بعد تعهدها و مسئولیتهای
اجتماعی و احساس دیگرخواهی و انسان دوستی عینیت می یابد؛ زیرا
در مفهوم انتظار، انسان گرایی ژرف و گسترده ای نهفته است.^۴

ج) انتظار و آمادگی نظامی: انتظار، نخست یک آرمان و عقیده
است، و سپس در عمل و عینیت آشکار می گردد؛ و انسان منتظر، به
مرزبانی و پاسداری از حوزه جغرافیایی و فرهنگی و ایدئولوژیکی خود

۳. همان، ص ۲۷۵.

۲. همان، ص ۲۶۵.

۱. همان، ص ۲۶۵.

۴. همان، ص ۲۷۸.

و همکیشان و هم مسلکان خویش می پردازد.^۱

(د) عنصر صبر در انتظار: انتظار بدون عنصر پایداری و شکیبایی در برابر مشکلات، پوسته‌ای بدون مغز و قالبی بی محتوا است؛ و در حقیقت انتظار نیست. روح و جوهر اصلی انتظار، مقاومت و صبر است.^۲

(ه) انتظار لحظه به لحظه: برای ظهور، وقت تعیین نشده و همواره وقوع آن را امری ناگهانی توصیف کرده‌اند و با واژه‌های «فُجْأَةً» و «بَغْتَةً» از آن سخن گفته‌اند که هر دو به معنای وقوع ناگهانی و یکباره است.^۳

۱۹. سیره عملی و روش شخصی امام موعود (ع)

امام مهدی (ع)، چون همه پیامبران و رهبران راستین و شایسته الهی، بسیار ساده زیست است. لباسهای درشت و کم بها می پوشد. خوراک خشک و ناگوار می خورد. با آسایش و تن آسایی هیچ آشنایی ندارد. با کام و کاموری بیگانه است. چون پیامبران از هرگونه تعظیم و بزرگداشت و ستایش پرهیز دارد. ایشان به معنای واقعی کلمه، زاهد است، و جز به ضروریات این زندگی تن نمی دهد، و در سطح پایین ترین طبقات، بلکه دشوارتر از آنان زندگی می کند.^۴

۲۰. تداوم راه پیامبر (ص)

امام مهدی (ع) تداوم بخش راه پیامبران و تحقق دهنده اصول رسالت‌های الهی است. او در خط اصلی وحی آوران گام برمی دارد، و تمام تعالیم آنان را در همه بخشهای زندگی جامعه عینیت و عمل می پوشد. راه و روش او، راه و روش پیامبران است.^۵

۳. همان، ص ۲۹۵.

۲. همان، ص ۲۹۰.

۱. همان، ص ۲۸۴.

۵. همان، ص ۳۰۵.

۴. همان، ص ۳۰۱.

۵. راه مهدی، راه خدا

راه مهدی. سیدرضا صدر. به اهتمام سیدباقر خسرو شاهی.

قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱.

درباره نویسنده کتاب

آیت الله سیدرضا صدر، برادر بزرگ امام موسی صدر و فرزند مرحوم آیت الله العظمی سید صدرالدین صدر در سال ۱۳۳۹ ه. ق در مشهد مقدس بدنیا آمد. خاندان او از جمله پدر، عمو و پدر بزرگش از علمای برجسته و مراجع نامدار بودند. پدر بزرگش آیت الله سید اسماعیل صدر از شاگردان نامدار و مشاور میرزای شیرازی بود و نقش مؤثری در صدور فتوای تحریم تنباکو داشت.

خانواده ایشان اصالتاً از سادات جلیل القدر لبنان هستند و شهید سید محمدباقر صدر، از مراجع بزرگ عراق، داماد آنان، یعنی شوهر خواهر سیدرضا و امام موسی صدر بود. سیدرضا از طرف مادر نیز از خاندان

علمای بزرگ و نوه مرجع معروف آیت الله حاج آقا حسین قمی است. استاد سیدرضا صدر در دوران تحصیل در مشهد و قم همدرس و هم بحث استاد شهید مطهری و شهید آیت الله مدنی و در دوران تحصیلات عالی از شاگردان برجسته مرحوم آیت الله بروجردی، آیت الله حجت و امام خمینی بوده است. او بزودی به درجه رفیع اجتهاد رسید و بسیاری از فضلاء حوزه های قم و تهران از جمله شهید آیت الله سید مصطفی خمینی را پرورش داد.

ایشان بیش از نیم قرن از طریق تدریس، قلم و بیان در نشر معارف الهی و فرهنگ اهل بیت (ع) کوشید و سرانجام در ۲۸ جمادی الاولی ۱۴۱۵ هـ ق برابر با دوازدهم آبان ۱۳۷۳ ش در سن ۷۶ سالگی درگذشت و در کنار بارگاه ملکوتی حضرت معصومه (ع) در قم به خاک سپرده شد. بسیاری از بزرگان، مراتب والای علم و تقوا و بینش و منش وی را ستوده اند، استاد شهید مطهری ضمن نامه ای به هیأت مؤسس حسینیه ارشاد، برای تشکیل شورای عالی روحانی به عنوان یک مرکز اجتهادی و شورای فتوا، چند تن از بزرگان علما را معرفی کرده که مرحوم آیت الله صدر از جمله آنها بوده است.

آیت الله شبیری زنجانی که بر جنازه مرحوم صدر نیز نماز گزارد، درباره ایشان گفته است: «من هر چه نظر کردم، در حوزه علمیه قم فردی چنین جامع الاطراف و پُر اطلاع که بر اغلب علوم اسلامی در سطح عالی مسلط باشد، غیر از ایشان نیافتم.»

آثار مکتوب آیت الله صدر که اغلب آنها چاپ و برخی ترجمه هم شده و از نوشته های ارزشمند معاصر است، متجاوز از ۴۰ عنوان

می باشد. از آن جمله است:

- ۱- تفسیر سوره حجرات ۲- حُسن یوسف (تفسیر سوره یوسف (ع)) ۳
 - راه قرآن ۴- راه محمد (ص) ۵- راه علی (ع) ۶- راه مهدی (عج) ۷-
 - محمد (ص) فی القرآن ۸- المسيح فی القرآن ۹- حاشیه بر اسفار ملاصدرای
 - شیرازی ۱۰- فلسفه آزاد ۱۱- استقامت ۱۲- حسد ۱۳- دروغ ۱۴- دیوان
 - اشعار ۱۵- زن و آزادی ۱۶- مرد وفا ۱۷- بانوی کربلا ۱۸- پیشوای شهیدان.
- در این مقاله به معرفی و بررسی و گزارش تحلیلی کتاب راه مهدی خواهیم پرداخت.

۱. چهارمی که مساوی است با یک

راه مهدی، همان راه محمد (ص) و علی (ع) و راه قرآن است. راه محمد (ص) راه خداست، راه علی (ع) راه خداست. راه قرآن راه خداست. راه مهدی نیز، راه خداست. چهار راهی است که نظیر ندارد و بی مانند است. این چهار راه نیز مساوی با یک است. جانشینان رسول خدا، بی کاهش و بی افزایش دوازده تن هستند. راه خدا همین است و راه مهدی چنین است.^۱

۲. نظریه مهدی

انسان کامل و مقدسی که رهبری جهان را به دست خواهد گرفت و به کمک عقل بشر خواهد شتافت و برپادارنده عدالت ابدی و جهانی خواهد بود، در زبان دانش و معرفت «مهدی» نامیده شده است.

این نام را اسلام برای حضرتش نهاده است؟ آری.

مهدی کسی است که ظلم و ستم را از جهان برگند و خاور و باختر و شرق و غرب را از عدل و داد برای همیشه آکنده سازد.

نظریه مهدی، سمبل مبارزه با ظلم و بیدادگری و برانداختن ستمکاری از صفحه گیتی است. این نظریه از امیدهای اصلی و اجتماعی بشر بوده و هست و در کانون نهاد هر کس، چنین امیدی موجود است و حضرت مهدی نور این امید است. همه ادیان و مذاهب بشری از ظهور این منجی خبر داده و کسی را نام برده‌اند که او مهدی خواهد بود.

ارمیای پیغمبر در تورات از جنگی عظیم و جهانی خبر می‌دهد که دو سوم مردم زمین را نابود می‌کند. سپس عادل می‌آید و جهان را اصلاح می‌فرماید.

زیور داود، از آمدن مصلحتی نوید می‌دهد که دریا تا دریا را داد کند و تمامی امتهای جهان اطاعتش کنند.

یهود و جهودان، «عزیر» نبی را مهدی می‌دانند.

مسیحیان و ترسایان، «مسیح» را مهدی می‌خوانند.

نزد گبران و زردشتیان، «بهرام» فرزند سوم زرتشت و یا «سوشنانت» است که جهان را پُر از پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک خواهد کرد.

بودائیان و برهمائیان نیز که ۲۲۰ فرقه گوناگون‌اند، انتظار بازگشت پیشوای خود را دارند. ایرانیان باستان نیز منتظر کیخسرو بودند و می‌گفتند روی نهان کرده و باز خواهد آمد.

ولی هیچ یک از ادیان گذشته، مانند اسلام، نظریه مهدی را محکم و استوار نساخت. نه تنها پیروان خود را به وجود مهدی مژده داد، بلکه پیروان مذاهب دیگر را متوجه این نظریه نمود که در مذهب خودشان،

اصل وجود مهدی ثابت است؛ و این یکی از حقهای بزرگ اسلام بر جامعه بشریت است.

آری، عدل مؤید از ارمغانهای اسلام برای اجتماع بشری است. حکومت واحد جهانی از ارمغانهای اسلام است. الغای تبعیضهای نژادی و بیان مساوات خلق، از ارمغانهای اسلام است. الغای طبقات اجتماعی و برتریهای قومی و ملی از ارمغانهای اسلام است.

اینک بایستی به کاوش پرداخت تا معلوم شود مهدی کیست و چگونه کسی است و بایستی چگونه باشد.^۱

۳. عدل عالمگیر

در عدل عالمگیر و حکومت واحد جهانی، تبعیض نژادی وجود ندارد؛ چون حکومت مردم است، نه حکومت نژادی و گروهی خاص. عدل عالمگیر، قوی و ضعیف نمی‌شناسد، ضعیف از مردم است، چنانچه قوی نیز از مردم است و هر دو با یکدیگر مساوی‌اند.

حکومت واحد جهانی، حکومت یک تن نیست، حکومت یک حزب نیست، حکومت خلق است و قدرت در دست مردم است و نه در دست حزب و نه در دست یک یا چند تن.^۲

عدل عالمگیر عدل سه بُعدی است: عدل دولت بر ملت، عدل ملت بر ملت، عدل ملت بر دولت.

عدل دولت بر ملت عبارت است از عدم تخلف از قانونی که فاقد زورگویی و استثمار ملی خواهد بود. قانونی است که به تصویب الهی

۲. ر.ک: همان، ص ۳۳.

۱. ر.ک: همان، صص ۲۹-۳۱.

رسیده باشد، خدایی که همه افراد بشر را می‌شناسد و به خصوصیات همگان آگاه است.

نمونهٔ عدل دولت بر ملت، حکومت علی (ع) است، گرچه حکوت او پایدار نماند. چون فاقد بُعد سوم یعنی عدل ملت بر دولت بود.

عدل ملت بر ملت، هنگامی محقق می‌شود که ظلم و ستم شخصی از میان افراد ملت بیرون رود. عدل ملت بر ملت، برقراری راستگویی و درستکاری در میان آحاد جامعه است. عدل ملت بر ملت یعنی هیچ فردی در نهان و آشکار به دیگری ظلمی نکند و ستمی روا ندارد.^۱

۴. حکومت الهی در جهان

شمارهٔ حکومت‌های الهی که تا کنون در جهان تشکیل شده، بسیار ناچیز است و قابل قیاس با شمارهٔ حکومت‌های بشری نیست.^۲

تأسیس حکومت الهی و دوام آن، روزی است که بشر لیاقت آن را داشته باشد و بُعد دوم و سوم عدالت را دارا باشد. قرآن از «عباد صالحون» تعبیر می‌کند.

نخستین حکومت الهی در جهان که پس از توفان نوح تشکیل گردید، حکومت حضرت یوسف پیغمبر در مصر بود. این حکومت، محبوبترین و پاکیزه‌ترین حکومت‌های سرزمین مصر بود.^۳ دومین حکومت الهی در جهان، حکومت طالوت بر اسرائیلیان بود^۴ و سومین آن حکومت حضرت علی (ع) متأسفانه فقدان بُعد دوم و سوم عدالت در مردم، موجب شد حضرتش را بکشند و مورد نفرین آن حضرت قرار گیرند.^۵

۱. رک: همان، ص ۳۷. ۲. رک: همان، ص ۳۹. ۳. رک: همان، ص ۳۹.

۴. رک: همان، ص ۴۰. ۵. رک: همان، ص ۴۱.

حکومت حضرت مهدی، چهارمین حکومت الهی در جهان است و حکومت حضرتش عین حکومت پدرش علی (ع) است با این تفاوت که حکومت پدرش، محدود به زمان و مکان خاص بود، زیرا چون بشر آن روز، ابعاد سه‌گانه عدالت را نداشتند. ولی حکومت حضرت مهدی، حکومت جهانی و جاویدان است. زیرا همان‌گونه که گذشت بشر در آن زمان دارای بُعدهای دوم و سوم عدالت است.

حکومت مهدی مثل حکومت علی (ع) از انتخاب برخوردار است، ولی نه انتخاب اصحاب حَلّ و عقد و نه انتخاب مردم یک کشور، بلکه انتخاب مردم جهان؛ انتخاب مشتمل بر دو مرحله است: نوعی و شخصی. انتخاب نوعی، هم اکنون محقق است؛ چه همه مردم جهان آرزوی ظهورش را دارند. اما انتخاب شخصی، پس از ظهور آن حضرت واقع می‌شود.^۱

۵. شرایط عدل گستر

- نویسنده محترم ویژگیهای عدل گستر را این‌گونه ترسیم می‌کند:
۱. در دعوتش راستگو باشد و حقیقتاً خواهان ایجاد عدل و داد باشد. کسی نباشد که دعوت به عدل را وسیله استعمار قرار بدهد و منظورش از این دعوت، سوار شدن بر دوش خلق و حکوت کردن باشد.
 ۲. نقشه‌ای صحیح داشته باشد. نقشه اگر صحیح نباشد، رسیدن به هدف، دشوار، بلکه ناممکن است.
 ۳. هیچ‌گونه نقطه ضعف نداشته باشد؛ چه نقطه ضعف شخصی و چه نقطه ضعف خانوادگی و میراثی و چه نقطه ضعف اجتماعی؛ چرا که وجود یکی از اینها مانع موفقیت است.

۴. خود و دودمانش به پاکی شهره باشند، وگرنه عقلا و خردمندان جهان، درستی دعوتش را باور نخواهند کرد.

۵. خطا نداشته باشد؛ زیرا اگر چنین باشد، موفق نخواهد شد. خطای بزرگان، بزرگ خطاهاست و خطا، خطا می‌زاید و سرمشق خطا می‌شود. نداشتن خطا، اختصاص به کسی دارد که دارای صفت عصمت باشد.

۶. از تأیید حق برخوردار باشد و قدرت الهی در پشت سرش قرار گیرد، وگرنه با قدرت بشری نمی‌تواند بر همه قدرتهای بشری پیروز شود. عدل جهانی، قدرت جهانی می‌خواهد که ویژه ذات مقدس حضرت پروردگار است.^۱

۶. دادور و دادگر و دادگستر

روزی خواهد رسید که بشر قابلیت پیدا کند که دادگستری توانا و بینا بر او حکومت کند و قابلیت پیدا کردن بشر برای چنین حکومت، عبارت است از تکامل او.

بشر تکامل نیافته، حاکم عادل را نمی‌پسندد و دوست می‌دارد که او برکنار شود. حضرت علی (ع) می‌گوید: «این مردم از من ملول شده‌اند و من هم از آنها ملول هستم.»^۲

عدالت، سه درجه دارد و عادلان در سه مرتبه قرار دارند:

نخستین درجه عدالت، آن است که خود عادل به تنهایی از گناه دوری کند و در برابر گناهان شخصی قوی و نیرومند باشد. در نهان و آشکار از گناه دوری کند.

مرتبه دوم عدالت که برتر و بالاتر است، آن است که از نظر ارتباط با دیگران از گناه دوری کند.^۱

مرتبه سوم از عدالت که بالاترین درجه و دشوارترین آنهاست، خلق عدالت در جهان است و آن کمالی است انسانی که شخص در هنگام قدرت و زمامداری بتواند اقامه عدل کند. چنین کسی، عادل و دادگستر خواهد بود.

عادل دادگستر، حکومت را هدف نمی‌داند، بلکه آن را وسیله‌ای برای اقامه عدل می‌داند.

دادگستری، همان قیام به قسط است که به تعبیر قرآن هدف از ارسال انبیاست، قرآن می‌گوید: «ما رسولانمان را همراه کتاب و میزان فرستادیم تا مردم در میان خودشان عدالت برپا کنند.» از این آیه استفاده می‌شود که منصب دادگستری، از مناصب الهی است، نه بشری. این منصب، بایستی از جانب خدا اعطا شود. یعنی خدا انسان کاملی را بدین مقام برگزیند، وگرنه هر کسی شایستگی رسیدن به این مقام را ندارد.

مرتبه دادگستری، عادل پروری و انسان‌سازی است و کسی به جز معصوم، صلاحیت رسیدن به این مقام را ندارد. چون بایستی رابطه‌ای مستقیم با ذات مقدس حق داشته باشد، و این رابطه از جانب خدا ایجاد می‌شود و بس.^۲

حکومت عدل، بایستی با رضا و رغبت مردم برقرار شود و با جبر و زور نمی‌شود. وقتی که اجتماع بشری به حد کمال نرسد و شماره خوبان بشر به اندازه کافی نرسد، دادگستر ظهور نخواهد کرد.^۳ ظهور آن

۱. ر.ک: همان، ص ۵۵. ۲. ر.ک: همان، ص ۵۷. ۳. ر.ک: همان، ص ۶۱.

حضرت، روزی است که وجود مقدسش از این خطر محفوظ بماند و بشر لیاقت حکومت عدل ابدی را پیدا کند و با جان و دل، خواستار چنان حکومتی باشد و توفیق ظفر بر دشمنان و بدخواهان داشته باشد.

آن روز، روزی است که اگر دادگستر جهانی در شرق عالم ندا کند، از غرب عالم مردمانی به ندایش لبیک گویند و اگر پرچم عدل به اهتزاز درآید، خلق عالم آن را نشانهٔ سعادت ابدی و آسایش جاودانی خود دانند. روزی است که بشر به آرزوی چند هزار سالهٔ خود می‌رسد و جشن و سرور و شادکامی، دل‌های مرده و قلوب افسرده را فرا می‌گیرد.^۱ روزی است که حکومت در دست خود مردم باشد. روزی است که ملتی و دولتی در کار نباشد، دولت از مردم باشد و همهٔ دولتها از ملت باشند. آن روز، روز قیام مهدی خواهد بود. به امید آن روز.^۲

۷. مهدی نوعی

مؤلف، مهدی را به نوعی و شخصی تقسیم کرده و می‌گوید: مقصود از مهدی شخصی، آن است که حضرتش فردی است معین و زنده و موجود و از نظر تبار و خاندان و شخص شناخته شده. و مقصود از مهدی نوعی، آن است که فردی است نامعین که در زمانی مناسب زاییده خواهد شد و جهان را پُر از عدل و داد خواهد کرد و آن مفهومی است کلی که یک مصداق دارد و بس.

از نظر منطق و برهان، نوعی بودن مهدی باطل است. زیرا نقض غرض می‌شود. چرا که غرض از قیام مهدی، پُر کردن جهان از عدل و داد

است، ولی نوعی بودن مهدی، جهان را مملو از ظلم و ستم خواهد کرد. زیرا هر قدر تمند دروغگویی می‌تواند ادعا کند که من مهدی هستم و به نام اقامه عدل، به جهانگیری پردازد. بدین ترتیب مدعیان مهدویت بسیار خواهند شد و در هر زمانی و در هر سرزمینی ممکن است چندتن ادعای مهدی بودن کنند و ساده‌دلان و جاهلان و نادانهای گرداگردشان جمع شوند و به ظلم و ستم پردازند.^۱

۸. ویژگیها و خصایص مهدی

مهدی کسی است که به وسیله خدا تعیین می‌شود و بشر ناتوان است که چنین کسی را بشناسد. زیرا او کسی است که اجراکننده تعلیمات همه انبیا و خواسته‌های همه اولیا خواهد بود.

مهدی، بایستی دانش و بینش و استقامتی نامتناهی داشته باشد، خستگی ناپذیر باشد. از کینه و عقده روحی پاکیزه باشد. رحمتی نامتناهی داشته باشد. مهربان و دوست خلق باشد. خلق در نظر او یکسان باشد. آن قدر در عدالت و دادگری پیشرفته باشد که نگذارد پوست ارزنی از دهان موری گرفته شود. خلق و خوی خوش داشته باشد، وگرنه مردم از گردش پراکنده خواهند شد، و کسانی که باقی خواهند ماند، یا از ترس خواهد بود و یا از طمع و هر دوی اینها با عدالت و دادگری او سازگار نیست.

مهدی، امیدبشر، برگزیده خدا، انجام دهنده هدف انبیا، دادگر کل، بنیانگذار عدل مؤبد جهانی، انسانی بزرگ، پاکیزه‌ترین فرد بشر هنگام قیام و دادگستری زنده و پاینده است که سرپای وجودش از فضیلت و

عدالت و بزرگواری آکنده است.

نقطه ضعف شخصی، نبایستی داشته باشد. پدرانش بایستی پاک و پاکیزه باشند و نقطه ضعف خانوادگی، نبایستی در حضرت مهدی وجود داشته باشد. در پاکیزه‌ترین محیط، تربیت و پرورش یافته باشد و عنایت الهی در پرورش او دخالت کامل داشته باشد.

خودش پاک، نیاکانش پاک و انسانهایی با فضیلت و تقوا و پرهیزکاری بوده‌اند. مردم گمنامی نبوده‌اند، عزلت و گوشه‌گیری نداشته‌اند و در میان مردم زیست داشته‌اند. در محیط دوستی و دشمنی بوده‌اند. و به طور دقیق، هر دو گروه، حیات فردی و اجتماعی آنها را زیر نظر گرفته بودند. دوستان برای آن که سرمشق بگیرند، دشمنان برای آنکه نقطه ضعفی بیابند و بر آنها بتازند، و هر دو گروه جز تقوا و پرهیزکاری، جز انسانیت و فضیلت چیزی نیافتند.

پیوسته در راه حق مبارزه می‌کردند. از این رو، دشمنان آنها را می‌گشتند تا بتوانند نور خدا را خاموش کنند ولی نتوانستند و این نور برای همیشه روشن ماند تا روزی که تابش جهانی پیدا کند و سراسر گیتی از این نور بهره‌مند شود.

آری، چنین دودمانی شایسته است که پیشوایان خلق و بشریت باشند و قافله‌سالار جهان انسانیت گردند و حضرت مهدی که برپاکننده عدل جهانی است، بایستی از چنین خاندانی باشد.^۱

مهدی و عصمت، شناخت قائم، طول عمر و غیبت از مباحثی است که پس از بحث از ویژگیها مورد بحث قرار گرفته‌اند.^۲

۹. انتظار فرج

انتظار فرج، مشتمل بر یقین به تحقق مقصود است که غم را می‌زداید و سرور می‌زاید. مقصود از انتظار، نشستن و خوابیدن نیست، بلکه ادای وظیفه‌ای است که در تسریع ظهور حضرت مهدی (ع) دخالت دارد.

چنانچه مقصود، انتظار شخصی نیز نیست، بلکه وظیفه‌ای است اجتماعی، چون انجام مقاصد اجتماعی، قدمهای اجتماعی لازم دارد.

مقصود از انتظار، آمادگی است و آن دو مرتبه دارد: نخستین مرتبه آن، انتظار روحی است و خوشدل بودن برای تحقق امید در آینده، و آن عبارت است از آمادگی برای قبول دعوت و زدودن مقاومت روحی برای رسیدن کسی که انتظار آمدنش هست. دومین مرتبه آن، انتظار عملی است که اضافه بر انتظار روحی است. انتظار عملی مانند آمادگی برای آمدن مهمان و پذیرایی از او. در چنین فرضی غذا بایستی آماده باشد و با مقام مهمان و شخصیت او تناسب داشته باشد. محل نشستن او تمیز و آماده و خوابگاه و استراحتگاهش مرتب باشد.^۱

از حضرت صادق (ع) نقل است: «کسی که دوست دارد از یاران قائم باشد، باید آماده باشد و در حال آمادگی به پارسایی و محاسن اخلاق عمل کند.»^۲ از نظر نویسنده این راهنمایی، حاوی چند نکته فردی و اجتماعی است:

۱. امر قلبی که امید به قیام حضرت قائم داشته باشد و یأس و نومیدی را از خود بزداید.

۲. دوست داشته باشد که از یاوران آن حضرت باشد تا در ایجاد عدل

جهانی شرکت کند و از این سعادت جاودانی برخوردار شود.

۳. دارای ورع باشد و از گناه اجتناب کند.

۴. از حُسن اخلاق برخوردار باشد.^۱

۱۰. تعلق ارادهٔ ازلی به اقامهٔ عدل جهانی

از نظر مرحوم صدر نصی متواتر به اقسام سه گانهٔ تواتر: لفظی و معنوی و اجمالی، از پیامبر اسلام و ائمهٔ اطهار صادر شده که خداوند به وسیلهٔ حضرت مهدی، جهان را پُر از عدل و داد می‌کند و سراسر گیتی را به نور عدالت منور می‌سازد و ظلم و بیداد را از صفحهٔ گیتی بر می‌اندازد، و آن نص چنین است: «يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ بِعَدْلٍ وَ عَدْلًا»
به اعتقاد ایشان این نص مبارک دارای چندین تواتر در نقل است:

۱. تواتر از کلام رسول خدا (ص)

۲. تواتر از سخنان ائمه اطهار (ع)

۳. تواتر در میان شیعهٔ امامیه

۴. تواتر در میان اهل سنت و جماعت

۵. تواتر در میان صحابه و تابعین و تابعینِ تابعین

۶. تواتر در میان همهٔ مسلمین در طی قرون اسلامی، از نخستین قرن

تا قرن حاضر به طوری که این عقیده، فطری همهٔ مسلمان شده است.

و متمه‌دیه‌ها و مه‌دیه‌های دروغین از همین استفاده کرده‌اند.

از این نص متواتر به طور صددرصد استفاده می‌شود که این سخن،

کلام الهی است و در ردیف قرآن قرار دارد.

در میان مسلمانان کلامی نظیر این نص مبارک که مورد اتفاق پیامبر اسلام و امامان طاهربین و همه مسلمانان باشد، وجود ندارد.^۱

۱۱. بشارت و اشارات

مؤلف در این بخش سعی می‌کند با استفاده از آیات قرآن، احادیث نبوی، احادیث یازده امام و منابع اهل سنت، وجود، ظهور و ابعاد دیگر حضرت ولی عصر(ع) را تبیین کرده و به اثبات برساند. احادیث نقل شده در این بخش، از کتاب *إثبات الهداة* شیخ حرّ عاملی است.

ایشان معتقد است مطالبی که مورد اتفاق نصوص است و به حد تواتر رسیده، به قرار زیر می‌باشد:

۱. قائم از دودمان رسول خدا و علی بن ابی طالب و حسین است.
۲. غیبتی طولانی دارد. غیبتش دارای عللی بسیار است، گفته و ناگفته.
۳. زنده است و خروج می‌کند.
۴. روز قیام و ظهورش، راز مگوست. پیغمبر یا نمی‌داند یا نمی‌گوید.
۵. زمین را از عدل و داد پر می‌سازد، عدل عالمگیر.
۶. عیسی(ع) از آسمان نزول می‌کند و پشت سرش نماز می‌خواند.
۷. نام او نام رسول خداست و کنیه‌اش کنیه آن حضرت.^۲

۱۲. پدران و نیاکان

حضرت مهدی(ع) خلیفه دوازدهم پیغمبر اسلام و آخرین وصی از اوصیای ایشان است. او یازدهمین نفر از دودمان حضرت علی است و نهمین فرزند از فرزندان حضرت حسین و هشتمین فرزند از فرزندان

۱. رک: همان، ص ۹۱. ۲. رک: *اثبات الهداة*، ج ۳، صص ۵۸۸ - ۵۸۹، باب ۳۲، ح ۸۰۹.

حضرت سجاد و هفتمین فرزند حضرت باقر و ششمین پسر حضرت صادق و پنجمین فرزند حضرت کاظم و چهارمین نفر از فرزندان حضرت رضا و سومین فرزند حضرت جواد و دومین پسر حضرت هادی و یگانه فرزند حضرت عسکری (ع) است. به شهادت، تاریخ، خاندانی از این خاندان پاکتر و پاکیزه‌تر در حیات بشر دیده نشده و نظیرش هم شنیده نشده است. نیاکان و پدران آنها پیش از حضرت علی نیز چنین بوده‌اند. آنها مردمی بودند که به تقوا و فضیلت و بزرگواری موصوف بودند.^۱

۱۳. سفرای کبار

آیت‌الله صدر در بخش سفرای کبار به تبیین زندگی و چگونگی ارتباط نواب خاص با امام پرداخته و وکیلان و نمایندگان درجه دو را، مانند حاجز بن زید، احمد بن اسحاق و ابراهیم بن مهزیار به اجمال معرفی می‌کند.^۲

۱۴. معجزاتی چند از حضرتش در زمان غیبت صغری

در این بخش به معجزات حضرت (ع) در زمان غیبت صغری پرداخته و آنها را شرح و بسط داده است.

۱۵. شرفیابی در غیبت صغری

در بخش آخر کتاب به ذکر نام افرادی پرداخته که در غیبت صغری و کبری محضر حضرت شرفیاب شده‌اند و چگونگی این شرفیابی را نیز توضیح داده است.

۶. خورشید پنهان

خورشید مغرب. محمدرضا حکیمی.
تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴.

درباره مؤلف

استاد محمدرضا حکیمی سال ۱۳۱۴ در مشهد مقدس در خانواده‌ای
اهل دین و معرفت زاده شد. حدود ۱۲ سالگی به مدرسه نواب، مهم‌ترین
مدرسه حوزه علمیه مشهد در آن روزگار، وارد شد و سالها از محضر
عالمان برجسته و وارسته‌ای چون: ادیب نیشابوری، شیخ هاشم قزوینی،
شیخ مجتبی قزوینی، آیت الله العظمی میلانی و شیخ آقابزرگ تهرانی،
بهره‌های علمی و معنوی فراوان برد. استاد حکیمی بعدها بیشتر به پژوهش
و نگارش پرداخت و دهها جلد اثر ارزشمند با نثری زیبا و محتوایی
عمیق پدید آورد که مهم‌ترین آنها مجموعه ۶ جلدی «الحیاء» است که
گویا مجلدات بعدی هم خواهد داشت و به فارسی نیز ترجمه شده است.

«مکتب تفکیک» از جمله دیگر آثار مهم و گویای اصلی‌ترین نظریه دین‌شناختی ایشان است که بازتابی وسیع داشته و بارها به چاپ رسیده است. این نظریه حاوی نگرش و روش‌شناسی ویژه‌ای در دین‌پژوهی و معرفت‌دینی است و حاصل آموزه‌های استادان حکیمی بویژه حاج شیخ مجتبی قزوینی است که خود شاگرد و یار نزدیک میرزامهدی اصفهانی، مبتکر و بنیانگذار مکتب تفکیک در خراسان بوده است. چند جلد از آثار حکیمی نیز تحت عنوان **مرزبانان حماسه جاوید** انتشار یافته است، همچون: **شیخ آقابزرگ، حماسه غدیر، بیدارگران اقالیم قبله و شرف‌الدین.**

خورشید مغرب از جمله آثار با ارزش استاد حکیمی است: ایشان سعی نموده‌اند مسأله «مهدویت» و «مهدی» را از زوایای علمی، عقلی، تاریخی، روایی، قرآنی و ملل و نحل مورد بحث و بررسی قرار بدهند. کتاب در چهارده فصل تنظیم شده است که عبارتند از: میلاد، شمایل و سیرت، غیبت، در کتابهای مسلمین، در قرون، در علوم عقلی، در علوم تجربی، در فلسفه تربیتی، عینیت مقاومت نه عینیت تسلیم، انتظار و در طلب خورشید. آرمان استاد حکیمی چیزی جز گسترش تربیت صحیح و برپایی قسط و عدالت در همه شئون جامعه بویژه در امور اقتصادی و معیشتی برای همگان نبوده است و کتاب **خورشید مغرب** نیز در همین راستا تألیف شده است.

۱. میلاد

مورخان و محدثان، ولادت امام مهدی (ع) را به سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ هجری قمری دانسته‌اند. گفته‌اند: حضرت مهدی (ع) در شب جمعه، نیمه شعبان سال یاد شده، پای بدین گیتی نهاد.

بدین گونه، اصل ولادت مهدی و به این جهان آمدن او، جزء مسلمات تاریخ است و بجز ائمه طاهرین و عالمان و مورخان و محدثان شیعه، بسیاری از مورخان و محدثان اهل سنت نیز بدن امر تصحیح کرده‌اند، و آن را یک واقعیت دانسته‌اند. در منابع، نام بیش از ۶۵ تن از این عالمان و نام کتابهای آنان ذکر شده است که از آن جمله‌اند: علی بن حسین مسعودی، شمس الدین ابن خلکان، شیخ عبدالله شبراوی، شیخ عبدالوهاب شعرانی و شیخ سلیمان قندوزی.^۱

مباحث بعدی این فصل عبارتند از:

۱. طالع میلاد ۲. چونان ابراهیم و موسی ۳. مشاهده مهدی
۴. چهل تن از شیعیان در طلب مهدی ۵. فیلسوف نوبختی در حضور مهدی ۶. طلوعی گذرا ۷. هجوم‌های ابرهای سیاه
۲. شمایل و سیرت

در این فصل، شمایل و سیرت دینی، خلقی، عملی، انقلابی، سیاسی، تربیتی، اجتماعی، قضایی، مالی و اصلاحی حضرت مهدی (ع) مورد بحث و بررسی قرار گرفته و دادگری فراگیر امام به تصویر کشیده شده و از اینکه چرا امام (ع) با شمشیر به جهاد برمی‌خیزد و چگونه به آسمانها صعود و سفر می‌کند، سخن رانده است.

الف. شمایل: محدثان معتبر، از شیعه و اهل سنت، بنابر احادیث بسیار از پیامبر اکرم (ص) و امام علی بن ابی طالب (ع) و دیگر امامان، شمایل و اوصاف امام مهدی (ع) را در کتابهای خویش این گونه آورده‌اند: «چهره‌اش گندمگون، ابروانش هلالی و کشیده، چشمانش سیاه و درشت

نایبان خاص در غیبت صغری عبارت بودند از:

۱. عثمان بن سعید
۲. محمد بن عثمان
۳. حسین بن روح نوبختی
۴. علی بن محمد سمري

ب. غیبت کبری: پس از گذشتن دوره غیبت صغری، غیبت کبری و دراز مدت آغاز گردید؛ و این غیبت است که تاکنون ادامه یافته است.^۱ در دوره غیبت کبری و نیابت عامه، عالم بزرگی که واجد همه شرایط لازم فقاہت و رهبری باشد، در رأس جامعه قرار می‌گیرد، و رهبری از آن اوست؛ و رجوع مردم به اوست، و او به نیابت از امام صاحب ولایت شرعی است.

در اینجا باید یاد کنیم که این مقام و این نیابت، به وسیله خود ائمه طاهرین (ع) و بویژه حضرت مهدی (ع) به عالم واجد شرایط، تفویض گشته است.

نکته دیگری که باید یاد کرد، این است که این مقام تنها برای حفظ فروع فقهی و انتقال آنها از نسلی به نسل دیگر نیست، بلکه این مقام برای حفظ و انتقال موجودیت تشیع و نگهبانی دین خداست.^۲

۴. در کتابهای پیشینیان

از روزگاران کهن، داستان ظهور مصلح، در آخرالزمان، اصلی اساسی بوده است. پیشینیان بشر، پیوسته، آن را به یادها می‌آورده‌اند. اکنون نیز

۱. رک: همان، ص ۴۳. ۲. رک: همان، صص ۴۷ - ۴۸.

پس از گذشتن قرن‌ها، در خلال یادگارهای انسانهای قدیم آثاری هست که ما را بیه گفته بالا رهنمون می‌کند.

الف. در آیین زردشتی: در کتابها و آثار زردشت و زردشتی درباره آخر الزمان و ظهور موعود، مطالب بسیاری آمده است؛ از جمله در کتابهای: اوستا، زند، جاماسب‌نامه، داستان دینیک و زرتشت‌نامه.

ب. در آیین هندی: در آیینهای هندوان و کتابهای آنان نیز سخن از نجات‌دهنده و موعود آمده است، از جمله در کتاب مهابها راتا و کتاب پورانه‌ها.

ج. در آیین بودایی: چنانکه در پاره‌ای از کتب و مآخذ آمده است، در دین بودایی نیز مسئله انتظار مطرح است. گفته‌اند که در این آیین نیز انتظار هست. شخص مورد انتظار این آیین، بودای پنجم است.

د. در آیین یهود: یهودیان که خود را پیروان حضرت موسای کلیم (ع) می‌دانند نیز منتظر موعودند. در آثار دینی یهود، و اسفار تورات و دیگر کتابهای انبیای آنان، همواره به موعود اشاره است.

ه. در آیین مسیحیت: در آیین مسیحیت و کتابهای مقدس این آیین نیز بشارتهای بیشتر و روشنتری درباره موعود آخرالزمان رسیده است؛ و علت آن قرب زمان است. زیرا با ظهور حضرت مسیح (ع) زمان در مقیاس کلی، به ظهور حضرت مهدی (ع) نزدیکتر شده است.

انجیل متی، انجیل لوقا، انجیل مرقس، انجیل برنابا، مکاشفات یوحنا^۱ از جمله کتابهای مقدس هستند که در آنها بشارتها و اشارتهایی درباره ظهور آخرالزمان آمده است.

۵. در کتابهای اهل سنت

در این قسمت، نویسنده چهل کتاب مهم از علمای بزرگ اهل سنت که مشتمل بر مباحثی از مهدی و مهدویت هستند و بیست کتاب مستقل و معتبر مانند صحاح سته و مسند احمد حنبل پیشوای مذهب حنبلی پیرامون حضرت مهدی را نام برده و سخنان کثیری از علمای بزرگ اهل تسنن را درباره وجود حضرت مهدی (ع) نقل می‌کند.

۶. در کتابهای شیعه

مهدی، در سرتاسر آفاق زمانی و مکانی اسلام، و تاریخ اسلام و مبانی اعتقادی اسلام و در کتابها و تألیفها و در مساجد و مدرسه‌ها و در میان مشایخ و استادان حدیث، و در مجالس روایت و ضبط و تحمل حدیث و همچنین در تفسیرهای قرآن کریم در همه جا و همه جا، اصلی بوده است قطعی و اسلامی، و از این رو، در میان همه فرق اسلام مطرح بوده است و مطرح هست و هیچ اختصاصی به شیعه ندارد.

آری، این اعتقاد، هیچ اختصاصی به شیعه ندارد، لیکن شیعه به آن اختصاص دارد. چرا؟ چون مهدی، فاطمی است؛ یعنی از فرزندان حضرت بانوی عظمی، صدیقه کبری، فاطمه زهرا - علیها السلام - است؛ همچنین پسر امام حسن عسکری (ع) است؛ یعنی یازدهمین وصی و خلیفه پیامبر (ص) و یازدهمین امام شیعه؛ و مهدی خود، دوازدهمین وصی و خلیفه پیامبر است و دوازدهمین امام شیعه. به این ملاحظات است که شیعه نسبت به مهدی (ع)، ویژگی‌ای داشته و دارد. علاوه بر این، شیعه درباره امام مهدی (ع) بجز احادیث نبوی، احادیث بسیاری از ائمه طاهرین (ع) نیز، در اختیار دارد.

چهارده کتاب در چهارده مقاله / ۱۲۵

درباره وجود امام مهدی (ع) و ظهور او، در آخرالزمان، کتابهای بسیاری تألیف کرده‌اند و رساله‌ها و مقاله‌های جامع فراوانی نوشته‌اند. نوشتن در این باره از زمان امام حسن عسکری (ع) شروع شده و تا عصر حاضر ادامه یافته است. کمتر کسی در میان عالمان شیعه یافت می‌شود که در این باره کتاب یا مقاله‌ای ننگاشته، یا سخنی نگفته باشد.^۱ انواع کتابهای مشترک میان شیعه و سنی که در آنها از امام زمان (ع) بحث شده است، عبارتند از: کتب حدیث، شروح حدیث، تاریخ، مناقب و فضایل، زیست‌نامه، کلام و اعتقادات، لغت و ادبیات، تصوف و عرفان، جغرافیا و بلدان، دیوان شاعران و مجموعه‌ها و دایرة المعارفهای مختلف و گوناگون. در کتب ادعیه و زیارت، فلسفه تاریخ دینی، جامعه‌شناسی آینده و رساله‌های انقلابی نیز از امام زمان بحث شده که مختصر شیعه است.

۷. مهدی در قرآن

در قرآن کریم، درباره مسائل آینده دوران، و حوادث آخرالزمان و استیلای خوبی و خوبان بر جهان، و حکومت یافتن صالحان - گاه با اشاره و گاه به تصریح - سخن گفته شده است. مفسران اسلامی این گونه آیات را، طبق مدارک حدیثی و تفسیری، مربوط به مهدی و ظهور آخرالزمان دانسته‌اند. آیات در این باره صراحت دارد. استاد حکیمی در ادامه بحث به ده آیه از آیات قرآن اشاره کرده و تفسیر آنها را که در مورد حضرت مهدی است از کتب تفسیری نقل می‌کند. این در حالی است که فصل هشتم کتاب مختصر تفسیر و تأویل سوره قدر است.

۸. در علوم و عقلی

نویسنده ابتدا نظرگاههای علوم عقلی را با عناوینی چون: در معارف قرآن، در فلسفه الهی، در فلسفه سیاسی، در فلسفه اشراقی، در فلسفه اخوان الصفا، در علم کلام و اعتقادات، در مکاشفات و عرفان و نیز نظر یعقوب کندی طرح کرده، و سپس مباحثی را تحت عنوان سخنی در رؤیت، احوال نیکبختان، غیبت، سنت الهی، نقش و تأثیر غیبت صغری در غیبت کبری، ویژگیهای پیامبران در مهدی، واسطه فیض، قانون بزرگ تکوین و تداوم آن، غیبت شائیه، آثار وجودی غیبت در عصر غیبت و نظام تکوینی و سامان اجتماعی را مورد بحث و بررسی دقیق قرار داده و در پایان تلاش کرده تا وجود حضرت مهدی (ع) را از طریق علوم تجربی نیز به اثبات برساند. تلاش ایشان در بخش علوم تجربی تماماً معطوف به اثبات طول عمر حضرت است؛ به همین جهت طول عمر را در زیست‌شناسی، در قوانین طبیعی عام و خاص، و در تجربه تاریخی به بحث می‌گذارد.

۹. در فلسفه تربیتی و سیاسی

در فصل یازدهم، جایگاه امام در فلسفه تربیتی و سیاسی مورد بحث گذاشته شده و به پنج پرسش، پاسخ متقن داده می‌شود. برخی از مباحث این فصل عبارتند از: غیبت امام، مشکل اساسی تربیت و سیاست، تطبیق در عصر غیبت و قرآن و امام، هدایت واحد.

۱۰. عینیت مقاومت نه عینیت تسلیم

در فصل دوازدهم تلاش می‌شود پایه عقیدتی و تکلیفی مقاومت در حوزه اعتقادی و اقدامی مذهب شیعه تبیین شود و سپس به منظور

برخورداری از شناختی بیشتر درباره ابعاد مقاومت، به ابعدی که مقاومت در آنها ضروری است اشاره کرده و به ضرورت حاکمیت دینی پرداخته و عدم امکان تجزیه در رهبری را گوشزد می‌کند و وحدت قطبها در جامعه اسلامی را مورد بحث قرار می‌دهد. مباحث مطرح در این فصل چنین است: پایه اعتقادی مقاومت، شب قدر، سیمای مقاومت، تعالیم مقاومت آموزان، حضور ذهنی و عینی مقاومت، مقاوت در ابعاد تکلیف. از نظر نویسنده ابعدی که مقاومت در آنها ضروری است عبارتند از: بعد دینداری، بعد دین‌آموزی، بعد فرهنگی، بعد اعتقادی (ایدئولوژیکی)، بعد اقتصادی، بعد سیاسی، بعد نظامی، بعد سازماندهی، بعد هنری، بعد زمانگرایی مثبت.

۱۱. انتظار

انتظار: امیدی به نوید، و نویدی به امید...

انتظار: دست رد به سینه هرچه باطل و داغ باطل به چهره هرچه ظلم...

انتظار: خط بطلان بر همه کفرها و نفاقها، و ظلمها و تطاولها...^۱

الف. انتظار آفاق مقاومت: از هجرت پیامبر (ص) به سوی مدینه، تا

شمشیر زدندهای علی (ع) در صفین و نهروان، تا حماسه خورشیدی

عاشورا، و تا همه جهادها و شهادتها، در طول همه قرنهای انتظار، همه و

همه آرمان بلوغ انسان، و طلوع خورشید، و نشر عدالت را به گونه‌ای

نوید داده‌اند. این است آفاق وسیع مقاومت در استان شکوهمند انتظار،

در راه تحقق ابراهیم و موسی و... محمد و علی و...^۲

ب. انتظار، دعوت به حماسه و اقدام: خودداری از جنگ، وسیله آمدن ابرمرد نیست، بلکه شخص باید با حماسه وارد پیکار شود. باید سپاه انسانیت مجهز شود، شمشیر و سپر بگیرد، و بی اعتنا به فریاد بزدلان به سوی آینده با شکوه پیش رود، و فضایل آن نیز فضایل جنگاور پهلوان باشد.^۱

ج. انتظار، نام «قائم» و قیام: ملتی که منتظر پیشوایی است که بیاید و ستمگران را براندازد و از جمله القاب این پیشوا «قائم» است، و انسان منتظر هرگاه این نام را می شنود، قیام می کند، این گونه ملتی و امتی را چگونه برخی به قعود و ذلت پذیری سوق داده بودند؟^۲

د. انتظار، ابعاد مکتب: در انتظار عظیم و شکوهمند، ابعاد استوار مکتب نیز حضور دارد. هم ابعاد عقیدتی و هم ابعاد عملی.

نویسنده ابعاد عقیدتی و عملی را به ترتیب چنین بر می شمرد:

۱. ابعاد عقیدتی: بعد توحیدی، بعد نبوت، بعد قرآن، بعد امامت، بعد عدل، بعد معاد.

۲. ابعاد عملی: بعد دینداری، بعد پارسایی، بعد تقید مکتبی، بعد امر به معروف و نهی از منکر، بعد اخلاق اسلامی و بعد آمادگی نظامی.

انتظار دوران تکلیف حساس، انتظار، نگرهبانی ایمان، انتظار، عدل و احسان، انتظار شناخت و موضع، انتظار، تمرین و ریاضت، انتظار، بسیج عمومی، انتظار و ضد انتظار، نقش نیروهای مردمی، حضور شیعه در صحنه، حضور ایرانیان در صحنه، تأیید و نصر، آماده طلبی، نه...، ملحمه کبری، کشتار بزرگ، حوزه منتظران، همیاری و همکاری، تساوی در

۱. ر.ک: همان، ص ۲۶۱. ۲. ر.ک: همان، ص ۲۶۳.

اموال، تساوی، مسجد، معبد، و زرادخانه، یا لثارات الحسین، پرچمهای سیاه خراسان، قیام زمینه سازان از مشرق، ظلم همه گیر، نه کفر، یاران آماده و نبرد مداوم، دگروار معنا کردن قرآن، مشکلی بر سر راه مهدی، حکومت فاطمی، دولت جهانگیر، خلقی که در انتظار ظهور «مصلح» به سر می برد، باید خود «صالح» باشد، از دیگر مباحث این بخش و از مفصل ترین و خواندنی ترین فصلهای کتاب است.

۱۲. طلب خورشید

آهنگ خاوران می کنیم و به سوی چشمه خورشیدی می شتاییم...
به خاورستان تابناک فروغ ازلی هدایت چشم می دوزیم، و به آهنگ فرارسیدن طلایع روزهای نورانی خویشتن سر می سازیم...
از سر امواج موج اثر سپیده دمان می گذریم و جان خود را با لمعات آن خورشید روشناییها و تابشها، روشن می داریم...
دل را از پرتو تولای آن مهر درخشان می افروزیم و دست طلب به سوی آفاق هستیها دراز می کنیم، و آن جان جانها را می طلبیم.
از مفازهای تاریک می هراسیم و از وادیهای ظلمت می گریزیم، و دل به طلب نور می سپاریم...
درخششهای فجر امید را مشعل راه می کنیم و به آفاق نور بار مطلع انوار خیره می شویم...
... و بدین گونه می رویم تا گامی در راه خورشیدشناسان خورشید طلب بنهیم و تا خاک راه خورشید طلبان خورشیدشناس را توتیای چشم کنیم...

۱۳. مسیح المسایح

مهدی مسیح مسیحها - مسیح المسایح - و موعود موعودهاست. او نجم ثاقب است و ستاره طالع. او امام ارض است و رب ارض. قرآن کریم فرموده است: «زمین از فروغ رب (پرونده) خویش روشن است.»

۱۴. دیدار پیامبران

چون مهدی به درآید، به مسجدالحرام رود، و رو به کعبه و پشت به مقام ابراهیم بایستد و دو رکعت نماز گزارد، آن گاه فریاد برآورد:

«ای مردمان منم یادگار آدم و یادگار نوح و یادگار ابراهیم و یادگار اسماعیل... منم یادگار موسی و عیسی و محمد... منم یادگار پیامبران... منم وارث آدم و گزیده نوح خلاصه ابراهیم و عصاة محمد. منم صاحب قرآن و زنده کننده سنت...»

ای توده های خلائق، ای مردم عالم! هرکس می خواهد آدم و شیث را ببیند، منم آدم، منم شیث... هرکس می خواهد نوح و فرزندش سام را ببیند، منم نوح، منم سام... هرکس می خواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند، منم ابراهیم، منم اسماعیل... هرکس می خواهد موسی و یوشع را ببیند، منم موسی، منم یوشع... هرکس می خواهد عیسی و شمعون را ببیند، منم عیسی، منم شمعون... هرکس می خواهد محمد و علی را ببیند، منم محمد، منم علی... فریاد مرا پاسخ گوید. من شما را از همه چیز آگاه می کنم، آنچه می دانید و آنچه نمی دانید... هرکس کتابهای آسمانی را می شناسد، گوش فرا دهد...»

آن گاه مهدی (ع)، به خواندن کتابهای آسمانی می پردازد، و صحیفه

آدم(ع) و شیث(ع) و ابراهیم(ع) را می خواند و هم تورات و انجیل و زبور را... و سپس قرآن کریم را...^۱

۱۵. چونان محمد(ص)

مهدی(ع) چون جد خویش محمد(ص) که در ظلمات «جاهلیت» قیام کرد، در دل فسادها و تباهیها و ظلمتهای آخرالزمان قیام می کند؛ و این پیشوای محمدی و دادگستر علوی و مصلح طالبی و شورشگر فاطمی و انقلابی حسینی و مربی جعفری و امام موسوی و قائد رضوی و حجت عسکری با عصای موسی و انگشتری سلیمان پدیدار می گردد. او به روز عاشورا خروج می کند، در حالی که پرچم پیامبر را در دست دارد، و زره پیامبر را به تن، و عمامه پیامبر را بر سر، و شمشیر پیامبر را در دست... و ۳۱۳ تن یاران خاص او - به شمار یاران پیامبر در جنگ بدر - گرداگرد او جای دارند، آنان که حاکمان زمانند و وارثان زمین.

همچنین مؤمنان نیرومند و جوانان سلحشور شیعه در خدمت اویند؛ و زمان چنان از شادی سرشار می گردد که مُردگان نیز در عالم ارواح به شادمانی می پردازند و از خرمی به وجد می آیند.^۲

۱۶. افشای راز بزرگ

چون چنین شود و مهدی به درآید، راز بزرگ نمایان شود و رمز سترگ گشوده آید و آن حکمت که خدا را در غایب شدن حجت خویش بوده، پرده از رخ برگیرد، چنانکه حکمت کار خضر(ع) برای موسی(ع)، پس از انجام یافتن و به پایان رسیدن کار آشکار گردید.^۳

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹. ۲. رک: خورشید مغرب، ص ۳۴۲.

۳. رک: همان، ص ۳۴۳.

۱۷. خاور انوار

با ظهور مهدی، فروغ ازلی تابیدن می‌گیرد و شعله‌ی قدس سرمدی پرتوافشان می‌شود. مهدی، مرکز اسرار ربوبی و خاور انوار ازلی است. مهدی، جلوه‌ی حقیقه‌الحقایق است و خود، عصاره‌العصارات است.^۱

۱۸. تصفیة اردوگاه

یقین است که یاران امامی که شعاع ضیاء قدس، از مشرق وجود او می‌تابد، باید پاکان و پاکیزگان باشند. باید در اردوگاه او خالصان و سره شدگان گرد آیند؛ و چنین خواهد بود. این است که شیعه‌آل محمد (ص) باید از نعمت این علم و معرفت و اعتقاد بهره‌گیرد و به درگاه خدا سپاس گزارد، و بر ولای امامان، و حُبّ آنان و پیروی از آنان باقی باشد. باید این ولا و حُبّ را در جان خویش زنده بدارد، و همواره در قلب خود حاضر بسازد، و آن پیروی را به عمل در آورد، تا اجر شهیدان بدر و اُحد که شالوده ایمان را استوار ساختند نصیب او گردد.^۲

۱۹. رمضان - عاشورا

و بدینسان باید در طلب خورشید بود، و به طلب خورشید رفت؛ و باید راه خورشید را در دل شب سپرد.

و تا رمضان بزرگ برسد و فریاد جهانی دعوت حق همه جاگیر شود، و سپس هلال محرمی بدمد که در روز عاشورای آن - روز شنبه^۳ - امام مهدی (ع) از مکه اعلام قیام کند.

مهدی (ع) را هم فرشتگان یاری می‌کنند، هم مؤمنان... امام پس از

چهارده کتاب در چهارده مقاله / ۱۳۳

مدتی، اعلام قیام می‌کند و - با نام خدا - به پا می‌خیزد، و جهان را از عدل و داد، و نور و برهان، لبریز می‌سازد - چنانکه امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: «یملأ الارض عدلاً و قسطاً و نوراً و برهاناً»^۱

۲۰. سلام بر آل یاسین

سلام بر آل یاسین، سلام بر فریاد خدا و پرورنده آیات خدا، سلام بر تالی قرآن و مبین علوم آن. سلام بر صاحب اسرار ربّانی و مجرای اراده الهی.^۲

۲۱. خونخواه شهیدان تاریخ

کجاست بقیه الله، مهدی آل محمد (ص) که در جهان هست و زمین خالی از او نیست؟

کجاست فرزند محمد مصطفی؟ کجاست فرزند علی مرتضی؟
کجاست فرزند خدیجه کبری؟ کجاست فرزند فاطمه زهرا؟...

۲۲. نور ولا و موالات

خدایا، خداوندا! از درگاہت مسئلت می‌کنیم که بر محمد درود فرستی، محمد که نبی رحمت است و کلمه نور؛ و از تو می‌خواهیم که دل ما را از خیر و اراده ما را از نور دانایی و قدرت ما را از نور عمل صالح و زبان ما را از نور راستگویی و دین ما را از نور آگاهی و چشم ما را از نور تشخیص و بینایی و گوش ما را از نور حکمت و احساسات ما را از نور عشق و پیروی از محمد و آل محمد (ص) سریز کنی.

خدایا، خداوندا! پروردگار و الها! ما شنیدیم منادیی فریاد می‌زد که «به خدا ایمان آورید!» پذیرفتیم و ایمان آوردیم؛ و اکنون گواهی می‌دهیم

۲. رک: همان، ص ۲۴۹.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

که الهی و معبودی جز تو نیست، و تو یگانه‌ای و انباز نداری؛ و گواهی می‌دهیم که محمد بندهٔ تو و فرستاده و رسول تو است، و او و خاندان او حبیان تواند و دوستان واقعی تو؛ و گواهی می‌دهیم که علی، امیرالمومنین و حجّت تو است و فرزندان او تا حجّت قائم، همه، خلیفه و حجّت تو‌اند.

۷. آزادی بشریت

یوم الخلاص. کامل سلیمان. ترجمه علی اکبر مهدی پور.

تهران: آفاق، ۱۳۸۱.

درباره مؤلف:

«کامل سلیمان» مؤلف کتاب گرانسنگ *یوم الخلاص* از نویسندگان پُر شور جبل عامل است. او که تداوم بخش راه «شرف الدین»ها و «سید محسن جبل عاملی»هاست، در زیر توپها و موشکها و مسلسهای رژیم اشغالگر و تجاوز پیشه، به دفاع از حریم مقدس اهل بیت عصمت و طهارت مشغول بوده و آثار گرانقدری را به جهان تشیع تقدیم نموده است که در زیر به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. *الحسن بن علی (ع)*: این کتاب تجزیه و تحلیل جالب و جامعی از زندگی امام حسن (ع) است که شهرت مؤلف مرهون این اثر محققانه است که یکی از بهترین آثار عصر حاضر در این زمینه به شمار می آید.

۲. شرح دیوان شریف رضی: مؤلف که خود شاعر سخن‌سنج و نکته‌پردازی است، با شرح دیوان سیدرضی، خدمت پُرجی به ادب عربی نموده است.

۳. التریبه: التریبه یکی از بهترین آثاری است که در زمینه تربیتی تألیف یافته است.

۴. سلسله تربویة: مجموعه گرانبهایی است که مؤلف با همکاری دو تن دیگر از دانشمندان معاصر، در زمینه مسائل تربیتی منتشر کرده است.

۵. أدب الأئمة لشیعتهم: این کتاب که روش تربیتی ائمه اطهار(ع) را از بررسی سیره زندگی آنها استخراج نموده است، در موضوع خود از بهترین کتابهاست.

مؤلف با طبع رसा و ذوق سرشاری که دارد، حماسه‌های پُرشور شیعه را در قالب شیوای ادب عربی ریخته و دیوانهای ارزنده‌ای را به شیعیان لبنان تقدیم نموده است. که از آن جمله است: اشراق، من قلبی و سبیل یا عطشان.

او همچنین آثار ارزشمندی را از بهترین آثار جهان غرب برای غنی‌تر ساختن فرهنگ عربی به زبان عربی برگردانده است که از آن جمله است: الاتجاهات الحديثة فی الاسلام، الحُبّ و الطبیعة، کن رئیساً و المانیا الغربية. او همچنین کتابهای درسی و کمک درسی فراوانی در رشته‌های: ریاضیات، علوم طبیعی، تاریخ و ادبیات عربی، با همکاری تنی چند از دانشمندان لبنان نوشته و منتشر کرده است.

درباره کتاب

و اما کتاب مورد بحث یعنی یوم الخلاص این کتاب از کتابهای

سودمندی است که به شیوه‌ای دلپذیر و اسلوبی نوین در پیرامون غیب حضرت ولی عصر (ع) به رشته تحریر درآمده است.

- متن عربی این کتاب در یک جلد نگارش یافته، ولی ترجمه آن به دلیل حجم زیادش در دو جلد منتشر شده است.

- این کتاب در ۲۰ بخش تنظیم شده که در ضمن آنها: ولادت، غیبت، طول عمر، نوآب اربعه، نقش انتظار، ویژگی یاران، روزگار رهایی، نزول حضرت عیسی، نشانه‌های ظهور، آزمونهای عمومی، انقلابات، دجال، سفیانی، سیدخراسانی و دهها مباحث دیگر به شیوه‌ای کاملاً ابتکاری مطرح شده است.

- در هر بخشی، نخست اخبار واصله از رسول اکرم (ص) و سپس احادیث وارده از دیگر پیشوایان معصوم (ع) به ترتیب نقل شده است.

- مؤلف به دلیل موقعیت خاص لبنان، در پایان برخی از فصول، اعترافات بعضی از بزرگان اهل سنت را در رابطه با مطالب آن بخش، آورده است.

- و به همین دلیل در پایان برخی از فصول قسمتهایی از متن تورات و انجیل را نیز نقل کرده است.

- برای حفظ تسلسل موضوعی، گاهی احادیث را تقطیع کرده، هر قسمتی را در بخش مربوطه آورده است.

- در پاورقی، منابع بسیاری نقل شده. گاهی برای یک حدیث بیش از ده منبع آمده است که طبعاً متن حدیث در همه منابع به یک گونه نیست، بلکه با عبارات مختلفی نقل شده که مؤلف یکی از آنها را برگزیده و در متن کتاب آورده است. پُر واضح است که به دلیل حجم کتاب، یادآوری

اختلاف منابع در پاورقی امکان‌پذیر نیست. از این رو، بر نویسندگان و پژوهشگران است که بدون مراجعه به اصل منابع، احادیث مندرج در این کتاب را به منابع قیدشده در پاورقی ارجاع ندهند.

- وسعت اطلاعات مؤلف در علوم طبیعی، او را به تطبیق برخی از روایات مربوط به آخر الزمان، براهتراعات، اکتشافات و حوادث عصر ما واداشته است. مترجم محترم این شیوه را نمی‌پسندد. به همین جهت، تلاش می‌کند که با رعایت امانت در ترجمه، دایره این تطبیقها را محدودتر سازد، بویژه در مواردی که حوادث شخصی بصورت قطعی مطرح گردیده است.

- با توجه به موقعیت خاص لبنان، خواندن این کتاب منحصر به جوانان شیعه نیست، بلکه اقشار مختلف لبنان از شیعه و سنی و مسیحی، حتی روشنفکران وابسته به مکتبهای زمینی نیز این کتاب را می‌خوانند. از این رو مؤلف در مقدمه مطالبی آورده که برای خواننده فارسی اهمیت فراوانی ندارد، ولی مترجم برای حفظ امانت، از حذف و تلخیص آنها خودداری کرده است.

- مؤلف نام کتاب را از دو حدیث که از رسول اکرم (ص) و امام صادق (ع) نقل شده، گرفته است که در آن دو حدیث، از روز ظهور حضرت بقیه الله (ع) به «یوم الخلاص» تعبیر شده است. متن احادیث در بخش دوازدهم آمده است.

- تمامی مباحث کتاب مبتنی بر احادیث و آیات قرآن مجید است.

- کتاب از فهرستهای بسیار تفصیلی و جامعی برخوردار است.

- جامعیت کتاب، قلم شیوا، تعبیرات زیبا، اسلوب بدیع و علمی،

تحلیلها، تطبیقها، وسعت علمی و نوآوریهای مؤلف محترم از ویژگیهای خوب این کتاب است.

درباره ترجمه

اولین چاپ این اثر به زبان عربی و به سال ۱۳۹۹ هـ ق انجام گرفت؛ و نخستین ترجمه فارسی آن در سال ۱۳۶۴ شمسی منتشر گردید.

ترجمه حاضر دارای ویژگیهایی است که در پی می آید:

۱. این ترجمه از روی چاپ چهارم (۱۴۰۲ - بیروت) انجام یافته است و ترجمه قبلی از روی چاپ دوم. از این رو، حجم مطالب این چاپ در حدود ۲۰۰ صفحه بیشتر از چاپ دوم است.
۲. در این چاپ، منابع احادیث در پاورقی درج شده است. در صورتی که چاپ دوم فاقد منابع بود.
۳. متن عربی احادیث در این ترجمه درج شده است.
۴. متن احادیث به دقت اعرابگذاری شده است.
۵. احادیث در این ترجمه، شماره گذاری شده و کار مراجعه را آسان کرده است. در این اثر ۱۱۱۸ حدیث که البته بخشی از آنها تکراری است، بکار گرفته شده است.
۶. فهرست اعلام، اماکن، قبایل و مآخذ و منابع مؤلف و مترجم در پایان جلد دوم آمده است.
۷. مترجم به هنگام ترجمه احادیث به منابع اولیه مراجعه کرده و در مورد آیاتی که در ضمن احادیث آمده، قرآن کریم با مراجعه به اشتباهات چاپی متن را تصحیح کرده است.

۸. در ترجمه مطالبی که از تورات و انجیل نقل شده، به متن کتاب مقدس مراجعه شده، و فrazهای یاد شده را از ترجمه‌ای که توسط انجمن پخش کتب مقدسه، از زبانهای اصلی عبرانی و کلدانی و یونانی به فارسی ارائه شده و در لندن به چاپ رسیده، نقل شده است؛ و مترجم در مواردی اختلاف ترجمه فارسی را با ترجمه‌های عربی و ترکی استانبولی ذکر کرده است.

پیام کتاب

مؤلف با صراحت اعلام می‌کند که در این کتاب از یک شخص خیالی و یا قهرمان داستان عادی سخن نمی‌گوید، بلکه از یک مرد آسمانی که به امر مدبر جهان هستی، آماده اصلاحی و انقلابی شکوهمند در سطح گیتی است، سخن می‌گوید.

او در این کتاب از یک قضاء مبرم و حتمی و از یک سلسله رویدادها و حرکتی که بدون تردید واقع خواهد شد سخن می‌گوید.

آری ظهور مهدی (عج) از امور حتمیه‌ای است که لجاجت و غفلت و دیگر واکنشهای ما حتی یک روز هم آن را به تأخیر نخواهد انداخت. او خورشید فروزانی است که بر سرتاسر گیتی خواهد تابید و سرسختی خفاشان از پرتو افکنی او مانع نخواهد شد.

نویسنده بر این باور است که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (عج) از ضروریات مذهب است و روایات حضرت مهدی از طریق شیعه و سنی به حد تواتر رسیده است.

اعتقاد به ظهور یک مصلح غیبی که در آخر الزمان ظهور کرده، بر جنایتها و خیانتهای انسانها خاتمه خواهد داد، به اسلام اختصاص ندارد،

بلکه از نظر یهود و مسیحیت نیز قطعی است. جالبتر اینکه در میان همه طوائف یهود و همه شاخه‌های مسیحیت این اعتقاد قطعی و مسلم است و در میان فرقه‌های مختلف یهود و نصارا، در این مسئله اختلاف نیست. همه پیامبران و سفیران الهی به عنوان جزئی از رسالت خود به مردم و عده داده‌اند که در آخرالزمان یک مصلح غیبی ظهور خواهد کرد، و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود. آن گاه زمان او را توصیف کرده‌اند و نشانه‌هایش را بر شمرده‌اند.

هرگاه پیامبری از این جهان رخت بر بسته و پیامبر دیگری آمده، او نیز چون پیامبر پیشین از ظهور مصلح غیبی در آخرالزمان سخن گفته است. به نظر نویسندگان تحقّق یافتن علائم آخرالزمان یکی بعد از دیگری در هر برهه‌ای از زمان، موجب می‌شود که انسان عقل خود را به کار اندازد و در مورد این خبرهای غیبی که هزاران سال پیش توسط سفیران الهی وعده داده شده، تفکر کند.

نویسندگان بر این باور است که تاکنون تعدادی از این نشانه‌ها تحقّق یافته و در عصر ما نیز این نشانه‌ها در حال تحقّق یافتن است؛ و دقیقاً طبق وعده‌های انبیا تحقّق می‌یابد. او این تحقّق را دلیل عقلی بر حقانیت مسئله می‌داند و معتقد است صدها نشانه از نشانه‌های آخرالزمان به عنوان مقدمه ظهور حضرت ولی عصر (عج) و نشانه حقانیت این اعتقاد توسط رسول اکرم (ص) و پیامبران پیشین گفته شده و امروز تعدادی از آنها متحقق شده است. هزاران روایات در مورد غیبت و نشانه‌های عصر ظهور حضرت به ما رسیده که در آن روایات صدها نشانه برای عصر ظهور بیان شده و ما در عمر محدود خود گواه تحقّق یافتن تعدادی از آنها

می‌باشیم و می‌توانیم برای اثبات مسئله مهدویت از همین طریق استدلال کنیم که یک دلیل قطعی عقلی است و اگر کسی آن را رد کند، صرفاً به دلیل دشمنی با معارف آسمانی است. چه گروهی از مردمان عصر ما تصمیم گرفته‌اند هر مطلبی را که به عنوان مطالب معنوی و الهی بشنوند، به همین دلیل رد کنند و زیربار نروند!

تحقق این علامتها یکی پس از دیگری خود دلیل قاطعی است بر حقیقت پیامبرانی که این نشانه‌ها را به استناد پیک وحی به امت خود بازگو کرده‌اند، و انکار منکران پس از روشن شدن، صرفاً به دلیل دشمنی با وحی است و ضرری به اصل قضیه نمی‌رساند.

وی معتقد است هرکسی حق دارد به هنگام شنیدن هر مطلبی با دیده تردید بنگرد و دلایل وجودی هر موضوعی را با احتیاط تجزیه و تحلیل نماید تا حق بودن آن را از روی منطق عقل نفی یا اثبات کند، ولی کسی حق ندارد هرکجا اسم وحی به میان آمد، بی‌درنگ به انکار آن برخیزد که منطق عقل چنین شیوه‌ای را نمی‌پذیرد.

به نظر ایشان نویدهای مصلح غیبی از زبان پیامبران اولوالعزم به ما رسیده است و حداقل ۶۰ قرن این نویدها دست به دست هم گشته و امروز به دست ما رسیده است.

سالم ماندن این نویدها در طول قرون متمادی بر اهمیت موضوع افزوده و مسئله را برای ما قطعی‌تر نموده است.

اگرچه قطعیت اعتقاد به حضرت مهدی (ع) میان شیعه و سنی فرق نمی‌کند، ولی شیعیان این افتخار را داشته‌اند که آن را در قرنهای متمادی شعار خود قرار دهند و به همین دلیل از سوی زمامداران ستمگر همواره

مورد ایذا و اذیت قرار گرفته‌اند؛ و از طرف نادانها ریشخندها و استهزاءهای فراوانی را تحمل کرده‌اند. زیرا آنها بیش از هر مذهب دیگر در مقام دفاع از این عقیده استوار اسلامی جانبازی و فداکاری از خود نشان داده‌اند؛ و این افتخار را داشته‌اند که این مصلح غیبی آخرین پیشوای آنها و دوازدهمین امام از امامهای معصوم آنها باشد.

نویسنده معتقد است مشیت الهی بر آن تعلق گرفت که موعود امتها و توده‌ها را دوازدهمین خورشید فروزان از پیشوایان معصوم این امت قرار دهد. از این رهگذر آن مهر تابان و قبله خوبان بیش از هر ملت دیگر با شیعیان امامیه مربوط می‌شود و به همین دلیل آنها بیش از هر آئین دیگر در سنگر دفاع از حریم آن حضرت وفادار مانده‌اند و تیرهای حوادث را به جان خریده‌اند.

علمای امامیه بیش از هر ملت دیگر در گردآوری احادیث حضرت مهدی (ع) از زبان رسول اکرم (ص) و دیگر پیشوایان معصوم تلاش کرده‌اند. زیرا با مبانی عقیدتی آنها بیش از همه طوائف ارتباط دارد. از این رهگذر در میان همه مذاهب بیش از همه با این عقیده شناخته شده‌اند، و در تدوین و تألیف احادیث مهدی (ع) کوشیده‌اند؛ و اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (ع)، به عنوان یکی از بارزترین و استوارترین عقیده و شعار مذهبی آنها در آمده است.

نویسنده در این کتاب هرگز با مخالفان احادیث حضرت مهدی (ع) بحث جدلی نمی‌کند، بلکه می‌کوشد زنده و موجود بودن حضرت مهدی (ع) را با براهین استوار و دلایل روشن اثبات نماید و به روشنی ثابت که همه ادیان ظهور حضرت مهدی را نوید داده‌اند، اگر چه برخی

از افراد منسوب به آن دین در مقام تردید برآیند، و عقل آن را نپذیرد. یکی از موارد مهم و اساسی در باب مهدویت احادیث مربوط به علائم آخرالزمان است که صدها حدیث از معصومین (ع) در این رابطه صادر شده و در کتابهای معتبر با اسناد مورد اعتماد ثبت گردیده است. در این رابطه کتابهای مستقل فراوانی تألیف شده است. از کتابهای مستقل که بگذریم، کتاب حاضر بیشترین احادیث مربوط به نشانه‌های ظهور را در بر دارد. در این کتاب بیش از ۶۰۰ حدیث پیرامون علائم ظهور از امامان نور آمده است.

مؤلف با آگاهی وسیعی که از پدیده‌های طبیعی و یافته‌های علمی جهان دارد، در مورد برخی از این نشانه‌ها پیش‌بینی‌های جالبی کرده که برخی از آنها در مدت چهارده سالی که از تاریخ ترجمه این اثر می‌گذرد، به وقوع پیوسته است. از آن جمله است: پیش‌بینی انفجار چاههای نفتی طهران که در طی برخورد نظامی عربستان با عراق واقع شد؛ و در مقابل، برخی دیگر از این پیش‌بینی‌ها به حقیقت پیوسته است.

۸. راز طول عمر حضرت مهدی (ع)

امام مهدی - طول عمر - سیدهادی حسینی.

مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱.

طول عمر امام مهدی (ع) یکی از ویژگیهای اصلی آن حضرت است که پیامبر (ص) و امامان (ع) آن را بازگفته و سالها پیش از تولد آن امام بزرگ، مطرح بوده است. کتاب حاضر نگاهی گذرا به چگونگی طول عمر داشته و از زوایای مختلف به آن می‌پردازد تا برخی تردیدها درباره ظهور و عمر امام مهدی (ع) را بزداید و زنده بودن امام (ع) را به اثبات رساند.

کتاب دارای هفت فصل است که در اینجا به اجمال به مباحث آنها اشاره خواهیم کرد:

۱. طول عمر و تعالیم دینی

کتاب آسمانی قرآن که وحی و سخن حق است و ساحت تعلیم آن از گزاف‌گویی و اندیشه‌های باطل و پوچ منزّه می‌باشد، به مسأله دراز

عمری اشاره می‌کند و آن را در امتهای پیشین روندی طبیعی می‌داند و از نهاد انسان که خواهان عمر دراز است، خبر می‌دهد؛ و نویدبخش زندگی جاودان پس از مرگ می‌باشد که بسته به اعمال انسان در این دنیا، می‌تواند سراسر عذاب و درد و یا آکنده از نعمت و لذت باشد.

قرآن، دراز عمری و یا عمر اندک را وابسته به خواست و اراده خدا می‌داند و آن را امری بس آسان می‌شناسد و نمونه‌های آشکاری از آن را بازگو می‌کند: «هیچ کس به دراز عمری نمی‌رسد و از عمر کسی کم نمی‌شود، مگر اینکه در کتاب - لوح محفوظ خدا - ثبت می‌باشد، و این کار بر خدا بسی آسان است.»^۱ در تفسیر مجمع می‌خوانیم: «عمر طولانی به کسی دادن و کاستن از عمر شخصی... برای خدا آسان است و دشوار و محال نیست.»^۲

الف. عمر جاودان: افزون بر طول عمر، قرآن عمر جاودان را برای برخی از موجودات و کسان مطرح می‌کند که گاه به پیش از آفرینش آدم (ع) مربوط می‌شود و تا قیامت ادامه می‌یابد. مانند: حضرت عیسی (ع)، حضرت خضر (ع) و اصحاب کهف.

ب. عمر طولانی: نمونه‌هایی از کسانی که سالیان دراز زیسته‌اند، در قرآن یاد شده است مانند: ارمیا (عزیر)، نوح (ع)، الیاس (ع) و ادریس (ع).

۲. طول عمر در تاریخ

در این قسمت مؤلف از کسانی نام می‌برد که بین ۵۰۰ تا ۳۶۰۰ سال عمر کرده‌اند. بنابر آنچه در تاریخ زندگی آدمی آمده است، کسان زیادی

طول عمر ۵۰۰ سال و بیشتر داشته‌اند.^۱

شیخ مفید نیز در کتاب الغیبة، از کسانی نام می‌برد که عمر طولانی کرده‌اند. سلمان فارسی حضرت عیسی (ع) را دید و تا پس از پیامبر اکرم (ص) زنده ماند. عمر او به حدود ۷۰۰ سال می‌رسد؛ و فوژن دوگلاس ۱۲۵ سال، سوفکل ۱۳۰ سال، آشناگر ۱۴۷ سال، توماس بار ۱۵۲ سال، ژوزناف سورنگتن ۱۶۵ سال، شیرعلی مسلم‌اف ۱۶۸ سال، سیدعلی ساکن روستای سده اصفهانی با ۱۸۹ سال، نمونه‌هایی از دراز عمران هستند.^۲

۳. امکان عقلی و علمی و عملی طول عمر

طول عمر به گونه‌ای که اگر از قرن‌ها فراتر رود و به هزاره‌ها برسد، از دیدگاه‌های گوناگون امری شدنی و ممکن است:

الف. امکان عقلی: مقصود از این امکان، محال نبودن عمر طولانی از نظر عقل است. دراز عمری با تناقضی همراه نمی‌باشد و مانعی برای تحقق آن وجود ندارد. زیرا در مفهوم زندگی، مرگ زودرس نهفته نیست.

ب. امکان علمی: امکان علمی بدین معناست که از نظر علم پدیده‌ای نفی نشود، هرچند با دانش کنونی دسترسی به آن عملی نباشد.^۳

نظریه‌های علمی، امکان زیست درازمدت را برای انسان محال نمی‌داند و نیز تلاش‌های علمی فراوانی برای تأخیر فرایند پیری و چگونگی وقوع آن و عوامل و پیامدها در این زمینه، در حال انجام است.

۱. ر.ک: الامام المهدی (ع)، (علی محمد دخیل)، صص ۱۴۶ - ۱۴۸.

۲. ر.ک: راز طول عمر، صص ۹۰ - ۹۵.

۳. ر.ک: جستجو و گفتگو پیرامون امام مهدی (ع)، ص ۱۶.

چند نمونه از بررسیها در این زمینه شایان توجه است:

الف - برخی از محققان می‌گویند ژنهایی را کشف کرده‌اند که عامل جاودانگی سلولها است.

ب - پژوهشگران با آزمایشهایی به روشی از ژن درمانی دست یافته‌اند که از تحلیل رفتن ماهیچه‌های بدن در اثر پیری پیشگیری می‌کند.

ج - تاکنون تصور می‌شد که نقص در سیستم اعصاب برگشت‌ناپذیر است و بافتهای عصبی را نمی‌توان ترمیم کرد.^۱ لیکن محققان دریافته‌اند که سلولهای مغز نیز می‌توانند خود را بازسازی کنند و این کار پیوسته در طول زندگی یک فرد انجام می‌گیرد.^۲

د - همچنین روشن است که مرگ در ۹۰ سالگی و یا ۱۰۰ سالگی و بیشتر از آن به خاطر کهولت نیست، بلکه به دلایل مشخصی چون سکته مغزی، قلبی، عفونت ریه، عوارض ناشی از شکستگیهای استخوان و... رخ می‌دهد.^۳

ج. امکان عملی: امکان عملی آن است که پدیده‌ای افزون بر امکان عقلی و علمی، در عمل تحقق یابد.

آیت الله شهید سید محمدباقر صدر پس از آنکه امکان طول عمر را از جنبه نظری دانش امروز منتفی نمی‌داند، چنین اظهار نظر می‌کند: «بررسی علمی و بحث مسأله طول عمر،... بستگی دارد به نوع تفسیری که علم فیزیولوژی از پیری و فرسودگی دارد... اگر پیری... نتیجه مبارزه

۱. ر.ک: ماهنامه دانشمند، شماره ۴۵۲ و ش ۲، خرداد ۱۳۸۰، ص ۲۴.

۲. ر.ک: همان، شماره ۴۴۴، س ۳۸، ش ۷، مهر ۱۳۷۹، ص ۲۶.

۳. ر.ک: ماهنامه هود، ش ۹، آذر ۱۳۸۰، ص ۵.

جسم با عوامل بیرونی معین، و تأثیر پذیری از آنها باشد، از جنبه نظری امکان دارد که بافتهای تشکیل دهنده بدن انسان را از عوامل معین و مؤثر در آن، برکنار داشت تا زندگی آدمی طولانی شود... از دیدگاه دیگر... پیری یک قانون طبیعی است و هربافت و اندام زنده‌ای، در درون خود، عامل نیستی حتمی خود را نهفته دارد... ولی نگرستن از این دیدگاه هم مستلزم آن نیست که هیچ گونه انعطافی در این قانون طبیعی راه نیابد...

دانشمندان در آزمایشگاهها... مشاهده می‌کنند که پیری یک پدیده فیزیولوژیکی است و ربطی به زمان ندارد. گاهی زود... و گاه با فاصله زمانی بیشتر آشکار می‌گردد.

تا آن جا که برخی از سالمندان... از نرمی و تازگی برخوردارند... بعضی از دانشمندان توانسته‌اند عملاً از انعطاف‌پذیری این قانون... بهره گیرند؛ و زندگی پاره‌ای از حیوانات را از صدها برابر عمر طبیعی آنها بیشتر کنند. اینان با به دست آوردن موفقیت‌های چشمگیر، قانون پیری طبیعی را شکسته، از نظر علمی روشن ساخته‌اند که عقب انداختن پیری یا فراهم ساختن موقعیتها و عوامل معین، امری است که از نظر علم امکان دارد...

در پرتو آنچه گفته شد، می‌توانیم درباره عمر حضرت مهدی (ع) به بررسی بنشینیم... دیگر هیچ انگیزه‌ای برای شگفتیها باقی نمی‌ماند؛ مگر اینکه در دانش امام مهدی (ع) شک کنیم و پیشی گرفتن علم او را بر کاروان دانش بشر، بعید بشماریم.^۱

۴. نظریه‌های طول عمر

نظریه‌های گوناگونی پیرامون مکانیسم پیری و طول عمر وجود دارد، ولیکن از آن جا که دلایل و عوامل زیادی باعث مرگ و یا طول عمر سالمندان می‌شود و چگونگی این روند به طور کامل و قطعی شناخته شده نیست، هریک از این نظریه‌ها جنبه‌هایی از موضوع را روشن می‌سازد. برخی از نظریه‌های پیری و طول عمر چنین است:

۱. نظریهٔ رادیکالهای آزاد

۲. فرضیهٔ نقش واسطه‌ای گلوکز

۳. نظریهٔ محدودیت تقسیم سلولی و نقش ژنها

۴. گریزناپذیری پیری، بیماری و مرگ

در انسان، میزان مرگ، پس از ۸۵ سالگی کاهش پیدا می‌کند. در فاصلهٔ سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ میلادی آمریکاییهای ۶۵ تا ۸۵ سال ۸۹ درصد افزایش یافتند. این رقم دربارهٔ افراد بالای ۸۵ سال ۲۳۲ درصد بود؛ و به طور کلی کاهش مرگ پس از ۸۵ سالگی از سایر گروههای سنی بیشتر می‌باشد.

بنابراین، سرعت پیری و مرگ به هم ناوابسته‌اند و ظرفیت فیزیولوژیک بدن با شتاب کاهش نمی‌یابد و شواهد حاکی است که از سن ۱۰۰ سالگی به بعد، میزان مرگ به طور شایان توجه کند می‌گردد و رسیدن به سنین بالاتری را ممکن می‌سازد؛ و اگر پیری را به عنوان افزایش مرگ تعریف کنیم، بدین معناست که پیرترین جانداران دیگر پیر نمی‌شوند.

این بررسیها که بر اساس مطالعات و یافته‌های تجربی فراوان به

دست آمده است، این پندار را در ذهن تقویت می‌کند که ممکن است با دستیابی به سن خاص، نوعی فناپذیری رخ دهد، به این معنا که در کسانی ویژه، رسیدن به سن معین به همراه سایر مسائل طول عمر و جهش ژنی و مکانیسمهایی که چگونگی آنها برای ما ناشناخته است، تولد زیستی پدید آید؛ و سلولها و اندامهای شخص مانند حالت جنینی دوباره بازسازی و نوسازی شوند و بدن قدیمی به تدریج از راه پوست، کلیه‌ها، روده‌ها و ششها، حل و دفع گردد که مرتبه‌های بسیار نازل و تا اندازه‌های شبیه به این روند را می‌توان در پوست‌اندازی خزندگان و دگردیسی حشرات دید. رویش دندانهای شیری در دهان برخی از سالمندان، دورنمایی از این موضوع به دست می‌دهد.

۵. عوامل طول عمر

طول عمر به عوامل شناخته شده و ناشناخته زیادی بستگی دارد، که گاه باعث حیرت و سردرگمی انسان می‌شود.

وراثت، محیط، شخصیت، نیروهای روحی و انرژی روانی، نقش رنگها، ذهن و بینش، روابط اجتماعی، دین باوری و ایمان به خدا، کار و فعالیت اجتماعی، اثرات دارو، اعتدال در زندگی، راز خوراکیها، نور و اشعه، کندسازی سیرزمان، لبخند و شادمانی، ازدواج و جمع‌گرایی، دانش پژوهی و بهداشت طبیعی از عوامل طول عمر شمرده شده‌اند.

۶. امام مهدی (ع) وجودی بی‌همتا

از آموزشهای اسلامی استفاده می‌شود که امام زمان (ع) عصاره خلقت، ذخیره همه ادیان آسمانی، عالم به همه تعالیم پیامبران خدا، و خردمندترین کس در تاریخ عمر آدمی است. همه ویژگیهای بایسته یک

انسان کامل و نمونه را داراست و از هر نوع آلودگی و انحراف به دور است. مصلحی است که نظیر و همتا ندارد.

وجودی این چنین که خداوند ویژگیهایش را بر می شمارد^۱ و پیامبر (ص) از او سخن می گوید^۲، و امامان (ع) یکی پس از دیگری آمدن او را بشارت می دهند، و تشکیل دولت حق و حکومت عدل جهانی را به دست او نوید می دهند، و رخدادهای زمان غیبت و قیام و حضور او را باز می گویند تا دینداران واقعی به تردید نیفتند و استوار و ثابت قدم باقی بمانند، برآستی شخصیتی بی نظیر است و اهداف آرمانی و بزرگ در اندیشه دارد و رسالتش بس عظیم است. او باید عمر طولانی داشته باشد تا ظهور و سقوط دولتهای گوناگون و رژیمهای سیاسی و مکتبها و مرامها و فرهنگها و تمدنهای مختلف را در همه نقاط جهان به نظاره نشیند و با همه، زمان سپری کند و رنگ هیچ کدام از آنها را نپذیرد.

بر اوست تا کاستیهای تجربه آدمیان و ذخیرهها و رهاوردهای اندیشههای بشری را برای اصلاح جوامع و ناکامی همه آنها را در این روند به جهانیان بنمایاند و عینیت تجربه دوران تاریخ را شاهد آورد و ناتوانی همه ملتها و مردمان را برای ساختن جامعه انسانی آشکار سازد تا سطحی نگری، خام اندیشی و انحرافهای خویش را بروشنی دریابند. با حقایق گیتی آشنا شوند. حق و باطل را از هم تمیز دهند و در راه ایمان که همان عمل به حق و عدل است، با دل و جان گام بردارند و رستگاری یابند.

در احادیث آمده است که امام مهدی (ع) عقلها را کامل می گرداند.

۲. رک: همان، صص ۷۲ - ۱۰۵.

۱. رک: بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۸.

پیدا است که این زمانی میسر است که آدمی دوران کودکی خود را پشت سرگذارد و به بلوغ اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و انسانی برسد. تا آن جا که عمل و اندیشه آدمی توان دارد در هر زمینه‌ای بکوشد و هر مکتب و روشی را تجربه کند و هر آنچه را خوشبختی و رفاه می‌پندارد و مایه آسایش و آرامش درونی می‌داند، بیازماید. هر راه نارفته‌ای را بیوید و این آزمونها و خطاها ادامه یابد و انسان در تکاپوی درد و درمان و یافتن رمز سعادت و همای نیکبختی به ستوه آید و به درماندگی خود پی ببرد و ناکارایی همه روشها و کوششها برای او عینی و ملموس شود.

علم و دانش و پیشرفتهای صنعتی و آزمندی انسان برای کسب سود، مایه ویرانی و کشتارهای بزرگ را فراهم آورد و زیست بوم انسان و شرایط حیات رو به تباهی رود؛ و آدمی این نابسامانیها را که بر اثر فاصله گرفتن از منطق وحی پدید آمده، با همه وجود خود حس کند و ندای درون و آوای برون و بی حاصلی تجربه قرن‌ها و نسلها، او را به سوی یک منجی حقیقی رهنمون شود تا از سردرگمی‌ها، تنشهای عصبی و هر آنچه خطرناک و زیانبار است، نجات یابد؛ و فراخوان آن حضرت را پاسخ مثبت گوید و برای تحقق آرمانهای درخشان آن حضرت آماده گردد و تا جایی که توان دارد بکوشد؛ و این همه، عمر طولانی می‌طلبد؛ و این گونه اهداف از حکمتهای طولانی بودن عمر آن حضرت و فلسفه غیبت می‌تواند به شمار آید.

«خدای متعال امام منتظر(ع) را برای اصلاح همه گستره گیتی برگزیده است. نجات انسان از امواج هولناکی که حیات او را در بر گرفته و در پیچ و خمهای ناشناخته این دنیا او را له می‌سازد، به آن حضرت

واگذار شده است. امام مهدی (ع) آخرین مصلح اجتماعی است. از این رو، باید دوران سیه‌روزی و بدبختی آدمی بگذرد تا مهدی (ع) نقطه پایان روزگار فاجعه و مصیبت باشد و پرتوهای نورانی به هر سو افکند و زمین را آکنده از عدل و داد کند.

امام منتظر (ع) یگانه قهرمانی است که روند تاریخ حیات انسان را تغییر می‌دهد و آن را بر اساس تمدنی بزرگ و بالنده بنیان می‌نهد. این تمدن پس از همه تمدنهایی است که بر دنیا پدید می‌آید و جز ظلم و تباهی نیافریده است.

بنابراین، عمر طولانی برای امام مهدی (ع) یقینی است... تا بتواند سامانه‌ای را پدید آورد و سگاندار اصلاحاتی شود که همه جوانب حیات آدمی را در برگیرند.^۱

۱. حیات الامام محمدالمهدی (ع)، ص ۱۷۳.

۹. حکومت مهدی (ع)، امید بشریت

حکومت جهانی مهدی (عج). ناصر مکارم شیرازی.

قم: انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۰.

آیت‌الله مکارم شیرازی از مراجع معاصر شیعه است که در زمینه‌های مختلف دینی کتاب‌های ارزشمندی دارند. کتاب حکومت جهانی حضرت مهدی با یازده فصل تحت عناوین آینده روشن، مصلح بزرگ در میان اقوام دیگر، انقلاب جهانی، آمادگیهای لازم برای حکومت، انتظار، مصلح بزرگ جهانی در منابع اسلامی، نشانه‌های آغاز انقلاب، ویژگیهای عقیده شیعه پیرامون مهدی (ع) راه پیروزی آن مصلح بزرگ، روش حکومت جهانی او و مدعیان دروغین، کوشش می‌کند به دور از تعصبات و گرایشهای افراطی و به دور از پیشداوریهای غیرمنطقی به پرسشهای زیر که محورهای اصلی و اساسی کتاب هستند پاسخهای منطقی، علمی و دینی بدهد:

۱. آیا سرنوشت آینده بشریت، صلح و عدالت و امنیت و آزادی انسانها از چنگال هرگونه ظلم و ستم و تبعیض و استعمار است؟ یا آنگونه که بعضی پیش‌بینی می‌کنند هرج و مرجها روزافزون، فاصله‌ها بیشتر، ناهماهنگیها و نابسامانیها فراوانتر و سرانجام یک جنگ اتمی یا فوق اتمی عالمگیر، پایه‌های تمدن انسانی را ویران خواهد ساخت و اگر انسانهایی بر روی کره زمین باقی بمانند، افرادی عقب‌مانده، معلول، بینوا و درمانده خواهند بود.

۲. اگر عقیده نخست صحیح است، دلیل آن چیست؟

۳. اگر بنا هست جهان به سوی عدل و صلح و برادری گام بردارد، آیا اجرای این اصول بدون انقلاب ممکن است؟ و به تعبیر دیگر: آیا اصلاحات تدریجی و رفرمها توانایی دگرگون ساختن چهره عمومی جهان با این همه ناهنجاریها را دارند؟

۴. اگر لازم است انقلابی صورت گیرد، آیا تنها از طریق قوانین مادی امکان‌پذیر است، یا بدون استمداد از اصول معنوی و ارزشهای اصیل انسانی ممکن نیست؟

۵. باز اگر قبول کنیم چنین انقلابی - به هر حال - رخ خواهد داد، رهبر این انقلاب چه صفاتی باید داشته باشد؟

۶. آیا این انقلاب الزاماً به حکومت واحد جهانی می‌انجامد؟

۷. آیا آمادگیهای خاصی برای چنان حکومتی لازم نیست؟

۸. این آمادگیها در دنیای کنونی وجود دارد یا نه و اگر ندارد، آیا در حال حاضر، جهان به سوی این آمادگیها گام برمی‌دارد یا برعکس آن؟

۹. آیا این امور به هر حال با عقیده عمومی مذاهب جهان نسبت به

ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی ارتباطی دارد؟

۱۰. اعتقاد عمومی مسلمانان به ظهور مهدی چگونه است و پیوند آن

با این مسائل سرنوشت ساز چیست؟

۱۱. آیا اعتقاد به چنان ظهوری ما را به اصلاح عمومی جهان از طریق

یک انقلاب همه جانبه نزدیکتر می سازد، یا آن چنان که بعضی

می اندیشند دور می کند؟

۱۲. آیا این فکر و عقیده عمومی مذاهب، یک واقعیت عینی است و

مولود دلایل منطقی، یا یک تخیل است برای اشباع کاذب تمایلات

سرکوفته انسانها در مسیر گمشده عمومی؛ یعنی صلح و عدالت؟^۱

۱. آینده روشن

نویسنده معتقد است به دلایلی که در زیر می آید آینده جهان روشن و

امیدوار کننده است:

الف. سیر تکاملی جامعه ها: شک نیست که در یک نظر ابتدایی، قراین

گواهی می دهد که دنیا به سوی فاجعه پیش می رود. فاجعه ای که زائیده

ترک عواطف، افزایش فاصله ها میان جوامع ثروتمند و فقیر، شدت

گرفتن اختلافات و برخوردهای دولتهای بزرگ و کوچک و فرآورده های

نامطلوب و پیش بینی نشده زندگی ماشینی و مانند آن است.

فاجعه ای که مقایسه وضع موجود با گذشته نزدیک، چهره آن را

مشخص می سازد و عامل مؤثری برای نمو جوانه های بدینی در اعماق

فکر خوشبین ترین افراد محسوب می گردد.^۲

۲. رک: همان، ص ۱۵.

۱. رک: حکومت جهانی مهدی، صص ۹ - ۱۰.

ولی در برابر این همه عوامل بدبینی ابتدایی، مطالعات عمیقتر نشان می‌دهد آینده درخشانی در پیش است. این اندوه‌گشونده، این طوفان مرگبار، و این سیل ویرانگر، سرانجام پایان می‌گیرد، و اگر خوب بنگریم در افقهای دوردست نشانه‌های ساحل نجات به چشم می‌خورد. نخستین دلیل منطقی برای این موضوع قانون سیر تکاملی جامعه‌ها است.^۱

ب. هماهنگی با نظام آفرینش: به اعتقاد او، نظام آفرینش دلیل دیگری بر پذیرش یک نظام صحیح اجتماعی در آینده در جهان انسانیت خواهد بود.^۲

ج. واکنشهای اجتماعی (قانون عکس العمل): فشار جنگها، فشار مظالم و بیدادگریها، فشار تبعیضها و بیعدالتیها، توأم با ناکامی و سرخوردگی انسانها از قوانین فعلی برای از بین بردن یا کاستن این فشارها، سرانجام واکنش شدید خود را آشکار خواهد ساخت.

سرانجام این خواستهای واپس زده انسانی، در پرتو آگاهی روز افزون ملتها، چنان عقده اجتماعی تشکیل می‌دهد که از نهانگاه ضمیر باطن جامعه، با یک جهش برق آسا، خود را ظاهر خواهند ساخت و سازمان نظام کنونی جوامع انسانی را به هم می‌ریزند و طرح نوینی ایجاد می‌کنند. طرحی که در آن نه از مسابقه کمر شکن تسلیحاتی خبری باشد و نه از این همه کشمکشهای خسته کننده و پیکارهای خونین و استعمار و استبداد و ظلم و فساد و خفقان؛ و این بارقه دیگری است از آینده روشنی که جامعه جهانی در پیش دارد.^۳

۲. رک: همان، صص ۱۶-۱۷.

۱. رک: همان، صص ۱۶-۱۷.

۳. رک: همان، صص ۳۰-۳۱.

د. الزامهای اجتماعی: نویسنده بر این باور است که الزام اجتماعی، مؤثر عامل دیگری است که با کاربرد نیرومند خود، مردم جهان را خواه ناخواه، به سوی یک زندگی آمیخته با صلح و عدالت، پیش می‌برد، و پایه‌های یک حکومت جهانی را بر اساس طرح تازه‌ای می‌چیند. او تشکیل مجامع جهانی و تنظیم اعلامیه حقوق بشر، گفتگو از خلع سلاح عمومی، جمله صلح و طرح حکومت اسلامی را از مصادیق الزامات اجتماعی معرفی می‌کند.

ه. فطرت و صلح و عدل جهانی: آیا در مسأله مورد بحث - یعنی پایان گرفتن جهان با جنگ و خونریزی و ظلم و بیدادگری، یا حکومت صلح و عدالت و امنیت - الهامهای فطری می‌تواند به ما کمکی کند یا نه؟

به نظر نویسنده، عشق به صلح و عدالت، انتظار عمومی برای یک مصلح بزرگ دو نشانه‌ای هستند بر اینکه الهامهای فطری می‌توانند به آدمی کمک کنند. او تحت عنوان «مصلح بزرگ در میان اقوام دیگر» به بررسی منجی آخرالزمان در کتابهای زرتشیان، هندویان و برهمنیان، عهد قدیم، عهد جدید، چینیان و مصریان و غریبان پرداخته و بر این باور است که انتظار جنبه منطقه‌ای نداشته و همه‌گیر و گسترده و در سطح جهان بوده و امری فطری است.

۲. انقلاب جهانی، انقلاب یا اصلاحات تدریجی

در بخش نخست، بحث در این بود که انسان به حکم ندای خرد، و الهام فطرت به آینده‌ای روشن می‌نگرد. آینده‌ای که با امروز فرق بسیار خواهد داشت، و از این همه تیره‌روزیها در آن اثری نخواهد بود.

نویسنده در این قسمت سعی می‌کند به این سؤال که «پیدایش چنان

دگرگونی‌ای از طریق اصلاحات تدریجی باید انجام گیرد یا از طرق انقلابی و بنیادی؟» پاسخ منطقی و علمی بدهد.^۱

به نظر او آنچه به واقعیت نزدیکتر به نظر می‌رسد، این است که درجه فساد اجتماعات باهم متفاوت است. آنجا که فساد به صورت همه‌گیر و همه‌جانبه درنیامده، اصلاحات تدریجی می‌تواند اساس برنامه‌های اصلاحی را تشکیل دهد. اما آنجا که فساد همه‌جا را گرفته و یا در بیشتر سازمانهای اجتماعی نفوذ کرده، جز با یک انقلاب بنیادی و جهش نمی‌توان بر نابسامانیها چیره گشت.^۲

اما در مورد اصلاح عمومی وضع جهان و برچیده شدن نظام کنونی که بر اساس هدر دادن نیروهای فعال و تبعیض و ظلم و ستم بنا شده و جانشین شدن یک نظام عادلانه خالی از این نابسامانیها، وضع روشنتر است. زیرا این انقلابی‌ترین کاری است که باید در جهان صورت گیرد و از هر انقلاب دیگری وسیعتر و گسترده‌تر است.

اگر بناست جهان کنونی پُر از بیدادگری و ظلم و فساد، از لبه پرتگاه فنا و نیستی کنار رود، باید انقلابی وسیع در آن صورت گیرد، انقلاب در زمینه فکری، فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و قوانین و برنامه‌ها. انقلاب مادی و معنوی، انواع روشهای حکومت و نقد دموکراسی، از مباحث دیگر این بخش است.

۳. آمادگیهای لازم برای حکومت جهانی

نویسنده بر این باور است، برای اینکه دنیا بتواند حکومت جهانی حضرت مهدی(ع) را پذیرا شود، باید آمادگی فکری، فرهنگی،

۱. ر.ک: همان، ص ۶۳. ۲. ر.ک: همان، ص ۶۴.

اجتماعی و آمادگیهای تکنولوژی و ارتباطی لازم را داشته باشد. در غیر این صورت، توانایی پذیرش چنین حکومتی را نخواهد داشت.^۱

۴. انتظار

الف. مفهوم انتظار: انتظار یا آینده‌نگری به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می‌کند. بنابراین، مسأله انتظار حکومت حق و عدالت مهدی و قیام مصلح جهانی در واقع مرکب از دو عنصر است: عنصر نفی و عنصر اثبات. عنصر نفی، همان بیگانگی با وضع موجود و عنصر اثبات، خواهان وضع بهتر بودن است.^۲

ب. فلسفه انتظار: نویسنده بر این باور است که اگر اعتقاد و انتظار به حکومت جهانی مهدی به صورت ریشه‌دار حلول کند، سرچشمه دو رشته اعمال دامنه‌دار خواهد شد. این دو رشته اعمال عبارتند از: ترک هرگونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه و درگیری با آنها از یک سو و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگیهای جسمی و روحی و مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی از سوی دیگر.^۳

ج. انتظار؛ یعنی آماده باش کامل: کسانی که در انتظار چنان انقلابی به سر می‌برند، اگر در دعوی خود صادق باشند (نه جزء منتظران دروغین خیالی) بطور مسلم آثاری چون خودسازی فردی، خودیاریهای اجتماعی و حل نشدن در فساد محیط در آنها نمایان می‌شود.^۴

۲. ر.ک: همان، ص ۸۵.

۱. ر.ک: همان، صص ۷۹-۸۳.

۳. ر.ک: همان، ص ۹۶. ۴. ر.ک: همان، ص ۱۰۰.

۵. مصلح بزرگ جهانی در منابع اسلامی

الف. صفات رهبر جهانی: به نظر نویسندگان انقلاب جهانی باید به رهبری کسی صورت بگیرد که دارای صفات زیر باشد:

- آگاهی فوق العاده، وسیع و بینشی ژرف و عمیق

- دید و نظری صائب و دورنگری بی مانند به وسعت جهان انسانیت

- دارا بودن طرحهای پخته انقلابی در همه زمینه‌ها

- شهامت و بلند نظری و همت فوق العاده

- پاکی و تقوا و درستکاری به اندازه هدف و سיעش

- نگرستن به همه ابعاد زندگی و محصور نشدن در بُعد مادی

- روح بزرگی که مافوق دسته‌بندیها، و گروههای متخاصم و

تنگ‌نظریهای منافع خصوصی و مافوق عادات و رسوم و مکتبها و

مسلکهای موجود باشد.^۱

ب. مصلح بزرگ جهانی در آیات قرآن: قرآن - مهمترین منبع اسلامی - در

این زمینه مانند بسیاری زمینه‌های دیگر تنها یک بحث کلی و اصولی

دارد، بدون اینکه وارد جزئیات مسأله شود؛ و به تعبیر دیگر: آیات قرآن

همان را تعقیب می‌کند که استدلالهای عقلی و الهامهای فطری پی

می‌گیرند؛ یعنی خبر از تحقق یک حکومت عدل جهانی در سایه ایمان.^۲

مهدی کیست؟: نویسندگان معتقد است همه فرق اسلامی بدون استثنا

در انتظار قیام یک مرد بزرگ انقلابی از دودمان پیامبر به نام مهدی

هستند. رهبری که به سوی هدف و برنامه وسیع انقلابی اش هدایت شده

۲. رک: همان، ص ۱۱۸.

۱. رک: همان، صص ۱۰۹ - ۱۱۰.

و به همین دلیل قادر به هدایت و رهبری دگران است.

این اتفاق نظر به حدی است که حتی تندروترین گروههای اسلامی یعنی وهابیان نیز این موضوع را پذیرفته‌اند، نه تنها پذیرفته‌اند، بلکه بطور جدی از آن دفاع می‌کنند و از عقاید قطعی و مسلم اسلامی می‌دانند.^۱

عقیده به وجود مصلح جهانی به نام مهدی در میان شیعه امامیه موج بیشتر و گسترده‌تری دارد. زیرا اگر اهل تسنن آن را به عنوان مسأله فرعی مسلم پذیرفته‌اند، شیعه آن را جزء اصول اصلی می‌دانند. بعضی از پژوهندگان اسلامی تعداد روایاتی را که از طرق اهل تسنن در این زمینه وارد شده به ۲۰۰ حدیث تخمین زده‌اند، در حالی که روایات وارده از طرق شیعه در این موضوع شاید بالغ بر یک هزار حدیث باشد. به همین دلیل دانشمندان شیعه بیش از دانشمندان سنی در این زمینه کتاب نوشته‌اند.

از میان کتبی که در این زمینه به همین سبک که اشاره شد نگاشته شده، شاید سه کتاب زیر که دانشمندان معاصر به تألیف آن پرداخته‌اند جامع‌تر از همه باشد.

۱- کتاب المهدی تألیف فقیه بزرگ، سید صدرالدین صدر

۲- کتاب البرهان علی وجود صاحب الزمان تألیف عالم مجاهد، مرحوم

سید محسن امین

۳- کتاب منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر تألیف دانشمند بزرگ

لطف الله صافی که به تشویق و راهنمایی مرحوم آیت الله بروجردی صورت گرفته و فشرده‌ای از آن به نام نوید امن و امان به فارسی نشر یافته است.^۲

۶. نشانه‌های آغاز انقلاب

آیا برای نزدیک شدن به انقلاب جهانی نشانه‌ای در دست هست؟
مؤلف در پاسخ گوید: در احادیث اسلامی نیز اشاره به یک سلسله
علامتها و نشانه‌ها برای نزدیک شدن آن رستاخیز عظیم آمده است که
می‌توان آنها را بر دو گونه تقسیم کرد:

دسته اول: نشانه‌هایی که کم و بیش در هر انقلابی به تناسب ابعاد آن
قابل پیش بینی است. دسته دوم: جزئیاتی است که از طریق اطلاعات و
معلومات عادی نمی‌توان به آنها پی برد و بیشتر شکل یک پیشگویی
اعجاز‌آمیز را دارد.»

نویسنده به سه نشانه مهم که عبارتند از: فراگیر شدن ظلم و فساد،
دجال و ظهور سفیانی اشاره کرده و سعی کرده با استفاده از روایات هر
سه را تبیین کند.^۱

۷. ویژگیهای عقیده شیعه پیرامون مهدی

نویسنده سه ویژگی از ویژگیهای عقیده شیعه را درباره مهدی (ع) بر
می‌شمرد که عبارتند از:

۱. عقیده شیعه بر این است که مهدی دوازدهمین جانشین
پیامبر (ص) و فرزند امام حسن عسکری است؛ نامش محمد و کنیه‌اش
ابوالقاسم و لقبش مهدی و صاحب الزمان و قائم می‌باشد.

۲. مهدی (ع) هم‌اکنون زنده است و چون تولدش به سال ۲۵۵ هـ ق
بوده، هم‌اکنون بیش از هزار سال از عمرش می‌گذرد.

۳. مهدی در عین حال که در حال حیات است، از نظرها پنهان است؛ یعنی با اینکه از یک زندگی طبیعی برخوردار است، ولی به طور ناشناس در همین جهان زندگی می‌کند.^۱

ایشان در ادامه سه شبهه - یعنی راز طول عمر، فلسفه غیبت طولانی و فلسفه وجود امام به هنگام غیبت - را طرح کرده و سعی می‌کند پاسخ مناسبی ارائه کند. در مورد طول عمر، به مباحثی چون آیا عمر طبیعی حد ثابتی دارد؟ وجود افراد استثنایی و اینکه ایراد را چه کسانی طرح می‌کنند اشاره کرده و در مورد فلسفه غیبت طولانی معتقد است تا آمادگیهای روانی، تکامل فرهنگی و صنعتی و پرورش یک نیروی ضربتی انقلابی صورت نگیرد، غیبت پایان نمی‌پذیرد؛ و در مورد فلسفه وجود امام معتقد است امید بخشی، پاسداری آئین خدا، ترتیب یک گروه انقلابی آگاه، تربیت تکوینی و ترسیم هدف آفرینش از فواید وجود امام (ع) در دوران غیبت است.

۸. راه پیروزی آن مصلح بزرگ

به نظر ایشان در عصر انقلاب جهانی مهدی (ع) نه فقط مسئله عقب گرد صنعتی وجود ندارد، بلکه صنایع و تکنولوژی به طرز بی سابقه‌ای گسترش می‌یابد، ولی تنها در مسیر منافع انسانها و تحقق بخشیدن به آرمان حق طلبان و آزادیخواهان و تشنگان حق و عدالت.^۲

نویسنده در پاسخ به این سؤال که پس این همه تعبیرات مربوط به قیام به شمشیر در مورد مهدی (ع) چه مفهومی دارد؟ می‌گوید: «حقیقت این است که «شمشیر» همیشه کنایه از قدرت و نیروی نظامی بوده و هست،

همان گونه که «قلم» کنایه از علم و فرهنگ است. منظور از قیام مهدی (ع) به سیف، همان اتکای بر قدرت است.^۱

۹. روش حکومت جهانی حضرت مهدی (ع)

به نظر نویسندگان، سه دوران مشخص در مورد انقلاب بزرگ تاریخ بشر، مهدی (ع) وجود دارد:

۱. دوران آمادگی و انتظار و نشانه‌های ظهور

۲. دوران تحقق انقلاب و مبارزه با ظلم و فساد

۳. دوران حکومت حق و عدالت

در مورد دوران حکومت حق و عدالت می‌نویسد: «خطوط اصلی دوران حکومت حق و عدالت و حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) در روایات اسلامی عبارتند از: ۱- پیشرفت برق آسای علوی ۲- پیشرفت خارق‌العاده صنایع ۳- پیشرفت عظیم اقتصادی و عدالت اجتماعی ۴- پیشرفتهای قضایی ۵- نوسازی در تمام زمینه‌های فکری و فرهنگی ۶- وحدت دین. در این بخش با استفاده از آیات و روایات خطوط فوق ترسیم و تبیین شده است.^۲

۱۰. مدعیان دروغین

در طول تاریخ اسلام تقریباً از همان قرن نخست، به نام کسانی برمی‌خوریم که با گذاردن نام «مهدی موعود» بر خود، و یا چسبانیدن این عنوان از سوی دیگران به آنها، داعیه‌های بزرگی داشتند، یا برای آنها قائل بودند گرچه هیچ کدام از این مدعیان نه تنها توفیق اصلاح جهان را

چهارده کتاب در چهارده مقاله / ۱۶۷

نیافتند و دنیای پُر ز ظلم و جور را از عدالت و داد پُر نکردند، حتی در محیط کوچک خود نیز مبدأ یک حرکت مختصر اصلاحی نبودند.^۱

به نظر نویسنده هنوز آن آفتاب چهره از ابرها به در نکشیده و باید همچنان انتظار آن روز را کشید که ابرها به کلی کنار روند و جهان تاریک به وجودش روشن شود و گویا صبح نزدیک است.

۱۰. تداوم امامت

امامت و مهدویت. لطف الله صافی گلپایگانی.

قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰.

آیت الله صافی گلپایگانی از مراجع معاصر شیعه است که در زمینه مهدویت، تحقیقات ارزشمندی انجام داده است. منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر که حاوی هزاران حدیث در باب مهدویت است، یکی از این آثار است.

امامت و مهدویت یکی دیگر از آثار ایشان در باب مهدویت است. کتاب حاضر مجموعه مقالاتی است که در مناسبت‌های مختلف نوشته و در سال ۱۳۸۰ در دو مجلد به چاپ سپرده است. جلد اول در مورد مباحث بنیادین امامت و جلد دوم مختص مهدویت است. آنچه در پی می‌آید معرفی و خلاصه‌ای از کتاب امامت و مهدویت است:

۱. ولایت تکوینی و ولایت تشریحی

مقاله اول کتاب در دو بخش پیرامون ولایت تکوینی و تشریحی تنظیم شده که حاوی مطالب ذیل است:

- پرهیز از غلو و شرک واجب است و ضلالتی از آن بدتر و تاریکتر نیست.
- پیغمبر و ائمه اطهار (ع) انسانهای نمونه و بشرهای مافوقند. باید فضایل و مقامات و درجات بلند آنان را تصدیق کرد.
- قول به استقلال بندگان در افعال و کارها، شرک و تفویض، و باطل و محال است.

- استقلال غیر خدا در امر خلق و رزق و اِماتة و اِحیا و تدبیر امور کاینات، کلاً یا بعضاً یا به عبارت دیگر ولایت تکوینیة مستقله مطلقه عامه یا غیر عامه، تفویض و شرک و غلو و باطل و محال است.

- قدرت و ولایت عبد به طور غیر مستقیم و به اذن الله و بر حسب نظام متقن الهی بر اِماتة و اِحیا و شفای بیماران، و خلق و رزق و تصرف در اکوان - نه به عنوان اداره امور و خلق خلائق و سازمان دادن کاینات، بلکه طبق حکم مصالح عارضی ثانوی در داخل این سازمان - شرک و غلو و تفویض نیست، بلکه اعطای این قدرت به بعضی از بندگان، طبق حکمت و مصلحت لازم است و اطلاق برخی از اسماء الحسنی بر عبد، به لحاظ افعالی که از عبد طبق این قدرت و ولایت صادر می شود، با وجود قرینه حالیه یا مقالیه ای که نحوه اطلاق آن اسم را و اینکه به ملاحظه اتصاف ذات به طور استقلال به مبدأ آن نیست، معلوم سازد، جایز است چنانکه عهده دار بودن بشر مناصبی را - مانند ملائکه - غلو نمی باشد و با بشریت او منافی نیست.

- چنانکه تصرف و ولایت مذکور در بند پیشین به اعطای قدرت بر تصرف از جانب خدا جایز است، بواسطه علوم اکتسابی و یا به تعلیم خدا و علوم لدنی و به اسباب و مسببات نیز به طور کلی یا جزئی ممکن است. - ولایت و قدرت تصرف در اکوان، به این نحو که اشیا را خداوند متعال تکویناً فرمانبر و مطیع او قرار دهد، مانند نرم شدن آهن برای داود نبی جایز است و شرک و تفویض نیست.

- عهده‌دار بودن اداره تمام سازمان کاینات، به طور غیر مستقل و طبق قضا و قدر الهی و به عنوان مأموریت از جانب خدا، و عامل اجرای اراده حق و وسیله و واسطه بودن مانند ملائکه مقسمات و مدبرات، شرک و غلو و منافی با توحید نیست، اما چون با بسیاری از آیات قرآن و احادیث منافات دارد، قول به آن در حق نبی و ولی، محتاج به دلیل قاطعی است که قرینه بر صرف آیات و روایات مزبور از ظواهرشان باشد. بله، به طور موجب جزئی این مقام برای ملائکه و بشر ثابت است و شکی در آن نیست.

- ولایت شخص بر نفس خود و آنچه مسخر بشر است، تفویض نمی‌باشد.

- بعضی خوارق و معجزاتی که به وسیله انبیا و اولیا اظهار می‌شود، فعل خداست و برخی معجزات فعل شخص نبی یا ولی است.

- ولایت تکوینیه - که تکوینیه صفت ولایت باشد - به هر دو قسم و به هر نحو فرض و تصور شود، حتی مستقله و ذاتیه، حادث و غیر ازلی و تکوینی خواهد بود، و از سنخ ولایت ازلیه و غیر حادثه نیست؛ و اگر تکوینیه، صفت به حال متعلق موصوف گرفته شود، شامل ولایت ازلیه الهیه بر امور تکوینیه نیز می‌شود.

- علت فاعلی آفرینش، اراده خداوند متعال است؛ و پیغمبر و ائمه اطهار(ع) علت غایی می باشند.

- اعتقاد به اینکه تکویناً وجود امام و منزلت و اثر او در عالم کبیر به منزلت و اثر قلب در عالم صغیر و هسته مرکزی اتم و شمس در منظومه شمسی است؛ و به عبارت دیگر تکویناً وجود پیغمبر و امام در تربیت و رسیدن فیض الهی به سایر ممکنات و بقا و فعالیت استعدادها و رشد و کمال آنها مؤثر است، غلو و شرک و تفویض نیست و احادیث معتبر بر آن دلالت دارد.

- همان طور که عالم صغیر و غیب وجود بشر را عقل اداره می کند و بر آن حکومت دارد، همین طور امام برای اداره امور عباد و رتق و فتق و حل و فصل و تنظیم شوؤن آنها، حکومت و ولایت دارد. او ولایت دارد جامعه را به سوی فلاح و رستگاری رهبری نماید، هرچند این رهبری و ولایت جعلی و رهبری عقل و فرمانبری اعضا و جوارح از او تکوینی است.

- برحسب ظواهر آیات و احادیث، خلق مجردات و ارواح و مادیات و اجسام از عدم، بلاواسطه فعل خدا است و تمام اینها خلق او می باشند و فاعل و علت حقیقی فقط ذات بی زوال او است و اطلاق علت، به معنی مؤثر در وجود و خلق شیء، در حق چیزی و کسی جز او، جایز نیست، اما خلق چیزی از ماده - مثل صورت پرنده از گل یا شیر از صورت پرده - به اذن و طبق مصالح ثانوی و عارضی، جایز است و واقع شده است.

- پیغمبر و امام مجاری فیض خدا می باشند، به این معنی که علت غایی آفرینش هستند، و برای آنها و به طفیل وجود آنها عالم آفریده شده و فیض وجود به طفیل و برکت وجود آنها به تمام کاینات می رسد.

اینکه گفته شود، پیغمبر و امام مجاری فیض هستند، به این معنی که مشیت الهیه بر این قرار گرفته است که فیض خود را طبق تقدیرات الهیه و واقعیه از این مجاری - که مأمور و مکلف و بلکه مفطور (نه به حد الجا و اجبار) به فیض رسانی هستند - به فیض گیرندگان اعطا کند، غلو و تفویض نیست و با مطالب حکما در صدور کثیر از واحد و ربط حادث به قدیم ارتباط ندارد و اگر گفته شود «این سخن هم - با فرض اختیار فیض رسان - از شائبه تفویض خالی نیست» گفته می شود: در صورتی تفویض است که به فرض عدم فیض رسانی، مستقیما یا از مجاری دیگر امکان افاضه فیض نباشد و اختیار آنها تمام علت در رسیدن فیض به سایرین باشد.

- ولایت حقیقی بر تشریح احکام و جعل قوانین و کلیه نظامات و در تمام شوؤن مختص به ذات احدیت است، و قبول نظامهای غیر شرعی و آنچه منبع آن احکام و قواعد شرع (اوامر و نواهی) و مقررات دینی نباشد، جایز نیست.

- تفویض مطلق امر دین به پیغمبر و امام که به طور کلی و بدون وحی و الهام هرچه را بخواهند حلال و هرچه را بخواهند حرام نمایند، باطل نیست.

- تفویض بیان حکم به امام، که هر وقت مصلحت بداند آن را بیان کند، جایز است و اشکالی ندارد.

- تفویض تشریح فی الجمله و در موارد معدوده و مقتضیه - مثل تعیین بعضی امور که بر حسب روایات مصلحت آزمایش و تربیت عباد یا مصلحت دیگر نبوات اقتضا نماید - به شخص پیغمبر جایز است.

- نظام امامت و حکومت شرعی و اسلامی از عصر پیغمبر (ص) تا

حال باقی و مستمر و برقرار است و در هیچ عصر و زمان و در هیچ نقطه و مکان منقطع نشده و نخواهد شد.

- بر هر مسلمان واجب است که از این نظام پیروی نموده و آن را حاکم بداند و فقط از این نظام اطاعت نماید و هر کس از اطاعت این نظام بیرون باشد، از ولایت و اطاعت خدا خارج است.^۱

۲. تجلی توحید در نظر امامت

از نظر نویسندگان یگانه نظام توحیدی که بر حسب آیات و احادیث معتبر، مستند به خداوند یگانه است، نظام امامت است که از جانب خدا برقرار شده و تا قیام قیامت متصل و مستمر خواهد بود.^۲

۳. پیرامون معرفت امام

مؤلف سعی می‌کند با استفاده از آیات و روایات و منابع معتبر دیگر به سؤالات مطرح در باب امامت و محورهای ذیل، پاسخ گوید:^۳

۱. نیاز جامعه به مرکز رهبری و اجرایی و نگهبان مصالح عموم

۲. شناخت مفهوم امامت

۳. شرایط و اوصاف امام

۴. برنامه نصب و تعیین امام

۵. وجوب اطاعت امام

۶. وجوب معرفت امام

۷. راههای شناخت امام

۲. رک: همان، ص ۱۰۵.

۱. رک: امامت و مهدویت، صص ۷۸ - ۸۱.

۳. رک: همان، ص ۱۳۲.

۴. انتظار

انتظار حالتی است که از ترکیب ایمان و اعتقاد به مبانی دین و ولایت امام زمان، شوق و علاقه به ظهور و حکومت و زیست و همراهی با اهل بیت، تنفر از وضع موجود - غیبت امام - و توجه به نقص و فساد و تباهی آن سرچشمه گرفته، در وجود انسان شعله می کشد و انواع دگرگونیها را در حالت قلبی، اندیشه و آمال انسانی، رفتار فردی و تلاش اجتماعی انسان ایجاد می نماید.^۱

۵. ارزش انتظار

بشر در زندگی اجتماعی و فردی، مرهون نعمت انتظار است، و اگر از انتظار بیرون بیاید و امیدی به آینده نداشته باشد، زندگی برایش مفهومی نخواهد داشت و بی هدف و بی مقصد می شود. حرکت و انتظار در کنار هم می باشند و از هم جدا نمی شوند. انتظار علت حرکت و تحرک بخش است. آنچه مورد انتظار است، هر چه مقدس تر و عالی تر باشد، انتظارش نیز ارزنده تر خواهد بود و ارزش مردم را باید از انتظاری که دارند شناخت.^۲

رسول اکرم (ص) انتظار فرج را افضل اعمال امت خود معرفی فرموده است.^۳ نیمه شعبان، عید انتظار، عید نور، عید نهضت و آماده شدن برای جهاد بیشتر، مقاومت های سخت تر، اعلان نشاط، آگاهی، روشنی، توجه منتظران و نمایش شادمانیها و زوال تاریکیها در جامعه جهانی اسلام است.^۴

۱. ر.ک: همان، ص ۳۵۳. ۲. ر.ک: همان، ص ۳۸۷. ۳. ر.ک: همان، ص ۳۸۹.

۴. ر.ک: همان، ص ۳۹۷.

۶. وابستگی جهان به امام زمان (ع)

اصل وابستگی سایر ممکنات به وجود امام (ع) و چگونگی آن و مسائل مشابه آن را دانشمندان و علمای حکمت و عرفان با دلایل عقلی، فلسفی و عرفانی اثبات کرده‌اند. چنانکه به وسیله وحی و خبر آنان که با عالم غیبت ارتباط و اتصال دارند و از غیب عالم و علم کتاب و روابط نهانی و پنهانی ممکنات با یکدیگر، به اذن الله تعالی و به عنایت و لطف او مطلع هستند نیز ثابت است و طبق همین اطلاعاتی که ایشان به ما می‌دهند، فرضاً دلیل عقلی مستقل هم نباشد، به آنچه خبر می‌دهند، اعتقاد پیدا می‌کنیم. زیرا برای تحقیق اینگونه موضوعات - بخصوص تفصیل آن - راهی مطمئن‌تر و باور بخش‌تر از وحی و اخبار انبیا و اوصیای آنها نیست، چنانکه وجود ملائکه و اصناف آنها و مأموریتها و مداخلاتشان در عالم و تصرفات و ارتباطاتی که در تنظیم عالم دارند، برحسب قرآن مجید و احادیث شریفه ثابت و مسلم است و هرکس به نبوت، وحی، قرآن و رسالت حضرت رسول (ص) مؤمن باشد، به آن نیز ایمان دارد. زیرا ایمان به صدق انبیا و وحی انبیا و اخبار آنها، قابل تبعیض نیست. بنابراین، در این موضوع نیز این راه شناخت، مورد استثنا و کمال اعتماد و یقین آور و اطمینان‌بخش است. برحسب روایاتی که مستقلاً روایت شده، وابستگی جهان به وجود امام ثابت است و هر چند بعضی از این روایات به وابستگی بعضی از این عالم مثل زمین، بیشتر دلالت نداشته‌باشد، اما بعضی دیگر دلالت بر وابستگی کل دارد. مضافاً بر اینکه بعضی از معیارها و ملاکها که این وابستگی را تأیید می‌نماید عام است و وابستگی کل عالم را اثبات می‌کند.^۱

۷. عقیده نجات بخش

بدون تردید عقیده به ظهور مهدی (ع) یک عقیده کاملاً اسلامی است که ریشه‌های ثابت آن در کتاب و سنت بطور صحیح و متواتر قرار دارد؛ و در اینکه نمی‌توان آن را از دعوت اسلامی جدا ساخت، هیچ گونه شک و تردیدی نیست.

آیاتی از قرآن مجید و حجم هنگفتی از احادیث و اخبار، چنان این اعتقاد را تحکیم و استوار نموده‌اند که حتی انکار آن - مانند انکار اصل رسالت و نبوت - در بعضی از روایات کفر شمرده شده است.^۱

دو نقطه حساس در این مسأله واضح و مسلم است:

نخست اینکه مسأله ظهور حضرت مهدی (ع) یک مسأله اسلامی خالص است که مسلمانان آن را از زبان پیغمبر اکرم (ص) شنیده و از آن حضرت فرا گرفتند و مانند هر موضوع بدیهی اسلامی دیگری نیاز به اثبات ندارد.

و دیگر اینکه تعیین او در فرزند منحصر به فرد حضرت امام حسن عسکری (ع) نیز عقیده‌ای است که از اهل بیت رسالت، قبل از ولادت حضرت مهدی (ع)، یعنی قبل از سال ۲۵۵ هـ ق و پیش از ولادت پدر بزرگوارش گرفته شده است، و اهل بیت (ع) هم اخبار خود را مستند به رسول خدا (ص) داشته‌اند. علاوه بر آن احادیثی نیز از طرق اهل سنت نیز در این باب رسیده است.^۲

احکام اسلام در هیچ عصر و زمان تعطیل نمی‌شود و کسانی که موضوع آن باشند، از آن معاف نخواهند بود. از این عقیده از جنبه کمک

۲. ر.ک: همان، ص ۵۳.

۱. ر.ک: همان، صص ۵۲-۵۶.

به اجرای احکام و نظامات اسلام، چگونه باید استفاده کرد و چگونه برداشتی باید داشت؟

نویسنده کوشش می‌کند به پرسش بالا پاسخ دهد و رابطه ایمان و عقیده به ظهور مهدی (ع) را با کیفیات ذهنی و فکری با وحدت جامعه و حکومت جهانی، با مساوات اسلامی، با عدالت اجتماعی و زمامداری و با عدل و قسط، بررسی کند تا معلوم شود این اعتقاد، در زندگی و مواقع حساس آن و در مبارزه‌ها و مجاهده‌ها و در تعیین جهت حرکت جامعه، چه نقش بزرگ و سازنده‌ای را ایفا می‌نماید تا روشن شود که این عقیده، علاوه بر اینکه ایمان به یک واقعیت است - یعنی ایمان به وجود امام دوازدهم، فرزند حضرت امام حسن عسکری (ع) - از فروع ایمان به نبوت نیز می‌باشد که لازمه ایمان به هر چیزی است که پیغمبر (ص) از آن خبر داده است.

۸. اصالت مهدویت

مقاله حاضر، اصالت‌های عقیده مهدویت را از ده جهت مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد:

۱. اصالت مهدویت از جهت معقول بودن امکان آن
۲. اصالت مهدویت از جهت اتکا بر مبانی معقول و منطقی
۳. اصالت مهدویت از جهت موافقت با فطرت و نوامیس عالم خلقت
۴. اصالت مهدویت از جهت قبول و مبتنی بودن آن بر بشارت‌های پیامبران و ادیان آسمانی

۵. اصالت مهدویت از جهت ابتدای آن بر آیات قرآن کریم

۶. اصالت مهدویت از جهت ابتدای بر احادیث معتبر و متواتر

۷. اصالت مهدویت از جهت اتفاق مسلمانان و اجماع شیعه و اهل سنت
۸. مهدویت از جهت معجزات و کرامات
۹. مهدویت از جهت ابتدای آن بر توحید و یکتاپرستی
۱۰. اصالت مهدویت از جهت نقش آن در عمل و برقراری عدالت و به ثمر رساندن انقلاب اسلام^۱
۹. معرفت حجت خدا

نویسنده در این مقاله به تفسیر دعای «اللهم عرفنی نفسک» پرداخته و پیش از آن به عنوان مقدمه، اصطلاحاتی مانند عرفان و معرفت، انواع نفس، نبی و نبوت، رسول، حجت، ضلال و ضلالت و دین را به بحث گذاشته است. به نظر او، معرفت خدا، شناختن هستی و صفات جلال و جمال اوست که مقول به تشکیک است و مراتب و درجات متفاوت دارد.^۲

۱۰. پیرامون بشارتهای قرآن و احادیث به ظهور حضرت صاحب الزمان (ع)

ایمان به ظهور مهدی و مصلح آخر الزمان نیز از جمله مطالب غیبی است که پیامبر اسلام از آن خبر داده و تصدیق او واجب است.^۳

ایمان به این ظهور، لازمه ایمان به نبوت پیغمبر و صحت و درستی خبرهای غیبی آن حضرت است و از آن جدا نیست.^۴

الف. آیات قرآن مجید: خداوند در قرآن مجید در آیات متعددی تشکیل یک حکومت جهانی اسلامی، بسط اسلام، غلبه آن بر کلیه ادیان، زمامداری صلحا و ارباب لیاقت را وعده فرموده است.^۵

۱. ر.ک: همان، ص ۱۳۴. ۲. ر.ک: همان، صص ۱۹۵-۲۶۷.

۳. ر.ک: همان، ص ۲۶۹. ۴. ر.ک: همان، ص ۲۷۳. ۵. همان، ص ۲۷۸.

ب. اجماع مسلمین: اگر مقصود از اجماع، اتفاق شیعه باشد که محتاج به ذکر نیست و همه می دانند که از ضروریات مذهبی امامیه، ظهور قائم آل محمد، فرزند حضرت امام حسن عسکری (ع) است؛ و اگر مقصود اتفاق عامه مسلمین از شیعه و سنی باشد، برای اثبات آن عبارات یکی از متبع ترین علمای اهل سنت، ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه^۱ کافی است. او می گوید: «اتفاق سنی و شیعه بر این است که دنیا و تکلیف، منقضی و تمام نشود مگر بر آن حضرت» یعنی بعد از ظهور آن حضرت.

ج. احادیث اهل سنت: محدثان بزرگ اهل سنت، احادیث راجع به ظهور حضرت مهدی را تخریج نموده و از جماعتی از صحابه و جمع کثیری از تابعان درباره ظهور آن حضرت، روایات بسیاری نقل کرده اند و بعضی از ایشان در تخریج این احادیث کتاب خاص نوشته اند و گروه بسیاری از آنان تواتر این روایات را صریحاً تصدیق کرده اند. آنچه در کلمات بسیاری از ایشان تصریح شده این است که نه فقط اصل ظهور مهدی (ع) به روایات متواتر از پیغمبر اکرم (ص) ثابت و قطعی است، بلکه به تواتر ثابت است که آن حضرت زمین را پُر از عدل و داد کند و عیسی از آسمان نزول کرده، به آن حضرت اقتدا نماید و تمام جهان را فتح کرده و احکام قرآن را نشر دهد.^۲

د. روایت و اخبار شیعه: از طرق شیعه درباره ظهور حضرت ولی عصر (ع) معتبرترین روایات در کتب مشایخ و محدثین ایشان آن که از همان قرن اول هجرت تا به حال تألیف شده موجود است؛ مانند روایات

۲. رک: همان، ص ۲۸۲.

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۵۳۵.

کتاب اصولی که پیش از ولادت حضرت قائم تألیف شده، مثل کتاب مشیخه حسن بن محبوب (در گذشته ۲۲۴ هـ ق) و کتاب سلیم بن قیس (در گذشته ۷۰ یا ۹۰ هـ ق).

۱۱. مشخصات و اوصاف حضرت مهدی (ع)

- مهدی (ع) از خاندان و ذریه پیغمبر (ص) است، ۳۸۹ حدیث.
- هم نام و هم کنیه پیغمبر (ص) و شبیه‌ترین مردم به آن حضرت است، ۴۸ حدیث.
- در وصف شمایل و قیافه آن حضرت، ۲۱ حدیث.
- از فرزندان امیرالمؤمنین (ع) است، ۲۱۴ حدیث.
- از فرزندان حضرت فاطمه زهرا (ع) است، ۱۹۲ حدیث.
- از فرزندان حسن و حسین (ع) است، ۱۰۷ حدیث.
- نهمین از فرزندان حسین (ع) است، ۱۸۵ حدیث.
- نهمین از فرزندان حسین (ع) است، ۱۴۸ حدیث.
- از فرزندان زین العابدین (ع) است، ۱۸۵ حدیث.
- هفتمین از فرزندان حضرت باقر (ع) است، ۱۰۳ حدیث.
- ششمین از فرزندان حضرت صادق (ع) است، ۹۹ حدیث.
- پنجمین از فرزندان موسی بن جعفر (ع) است، ۹۸ حدیث.
- چهارمین از فرزندان حضرت رضا (ع) است، ۶۰ حدیث.
- سومین از فرزندان امام محمد تقی (ع) ۶۰ حدیث.
- جانشین امام علی نقی (ع) و پسر امام حسن عسکری (ع) است، ۱۴۶ حدیث.

- اسم پدرش حسن (ع) است، ۱۴۷ حدیث.
- مادرش سید کنیزان و بهترین ایشان است، ۹ حدیث.
- دوازدهمین امام و خاتم ائمه است، ۱۳۶ حدیث.
- دارای دو غیبت است (صغری و کبری)، ۱۰ حدیث.
- غیبتش از بس طولانی خواهد شد که مردم ضعیف الایمان و کم معرفت گرفتار شک و تردید می شوند، ۹۱ حدیث.
- بسیار طویل العمر است، ۳۱۸ حدیث.
- زمین را پُر از عدل و داد کند بعد از آنکه پُر از ظلم و جور شده باشد، ۱۲۳ حدیث.
- مرور روزگار او را پیر نسازد و به سیمای جوانان باشد، ۸ حدیث.
- ولادتش پنهان باشد، ۱۴ حدیث.
- دشمنان خدا را می کشد و زمین را از شرک و ظلم و ستم و حکومت دیکتاتوران پاک می کند، ۱۹ حدیث.
- دین خدا را آشکار و اسلام را در تمام روی زمین گسترش دهد و فرمانروای روی زمین گردد و زمین را خدا به او زنده سازد، ۴۷ حدیث.
- مردم را به هدایت و قرآن و سنت برگرداند، ۱۵ حدیث.
- دارای سنتهایی از انبیا است که از آن جمله غیبت است، ۲۳ حدیث.
- روش او روش پیغمبر (ص) باشد، ۳۰ حدیث.
- ظاهر نشود مگر بعد از آنکه مردم در امتحانها و آزمایشهای سخت واقع شوند، ۲۴ حدیث.
- عیسی نازل شود و در نماز به آن حضرت اقتدا نماید، ۲۵ حدیث.

چهارده کتاب در چهارده مقاله / ۱۸۳

- پیش از ظهورش بدعتها و ظلم و گناه و تجاهر به فسق و فجور، زنا، ربا، میگساری، قمار، رشوه، ترک امر به معروف و نهی از منکر و معاصی دیگر رایج شود. زنان مکشفه و در کارهای مردان شرکت کنند. طلاق بسیار و مجالس لهو و لعب و غنا و آوازهای مطرب علنی گردد، ۳۷ حدیث.

- هنگام ظهورش منادی آسمانی به نام او و نام پدرش ندا کند که همه آن را بشنوند و ظهور آن حضرت را اعلام کند، ۲۷ حدیث.

- پیش از ظهورش نرخها بالا رود و بیماریها زیاد شود و قحطی ظاهر و جنگهای بزرگ برپا شود و خلق بسیار از میان بروند، ۲۳ حدیث.

- پیش از ظهورش «نفس زکیه» و «یمانی» گشته شوند و در «بیدا» (که مکانی بین مکه و مدینه است) خسفی واقع شود و دجال و سفیانی خروج کنند و صاحب الزمان (ع) آنها را بگشاید. طبق احادیث باب ۶ و ۷ از فصل ۶ و باب ۹ و ۱۰ از فصل ۷ کتاب منتخب الاثار فی الامام الثانی عشر.

- برکات آسمان و زمین بعد از ظهورش ظاهر شود و زمین معمور و آباد گردد و غیر خدا پرستش نشود و کارها آسان و خردها تکامل یابد. طبق احادیث باب ۲ و ۳ و ۴ و ۱۱ و ۱۲ از فصل ۷ منبع پیشین.

- سیصد و سیزده نفر اصحاب او در یک ساعت به محضرش حاضر شوند، ۲۵ حدیث.

- ولادت و مشروح تفصیلات و تاریخ آن و بعضی از احوال مادر جلیله آن حضرت، ۲۱۴ حدیث.

- شرح بعضی از معجزات او در زمان حیات پدر بزرگوارش و در غیبت صغری و غیبت کبری و نام جمع کثیری از کسانی که مشرف به

نعمت دیدار و لقای آن حجت خدا شده‌اند. طبق باب ۲ و ۳ از فصل ۳ و باب ۱ و ۲ از فصل ۴ و باب ۱ و ۲ از فصل ۵ منبع پیشین.^۱

در ادامه کتاب، در ضمن پرسش و پاسخ به مباحثی چون: اسرار و فلسفه غیبت، فواید غیبت، حکمت و فلسفه غیبت، علت تولد امام قرن‌ها قبل از ظهور، فایده امام غایب، چرا غیبت صغری امتداد نیافت، سرداب سامرای مشرفه، طول عمر حضرت ولی عصر (ع)، سرگذشت معمرین در تاریخ، شرح و چگونگی ولادت حضرت (ع)، ولادت و امامت امام از نظر اهل سنت، عقیده به ظهور عقیده‌ای اسلامی، عقیده به ظهور و قیام مدعیان مهدویت، استمرار نظام امامت، چگونگی تسخیر جهان با یاران معدود، نحوه پیروزی امام زمان بر سلاح‌های ویرانگر، مکان حضرت مهدی در غیبت کبری، وظایف حضرت مهدی در عصر غیبت، زندگی شخصی حضرت مهدی، ظهور جزئی حضرت مهدی، امکان شرفیابی به حضور حضرت، چگونگی غیبت حضرت و علت غیبت امام با وجود آمادگی شرایط ظهور پرداخته و آنها را مورد نقد و بررسی قرار داده و سعی کرده است با استفاده از آیات و روایات و علم جدید و استدلال‌های عقلانی به پرسشها پاسخهای معقول و منطقی دهد.

۱۱. کمال دین

کمال الدین و تمام النعمة. شیخ صدوق. تحقیق و تصحیح:
علی اکبر غفاری. ترجمه منصور پهلوان. قم: دارالحدیث، ۱۳۸۰.

درباره مؤلف

ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه مشهور به صدوق از اکابر علمای شیعه است. «عمادالدین»، «صدوق»، «رئیس الامامیه»، «فقیه خیر و مبارک» از القابی است که علمایی چون شیخ طوسی، ابن ادریس، خطیب بغدادی به او داده‌اند. سید بن طاوس می‌گوید: بر عدالت وی جمله امامیه اتفاق دارند.

شیخ صدوق پس از سال ۳۰۵ هـ ق با دعای امام مهدی (ع) به دنیا آمد و در قم نزد مشایخی همچون پدرش علی بن حسین بن بابویه، محمد بن حسن بن احمد بن ولید، محمد بن علی ماجیلویه، احمد بن علی بن ابراهیم قمی به تحصیل پرداخت. استعداد و نبوغ او در فراگیری علوم

زبانزد محافل علمی قم گردید. آن گاه به ری که در آن زمان پایتخت آل بویه بود رفت و در آنجا اقامت گزید و از محضر مشایخی همچون احمد بن صقر و احمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی حدیث استماع کرد.

شیخ صدوق در سال ۳۵۲ هـ ق با کسب اجازه از رکن الدوله، امیر آل بویه عازم مشهد شد و در نیشابور از مشایخ بزرگ آن شهر همچون عبدالواحد بن محمد بن عبدوس نیشابوری و حاکم ابوعلی حسین بن احمد بیهقی و ابوطیب حسین بن احمد رازی حدیث استماع کرد. آنگاه به ری بازگشت و در اواخر سال ۳۵۳ هـ ق. راهی سفر حج شد و مناسک را به جای آورد و از آنجا عازم عراق گردید و با مشایخی همچون ابوعلی احمد بن ابی جعفر بیهقی و ابوالقاسم حسن بن محمد سکونی و محمد بن بکران نقاش و احمد بن عمر بن جعابی و حسن بن محمد بن یحیی علوی دیدار کرد و در همین سفر دانشمندانی چون شیخ مفید از وی اجازه روایت دریافت کردند.

شیخ صدوق در بغداد با علمای سایر مذاهب مناظرات علمی و کلامی داشته است. نجاشی ورود صدوق را به بغداد در سال ۳۵۵ هـ ق دانسته و می گوید: با وجود کمی سن، شیوخ طایفه از وی حدیث استماع کردند. آن گاه در بازگشت از عراق به همدان درآمد و از مشایخی همچون قاسم بن محمد ابن عبدویه همدانی و احمد بن زیاد بن جعفر همدانی و ابوالعباس فضل بن عباس کنندی حدیث استماع می کرد و سپس به موطن خود ری وارد شد.

شیخ صدوق تا سال ۳۶۷ هـ ق که عازم مشهد گردید در ری به سر برد. در سال ۳۶۸ هـ ق در نیشابور می زیست و مجالس ۲۷ تا ۹۳ وی که

چهارده کتاب در چهارده مقاله / ۱۸۷

در کتاب *الأمالی* گزارش شده در آنجا بوده است. آن گاه عازم ماوراءالنهر گردید. در سرخس با ابونصر محمد بن احمد سرخسی و در مرو با احمد بن حسین ابی و در مرو رود با محمد بن علی بن شاه و ابویوسف رافع بن عبدالله و در بلخ با حسین بن محمد اشنانی و محمد بن سعید سمرقندی در سمرقند با عبدوس بن علی جرجانی و عبدالصمد بن الشهید انصاری دیدار کرد و از آنان حدیث شنید.

شیخ صدوق در سفری به فرغانه - که در جنوب شرقی ازبکستان واقع است - با جمعی از مشایخ همچون اسماعیل بن منصور قصار و محمد بن عبدالله بن طیفور دامغانی دیدار کرد و حتی به برخی از قرای فرغانه چون اخسیکت و جبل بوتک سفر کرد و سفری نیز به ایلاق که در اطراف تاشکند است داشته و از محضر مشایخی چون حاکم بکر بن علی حنفی و علی بن عبدالله فقیه اسواری استفاده کرده است. ملاقات شیخ صدوق با شریف محمد بن حسن علوی معروف به «نعمه» و تألیف کتاب *فقیه من لا یحضره الفقیه* در همین شهر واقع شده است.

در بازگشت از سفر فرغانی و ایلاق، در نیشابور اقامت گزید و به ترویج اعتقادات شیعی پرداخت. تألیف کتاب *کمال الدین* در این دوران واقع شده و در مقدمه آن آرزوی خود را برای بازگشت به ری بیان کرده است. آن گاه به ری بازگشت و تا پایان عمر در آنجا بود. وفات این عالم بزرگوار در سال ۳۸۱ هـ. ق. در ری روی داد و آرامگاه وی در آنجا معروف و زیارتگاه شیعیان است.

تالیفات شیخ صدوق بالغ بر سیصد مجلد کتاب و رساله است که برخی از آنها اکنون در دسترس است. خود شیخ در سال ۳۶۸ هـ. ق. در

ایلاق تألیفات خود را ۲۴۵ رساله دانسته و نجاشی غالب آنها را معرفی کرده است.

برخی از تألیفات وی عبارتند از: اعتقادات، ابطال الغلو و التقصیر و بخشی از کتاب الأمالی که شامل مناظرات وی با پیروان سایر مذاهب در حضور رکن الدوله است به شیوه کلامی بوده و برخی دیگر جنبه فقهی دارد که جامعترین آنها فقیه من لا یحضره الفقیه است.

کتاب من لا یحضره الفقیه یکی از کتب اربعه حدیثی شیعه است که در طی قرون و اعصار مدار بحث و فحص فقها و علما بوده است؛ اما بی تردید غالب تألیفات شیخ صدوق به شیوه محدثان نگاشته شده و به حق او را رئیس محدثان شیعه لقب داده‌اند.

بعضی از تألیفات حدیثی موجود شیخ صدوق عبارتند از: التوحید، من لا یحضره الفقیه، الأمالی، علل الشرایع، عیون أخبار الرضا، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، الخصال، کمال الدین و تمام النعمه و معانی الأخبار.

علامه مجلسی در صدر منابع و مآخذ خود در تألیف بحار الأنوار از کتب فوق نام می‌برد و شهرت و صحت انتساب آنها را مانند کتب اربعه می‌داند.

شیخ صدوق به عنوان یک محدث، بسیاری از آثار پیشینیان را ضبط کرده و آنها را به آیندگان تحویل داده است. او نه تنها ناقل احادیث، بلکه همچنان که شیخ طوسی می‌گوید نقاد احادیث و عالم به رجال نیز بوده و بسیاری از علمای رجال، مراسیل وی را مانند مسانیدش می‌دانند. علامه مجلسی معتقد است که اکثر اصحاب امامیه کلام او و پدرش را مانند نصی منقول و خبر مأثور می‌دانند.

انگیزه تألیف کتاب

کمال‌الدین و تمام‌النعمه نام کتابی است که شیخ صدوق به امر حضرت مهدی (ع) در اواخر عمر خود تألیف کرده است.

شیخ انگیزه تألیف کتاب را چنین می‌نویسد: «آنچه مرا واداشت که به نگارش این کتاب بپردازم چنین بود: از زیارت حضرت امام رضا - صلوات الله علیه - به نیشابور برگشتم. دیدم شیعیان آنجا درباره قائم (عج) مسأله‌دار شده‌اند. سعی کردم، آنان را با بیان روایاتی که از پیامبر (ص) و ائمه (ع) رسیده به راه درست، رهنمون گردم. در این روزگار، بزرگی از مشایخ فضل و دانش تقوا، از اهالی قم به نام نجم‌الدین ابوسعید محمد بن احمد بن علی بن صلت قمی - ادام الله توفیقه - در بازگشت از سفر بخارا، بر ما وارد شد. روزی درباره آرا و باورهای برخی از فلاسفه و علمای منطق بخارا گفتم: از آنان درباره حضرت قائم (عج) سخنانی شنیدم که مرا در مورد غیبت حضرت، دچار حیرت و تردید کرده است. من مطالبی در اثبات وجود حضرت مهدی (ع) برای زدودن تردید از او بیان کردم و روایاتی درباره غیبت بر او خواندم. حیرت او بر طرف شد و دلش آرام گرفت. از من خواست، کتابی درباره غیبت حضرت مهدی (ع) بنویسم، پذیرفتم و به او وعده دادم که إن شاء الله وقتی به وطن خود - ری - برگشتم، آن را عملی خواهم ساخت. تا اینکه شبی در خواب دیدم خانه کعبه را طواف می‌کنم و به حجرالاسود رسیدم و آن را استلام کردم. ناگاه دیدم مولا صاحب‌الزمان (ع)، پهلوی در کعبه ایستاده است. سلام کردم، حضرت جواب دادند فرمودند: چرا کتابی راجع به غیبت نمی‌نویسی، تا ناراحتی‌ات برطرف شود؟ عرض کردم: یا ابن رسول الله! من کتابها درباره

غیبت شما نوشته‌ام. حضرت فرمود: نه، آن موضوعات را نمی‌گویم، کتابی راجع به غیبت من بنویس و غیبت‌های پیامبران را در آن نقل کن. سپس از نظرم غایب شد. من با اضطراب از خواب بیدار شدم و تا طلوع فجر به گریه و زاری پرداختم، چون صبح شد، به منظور انجام امر ولی الله و حجت خدا، آغاز فجر نوشتن این کتاب را شروع کردم.»

نام کتاب

محقق ارجمند استاد علی اکبر غفاری در مورد وجه تسمیه کتاب چنین می‌نویسد: نام کتاب کمال‌الدین و تمام النعمة از آیه شریفه «اليوم أكملت لكم دينكم و أتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام ديناً» اتخاذ شده است.

مفسران اسلامی ذکر کرده‌اند که این آیه در غدیر خم و پس از نصب علی (ع) به ولایت، نازل شده است. چنانکه طبرسی می‌نویسد: «چون این آیه نازل شد، پیامبر اکرم (ع) فرمود: الله اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و خشنودی پروردگار از رسالت من و ولایت علی بن ابی طالب. فرمود: هرکسی را که من مولای اویم علی نیز مولای اوست. خدایا! هرکس او را دوست می‌دارد، دوست بدار و هرکس او را دشمن می‌دارد، دشمن بدار و هرکس او را فروگذارد، فروگذار.»^۱

سیوطی از ابن مردویه و خطیب و ابن عساکر از ابوهریره نقل می‌کند که چون روز غدیر خم یا هجدهم ذی‌الحجه فرا رسید، پیامبر اکرم (ص) فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه» و بعد از آن این آیه نازل شد: «اليوم أكملت لكم دينكم...»^۲.

۲. الدرالمثور، ج ۶، ص ۱۹.

۱. مجمع‌البیان، ج ۳، ص ۱۵۹.

و چون کمال دین در ولایت و امامت علی (ع) است و کمال امامت نیز به وجود مسعود دوازدهمین وصی پیامبر اکرم (ص) تحقق می‌یابد، از این رو شیخ صدوق نام کتاب گرانقدر خود را کمال الدین و تمام النعمة گذاشت.

ارزش و اعتبار کتاب

استاد غفاری اعتبار و ارزش کتاب را در چند چیز می‌داند:

۱. شیخ صدوق - علیه الرحمه - در کتاب کمال الدین از اعتقادات اصیل امامیه سخن می‌گوید و طبعاً درستی آن به مانند درستی تمامی کتابهای آسمانی و آیات قرآنی و احادیث معصومین (ع) است و اگر کسی منکر این اعتقاد باشد، منکر انبیای الهی و پیامبر اکرم (ع) و ائمه طاهرین (ع) گردیده است و دانشمندان اسلامی در درستی احادیثی که وفق اصول مسلم دین و مذهب وارد شده است، مناقشه روا نمی‌دارند و ذکر سند را در موضوع معتقدات حقه و ادعیه با مضامین عالیه از باب تیمن و تبرک می‌دانند.

۲. جهت دیگری که در ارزش و اعتبار کتاب کمال الدین دخیل است، شأن و منزلت و عدالت و وثاقت و جایگاه ویژه نویسنده آن است به گونه‌ای که شاید هیچ یک از علمای بزرگوار اسلام در این جهات به پایه وی نرسند. اصحاب امامیه، کلام او و پدرش را مانند نص منقول و خبر مأثور می‌دانند^۱ و وثاقت او را امری ضروری مانند وثاقت ابوذر و سلمان می‌شمارند^۲ و گروه کثیری از علمای امامیه همچون علامه حلی و شهید اول و محقق داماد، مراسیل وی را محکوم به صحت می‌دانند و می‌گویند

۱. بحارالانوار، ج ۵، ص ۴۰۵. ۲. رک: المستدرک، ج ۳، ص ۵۲۵.

مراسیل صدوق کمتر از مراسیل ابن ابی عمیر نیست.^۱ با این اوصاف، نه تنها احادیث مرسله صدوق، بلکه اخباری از او که در سلسله اسناد آنها رجال مجهول ناشناخته‌ای هم موجود باشد، صحیح و معتبر خواهد بود.

۳. دیگر آنکه بسیاری از محدثان شیعی، اعتبار و ارزشی خاصی برای کمال‌الدین قائل بوده‌اند و بسیاری از احادیث آن را در کتاب‌های خود نقل کرده و بدان استناد جسته‌اند. اگر کتاب کمال‌الدین کتابی نامعتبر بود، این چنین مورد اقبال و توجه دانشمندان شیعی قرار نمی‌گرفت. علامه مجلسی در صدر منابع و مآخذ خود در بحارالانوار از کتب شیخ صدوق نام برده و در ضمن آنها از این کتاب نام می‌برد. نیز بسیاری از روایات کمال‌الدین را در کتابش نقل کرده است.^۲ مولا محسن فیض کاشانی نیز از این کتاب به اجلال یاد می‌کند و روایاتی از آن را در کتاب ارزشمند خود نوادر الأخبار نقل کرده است.^۳ شیخ حر عاملی در اثبات الهداة و میرزای نوری در کشف‌الاستار و النجم‌الثاقب و بسیاری دیگر از دانشمندان و محدثان شیعی به دیده احترام بدین کتاب می‌نگریستند و به احادیث آن استناد کرده‌اند.

بخش دیگر از کتاب کمال‌الدین که متضمن اخبار معمرین و حکایات و اقوال غیر معصومین است، از ارزش تاریخی بهره‌مند است. زیرا مخبر صادقی همچون شیخ صدوق در متجاوز از یک‌هزار سال پیش در

۱. ر.ک: روضات الجنات، ج ۶، ص ۱۳۳.

۲. ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۱ و ۵۲ و ۵۳.

۳. ر.ک: نوادر الأخبار، صص ۲۰۹ - ۳۰۵.

چهارده کتاب در چهارده مقاله / ۱۹۳

شهرهای بزرگ آن روزگار همچون حجاز و عراق و همدان و ری و نیشابور و بخارا و فرغانه به تفحص پرداخته و احادیث و اخباری که در آن روزگار در جهان اسلام منتشر بوده ضبط کرده و برای ما گزارش کرده است. فی الواقع اگر شیخ صدوق - علیه الرحمة - بعضی از این احادیث و اخبار را در کتاب خود نقل نمی‌کرد، امروزه اهل تحقیق و بررسی از وجود آنها محروم بودند.

به عنوان مثال می‌توان به داستان مفصل و آموزنده بلوهر و بوذاسف اشاره کرد که اول بار آن را شیخ صدوق در کتاب کمال‌الدین گزارش کرده است (۵۷۷ تا ۶۳۸ ه. ق) و پیش از وی نویسنده‌ای را نمی‌شناسیم که به نقل آن مبادرت کرده باشد. می‌گویند این داستان و کلیه و دمنه و سندبادنامه و نام تنسر را برزویه حکیم از هندی به پارسی ساسانی برگردانده است.^۱

ر قرون اولیه اسلامی بسیاری از کتب پهلوی که حاوی مطالب تاریخی و ادبی و حکم و مواعظ و عهود و مسائل علمی بود، به عربی درآمد؛ کتاب بلوهر و بوذاسف از آن جمله است.^۲ این داستان به اکثر زبانهای اروپایی نیز ترجمه شده است و مأخذ و مصدر تمامی روایات این داستان، کتاب کمال‌الدین و تمام‌النعمه است که آن را از محمدبن زکریای رازی طبیب و فیلسوف شهیر نقل کرده است.^۳

۱. ر.ک: فرهنگ ایران زمین، ج ۲۶.

۲. ر.ک: تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، ص ۱۱۹ و ۱۶۸.

۳. ر.ک: الأدب الفارسی، صص ۱۵۰ - ۱۱۵.

ساختار و محتوای کتاب

کمال‌الدین درباره یکی از اصیل‌ترین و درخشان‌ترین آرمانها و وعده‌های انبیاء الهی - یعنی مهدی موعود - به رشته تحریر در آمده است. در تمامی ادیان الهی به آینده‌ای روشن و منجی عالم بشریت بشارت داده‌اند. نه تنها ادیان آسمانی، بلکه مکاتب غیر الهی نیز از ظهور مدینه فاضله و حکومت صالحان و حکیمان و آینده‌ای درخشان سخن گفته‌اند. قرآن کریم نیز در متجاوز از یکصد و بیست آیه این آینده روشن را ترسیم کرده است و به صراحت از وعده به مؤمنان در خلافت بر زمین و استقرار دینی که از آن خشنود است و تبدیل خوف و ترس به امنیت و آسایش و پرستش همگانی خدای یکتا^۱ و وعده خود که در زبور و تورات نوشته است که زمین را بندگان صالح به ارث خواهند برد^۲ و غلبه دین حق بر تمامی ادیان باطل^۳ و اینکه خداوند بر مستضعفان منت نهاده و آنان را رهبران و وارثان زمین خواهد ساخت^۴ و فرجام زمین از آن متقین خواهد بود^۵ خبر داده است.

بعد از آن در احادیث پیامبر اکرم و ائمه طاهرين(ع) که معلمان و مبینان قرآن کریم‌اند به تفصیل و توضیح این آیات پرداخته‌اند و خصوصیات منجی عالم بشریت را به عبارات مختلف و بارها بازگو فرموده‌اند.

این احادیث فراوان را در موضوع مهدویت در اسلام چنین گزارش کرده‌اند: بشارت بر ظهور مهدی(ع) (۶۵۷ حدیث)؛ مهدی از اهل بیت

است (۳۸۹ حدیث)؛ از فرزندان امیرالمومنین علی (ع) است (۲۱۴ حدیث)؛ از فرزندان فاطمه زهرا (ع) است (۱۹۲ حدیث)؛ از فرزندان حسین (ع) است (۱۸۵ حدیث)؛ فرزند امام حسن عسکری (ع) است (۱۴۶ حدیث)؛ زمین را پُر از عدل و داد می‌کند (۱۲۳ حدیث)؛ غیبتی طولانی دارد (۹۱ حدیث)؛ عمری طولانی دارد^۱ (۳۱۸ حدیث).

فراوانی احادیث در باره حضرت مهدی (ع) به گونه‌ای است که می‌توان گفت در اسلام پس از موضوع ولایت و امامت علی (ع) در هیچ مبحث کلامی دیگر بدین تفصیل و تأکید سخن نگفته‌اند.

کتاب از یک مقدمه نسبتاً طولانی و پنجاه و پنج فصل تشکیل شده است. مقدمه کتاب که بعضی آن را باب اول کتاب به حساب آورده‌اند، حدود یک پنجم حجم کتاب را تشکیل داده است و شامل مباحثی کلامی در اثبات درستی عقیده امامیه درباره امام قائم (ع) و پاسخ به شبهات زیدیه و اسماعلیه و سایر فرقه‌های غیراثنی عشریه است.^۲ این مقدمه بر آن دلالت دارد که شیخ صدوق نه تنها در میدان روایت احادیث، بلکه درایت حدیث و استدلال کلامی عالمی کم نظیر است. وی در پایان این مقدمه می‌نویسد: «چون در این زمان، فرقه زیدیه با فرقه امامیه اثنی عشریه به سختی دشمنی می‌ورزند، نهایت ادله و پاسخ آنان را در این مقدمه ذکر کردیم تا مورد استفاده حق طلبان واقع گردد.»^۳

همان گونه که حضرت فرموده بودند، شیخ ابتدا غیبت پیامبران از جمله حضرت نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و پیامبر اکرم (ص) را تبیین

۱. ر.ک: منتخب الاثر، فی الامام الثانی عشر.

۲. ر.ک: کمال الدین، صص ۱ - ۱۲۶.

۳. ر.ک: همان، ص ۲۶.

کرده و با استفاده از اخبار وارده، غیبت ایشان را تثبیت می‌کند و سپس نصوص را در اثبات حضرت مهدی ذکر کرده و مباحثی چون ولادت، علت غیبت، توقیعات وارده از حضرت مهدی، طول عمر حضرت، حدیث دجال و معمرین را پی‌گیری می‌کند و احادیث وارده در موارد یاد شده را نقد و بررسی می‌نماید. در ابواب پایانی کتاب، مباحثی چون: ثواب منتظر، نهی از تسمیه، علامات ظهور و استدلال شیخ بر عدم فترت میان رسولان آمده است.

۱۲. مهدی در آینه روایات

مهدی موعود. علامه مجلسی. ترجمه و مقدمه علی دوانی.

تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴.

درباره مؤلف

کتابهای تاریخ و شرح حال نویسان نه در تاریخ ولادت علامه مجلسی اتفاق نظر دارند و نه در تاریخ وفات او. ولی بسیاری تولد او را در سال ۱۰۳۷ هـ ق دانسته‌اند. اما در مورد وفات او به نظر می‌رسد که سال ۱۱۱۰ هـ ق به چند جهت نزدیک به واقع باشد. زیرا گذشته از آنکه در کلمات کسانی که تاریخ ۱۱۱۱ هـ ق را ذکر کرده‌اند، اختلاف و تنافی هست، تاریخی را که ذکر کرده‌اند با مدت عمر علامه مجلسی توافق ندارد. زیرا به استثنای بحرانی در *لؤلؤ البحرین*، همه نویسندگان شرح حال او، گفته‌اند: مدت عمر علامه مجلسی ۷۳ سال بوده است. علت آنکه وی ملقب به لقب «مجلسی» گردیده، آن است که جد او،

ملاً مقصود علی در اشعار خود تخلص به مجلسی داشته است از این رو، مجلسی لقب ایشان شد. علامه مجلسی هنوز به چهارده سالگی نرسیده بود که نزد پدر خود به تحصیل پرداخت و در مساجد برای نماز حاضر می شد و به تعلیم و تربیت و موعظه کودکان هم سن خود می پرداخت. خود او می گوید: «الحمد لله رب العالمین که بنده در چهار سالگی همه اینها را می دانستم؛ یعنی خدا و نماز و بهشت و دوزخ؛ و نماز شب می کردم در مسجد صفا، نماز صبح را به جماعت می کردم؛ و اطفال را نصیحت می کردم به آیت و حدیث، به تعلیم پدرم رحمه الله تعالی علیه.»^۱ با وجود آنکه پدرش در علوم عقلی تبخر داشت، بر اثر تغییر جهتی که در او حاصل شده بود و بیشتر متمایل به علوم نقلی خصوصاً شرح و تفسیر احادیث گردیده بود، تنها علوم نقلی را از او فرا گرفت و علوم عقلی را از محضر حکیم بزرگ آقا حسین خوانساری (۱۰۱۷ - ۱۰۹۸ هـ ق) صاحب حاشیه بر اشارات و حاشیه بر حاشیه قدیم استفاده نمود.^۲ علامه مجلسی از بیست و پنج سالگی شروع به تألیف و تصنیف نمود و در ابتدای ربیع الاول سال ۱۰۶۳ هـ ق. نخستین کتاب خود به نام میزان المقادیر یا رساله الاوزان را به پایان رساند.^۳

تنها هفت سال پس از پایان اولین تألیف خود (سال ۱۰۷۰ هـ ق)، کتاب فهرست اخبار کتب عشره را تألیف کرد و این خود نقطه شروع تدوین بحار الأنوار بود که أمّ الکتاب کتابهای علامه مجلسی است و حدود

۱. زندگینامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۵۵.

۲. ریاض العلماء، ج ۵، ص ۴۰ و وقایع السنین والأعوام، ص ۵۴۱.

۳. الذریعة، ج ۲۳، ص ۳۱۹.

چهل سال از عمر شریف و مبارک خود را صرف آن نمود. علامه مجلسی در ابتدای عمر به علوم رایج و متداول زمان خود پرداخته بود، اما بر اثر تحولی درونی که در او رخ داد، مسیر علمی خود را عوض کرد. این تحول سر منشأ آثار و برکات زیادی بر جامعه آن روز گردید. در خطبه بحارالانوار می‌گوید: «من در ابتدای جوانی شیفته علوم متداول آن زمان بوده و به دنبال تحصیل آنها بودم، ولی به فضل خدا فهمیدم که سرچشمه‌ای که برای معاد مفید است، منحصر به علمی است که از اهل بیت عصمت (ع) گرفته شده باشد.» و می‌افزاید: «وقتی فهمیدم که علمی برای معاد مفید است که از خانه اهل بیت (ع) صادر شده باشد، پس آن دانشهایی که مدتی از عمرم را برای تحصیل و به دست آوردن آنها ضایع کرده بودم، رها کردم؛ با اینکه اینها امروز بسیار رایج و مورد استقبال هستند، و به علمی روی آوردم که در معاد برای من مفید است؛ هرچند امروز بی ارزش باشد. پس تحقیق در روایات ائمه اطهار (ع) و علوم آنان را برگزیدم.»^۱

برخی گفته‌اند تألیفات علامه مجلسی یک میلیون و چهارصد و دو هزار و هفتصد سطر است و کتابهای او را تا ۷۴ جلد نام برده‌اند که یکی از آنها بحارالانوار است که خود ۱۱۰ جلد است. کتابهای *حياة القلوب*، *حلیه المتقین*، *حق الیقین*، *عین الحیوة*، *جلاء العیون*، *توحید مفضل* و *زاد المعاد* از کتبی است که هنوز هم در اغلب خانه‌های مردم ایران، افغانستان، پاکستان، هندوستان، عراق و غیره وجود دارد؛ و اغلب آنها بارها چاپ و به زبانهای عربی و فارسی و اردو نیز ترجمه شده‌است.

درباره کتاب

در لابلای مجموعه معارف و مسائل اسلامی بعضی از بخشها به لحاظ اهمیت خاصی که دارد، همواره مورد توجه اندیشمندان واقع گشته و کتابها و رساله‌های زیادی با هدف تبیین و پاسخ به شبهات و پرسشها در آن زمینه به نگارش در آمده است.

یکی از این عرصه‌ها، معارف مربوط به امام زمان است که آثار گرانقدری در این زمینه از علمای بزرگ اسلام اعم از شیعه و سنی به جای مانده است که هریک از آنها در نوع خود بسیار ارزشمندند، با این همه بعضی از آنها از اهمیت بیشتری برخوردارند.

یکی از این آثار جلد سیزدهم از مجموعه ۲۵ جلدی بحار الأنوار (چاپ سنگی) است که در ضمن سی و شش باب به تبیین معارف امام زمان (ع) می‌پردازد. مهمترین ویژگی این اثر آن است که مشتمل بر هزار و سیصد روایت از اهل بیت عصمت، می‌باشد. به عبارت دیگر مجموعه مطالب آن با استناد به سخنان پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) تنظیم و تدوین شده است. از این رو، می‌توان آن را در شمار قابل اعتمادترین آثار در موضوع مزبور به حساب آورد. از آنجا که این اثر مهم در اصل به زبان عربی نگارش یافته، استفاده از آن برای بیشتر افراد مشکل حتی غیرممکن است. از این رو، برخی از علما در صدد برآمده‌اند تا آن را به فارسی ترجمه کنند. از جمله آنها کتابی است تحت عنوان مهدی موعود که توسط حجت‌الاسلام جناب آقای علی دوانی به امر حضرت آیت‌الله بروجردی (ره) در سال ۱۳۳۹ هـ ق ترجمه و تا به حال بیست و نه بار به زیور طبع آراسته شده است.

چهارده کتاب در چهارده مقاله / ۲۰۱

قابل ذکر است که پیش از جناب آقای دوانی، جناب شیخ محمدحسن ارومیه‌ای این کتاب را ترجمه و در تهران به چاپ سپرده است که اخیراً نیز ترجمه ایشان با اصلاحاتی توسط مسجد جمکران در دو جلد شامل ۱۴۴۸ صفحه چاپ شده است.

تأملاتی چند در کار مترجم و کتاب

۱. کتاب از مقدمه‌ای مفصل (۱۸۰ صفحه) برخوردار است که نسب‌شناسی، تحصیلات، شاگردان، اساتید، جایگاه علمی، کتابها، علامه مجلسی از دیدگاه مستشرقان و... مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.
۲. مترجم برای اینکه متن را از یکنواختی و کسالت آور بودن بیرون بیاورد، سعی کرده برای هر روایت عنوانی را ذکر کند.
۳. داستان جزیره خضرا از نظر مترجم، معتبر نبوده و حذف شده است.
۴. برخی از روایات و احادیث باب سی و دوم - باب رجعت - و قسمتی از باب توقیعات چون پیش از آن ترجمه شده بود، دوباره ترجمه نشده است.
۵. در باب پنجم مترجم برخلاف مؤلف آیات قرآن را بر روایات مقدم داشته است.
۶. آنچه مؤلف تحت عنوان «بیان»، «توضیح»، «ایضاح» آورده، قسمتی که مربوط به معنی لغات و تعبیرات بوده توسط مترجم در متن آورده شده و بخشی که مربوط به معنی روایات بوده تحت عنوان «مؤلف» آورده است.
۷. پاورقیهای مترجم به میزان زیادی کاستیهای کتاب و ابهام روایات را از جهات گوناگون برطرف می‌سازد.
۸. آغاز و پایان کتاب مزین به اشعاری از شعرای فارسی زبان در مورد حضرت مهدی (ع) است.

۹. ترجمه دارای نثری روان، سلیس و قابل فهم برای عامه و خاصه است و شاید به همین دلیل باشد که علی‌رغم حجم بالای آن تا به حال ۲۹ بار به چاپ رسیده است.

۱۰. اگر چه کتاب روایی است، ولی برای پاسخ به شبهات منکران حضرت ولی عصر(ع) از مباحث عقلی نیز فراوان سود جسته است.

۱۱. کتاب از فهرست تفصیلی خوبی برخوردار است و همان‌گونه که مترجم ادعا کرده اگر کسی فرصت مطالعه کتاب را نداشته باشد، با مطالعه فهرست تا حدودی محتوای کتاب را در می‌یابد.

۱۲. جناب آقای ارومیه‌ای کتاب را به ۳۵ باب ولی جناب آقای دوانی به ۳۶ باب تقسیم کرده است.

محتوای کتاب

کتاب مهدی موعود ۳۶ باب دارد که به شکل موضوعی ترتیب یافته است. آنچه در پی می‌آید بخشی از فهرست اجمالی بابهای ۳۶ گانه است:
باب اول: در باب اول از ولادت با سعادت امام زمان، سرگذشت مادر ایشان، کسانی که ولادت حضرت را خبر داده‌اند، چگونگی ولادت و ماجرای ولادت آن حضرت به روایت حکیمه خاتون بحث شده است.

باب دوم: محتوای این باب نامها، القاب، کنیه‌ها و وجه تسمیه آنهاست.
باب سوم: از چرایی و روایات مربوط به نام نبردن حضرت بحث شده است.
باب چهارم: صفات بارز و علامات خجسته و نسب عالی امام زمان و اینکه امام زمان دارای دو نام است، از بحثهای این باب است.

باب پنجم: باب پنجم شامل آیاتی است که در روایات اهل بیت(ع) تأویل به ظهور امام زمان(ع) شده است.

چهارده کتاب در چهارده مقاله / ۲۰۳

/ باب ششم: آنچه شیعه و سنی از قول خداوند و پیغمبر اکرم (ص) درباره آن حضرت نقل کرده‌اند، در این باب آمده است.

باب هفتم: در این باب ابتدا در مورد روایات حضرت امیرالمؤمنین (ع) درباره مهدی موعود سپس از اینکه زمین یک لحظه بدون حجت خدا نمی‌ماند بحث شده است.

باب هشتم تا پانزدهم: شامل روایاتی است که از امام حسن مجتبی (ع) تا امام حسن عسکری (ع) درباره حضرت مهدی (اعم از حیات، ظهور، علائم ظهور، جهان پس از ظهور و غیره) وارد شده است. باب شانزدهم: اخبار کاهنان درباره ظهور امام زمان و آنچه در الواح و صخره‌ها نوشته شده و داستان جالب موسی بن نصیر فرمانروای آفریقا از مباحث خواندنی باب شانزدهم است.

باب هفدهم: گفتار شیخ طوسی در اثبات وجود آن حضرت، دلیل اثبات وجود ریاست عالی دینی، سخنی چند با منکران امام زمان، اثبات عصمت امام، حق از میان امت اسلام بیرون نیست، رد عقیده کیسانیه، ناووسیه و واقفیه، امتیازات و جهات مشترک پیغمبر و امام، اجرای حدود در زمان غیبت، در غیبت امام زمان چگونه می‌توان به حق رسید؟ غیبت امام لطف است، مولودهایی که راز ولادت آنها مخفی ماند، چرا مهدی موعود در شرایط غیرعادی متولد شد؟ غیبت پیغمبران، و طول عمر امام زمان خلاف عادت نیست، از بحثهای این باب است.

باب هیجدهم: سنن پیغمبران که در امام زمان است، و تطبیق غیبتهای ایشان با غیبت آن حضرت، شباهت امام زمان به پیغمبر، حدیث سدید صیرفی و غیبت امام زمان، و شباهت ولادت حضرت موسی به ولادت

آن حضرت، شباهت غیبت حضرت عیسی و نوح پیغمبر در طول عمر، مقایسه طول عمر آن حضرت و خضر پیغمبر، و سخنی از شیخ طوسی در این مورد، از مباحث این بخش است.

باب نوزدهم: در این باب اخبار معمرین تاریخ بشر و رفع تردید غیبت طولانی آن حضرت، نظر شیخ صدوق درباره اخبار معمرین، پاسخ سید مرتضی، ایراد مخالفان درباره عمر امام زمان و... بحث شده است.

باب بیستم: این باب مختص معجزاتی است که از امام زمان (ع) به ظهور رسیده به همراه احوال حضرت و سفرای بزرگوارش.

باب بیست و یکم: در این باب درباره عثمان بن سعید عمری، ابو جعفر محمد بن عثمان، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، ابوالحسن علی بن محمد سمیری که از نواب خاص آن حضرت بودند، بحث شده است.

باب بیست و دوم: در این باب از کسانی که به دروغ ادعای باییت و سفارت کرده‌اند، سخن رفته است، مانند: حسن شریعی، محمد بن نصیر نمیری، احمد بن هلال کرخی، محمد بن علی بن بلال، حسین بن منصور حلاج و محمد بن علی شلمغانی.

باب بیست و سوم: در این باب از کسانی سخن رفته که آن حضرت را دیده‌اند و این افراد عبارتند از: یوسف بن احمد جعفری، احمد بن عبدالله هاشمی، ابونعیم انصاری، علی بن مهزیار اهوازی، محمد بن اسماعیل، خادم ابراهیم بن عبده، ابراهیم بن ادریس، ابوسوره زیدی، زهری، ابوسهل نوبختی، یعقوب بن یوسف غسانی، احمد بن اسحاق قمی، یعقوب بن منفوس، ابوهارون، محمد بن عثمان، غانم بن سعید هندی، محمد بن عثمان، نسیم خادم، ابونصر طریف، حسن بن وجنا،

ابراهیم بن مهزیار، عبدالله سوری، راشد همدانی، خادم حضرت رضا(ع)، علی بن مهزیار، ابوالحسن وجنا، جماعتی از اهل قم و جبل، کامل بن ابراهیم مدنی، ابوالعباس واسطی، عمر بن حمزه، ابو عبدالله حسین (حاکم قم)، ابن هشام (نائب ابن قولویه قمی)، ابو محمد دعلجی، حسن بن حسین، عثمان بن سعید، ابو عمر اهوازی، اسماعیل هرقلی، عطوه حسنی، علی بن عبدالرحمن، ابوالادیان خادم، عیسی بن جوهری، ابو راجح حلّی، عبدالرحمن عمانی و حسین مدلل.

باب بیست و چهارم و بیست و پنجم: علت غیبت امام زمان و چگونگی انتفاع مردم از وجود حضرت در طول غیبت، علت تشبیه امام به خورشید پنهان در ابر و فلسفه غیبت وی از مباحث مهم این و باب بعدی است.

باب بیست و ششم: امتحان شیعیان در زمان غیبت امام زمان به منظور پاک شدن آنان و منع از تعیین وقت ظهور آن حضرت و اتفاقات هنگام ظهور از مباحث این باب است.

باب بیست و هفتم: فضیلت انتظار فرج و مدح شیعیان در زمان غیبت و آنچه که شایسته است در آن زمان انجام داده شود و اینکه پیغمبر مشتاق لقای شیعیان آخرالزمان بود در این باب مطرح شده است.

باب بیست و هشتم: مدعیان دیدن حضرت در غیبت کبری و اینکه حضرت به میان مردم می آید و مردم را می بیند ولی کسی او را نمی بیند و سایر احوال آن حضرت در غیبت کبری در این باب تبیین شده است.

باب بیست و نهم: در این باب از کسانی که آن حضرت را در غیبت کبری و نزدیک به زمان مؤلف دیده اند، نام برده شده افرادی مانند: مقدس، اردبیلی مردی که معروف به بطئ الارض بود، میرزا محمد

استرآبادی، مردی از اهل کاشان و محمد بن عیسی بحرینی.

باب سی ام: علامات ظهور حضرت، فرو رفتن لشکر دشمن در بیداء، دجال کیست و آیا دجال یهودی است؟ از مهمترین مباحث این باب است.

باب سی و یکم: روز قیام حضرت، علائم آن و آنچه بعد از قیام پدید می آید و چگونگی ظهور و مدت دولت وی از مباحث عمده این باب است.

باب سی و دوم: سیرت و اخلاق و خصوصیات زمان آن حضرت و احوال یاران وی و مباحثی چون گفتگوی حضرت صادق با ابوحنیفه، صاحب الامر چنین کسی است، هنگامی که امام زمان در نجف قیام می کند، در روزگار سلطنت قائم، قرآن و مساجد در زمان مهدی، روش حکومت و برنامه دولت او، پرچم قائم همان پرچم پیغمبر است، نابودی شیطان به دست قائم است و گفتار یکی از دانشمندان اهل تسنن در این باب مطرح شده است.

باب سی و سوم: آنچه طبق روایت مفضل بن عمر در روزگار آن حضرت در جهان روی می دهد، دین مهدی دین اسلام است، هنگامی که قائم در مکه ظهور می کند، مقرر قائم هنگام ظهور کجاست؟ سید حسنی و مردان طالقان و شناسایی ائمه از زبان قرآن از مباحث این باب است.

باب سی و چهارم: در این باب از مباحثی چون: رجعت، دولت آل محمد در زمان رجعت، بعضی از مُردگان هم برای یاری قائم زنده می شوند و هر امامی کتاب مخصوص به خود دارد بحث شده است.

باب سی و پنجم و سی و ششم: نویسنده در این باب به تبیین جانشینان مهدی موعود و آنچه بعد از وی روی می دهد و توقیعاتی که از ناحیه مقدسه آن حضرت شرف صدور یافته می پردازد.

۱۳. دعای منتظران

مکیال المکارم. سید محمد تقی موسوی اصفهانی.
ترجمه سید مهدی حائری قزوینی. دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.

آیت الله محمد تقی اصفهانی در سال ۱۳۰۱ هـ ق در اصفهان در خانواده‌ای از اهل علم و تقوا چشم به جهان گشود و در سال ۱۳۴۸ هـ ق یعنی در سن ۴۷ سالگی در همانجا درگذشت.

پدرش سید میرزا عبدالرزاق، فرزند میرزا عبدالجوادین، حاج سید محمد مهدی موسوی، نائب‌الصدر اصفهانی خراسانی، ملقب به افتخارالدین (در گذشته ۱۳۱۹ هـ ق)، یکی از علمای معروف به اجتهاد و درستی بوده و در مسجد حرم حضرت سید اسماعیل، نوه امام زین‌العابدین (ع) اقامه جماعت می‌کرد.

فرزند برومندش در یکی از تألیفاتش درباره او چنین گفته: «عالم ربانی و حبر صمدانی، آنکه هر دو مرتبه علم و عمل را حایز گردیده و از

هر نقصی و زشتی اجتناب ورزیده، فقیه آل رسول و رئیس علمای
فحول...»

مادر او صبیۀ مرحوم حاج میرزا حسین نائب‌الصدر (در گذشته بسال
۱۳۲۶ هـ ق) بوده است.

پسر عمه‌اش، سید میرزا اسدالله است که قسمتی از مقدمات را نزد او
خوانده و دائی او سید میر محمد صادق مدرس - از مجتهدان و مدرسان
بزرگ اصفهان - که مؤلف بعضی از نظریات تفسیری خود را از او نقل
می‌کند، می‌باشد.

اما اساتید وی: آیت الله اصفهانی نزد عده‌ای از علما و اساتید بزرگ
شاگردی کرده و از بعضی از آنها در ضمن مؤلفات خود با تجلیل و احترام
زیاد یاد کرده، و از برخی از آنان اجازه اجتهاد و روایت گرفته است. تنی
چند از اساتید ایشان عبارتند از:

۱. پدرش سید عبدالرزاق موسوی.

۲. پسر عمه‌اش سید میرزا اسدالله که صرف و نحو را نزد او آموخته است.

۳. سید محمود حسینی گلشادی که برخی کتب ادبی چون مغنی را نزد
او آموخته و بعضی از نظریات ادبی او را در تألیفات خود نقل کرده است.

۴. سید ابوالقاسم دهکردی که از او اجازه اجتهاد و روایت گرفته است.

۵. شیخ عبدالکریم جزوی که از او اجازه روایت گرفته است.

۶. حاج آقا منیرالدین بروجرودی اصفهانی.

۷. حاج میرزا بدیع درب امامی.

۸. آقا محمد کاشانی.

چهارده کتاب در چهارده مقاله / ۲۰۹

آیت الله محمد تقی اصفهانی علی رغم عمر کوتاه خود آثار ارزنده و گرانسنگی از خود به یادگار گذاشت که یکی از مهمترین آنها کتاب مکیال المکارم است.

او در مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم بسیاری از مطالب مربوط به مهدویت و حضرت حجت را تحت عنوان: «دعا برای آن حضرت و تضرع به درگاه الهی برای حفظ وجود شریفش از ناملایمات و آفات» مورد بررسی قرار داده است.

درباره انگیزه مولف از تألیف این کتاب آمده است:

در سال ۱۳۳۰ ه ق به حج بیت الله الحرام سفر کرد؛ در مکه مکرمه وبای شدید پیش آمد و بسیاری از حجاج و زائران را از پای درآورد. او با خداوند پیمان بست که اگر سالم به وطن بازگردد، به تألیف این کتاب بپردازد، و چون به وطن مراجعت کرد، به عهد خود را وفا نمود.

او در مقدمه کتاب اشاره کرده که شدت شوق به دیدار امام زمان او را بدانجا رساند که در خواب به زیارت و دیدن آن حضرت شرفیاب شد، و به امر و دستور آن جناب اقدام به تألیف این کتاب کرد، و حتی اسم آن را هم خود آن حضرت تعیین فرمود.

کتاب حاضر هشت بخش دارد و بار اول به همت فرزندان برومندش در سال ۱۳۶۹ ه ق در اصفهان به زیور طبع آراسته شد.

بخش اول

نویسنده بر این باور است که بدون شناخت امام زمان (ع) ایمان تحقق پیدا نمی کند؛ از این رو سعی می کند با دلایل عقلی و نقلی مدعای فوق را به اثبات برساند.

۱. دلیل عقلی: از نظری تمامی علل و فلسفه‌هایی که برای ضرورت و لزوم پیامبر گفته‌اند، برای ضرورت وجود جانشین و وصی پیغمبر نیز صادق است. همان‌گونه که پس از وفات آن حضرت لازم بوده تا مردم به جانشین او در شئون مختلف زندگی خود مراجعه کنند، پس بر خداوند متعال واجب است که او را معرفی و بر مردم واجب است که آن را بشناسند؛ زیرا که پیروی بدون معرفت و شناخت امکان ندارد. در حقیقت نویسندگان برای اثبات وجوب شناخت امام زمان (ع) از قاعده لطف استفاده کرده است.

۲. دلیل نقلی: از نظر مؤلف روایات بسیاری در حد تواتر وجود دارد که دلالت دارند بدون شناخت امام (ع) ایمان تحقق پیدا نمی‌کند. او در این بخش به نقل و تحلیل تعدادی از آن روایات می‌پردازد.

بخش دوم

از نظر نویسندگان، امام معصوم را از دو راه می‌توان به مردم معرفی کرد:

۱. پیغمبر و یا امام پیشین. ۲. معجزه‌ای که به دست او انجام می‌شود.

او معتقد است امامت حضرت مهدی (ع) از هر دو راه ثابت شده است و برای اثبات ادعای فوق ابتدا حدیثی را از کتاب احتجاج طبرسی نقل می‌کند که مضمون آن این است که مردم خود نمی‌توانند امام را برگزینند، بلکه باید از ناحیه خداوند به دو طریقی که ذکر شد معرفی شود و امام زمان از هر دو طریق معرفی شده است. سپس احادیثی را نقل می‌کند که به طور خاص به امامت حضرت مهدی (ع) دلالت دارند و بعد برخی از معجزات و کرامات آن حضرت را که در حد تواتر است برای اثبات مدعای فوق نقل و تحلیل کرده است.

بخش سوم

در این بخش با استفاده از روایات، از حقوق حضرت مهدی (ع) بر شیعیان بحث کرده است. حقوقی چون: حق وجود و هستی، حق بقا در دنیا، حق قرابت و خویشاوندی پیغمبر (ص)، حق منعمی بر متنعم و حق واسطه نعمت، حق پدر بر فرزند، حق آقا و ارباب بر بنده، حق عالم بر متعلم، حق امام بر رعیت.

بخش چهارم

مؤلف در این بخش به شکل الفبایی به درجات و خصوصیات امام پرداخته و معتقد است که این درجات و خصوصیات، سبب آن است که برای آن حضرت دعا کنیم. درجات و خصوصیات که موجب دعا برای آن حضرت است، عبارتند:

حرف الف - ایمان به خدا، امر به معروف، اجابت دعای ما به برکت آن حضرت، احسان به ما، مباح نمودن حقوقی که از آن حضرت در دست ما است، یاری خواستن آن حضرت، دادرسی ستمدیدگان از ما شیعیان، امنیت راهها و شهرها با ظهور آن حضرت از دشمنان خدا، برپا کردن حدود الهی، اضطرار و ناچاری آن حضرت.

حرف ب - بخشش آن حضرت، پیا داشتن حجتها و راهنمایان، بلا آن حضرت، ابتدا به مصیبتها و برکات آن حضرت.

حرف ت - تألیف قلوب، لطف آن حضرت نسبت به ما، تحمل اذیت از دست ما، ترک کردن حق خودش برای ما، تشیع جنازه مُردگان ما، تجدید بنای اسلام پس از کهنه و فرسوده شدن آن، تمام شدن امر به آن حضرت و تعلیم و آموختن قرآنی که امیرالمومنین (ع) جمع کرده بود.

حرف ث - ثواب کارهای نیک و قبولی آنها به ولایت آن حضرت...،
 ثاثر خود حسین(ع) و شهیدانی که با آن حضرت بوده‌اند.

حرف ج - جمال و زیبایی آن حضرت، جریان روزی ما بر دست آن
 حضرت، جهاد آن حضرت، جمع کلمه بر توحید و اسلام، جمع یاران
 دین از ملائکه و جنیان و سایر مؤمنین و جمع عقول.

حرف ح - حمایت آن حضرت از اسلام، جنگ با مخالفان، حج آن
 حضرت، حیات و زندگی زمین به وجود آن حضرت، حلم آن حضرت،
 حیات (=زنده شدن) جمعی از اولیای خدا به ظهور آن حضرت، حُب
 (=دوستی) آن حضرت نسبت به ما، حکم آن حضرت به حق و حکم آن
 حضرت به باطن.

حرف خ - خلق آن حضرت، خوف (=بیم) آن حضرت، خلافت آن
 حضرت بر مسلمانان و خروج آن حضرت با شمشیر پس از ظهور.
 حرف د - دعای آن حضرت برای مؤمنان، دعوت آن حضرت به
 سوی حق، دفع بلا از ما به برکت وجود آن حضرت و دفع بلا و عذاب از
 مردم به برکت شیعیان آن حضرت.

حرف ذ - ذلت دشمنان به دست آن حضرت بعد از ظهور.

حرف ر - رباط و راحتی خلائق به ظهور و دولت آن جناب.

حرف ز - زحمت آن حضرت در راه دین خدا و زهد آن حضرت،
 زیارت آن حضرت از قبر ابي عبدالله الحسين و سایر معصومین (ع).

حرف سین - سیره و روش و سخاوت آن حضرت.

حرف شین - شجاعت آن حضرت، شفاعت آن حضرت برای ما،
 شهادت آن حضرت برای ما و شرافت آن حضرت.

حرف ص - صبر آن حضرت.

حرف ض - ضیافت (میهمانی) آن حضرت.

حرف ط - طهارت زمین از ستم به وسیله آن حضرت و طلب حقوق ائمه و مؤمنان و طلب خون آنها.

حرف ظ - ظهور حق به دست آن حضرت، ظفر و پیروزی آن حضرت بر معاندان، ظلم دشمنان بر آن حضرت، ظهور کمالات ائمه و شئون و اخلاق آنان به وجود و ظهور آن حضرت.

حرف ع - علم حضرت، عزت اولیا با ظهور حضرت، عذاب دشمنان، عدالت حضرت، عطف هوای نفس بر هدایت، عطا و بخشش حضرت، عزلت و گوشه گیری آن حضرت از مردم و عبادت آن حضرت.

حرف غ - غیبت و غربت آن حضرت، غلبه و پیروزی مسلمین با ظهور آن حضرت، غنا و بی نیازی مؤمنان به برکت ظهور آن حضرت.

حرف ف - فضل و عنایت آن حضرت نسبت به ما، فصل و جداسازی آن حضرت میان حق و باطل، فرج مؤمنین به دست آن حضرت، فتح شهرها و کشورهای کافران، فتح (=گشودن) جفر احمر برای خونخواهی امامان (ع) و فرج مؤمنین با ظهور و قیام آن حضرت.

حرف ق - قتل کافرین به شمشیر آن حضرت، قتل شیطان رجیم، قوت یافتن ابدان و دل‌های مؤمنین هنگام ظهور، قضاء دین مؤمنین، قضاء حوائج مؤمنین، قضاوت آن حضرت به حق، قرابت و خویشاوندی حضرت با پیغمبر (ص)، قسط حضرت و قتل دجال به دست آن حضرت.

حرف ک - کمالات حضرت که شامل شباهت آن حضرت به پیامبران الهی و ائمه اطهار است، کرم آن حضرت، کشف علوم برای مؤمنین و

کشف و بر طرف کردن ناراحتیها از مؤمنین.

حرف ل - لوای آن حضرت.

حرف م - مرابطة آن حضرت در راه خدا، معجزات آن حضرت، محنت آن حضرت، مصائب آن حضرت، محبت آن حضرت به مؤمنین.

حرف ن - نفع آن حضرت، نور آن حضرت، نعمتهای آن حضرت، نصرت اسلام و نهی از منکر و امر به معروف آن حضرت، ندای آن حضرت، نصیحت آن حضرت برای خدا و رسول و برای مؤمنین.

حرف و - ولایت آن حضرت و وصال آن حضرت.

حرف ه - هم آن حضرت، هدف بناهای کفر و شقاق و نفاق، هدایت بندگان و هجران آن حضرت.

حرف ی - ید (= نعمت) آن حضرت بر ما و یمن آن حضرت.

بخش پنجم

در این بخش نویسنده با استفاده از آیات و روایات، چرایی، فواید و اثرات دعا کردن برای تعجیل در فرج حضرت مهدی (ع) را بتفصیل بیان می کند که به قسمتی از آنها فهرست وار اشاره می شود:

دعا سبب زیاد شدن نعمتهاست. دعا اظهار محبت قلبی است. دعا نشانه انتظار است. دعا زنده کردن امر ائمه اطهار (ع) است. دعا مایه ناراحتی شیطان لعین است. دعا نجات یافتن از فتنه های آخر الزمان است. دعا اداء قسمتی از حقوق آن حضرت است که اداء حق هر صاحب حقی واجب ترین امور است. دعا تعظیم خداوند و دین خداوند است. حضرت صاحب الزمان (ع) در حق دعا کننده دعا می کند. شفاعت آن حضرت در قیامت شامل حال دعا کننده می شود. شفاعت پیغمبر (ص)

شامل حال دعا کننده می شود. دعا امثال امر الهی و طلب فضل و عنایت اوست. مایه استجاب دعا می شود. اداء اجر رسالت است. دعا مایه دفع بلا و سبب وسعت روزی است. باعث آمرزش گناهان و سبب تشریف به دیدار آن حضرت در بیداری یا خواب است. دعا موب رجعت به دنیا در زمان ظهور آن حضرت می شود. دعا کننده از برادران پیغمبر (ص) خواهد بود. دعا سبب فرج مولای ما حضرت صاحب الزمان (ع) خواهد بود. وفای به عهد و پیمان خداوندی است. آثار نیکی به والدین برای امانت برای دعا حاصل می شود. فضیلت رعایت و اداء امانت برای دعا کننده حاصل می گردد. سبب زیاد شدن اشراق نور امام (ع) در دل او می شود. موجب طولانی شدن عمر است. تعاون و همکار در کارهای نیک و تقوا است. رسیدن به نصرت و یاری خداوند و پیروزی بر دشمنان به کمک خداوند است. هدایت به نور قرآن مجید است. دعا کننده نزد اصحاب اعراف معروف می گردد. به ثواب طلب علم نایل می شود. از عقوبتهای آخری در امان می ماند. هنگام مرگ به او مژده می رسد و با او به نر می رفتار می شود. با امیر المؤمنین (ع) و در درجه آن حضرت خواهد بود.

محبوبترین افراد نزد خداوند خواهد بود. عزیزترین و گرامی ترین افراد نزد پیغمبر (ص) می شود. از اهل بهشت خواهد شد. دعای پیغمبر (ص) شامل حالش می گردد. کردارهای بد او به کردارهای نیک مبدل شود. خداوند متعال در عبادت او را تأیید می فرماید. به سبب این دعا، عقوبت از اهل زمین دور می شود و ثواب کمک به مظلوم را دارد. ثواب احترام بزرگتر و تواضع نسبت به او را دارد. پاداش خونخواهی

حضرت ابی عبدالله الحسین (ع) را دارد. شایستگی دریافت احادیث امامان معصوم (ع) را می‌یابد. روز قیامت نور او برای دیگران نیز درخشان می‌گردد هفتاد هزار نفر از گنهکاران را شفاعت می‌کند. دعای امیر المؤمنین در روز قیامت شامل حالش می‌شود. بی حساب داخل بهشت می‌شود. موجب در امان بودن از تشنگی روز قیامت است. سبب جاودان بودن در بهشت است. مایه خراش روی ابلیس و مجروح شدن دل اوست. در روز قیامت هدیه‌های ویژه‌ای دریافت می‌دارد. خداوند - عزوجل - از خدمتگذاران بهشت نصیبش می‌فرماید. در سایه خداوند قرار گرفته و گسترش رحمت بر او نازل می‌شود. پاداش نصیحت مؤمن را دارد. مجلسی که در آن برای حضرت قائم (ع) دعا شود، محل حضور فرشتگان می‌گردد. دعا کننده مورد مباحات خداوند می‌شود. فرشتگان برای او طلب آمرزش می‌کنند. از نیکان مردم پس از ائمه اطهار (ع) می‌شود. از کسانی خواهد بود که خداوند در بهشت به او حکومت می‌دهد. حساب او آسان می‌شود. این عمل بهترین اعمال است. باعث دوری غصه‌ها می‌شود. دعای هنگام غیبت بهتر از دعای هنگام ظهور امام (ع) است. فرشتگان درباره‌اش دعا می‌کنند. دعای حضرت سید الساجدین (ع) نکات و فوائد متعددی دارد که شامل حالش می‌شود. این دعا تسمک به ثقلین - (کتاب و عترت) - است. چنگ زدن به ریسمان الهی است سبب کامل شدن ایمان است. مانند ثواب همه بندگان به او می‌رسد. تعظیم شعائر خداوند است. ثواب کسی که زیر پرچم حضرت قائم (ع) شهید شده را دارد. ثواب احسان به مولای ما حضرت صاحب الزمان (ع) را دارد. در این دعا ثواب گرامی داشتن عالم هست. پاداش گرامی داشتن شخص کریم را دارد. در میان ائمه اطهار (ع) محشور

می شود. درجات او در بهشت بالا می رود. از بدی حساب در روز قیامت در امان می ماند. دعاکننده روز قیامت به بالاترین درجات شهدا نائل می شود. به شفاعت فاطمه زهرا(س) رستگار می شود.

بخش ششم

در این بخش با بهره گیری از آیات و روایات به تبیین اوقات و حالات تأکید شده برای دعا می پردازد که فهرستی از آنها در پی آید:

بعد از هر نماز واجب، نمازهای ظهر، عصر و صبح، بعد از هر دو رکعت از نماز شب، در قنوت نمازها، سجده شکر، آخرین ساعت از هر روز، به ویژه روز پنجشنبه و جمعه و شب جمعه، بعد از نماز جمعه، روز نوروز، روز عرفه، عید فطر، عید قربان، روز دحو الارض، روز عاشورا، نیمه شعبان، تمام ماه شعبان و رمضان، بعد از ذکر مصیبت سیدالشهدا، بعد از زیارت آن حضرت(ع)، پس از گریستن از ترس خدا، پس از تجدید هر نعمت و زوال هر محنت، هنگام وارد شدن غم و اندوه، در سختیها و گرفتاریها، بعد از تسبیح نماز، روز غدیر، مطلق اوقات شریفه و هنگام حضور در مجلس مخالفان و غاصبان حق حضرت(ع)، ماه محرم.

از نظر نویسنده مکانهایی که دعا در آنها بیشتر تأکید شده عبارتند از: مسجد الحرام، سرداب سامره، جاهای منسوب به آن حضرت(ع)، حرم حضرت سیدالشهدا، امام رضا(ع)، عسکرین(ع) و سایر ائمه(ع).

بخش هفتم

بخش هفتم به چگونگی دعا برای تعجیل فرج و ظهور پرداخته و دعاهای رسیده از معصومان(ع) را به بحث می گذارد که خود در سه مقصد مطرح شده است:

۱. شرایط و دستوراتی که قبل از دعا لازم است و آنها عبارتند
 مداومت در دعا، تزکیه نفس از پلیدیها، پرهیزکاری و کسب تقوا، دعا
 درخواست به هر زبانی، درخواست فرج چه به نثر و چه به نظم، تکرار
 در دعا، به زبان آوردن دعاها، حالت اندام در دعا، پیروی از اهل ذکر
 ائمه معصومین(ع)، رعایت در ترتیب دعا، عدم جواز در تغییر در
 دعاها، رسیدن از معصومان(ع)، تکلم در حد عرف در دعا، عدم قطع
 نمودن دعا، درخواست تعجیل فرج با صدای بلند، حضور در مجلس
 دعای فرج، هدیه ثواب دعا برای اهل قبور، قرائت دعا به نیابت، افزایش
 ثواب در دعاهایی که به نیابت قرائت می شود، دعا برای دوستان و یاران
 آن حضرت(ع)، و دعا برای نابودی دشمنان آن حضرت(ع).

۲. چگونگی دعا برای تعجیل فرج و ظهور حضرت مهدی(ع): صراحت
 بیان در دعا برای فرج، درخواست تعجیل در فرج، درخواست فرج همه
 مؤمنین و مؤمنات، درخواست استجاب دعاکننده امر فرج، دعا برای
 فراهم شدن اسباب ظهور و رفع موانع ظهور، طلب عفو از گناهانی که
 مانع فرج هستند، دعا برای نابودی دشمنان حضرت و کوتاهی دست
 ستمگران، دعا برای گسترش عدالت و رفاه و خوشی کامل با ظهور امام
 عصر(ع)، دعا برای مقبول شدن اعمال و عبادت و کسب توفیق دعای
 فرج برای همه مؤمنان و برپایی دین حق جهانی، درود فرستادن بر
 امام(ع)، دعا برای دور گرداندن هم و غم از چهره امام(ع)، دعا برای
 تعجیل فرج در امر خونخواهی امام حسین(ع).

۳. ذکر برخی از دعاها، رسیده از امامان معصوم(ع) در مورد دعا

برای تعجیل در فرج.

بخش هشتم

آخرین بخش کتاب به تکالیف عصر غیبت اختصاص دارد. نویسنده هشتاد تکلیف را برای مسلمانان بخصوص شیعیان برشمرده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

بدست آوردن شناخت صفات و آداب آن جناب، رعایت ادب نسبت به یاد امام، محبت امام عصر به طور خاص، محبوب نمودن او در میان مردم، اظهار اشتیاق به دیدار آن حضرت، ذکر مناقب و فضایل آن حضرت، حضور در مجالس فضایل و مناقب آن حضرت وتشکیل مجلس ذکر مناقب و فضایل آن حضرت، سرودن و خواندن شعر در ذکر فضایل آن حضرت، درخواست معرفت امام عصر از خداوند، تداوم بر دعا برای آن حضرت، شناخت علامتهای ظهور آن حضرت، صدقه دادن به نیابت از آن حضرت، سعی در خدمت کردن به آن حضرت، تجدید بیعت در فرائض روزها و هر جمعه با آن حضرت، صله به وسیله مال با آن حضرت، صله شیعیان و دوستان صالح ائمه (ع) به وسیله مال، خوشحال کردن مؤمنان، طلب خیر برای آن حضرت، زیارت و سلام کردن در هر مکان به آن حضرت.

هدیه نماز به آن حضرت، توسل و طلب شفاعت از خداوند به وسیله آن حضرت، دعوت مردم به آن حضرت، رعایت حقوق آن حضرت، تقیه کردن از اشرار، صبر کردن بر اذیت و تکذیب، سفارش همراهان به صبر در زمان غیبت آن حضرت، عدم شرکت در مجالسی که نام آن حضرت را مسخره می‌کنند، ناشناس ماندن و پرهیز از شهرت یافتن، تهذیب نفس، اتفاق و اجتماع بر نصرت آن حضرت، متفق شدن بر توبه

واقعی و بازگرداندن حقوق به صاحبان آنها، پیوسته به یاد او بودن و به آدابش عمل کردن.

دعا برای جلوگیری از نسیان یاد آن حضرت، خاشع بودن در هنگام یاد آن حضرت، مقدم داشتن خواسته آن حضرت (ع) برخواسته خود، احترام کردن نزدیکان و منسوبان به آن حضرت، بزرگداشت اماکنی که به قدوم آن حضرت (ع) زینت یافته‌اند، وقت ظهور را تعیین نکردن و وقت گذاران را تکذیب کردن، تکذیب کردن مدعیان نیابت خاصه در زمان غیبت کبری، درخواست دیدار آن حضرت، اقتدا کردن و تأسی جستن به اخلاق و اعمال آن حضرت، حفظ زبان به غیر از یاد خدا، نماز آن حضرت، بسیار لعنت کردن بنی‌امیه در آشکار و پنهان، مهیا کردن سلاح و اسب در انتظار ظهور آن حضرت.

۱۴. ستاره درخشان

نجم الثاقب. میرزا حسین طبرسی نوری.
قم: انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۷۸.

میرزا حسین طبرسی نوری معروف به محدث نوری، در یکی از قرای نور، در سال ۱۲۵۴ هـ. ق دیده به جهان گشود. در تهران از محضر شیخ عبدالرحیم بروجردی، بهره برد و در سال ۱۲۷۸ هـ. ق برای کسب دانش بیشتر، به عراق هجرت کرد و از خرمن پُرفیض شیخ عبدالحسین تهرانی، شیخ اعظم انصاری استفاده کرد. سپس به هنگام مهاجرت میرزا حسن شیرازی به سامرا، با وی مهاجرت کرد. چند سال در سامرا بود و آن گاه به نجف اشرف، بازگشت و در آنجا اقامت گزید و سرانجام در سال ۱۳۲۰ هـ. ق دیده از جهان فرو بست. وی آثار بسیار دارد *النجم الثاقب فی احوال الإمام الغائب (ع)* از جمله آنهاست.

او درباره انگیزه خود از تألیف این اثر می نویسد: «در سال ۱۳۰۳ هـ. ق در خدمت میرزای بزرگ بودم.

میرزا فرمود: خوب است، کتابی مستقل درباره حضرت مهدی (ع) به فارسی نگاشته شود؛ و شما شایستگی انجام این مهم را دارید.

عرض کردم: مقدمات امر فراهم نیست، ولی از آنجا که در سال گذشته، رساله‌ای درباره کسانی که در غیبت کبری، به زیارت حضرت مهدی (ع) مشرف شده‌اند، تحت عنوان *جنته الماوی* نگاشته‌ام، اگر مصلحت باشد، همان رساله را با افزودن مطالبی ترجمه کنم.

پیشنهاد پذیرفته شد. لکن میرزا فرمود: شمه‌ای از حالات حضرت مهدی، هرچند به اختصار بر آن افزوده شود. حسب الامر مطاع میرزا، به انجام این اثر اقدام شد و در نهایت یأس با استمداد از عسکرین، بحمدالله در اندک زمانی این خدمت به انجام رسید.»

گزارش اجمالی کتاب

کتاب *النجم الثاقب* مشتمل بر دوازده باب به شرح ذیل است:

باب اول: در این باب، با استفاده از روایات با نظم و ترتیبی بدیع، چگونگی ولادت حضرت مهدی (ع) و اجمالی از حال حکیمه خاتون را به تصویر کشیده است.

باب دوم: نویسنده در این باب سعی کرده با بهره‌گیری از محتوای قرآن، روایات تصریح راویان، محدثان، علما، رجال، اسامی، القاب و کنیه‌های آن حضرت را تبیین کند. مجموعه آنچه ذکر کرده، صد و هشتاد و دو اسم، لقب و کنیه است.

باب سوم: این باب مشتمل بر دو فصل است: فصل اول در مورد شمایل آن حضرت و فصل دوم در خصایص ایشان و الطاف خاصه الهیه که به آن حضرت شده یا خواهد شد.

باب چهارم: در این باب پس از تبیین این نکته که نزد همه مسلمین ظهور شخصی در آخرالزمان که همنام حضرت محمد(ص) است و ملقب به مهدی است مسلم است، به ذکر اخباری از حضرت رسول(ص) پرداخته که در این باب وارد شده؛ سپس موارد اختلافی را یادآور شده و به بحث و بررسی پیرامون آنها پرداخته است.

موارد اختلافی ذکر شده در کتاب عبارتند از: ۱. حضرت مهدی(ع) از اولاد عباس است یا علوی غیر فاطمی است و یا حسنی است. نویسنده سعی کرده قول چهارم را تقویت کرده و اقوال سه گانه را ابطال نماید.

۲. نام پدر حضرت مهدی چیست؟

امامیه برآنند که نام پدر آن حضرت حسن(ع) است. برخی از عامه براین باورند که نام پدر حضرت مهدی عبدالله است. نویسنده قول اول را تقویت و نظر دوم را ابطال کرده است.

۳. اختلاف سوم در تشخیص و تعیین آن حضرت است؛ و در این باره ده قول وجود دارد:

- محمد بن حنفیه یا پسر او
- محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن (مفیریه)
- اسماعیل پسر حضرت صادق(ع) (اسماعلیه)
- حضرت صادق(ع) (ناووسیه)
- محمد بن اسماعیل بن امام جعفر صادق(ع) (مبارکیه)
- حضرت کاظم(ع) (مبارکیه)

- امام حسن عسکری (ع) (عسکریه)

- ابو جعفر محمد بن علی الهادی (محمدیه)

- حجة بن الحسن العسکری (امامیه)

- جمهور اهل سنت مهدی را در شخص خاصی تعیین نمی‌کنند.

باب پنجم: در این باب سعی شده با استفاده از نصوص اهل سنت و

امامیه اثبات شود که مهدی موعود همان حجة بن العسکری است.

باب ششم: در این باب برای اثبات اینکه مهدی موعود همان حجة

بن الحسن العسکری است چهل معجزه نقل شده غیر از معجزاتی است

که علامه مجلسی در کتابهای خود آورده است.

باب هفتم: در این باب، به کسانی پرداخته شده که در زمان غیبت

کبری خدمت حضرت رسیده و یا بر معجزه‌ای بر معجزات آن حضرت

واقف شده و یا به دلیلی به وجود ایشان ایمان آورده‌اند. در مجموع، در

این باب، صد حکایت نقل شده که در ذیل هر حکایت مباحث گوناگونی:

چون شهرهای فرزندان آن حضرت، نماز حضرت مهدی (ع) و هر امام،

اذکاری که حضرت به دیگران یاد داده، قصه جزیره خضراء، الطاف خفیه

امام زمان (ع) و کراماتی از علما طرح شده است.

باب هشتم: در این باب، چند مطلب ذکر شده است:

۱. نقد و بررسی اخبار مبنی بر اینکه مدعی دیدن در زمان غیبت

کبری را باید تکذیب کرد.

۲. تأویل اخبار رسیده در مورد دیدن آن حضرت.

۳. تصریح برخی از بزرگان به امکان رؤیت در ایام غیبت کبری و ذکر

بعضی از کلمات علی بن طاوس.

۴. جمع میان حکایات و قصص ذکر شده در این باره.
باب نهم: در این باب چند حکایت درباره کسانی که در بیابان مانده و حضرت ایشان را نجات داده نقل و نقد شده است.
باب دهم: در این باب آداب و رسوم شیعیان در ایام غیبت کبری را بر می‌شمرد که عبارتند از:

۱. انتظار فرج
 ۲. مهموم بودن برای آن حضرت
 ۳. دعا کردن برای سلامتی ایشان
 ۴. صدقه دادن برای سلامتی ایشان
 ۵. حج کردن برای آن حضرت
 ۶. تعظیم کردن و برخاستن هنگام شنیدن نام ایشان
 ۷. دعا کردن برای حفظ ایمان خود در زمان غیبت کبری
 ۸. استمداد و استعانت از آن جناب در هنگام شداید و سختیها
- باب یازدهم: در ذکر پاره‌ای از زمانها و اوقات است که اختصاص به امام عصر(ع) دارد و اینکه شیعیان چه تکالیفی در این اوقات دارند.
- باب دوازدهم: در ذکر اعمال و آدابی است که بتوان به برکت آنها به سعادت ملاقات و شرف حضور امام عصر(ع) رسید.

ب. چشم اندازی

بر

پنجاه کتاب

۱. آثار اعتقاد به امام زمان (ع)

هادی قندهار. تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر. ۱۳۸۰.

در این کتاب نویسنده در پی پاسخی مناسب به سؤال «جایگاه مهدویت در اعتقادات شیعی» برمی آید؛ و به بیان این نکته می پردازد که آیا اعتقاد به ظهور حضرت و آشنایی و معرفت به آن حضرت و انتظار ظهور او و توبه و توسل به او ضرورت دینی دارد و یا اینکه مسلمانی بدون آن نیز امکان پذیر است. مؤلف با بیان این نکته که انسان تا به ضرورت و اهمیت چیزی پی نبرده به آن دل نمی دهد و برای آن همت نمی گمارد؛ به تبیین آثار اعتقاد به مهدویت می پردازد.

۲. آخرین امید

داود الهامی. قم: مکتب اسلام. ۱۳۷۲.

کتاب مقالات مختلف نویسنده در نشریات بوده که تدوین جدید یافته و شامل این عناوین است: لزوم شناخت امام زمان (عج)، میلاد مسعود، کتمان ولایت از اغیار، غیبت امام، سفرای چهارگانه امام، انتظار فرج، اعتقاد به منجی، مهدی موعود از دیدگاه علمای اهل تسنن، مهدی

در احادیث شیعه، تحول عظیم اخلاقی در حکومت مهدی، سیرت مهدی موعود، مهدی (عج) احیا کننده تعالیم قرآن، مهدی بنیانگذار حکومت واحد جهانی، نشانه‌های ظهور مهدی موعود، مفاسدی که در آستانه انقلاب مهدی (ع) فراگیر جامعه می‌شود، راز طول عمر امام زمان، اقامتگاه امام غایب و تکالیف دوره غیبت.

۳. اشتیاق جمال: پیرامون حضرت مهدی (ع)

علی شاد. تهران: عابد.

اشتیاق جمال، با مطالبی درباره امام زمان (ع) تدوین شده که عناوین برخی از آنها بدین قرار است: امام زمان (ع) کیست؟ غیبت صغری و غیبت کبری، حضرت مهدی (ع) از نگاه قرآن و حدیث، فضیلت انتظار، انتظار در ادیان غیر الهی، امام زمان (ع) در نهج البلاغه، ملاقات کنندگان حضرت مهدی (ع) و محل ظهور امام.

۴. الامام المهدی (ع)

علی محمد علی دخیل. بیروت: دارالمرتضی. ۱۴۰۳ هـ ق.

مباحث این کتاب عبارتند از: معرفی اجمالی امام، امام در احادیث و در قرآن، بشارت‌های ائمه و اصحاب و تابعان به ظهور امام، ولادت امام، مشاهده کنندگان امام، عمر امام، علائم ظهور، دولت و سیره ایشان، امام مهدی در اشعار، امام از دیدگاه اهل سنت.

۵. الامام المهدی عند اهل السنة

مهدی الفقیه الایمانی. قم: المجمع العالمی لأهل البيت. ۱۴۱۸ هـ ق.

الامام المهدی عند اهل السنة موسوعه‌ای است مشتمل بر مهمترین کتابهای حدیثی و تاریخی از علمای بزرگ اهل سنت، اعم از مستقل و

چشم اندازی بر پنجاه کتاب / ۲۳۱

غیر مستقل، متقدم و متأخر که پیرامون حضرت مهدی (ع) تألیف شده است. تاریخ تألیف برخی از کتب معرفی شده، به قرن اول هجری بازمی‌گردد. کتاب شامل مقدمه ناشر، مقدمه مؤلف، معرفی ۶۷ منبع، خاتمه و فهرست است.

۶. کتاب الغیبة

أبی جعفر محمد بن الحسن الطوسی. تحقیق شیخ عباز الله تهرانی

و شیخ احمد ناصح. قم: مؤسسه معارف اسلامی.

شیخ طوسی، از بزرگترین علمای اسلامی است. وی، در سال ۳۸۵ هـ ق. در شهر طوس دیده به جهان گشود و در سال ۴۶۰ هـ ق. به دیدار حق شتافت.

او، عالمی جامع و مسلط بر علوم متداول زمان خود بود و در زوایای گوناگون فرهنگ اسلامی، قلم زد و آثار گرانبها و ارزشمندی از خود، به جا گذاشت. در باب عقاید، بویژه مسأله مهدویت و غیبت امام عصر (ع)، افزون بر کتاب تلخیص الشافی سید مرتضی، که در جلد اول و چهارم آن درباره امام زمان، بحث کرده، کتاب جداگانه‌ای در خصوص غیبت امام زمان به نام الغیبة، نگاشت که از ابتکار و جامعیت کم نظیر شیخ، حکایت دارد. وی در این اثر، به همه جوانب مسأله غیبت، به گونه‌ای دقیق و استوار پرداخته و پاسخ اشکالات مخالفان را با استناد به آیات، روایات و عقل داده است و دیدگاه شیعه را با استدلالهای دقیق، روشن کرده است. او در مقدمه کتاب، درباره انگیزه تألیف چنین می‌گوید: «شیخ بزرگوار ما، به من دستور داد، کتابی درباره غیبت صاحب الزمان و سبب دوام غیبت و پاسخ شبهات مخالفان بنویسم. من، با وجود کمی فرصت و

ناراحتی روحی و موانع روزگار، پیشنهاد او را پذیرفتم.»

کتاب الغیبه، امهات مباحث مربوط به غیبت امام عصر (ع) را در بردارد، از جمله: غیبت، علت و اسباب غیبت، حکمت غیبت و...

در آغاز، با ادله و برهانهای بسیار، وجود امام زمان و اینکه حضرت، فرزند بلافصل امام حسن عسکری است را ثابت می‌کند، به شبهات فرق گوناگون از جمله: اسماعیلیه، زیدیه، کیسانیه، ناووسیه، واقفیه، فطحیه و...، با استناد به روایات پاسخ می‌دهد. آنگاه برای رفع استبعاد از غایب شدن حضرت مهدی (ع) به غایب شدن پیامبر (ص) در شعب ابی طالب، غایب شدن حضرت یوسف، موسی، یونس، اصحاب کهف و... استشهاد می‌کند و برای طبیعی جلوه‌دادن طول عمر حضرت، عمر طولانی حضرت نوح، خضر و... را گواه می‌آورد؛ و به این نکته تأکید می‌ورزد که طولانی کردن عمر افراد برای خداوند توانا، کار مشکلی نیست. او بر هر کاری تواناست و می‌تواند به افراد عمر طولانی ببخشد و آنان را سالیان سال زنده نگهدارد، چنانکه اهل بهشت، در بهشت جوان می‌مانند و پیر نمی‌شوند.

در مورد فلسفه غیبت، ترس از گشته شدن را یادآور شده و درباره فایده غیبت چنین می‌نویسد: «وجود حضرت، لطفی است و تصرف وی در امور، لطفی دیگر. خدا به وسیله امام، لطف خویش را به انسانها می‌رساند. فردی را که برای اداره جامعه لازم است، آفریده و حجت را بر مردم تمام کرده تا اگر خواستند از وجودش بهره ببرند. مردم هستند که اسباب ترس و غیبت را فراهم ساخته‌اند. از جانب خداوند، فیض کامل است، قابلیت قابل شرط است.»

چشم‌اندازی بر پنجاه کتاب / ۲۳۳

این کتاب، تاکنون بارها به چاپ رسیده: نخستین بار سال ۱۳۲۳ هـ ق در تبریز (چاپ سنگی) و سپس در نجف، قم و تهران بارها افست شده است. از آنجا که چاپهای پیشین اشتباه بسیار داشته و در مواردی افتادگی، محققان کتاب بر آن می‌شوند، چاپ تصحیح و تحقیق شده‌ای از این اثر ارزشمند را عرضه کنند. از این روی متن آن را با نسخه‌های کتابخانه‌های آستان قدس رضوی، مدرسه فیضیه، آیت الله مرعشی مقابله کرده و به گونه‌ای مطلوب و درخور، به بازار دانش عرضه می‌دارند.

۷. المعجزة فی ما نزل فی القائم العجبة (عج)

سید هاشم بحرانی. تحقیق و تعلیق محمد منیر میلانی.

بحرانی، فقیه، مفسر، محدث و صاحب نظر در رجال بود. شیخ یوسف بحرانی، درباره شخصیت او می‌نویسد: «سید بحرانی، فاضل، محدث، جامع و پژوهشگر در اخبار بود. کسی در این فن، جز مجلسی، بر او پیشی نگرفت. کتابهای زیادی تصنیف کرد که گواه تتبع و آگاهی اوست.» از وی، نوشته‌های بسیاری به جا مانده، از جمله کتاب: *المعجزة فی ما نزل فی القائم العجبة*.

موضوع مورد بحث این اثر، آیات قرآنی است که در روایات، به حضرت مهدی تفسیر و تأویل شده است. این آیات، به ۱۲۰ عدد می‌رسند که از سوره بقره آغاز و به سوره مبارکه عصر، پایان می‌پذیرند. مطالب کتاب، به صورت ترتیب سوره‌های قرآنی تنظیم شده‌اند.

نویسنده، در مقدمه کتاب می‌نویسد: «در این کتاب، آیاتی که در روایات معصومان (ع) به مهدی (ع) تفسیر شده، آورده شده و روایات مربوط به دیگر ائمه (ع) را در تفسیر البرهان باید جست.»

روایات مورد استفاده در تفسیر و تأویل آیات قرآن، از مصادر آنها نقل شده است. محقق، افزون بر آیاتی که مؤلف گردآوری کرده، با جستجوی بسیار، به دوازده آیه از قرآن دست یافته که به گونه‌ای به امام عصر(ع) ارتباط دارند و آنها را به صورت استدراک در پایان کتاب، تحت عنوان: «مستدرک المحجّة» آورده است.

وی، با تلاش فراوان و در خور تحسین، برای تصحیح کتاب به نسخ خطی موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی، که در زمان مؤلف و از روی نوشته وی نسخه برداری شده، تکیه کرده است.

از جمله دیگر کارهای ارزشمند محقق، تطبیق احادیث، با مصادر اصلی آن و نمایاندن موارد اختلاف، از نظر زیادی و نقص است.

برخی روایات که سند مشخصی نداشته‌اند، با جستجو و تحقیق در منابع گوناگون، به مصادر دیگر ارجاع داده شده است.

۸. المهدی (ع)

سید صدرالدین صدر. به اهتمام سید باقر خسروشاهی.

قم مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی

سید صدرالدین صدر، از زعمای شیعه است. وی، در سال ۱۲۹۹ هـ. ق در کاظمین دیده به جهان گشود و در سال ۱۳۷۳ هـ. ق در قم چشم از جهان فرو بست. او آثار فراوانی دارد، از جمله کتاب ارزشمند المهدی. مؤلف، در این اثر به منابع اصلی حدیث و تاریخ که معروف به وثاقت و مورد اطمینان و اعتمادند، تکیه دارد و بحث دقیق و عمیقی را پی می‌گیرد و به بسیاری از شبهات پاسخ می‌گوید. کتاب، در یک مقدمه و هشت فصل و خاتمه، تنظیم شده است.

وی درباره انگیزه تألیف در مقدمه می‌نویسد: «در مجلس دوستانه‌ای، از مهدی منتظر(ع) و آنچه شیعه امامیه، در این باب، بدان معتقدند، سخن به میان آمد. برخی از حاضران در مجلس، اظهار داشتند، برادران اهل سنت، در این موضوع، چه عقیده‌ای دارند. آیا از طریق آنان، احادیثی که موافق احادیث شیعه باشد، وارد شده و دانشمندان آنان، نوشته‌ای دارند، یا خیر؟»

در پاسخ گفتم: از طریق اهل سنت، احادیث مستفیضه، بلکه متواتره وارد شده و علمای آنان در این باب تألیفات زیادی دارند، البته بعضی مناقشات و استبعاداتی نیز دارند که از گذشتگان خود گرفته‌اند و میان آنان، رواج یافته و به تألیفات آنان، با اختلاف در تعبیر، سرایت کرده‌است. بعضی از حاضران در مجلس گفتند: برای شما امکان دارد در این موضوع کتابی بنویسید؟ گفتم: پرداختن به این مسأله، سبب جریحه‌دار شدن عواطف می‌شود و این را نمی‌پسندم، بویژه مثل این زمان که ما نیاز شدید به وحدت کلمه داریم. گفتند: بحث علمی، با حفظ آداب مناظره و خارج نشدن از آداب و اخلاق اسلامی، اشکال ندارد.

از این روی پذیرفتم در این باب، کتابی بنگارم. آنگاه پس از مطالعه کتابهایی که در دسترس بود، احادیث مربوط به موضوع را ذیل عنوان مناسب، گردآوری کردم. اگر حدیثی بر چند عنوان دلالت داشت، آن را زیر هر یک از عناوین، آوردم.

در نقل روایات، بر کتابهایی که در چاپخانه‌های اهل سنت به طبع رسیده بود، یا آثار مخطوطی که اعتبار آنها مسلم بود، اکتفا کردم و جز اندکی از کتابهای چاپ شده در ایران، نقل نکردم. عنایت داشتیم، مطالبی گردآورم

که از کتابهای اهل سنت و مورد اعتماد آنان باشد. از علمای شیعه و منابع شیعی که احادیث نبوی را از طریق اهل سنت نقل کرده‌اند، حدیث نقل نکردم، مگر مقداری از کتاب: الدررالموسویة فی شرح العقائد الجعفریة، تألیف حسن صدر کاظمی، به خاطر ادای بعض حقوق و تأیید مطالب.»

در پایان مقدمه می‌گوید: «خدا را شاهد می‌گیرم، من به دیده انصاف به احادیث و سخنان سلف صالح نگریستم و بر آن رویه مشی کردم که اعتقاد خود را با دلیل منطبق سازم.»

نویسنده تحت عنوان «نظرة اجمالية» به کتابهایی که بزرگان اهل سنت، درباره حضرت مهدی (ع) نگاشته‌اند، اشاره می‌کند و مستفیض و متواتر بودن روایات پیامبر (ص) درباره حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اهل سنت را می‌نمایاند.

مباحث ۸ فصل کتاب بدین شرح است:

فصل اول: درباره بشارتهایی است که بر ظهور حضرت مهدی (ع) در قرآن، سنت پیامبر (ص)، سخنان علی (ع) و بزرگان و اعلام، در قالب نظم و یا نثر وارد شده است.

فصل دوم: مهدی منتظر عرب و از امت پیامبر (ص) است و بیت شریف و خانواده وی مشخص بوده و شواهد بسیاری بر این دلالت دارند.

فصل سوم: در ویژگیهای ظاهری و باطنی، ملکات فاضله، دانش، قضاوت، بیعت، حکومت، اصلاحات و...

فصل چهارم: در مقام و منزلت حضرت نزد خداوند و...

فصل پنجم: در ولادت، تعیین اسم، لقب، کنیه، نام پدر، مادر، طول عمر شریف و...

چشم‌اندازی بر پنجاه کتاب / ۲۳۷

فصل ششم: در چگونگی غیبت، محل غیبت و علت غیبت، چگونگی بهره‌مندی مردم از حضرت در زمان غیبت و...

فصل هفتم: در نشانه‌های آسمانی و زمینی ظهور، جوّ عمومی جهان، خروج سفیانی و...

فصل هشتم: فضیلت انتظار فرج، نهی از تعیین زمان ظهور، محل ظهور، بیعت، شمار یاران و...

۹. امامت و غیبت

سید مرتضی علم‌الهدی. ترجمه ابن القاسم علی بن الحسین الموسوی.

قم: مسجد جمکران. ۱۳۷۸.

سید مرتضی، از دانشمندان و نوابغ بزرگ جهان اسلام در سال ۳۵۵ هـ. ق در بغداد دیده به جهان گشود. از کودکی به فراگیری دانش پرداخت و در جوانی در بسیاری علوم سرآمد شد. وی، از شاگردان ممتاز شیخ مفید است. او در علم کلام و احتجاج با مخالفان قدرتی چشمگیر داشت و کتابهای شافی، الامالی، ابطال القیاس، الانتظار فی الفقه، انقاذ البشر، تقریب اصول، الخلاف فی اصول الفقه و دیوان شعر تنها بخشی از آثار گرانسنگ به یادگار مانده از وی است. یکی از آثار ارزنده وی رساله المقنع در موضوع غیبت است. این اثر با وجود حجم اندک از جمله متقن‌ترین متون است. ارزش کتاب، زمانی بیشتر هویدا می‌شود که می‌بینیم بزرگانی چون: شیخ طوسی و امین الاسلام طبرسی، فرازهایی از متن کتاب و در برخی موارد، خلاصه‌ای از مطالب را در کتاب الغیبة خویش آورده‌اند.

امامت و غیبت در حقیقت ترجمه المقنع است. سید مرتضی، درباره سبب نگارش این کتاب می‌نویسد: «در مجلس وزیر سید، سخن از غیبت

امام عصر (ع) به میان آمد و این امر مرا بر آن داشت، در این باب اثر کوتاهی بنگارم.»

مطالب کتاب که بدون عنوان و سرفصل بوده، از سوی محقق عنوان گذاری شده که خواننده به آسانی به مطالب کتاب دسترسی یابد.

در متن کتاب نیز برخی نکات را در داخل دو قلاب []، روشن کرده است. کتاب، با بیان انگیزه تألیف و طرح ادعای مخالفان مبنی بر اینکه: «سخن از غیبت امام زمان، برای شیعیان مشکل است» آغاز می شود. در پی آن می نویسد: «به مسأله غیبت، باید از زاویه ساختار اصولی نگریست. زیرا مسأله غیبت امام عصر (عج)، فرع اصولی است که اگر آن اصول، برهانی شود، سخن از غیبت آسانترین و روشنترین بحث خواهد بود وگرنه، سخن گفتن بدون پرداختن به بحث اصولی، مبنایی نخواهد داشت.» سپس سعی می کند اصل امامت، اصل عصمت، اصل وجوب امامت و اصل وجوب عصمت را با استناد به برهانهای عقلی و نقلی اثبات نماید. او، در ضمن اثبات این اصول، شبهات و ادعاهایی که از سوی مسلکها و فرقه های گوناگون مانند: کیسانیه، ناووسیه، واقفیه و... مطرح شده، پاسخ می دهد. عناوین عمده مباحث طرح شده بدین شرح است: حکمت غیبت، جهل و بی خبری از حکمت، منافات نداشتن جهل حکمت غیبت با غیبت و...

درباره حکمت غیبت و سبب آن می نویسد: «سبب عیبت امام عصر (عج) ترس از ستمگران بوده است.»

این اثر ارزشمند، تکمله ای دارد، به نام الزیادة المکمل بها کتاب المقنع که در پایان همین اثر، آمده است. در آغاز بخش افزوده، به مسأله بهره

چشم‌اندازی بر پنجاه کتاب / ۲۳۹

شیعیان و پیروان امام، در زمان غیبت پرداخته و یادآور می‌شود که غیبت حضرت، سبب نمی‌شود که امام، نقشی در امور مسلمانان نداشته باشد و اثبات می‌کند که در اطاعت و پیروی از امام و استفاده از وجود شریف وی، تفاوتی میان وجود و غیبت او نیست. از طرفی ظهور امام برای اولیا واجب و ضروری نیست. امام، در حال غیبت نیز بر آنچه پیش می‌آید و بر شیعیان می‌گذرد و شیعیان انجام می‌دهند، آگاه و بر کم و کیف جریانهایی که اتفاق می‌افتد، گواه است. سپس با طرح پرسشهایی در مورد علم امام (ع) مباحث این بخش را به پایان می‌برد.

۱۰. امام مهدی (ع)، طاووس بهشت

اکبر حمیدی هشتروندی. تهران: عابد.

کتاب طی شانزده فصل با استناد به روایات متعدد فراهم آمده است. در این کتاب ضمن مروری بر زندگی امام زمان (ع)، شرح کوتاهی از آیات مربوط به امام زمان (ع)، همچنین برخی احادیث علمای شیعه و اهل سنت ذکر شده و مطالبی درباره راز طول عمر امام زمان (ع) و غیبت وی آمده است.

۱۱. امام مهدی (ع)، از ولادت تا حضور

سید محمد کاظم قزوینی. ترجمه دکتر حسین فریدونی.

تهران: آفاق. ۱۳۷۶.

پیشگفتار کتاب با این حدیث آغاز شده است: «هل الدین إلا الحب»:
«آیا دین جز دوستی و محبت چیز دیگری است؟» این کتاب ترجمه کتاب الامام المهدی إلى الظهور تألیف سید محمد کاظم قزوینی است. در آغاز ۵۰ کتاب مرجع معتبری که مورد استفاده مؤلف قرار گرفته فهرست

شده است. کتاب شامل ۲۴ فصل است که برخی از فصول عبارتند از: امام زمان (ع) به دنیا آمده است؟ چگونه از دیده‌ها نهان شده است؟ چه کسانی در غیبت بلند، آن حضرت را دیده‌اند؟ چگونه تا امروز عمر کرده است؟ و بسیاری سؤالیهای دیگر.

کلیه مطالب کتاب مستند به احادیث و روایات است. کتاب شامل، چندین فهرست راهنما درباره آثار و کتابهاست.

۱۲. امام مهدی و آینه زندگی

مهدی حکیمی. قم: انتشارات بنیاد فرهنگی

حضرت مهدی موعود (ع).

این اثر با مخاطب قرار دادن نوجوانان و جوانان به عنوان اکثریت یاران حضرت، با استفاده از احادیث وارده از ائمه اطهار (ع) به بیان جایگاه امام عصر می‌پردازد. در بخش دوم نیز با استفاده از روایات به شرح اهداف و برنامه‌های امام عصر در قالب عناوینی چون: عدالت اجتماعی، رفاه اقتصادی و بهبود زندگی، سامان‌یابی زندگی و... پرداخته و در پایان نیز روش زندگی امام موعود (ع) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱۳. انتظار، مذهب اعتراض

علی شریعتی. ۱۳۶۹.

انتظار، مذهب اعتراض سخنرانی دکتر علی شریعتی در هشتم آبان ۱۳۵۰ در حسینیه ارشاد است که در مجموعه ۱۹ آثار ایشان قرار گرفته است. او ابتدا به این مطلب اشاره دارد که اصل انتظار مسخ شده و سپس مسأله انتظار را در بینش سه گروه اعتقادی؛ یعنی روشنفکران غیر مذهبی، مذهبی‌های متجدد و توده‌های مذهبی مورد نقد و بررسی قرار

چشم‌اندازی بر پنجاه کتاب / ۲۴۱

می‌دهد. آنگاه دیدگاه خود را در باب انتظار، کارکردهای انتظار، دوره‌های غیبت، نیابت امام زمان، انتظار مثبت و منفی، پایه‌های اصلی انتظار ارائه داده است. نگاه شریعتی به اصل انتظار، جامعه‌شناسانه است.

۱۴. بامداد بشریت

محمد جواد مروجی طبسی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی. ۱۳۸۱.
کتاب مجموعه‌ای از ۴۳ پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان است که با استفاده از منابع معتبر شیعه در نه بخش تنظیم شده است. عناوین بخش‌های کتاب عبارتند از: اعتقاد به مهدویت، میلاد منجی بشریت، راز طول عمر، فلسفه غیبت، نشانه‌های ظهور، ویژگی‌های امام مهدی (ع)، دولت جهانی مهدی (ع)، یاران امام مهدی در دوران غیبت و حضور و دشمنان امام زمان (ع).

۱۵. بر ساحل انتظار

ذبیح‌الله حاج‌محمدی. تهران: فروغ نور.
در این کتاب، نخست به موضوع مهدویت در کتب آسمانی و ادیان مختلف اشاره شده، سپس موضوع دعا در عرصه ظهور، عمر طولانی و انتظار بررسی گردیده و در پایان علائم ظهور و رجعت در قرآن و حدیث تبیین شده است.

۱۶. پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان (ع)

علی غفارزاده. قم: نبوغ. ۱۳۷۵.
با اینکه آگاهی از زندگانی نواب اربعه در زمان غیبت صغری از اهمیت خاص و ویژه‌ای برخوردار است، ولی کمتر کتاب جامع و

مستقلی در این زمینه نوشته شده است.

تا آنجا که تتبع شده، در پنج اثر قدیمی زندگانی نواب اربعه مورد بررسی قرار گرفته بود که نویسنده یکی از آنها از دانشمندان اهل سنت و بقیه شیعه می‌باشند، که البته این کتابها نیز در دسترس نیست. کتابها عبارتند از:

۱. تاریخ اهل‌البیت اثر نصر بن علی جهضمی.

۲. مستوفی‌ال‌اخبار‌الوکلاء‌الاربعه اثر احمد بن علی بن العباس بن نوح السیرافی.

۳. اخبار وکلاء الائمة الاربعه اثر احمد بن محمد بن عبيدالله بن الحسن بن عیاش بن ابراهیم بن ایوب الجوهری.

۴. فی أخبار أبي عمرو و ابي جعفر العمرین اثر ابونصر هبة الله بن احمد بن محمد الکاتب.

۵. تاریخ الاسلام اثر شمس‌الدین ذهبی.

به دلیل همین نقصان که ذکر آن رفت، پژوهش پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان که کتابی مستقل و جامع در این مورد است، از ارزش و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کتاب دارای پیشگفتاری به قلم آیت‌الله جعفر سبحانی، مقدمه و دو بخش است. بخش اول دارای سه فصل است که مباحث مقدماتی مانند: غیبت، خلفاء دوران غیبت صغری و علل محفوظ ماندن مکتب تشیع از اثرات منفی غیبت را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. بخش دوم کتاب بتفصیل زندگانی نواب خاص امام زمان را در طول هفتاد سال غیبت صغری مورد بحث قرار داده است.

نایبان خاص عبارتند از:

۱. ابو عمرو، عثمان بن سعید عمری

۲. ابو جعفر، محمد بن عثمان بن سعید عمری

۳. ابوالقاسم، حسین بن روح نوبختی

۴. ابوالحسن، علی بن محمد ثمری.

نمایندگی و نیابت امام زمان (ع) دو هدف اساسی داشت:

۱. آماده کردن اذهان عمومی برای غیبت کبری و عادت دادن مردم به پنهان زیستن امام (ع) و جلوگیری از غافلگیر شدن در موضوع غیبت.
۲. رهبری دوستان و طرفداران امام زمان (ع) و حفظ مصالح اجتماعی شیعیان.

وظایف و فعالیت‌های نواب خاص عبارت بود از:

۱. پنهان‌نگهداشتن نام و مکان حضرت و رفع تردید درباره ایشان
۲. جلوگیری از فرقه‌گرایی و انشعابات شیعیان
۳. پاسخگویی به سؤالات فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی
۴. مبارزه با مدعیان دروغین نیابت
۵. اخذ و توزیع اموال متعلق به امام (ع)
۶. سازماندهی و کلا

۱۷. پژوهشی در زندگی امام مهدی (ع) و غیبت صغری

سید محمد صدر. ترجمه محمد امامی شیرازی. قم: جهان آرا.

نویسنده در قالب چهار فصل به موضوع مهدویت پرداخته است. در فصل اول نهضت‌های مختلف علوین و کنترل شدید و سرکوب آنها می‌پردازد. در فصل دوم و سوم تاریخچه زندگی امام هادی (ع) و امام

حسن عسگری (ع) را تشریح کرده است. فصل پایانی نیز به شرح حال امام مهدی (ع) در زمان حیات پدر گرامیشان اختصاص دارد.

۱۸. تاریخ الغیبة الكبرى

محمد صدر. قم: انتشارات ذوالفقار.

کتاب تاریخ غیبت کبری به دنبال این است که فهم اسلامی جدید از غیبت امام مهدی (ع)، شرایط و علائم ظهور آن حضرت و تکلیف مسلمانان در زمان غیبت کبری ارائه دهد. کتاب دارای سه قسمت و نه فصل است. قسمتهای اصلی کتاب چنین است: تاریخ شخص امام مهدی، تاریخ انسان در عصر غیبت کبری و شرایط و علائم ظهور حضرت مهدی.

۱۹. در سنامه تاریخ عصر غیبت

محمد رضا جباری، پور سید آقایی، حسن عاشوری.

قم: انتشارات حضور. ۱۳۷۹.

یکی از دوره‌های بسیار حساس تاریخ تشیع، دوران غیبت امام زمان (ع) است. از آنجا که حوادث این برهه از تاریخ با یکی از مهمترین اصول اعتقادی شیعیان - یعنی اعتقاد به مسأله مهدویت - گره خورده است، لذا بیشتر به آن از دید عقیدتی نگریسته شده و به جزئیات وقایع آن در بحثهای تاریخی آنچنان که باید توجهی نشده است. سختگیریهای خلفای عباسی و ضرورت جلوگیری از نشر اخبار مربوط به تولد امام زمان (ع) نیز در عدم ثبت و حفظ مشروح جزئیات تاریخ این دوره بسیار مؤثر بوده است. از طرفی چون روشن شدن برخی از نکات تاریخ به اثبات بعضی از دیدگاه‌های عقیدتی کمک می‌نماید، در نتیجه پرداختن به

بحرتهای تاریخی این دوره و به تبع آن ارتقاء سطح آشنایی با کم و کیف وقایع این بخش از تاریخ به برخی از شبهات و پرسشهایی که بعدها بیشتر از طرف دشمنان اسلام با هدف ایجاد تفرقه و به هم زدن وحدت مسلمانان و از بین بردن اصل اعتقاد به مهدویت پیش آمده است، خود به خود پاسخهای مناسبی داده خواهد شد.

مؤلفان اثر حاضر در ضمن بخشهای مختلف آن تلاش کرده‌اند تا گوشه‌هایی از وقایع و رویدادهای این بخش از تاریخ را بیشتر مورد تحقیق و تدقیق قرار دهند.

بر این اساس در فصل اول کتاب منابع مربوط به تاریخ عصر غیبت را در ضمن یک طبقه‌بندی سه قسمتی (کتابهای مربوط به غیبت، کتابهای رجالی، کتابهای تاریخی) معرفی کرده، آنگاه در فصل دوم، گزارش کوتاهی از زندگی امام مهدی (ع)، با لحاظ دیدگاه‌های مختلفی که در این باره هست، ارائه کرده‌اند.

در فصل سوم وضعیت سیاسی، اجتماعی و فکری عصر عباسیان در آستانه دوره غیبت را مورد بررسی قرار داده‌اند.

به دنبال آن در فصل چهارم وضعیت فکری، سیاسی، اجتماعی شیعه بویژه پایگاه اجتماعی و نفوذ معنوی امام هادی و امام عسکری (ع)، به عنوان رهبری جهان تشیع مورد کنکاش قرار داده‌اند.

در فصل پنجم زمینه‌سازی معصومان (ع) برای ورود شیعه به عصر غیبت در دو بخش تشریح کرده‌اند.

در فصل ششم، پیشینه سازمان وکالت و جایگاه آن در عصر غیبت صغری را تحت عناوینی چون: بررسی معنای لغوی و اصطلاحی واژه

وکالت، علل تشکیل سازمان وکالت، بررسی محدوده زمانی و جغرافیایی فعالیت سازمان وکالت، وظایف و مسئولیتهای سازمان وکالت، ویژگیها و شرایط لازم برای وکلای ائمه (ع) ساختار و شیوه‌های عملکرد سازمان وکالت، معرفی مهمترین وکلای ائمه (ع) تا عصر غیبت صغری... مورد بررسی قرار داده‌اند.

در فصل هفتم، عصر غیبت صغری از نظر وضعیت سیاسی، اجتماعی و فکری مورد بررسی قرار داده آنگاه درباره تاریخ غیبت و چگونگی آغاز آن و فلسفه غیبت و ویژگیهای دوره غیبت صغری و نواب اربعه و معرفی وکلای خائن و مدعیان دروغین وکالت و همین طور وضعیت فکری و سیاسی، اجتماعی شیعه مطالبی ارائه کرده‌اند.

در فصل نهم مهمترین مسائل عصر غیبت نظیر نهضتها و دولتهای شیعی در عصر غیبت کبری، مبارزات فکری و سیاسی علمای شیعه و دوره‌های مرجعیت دینی شیعه در عصر غیبت کبری و... بررسی شده‌است. بالاخره در آخرین فصل کتاب، به سیرت و آثار امام مهدی (ع) در عصر غیبت و دوران پس از ظهور اشاره کرده‌اند.

۲۰. جزیره خضرا در ترازوی نقد

سید جعفر مرتضی عاملی. ترجمه محمد سپهری.

قم: دفتر تبلیغات.

جزیره خضرا در ترازوی نقد دارای یک پیشگفتار و سه بخش است. بخش اول با دو فصل به بحث از پیشگوییهای غیبی ائمه (ع) از علامات ظهور و موضع اتخاذ شده و موضعی که می‌بایست اتخاذ شود و سپس تقسیم علامات ظهور به محتوم و غیر محتوم می‌پردازد.

چشم‌اندازی بر پنجاه کتاب / ۲۴۷

در بخش دوم با چهار فصل به ارائه دو نمونه از روایات و اخبار و پیشگویی‌هایی که در اخبار ساختگی و تحریف شده بصورت کاملاً آشکاری نمایان است، پرداخته شده است. دو نمونه عبارتند از:

۱. کتاب بیان الائمة: این کتاب چند سال پیش با روایاتی منسوب به حضرت علی (ع) منتشر شد که هیچ‌گونه اساسی ندارد. معلوم شد که یا این روایات پس از وقوع حوادث جعل شده یا آن موقع که علامات و نشانه‌های صریح و روشن آن نمایان شده است.

۲. خطبة البيان: نقد و بررسی خطبه معروف به خطبة البيان منسوب به حضرت علی (ع) و مطالب کذب، باطل، نادرست و تحریف شده‌ای که برای اهداف پست و شیطانی وضع شده است.

بخش سوم با چهار فصل به بررسی روایت مربوط به جزیره خضرا پرداخته و می‌نویسد: ما این روایت را قابل قبول و معتبر ندیدیم، بلکه برعکس در لابلای آن مطالب فراوانی است که موجب شک و تردید در صحت آن بوده و این احتمال را قوت می‌بخشد که از اساس ساختگی و جعلی باشد. علامه سید جعفر مرتضی عاملی سعی می‌کند خط بطلان به هر سه موضوع بکشد و آنها را از اساس باطل کند.

۲۱. پاسخ به شبهات احمد الکاتب

ترجمه ناصر ربیعی. قم: انوار الهدی. ۱۳۸۱.

در سال ۱۳۸۰ ه. ش پاسخ به شبهات احمد الکاتب توسط جناب آقای ناصر ربیعی ترجمه و به بازار عرضه شد. این کتاب چهار جلد است. جلد چهارم که پاسخ شبهات مربوط به امام زمان (ع) است، دارای هفت فصل است: فصل اول: در عقیده شیعیان پس از شهادت امام حسن عسکری.

فصل دوم: در امامت بعد از امام حسن و امام حسین (ع).

فصل سوم: در نقد و بررسی روایات اهل بیت (ع) در تشخیص امام مهدی موعود.

فصل چهارم: در استدلال متکلمان شیعی در غیبت صغری بر وجود امام زمان.

فصل پنجم: در ضرورت وجوب ایمان به مهدی موعود (ع) و اینکه او فرزند امام عسکری است.

فصل ششم: در پاسخ به ۱۴ سؤال احمد الکاتب در مورد امام زمان.

فصل هفتم: در مکاتبات میان مؤلف و احمد الکاتب که در جای خود بسیار خواندنی است.

۲۲. چشم اندازی به حکومت مهدی (ع)

نجم الدین طبسی. قم: دفتر تبلیغات وزیری.

در بخش نخست این کتاب، اوضاع نابسامان جهان پیش از ظهور امام (ع) که آکنده از جنگ، کشتار، ویرانی، قحطی، ظلم و ستم و ناامنی و تجاوز است، بررسی می شود و طی آن، نگارنده نشان می دهد که مردم در آن هنگام از مکتبها و حکومتهای گوناگون مأیوس شده و در انتظار ظهور مصلحی به سر می برند تا نجات بخش آنان باشد. در بخش دوم، شرحی از چگونگی قیام و انقلاب حضرت مهدی (ع) به چاپ رسیده است. در بخش پایانی کتاب نیز چگونگی اداره نظام حکومتی و شیوه زمامداری آن حضرت، پس از برقراری صلح در جهان، ذکر می گردد.

۲۳. حضرت مهدی (ع) از ظهور تا پیروزی

سید حسین تقوی. قم: کتابسرای اصفیاء. ۱۳۸۱.

چشم‌اندازی بر پنجاه کتاب / ۲۴۹

حضرت مهدی از ظهور تا پیروزی دارای هفت فصل با عناوین زیر است:

فصل اول: ارتباط اسلامی ایران و ظهور حضرت مهدی (ع) و چشم‌اندازی به چگونگی ظهور و پیروزی

فصل دوم: اعتقاد به نجات بخش بزرگ، در میان ملل و نحل

فصل سوم: وحشت استکبار

فصل چهارم: آشنایی با مشخصات ظاهری حضرت مهدی (ع)

فصل پنجم: نشانه‌های انقلاب حضرت مهدی (ع)

فصل ششم: چگونگی غلبه و پیروزی حضرت مهدی (ع)

فصل هفتم: پاسخ به چند پرسش پیرامون حضرت مهدی (ع)

۲۴. مهدی منتظر (ع) در اندیشه اسلامی

سیدنا مرهاشم العمیدی و محمدباقر محبوب القلوب.

قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران. ۱۳۸۰.

به برکت روایات متواتری که از پیامبر اکرم (ص) درباره ابعاد شخصیت حضرت مهدی (ع) به یادگار مانده تقریباً اغلب قریب به اتفاق مسلمانان عقیده دارند که آن حضرت تنها فرزند امام حسن عسکری (ع) است که در برهه‌ای از زمان که شرایط ظهور فراهم شود قیام می‌کند و زمین را پس از پُرشدن از جور و ستم از عدل و داد سرشار می‌سازد و از طریق حاکمیت بخشیدن به معارف اسلامی، صلح و آرامش و آسایش را برای بشریت به ارمغان می‌آورد و همه نابسامانیها را از جوامع انسانی برطرف می‌سازد.

با این همه گاه افرادی نیز پیدا شده‌اند و این باور را از اساس منکر شده‌اند یا از طریق طرح برخی شبهات کوشش نموده‌اند تا پایه‌های این اعتقاد اصیل اسلامی را سست و متزلزل سازند و ایده‌های غلط خود را که بسترساز حضور بیگانگان است، هرچه بیشتر آماده‌تر نمایند. در اثر حاضر که ترجمه کتاب *المهدی المنتظر فی الفکر الاسلامی* است، مؤلفان تلاش کرده‌اند از طریق پاسخ به شبهات احمد الکاتب عقیده به مسئله مهدویت را با دلیلهای متقن و روشن مجدداً مورد تأکید قرار دهند.

ابتدا به نقد دیدگاه‌های مستشرقان پرداخته و آن‌گاه معارف مهدویت در قرآن و سنت را دنبال کرده و دیدگاه‌های علمای بزرگ اهل سنت را در مورد احادیث مربوط به مهدی (ع) مورد بررسی قرار داده‌اند.

در فصل دوم کتاب تحت عنوان «امام (ع) کیست؟» از طریق کنکاش در احادیث مورد استناد مخالفان به اثبات رسانده‌اند که بر طبق مجموعه‌ای از روایات معتبر که تعداد آنها از حد تواتر نیز می‌گذرد، مهدی مورد اشاره در روایات پیامبر (ص) و اعتقاد اسلامی همان امام مهدی فرزند حضرت عسکری (ع) است و از این طریق پایه اعتقاد به مهدی نوعی و... را باطل کرده‌اند.

در قسمت دوم فصل سوم این شبهه را که مهدی مورد نظر پیامبر اکرم (ص) هنوز متولد نشده، از طریق دلیلهای تاریخی و تحلیل روایات و معرفی شواهد مستند پاسخ گفته‌اند. از جمله مطالبی که در این قسمت مورد استناد قرار گرفته، اعتراف اندیشمندان بسیار بزرگ اهل سنت نظیر ابونصر بخاری، سید عمری، فخر زازی، محمد بن امین سویدی، ابن اثیر جوزی، ابن خلکان و ذهبی است.

فصل سوم و چهارم کتاب نیز به پاسخی برخی از پرسشهای مطرح در موضوع مهدویت اختصاص یافته است. در این دو فصل در کل به هفت پرسش جواب داده شده که عبارتند از:

۱. چرا کتابهای صحیح اهل سنت از حدیثهای مربوط به مهدی (ع) خالی است؟

۲. چرا ابن خلدون احادیث مهدی را تضعیف می‌کند؟

۳. آیا مهدی همان عیسی بن مریم نیست؟

۴. اگر احادیث مربوط به مهدی (ع) صحیح است، چه طور یک کودک پنج ساله می‌تواند به امامت برسد؟

۵. طول عمر امام زمان (ع) را چگونه می‌توان توجیه کرد؟

۶. علت طولانی شدن غیبت آن حضرت چیست؟

۷. چگونه می‌توان از امام غایب بهره برد؟

۲۵. دادگستر جهان

ابراهیم امینی. قم: شفق. ۱۳۸۱.

نویسنده در آغاز کتاب می‌نویسد: «در مجلس جشنی که در یکی از دبیرستانها تشکیل یافته بود، شرکت کردم. آن جشن با شکوه، در شب پانزدهم شعبان، به مناسبت تولد امام زمان (ع) منعقد شده بود. مجلسی بود مزین و آراسته و از تمام طبقات در آن شرکت جسته بودند، لیکن اکثریت آن را طبقه تحصیل کرده و جوان تشکیل می‌داد و برنامه آن، توسط انجمن اسلامی آن دبیرستان اداره می‌شد.

در آغاز برنامه، دانش‌آموز خردسالی با خواندن آیاتی چند از کلام‌الله

مجید، مجلس را رونق و صفا بخشید. سپس دانش‌آموز دیگر، اشعار نغزی را که درباره امام غائب (ع) بود، قرائت نمود. بعد از آن، مقاله بسیار جالب و سودمندی که توسط یک از دانشجویان تهیه شده بود، خوانده شده. در پایان برنامه، دانشمند محترم جناب آقای هوشیار دبیر همان دبیرستان سخنرانی جالب و سودمندی پیرامون امام زمان (ع) ایراد نمود. در همان وقت، مهندس مدنی که در کنار آقای هوشیار نشسته بود، اظهار داشت: شما واقعاً به وجود امام غائب (عج) ایمان دارید و عقیده شما از روی تحقیق است یا اینکه از روی تعصب از آن دفاع می‌کنید؟

هوشیار: ایمان من کورکورانه و از روی تقلید نیست، بلکه با تحقیق و مطالعه آن عقیده را پذیرفته‌ام. ولی در عین حال، حاضریم باز هم مطلب را مورد بررسی و تجدید نظر قرار دهیم.

مهندس: چون موضوع امام زمان (ع) برای من خوب روشن نیست و هنوز نتوانسته‌ام خودم را قانع سازم، علاقمندم آن را مورد بحث قرار دهم و از مطالعات جنابعالی بهره‌مند گردم.

دکتر امامی و فهیمی: اگر چنین جلسهای تشکیل شد، ما هم میل داریم در آن شرکت جوییم.

هوشیار: هر وقتی را تعیین بفرمایید، با کمال افتخار حاضر می‌شوم.

سرانجام شب شنبه را برای مناظره تعیین کردند.»

دادگستر جهان حاصل نشستهای علمی فوق‌الذکر است که در آن مباحث متعدده، متنوع علمی و متقن تبیین شده است. کتاب به دلیل جذابیتی که دارد تا به حال ۲۹ بار چاپ شده است.

۲۶. در انتظار قنوس

(کاوشی در قلمرو موعودشناسی و مهدی‌باوری)

سید ثامر هاشم العمیدی. ترجمه و تحقیق مهدی علیزاده.

قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. ۱۳۷۹.

در سال ۱۹۹۷ میلادی احمد الکاتب کتابی با عنوان *تطور الفكر السياسي الشيعي من الشوری إلى ولاية الفقيه* در لندن منتشر ساخت. نویسنده برای حذف دکترین ولایت فقیه از منشور معرفتی و اعتقادی تشیع، می‌کوشد تا در این کتاب به تخریب پایه‌ها و زیرساخت‌های کلامی آن پردازد.

برای نیل بدین هدف، وی مدعیات ذیل را در خصوص مبحث امامت مطرح ساخته و تلاش می‌کند که آنها را مدلل جلوه دهد:

کاتب مدعی است که امامت از منظر تشیع، اصل تنصیصی و تعیینی نبوده، بلکه انتخاب امام از طریق شورا صورت می‌پذیرفته است. بر این اساس، عقیده کنونی و رایج شیعه مبنی بر انتصاب ائمه از طریق تنصیص، غیر مستند و تحریف شده است. وی در این زمینه، به ایده «عصمت ائمه» نیز متعرض شده است.

ادعای دومی که با تفصیل و بسط بیشتری در صدد اثبات آن بر می‌آید، انکار وجود مقدس حضرت بقیه الله الاعظم است. وی می‌گوید: «اساساً شخصی به نام حجة بن الحسن المهدی وجود تاریخی ندارد، و امام حسن بن علی الهادی چنین فرزندی نداشته است.» او مدارک تاریخی و اسناد روایی ولادت، غیبت و حیات امام مهدی (ع) را به نقد می‌کشد. محقق ارجمند، جناب آقای سید ثامر هاشم عمیدی دو کتاب در نقد

نظریه احمد الکاتب تألیف کرده است:

۱. *المهدی المنتظر فی الفكر الاسلامی*: این کتاب را به سفارس «مرکز الرسالة» تألیف کرده که در قالب نخستین کتاب از «سلسلة المعارف اسلامیة» توسط مرکز مزبور انتشار یافت. مؤلف در این کتاب، بدون نام بردن از احمد الکاتب و اثر مورد نظرش، به شکل غیر مستقیم به نقد کلی سخنان وی در محور دوم - ادعای مصداقی و بحث صغروی - می پردازد. تنها در سه موضع از کتاب؛ یعنی ابتدای مقدمه، انتهای مقدمه و انتهای فصل چهارم، با کنایه از احمد الکاتب یاد شده است.

۲. *الامامة والمهدی فی الفكر السیاسی من الشوری الی ولایة الفقیه*: مؤلف در این کتاب به نقد مستقیم و مطالعه ای انتقادی سطر به سطر نوشته کاتب پرداخته است.

مطالب کتاب در یک مقدمه و هشت فصل، تنظیم شده است. مؤلف کوشیده تا این حقیقت را در کمال وضوح باز نماید که سخنان احمد کاتب در مجال علم الحدیث و تاریخ سیاسی - اجتماعی عصر عباسی، اظهار نظرهایی غیر تخصصی است و از منظر کارشناسی فاقد اعتبار و وجاهت علمی می باشد.

کتاب *المهدی المنتظر فی الفكر الاسلامی* تاکنون در سه نوبت در سه کشور ایران، سوریه و یمن چاپ شده است. همچنین مؤسسه بین المللی «الامام علی» این کتاب را در سالهای ۱۴۱۹ و ۱۴۲۰ م به چند زبان زنده دنیا ترجمه و در دوازده هزار نسخه منتشر کرده است. در سال ۱۳۸۰ ش نیز این کتاب توسط آقای محمدباقر محبوب القلوب ترجمه و به چاپ رسیده است.

چشم‌اندازی بر پنجاه کتاب / ۲۵۵

خصوصیت برجسته اثر استاد عمیدی این است که صبغه تحقیق و تتبع در آن بسیار قوی است. مؤلف سخت کوش آن از یکصد و هشتاد و سه منبع مطالبی نقل کرده است که تنها یک مورد از این میان نقل با واسطه و غیرمستقیم است.

در انتظار ققنوس ترجمه دیگری از المهدی المنتظر فی الاسلام است که مترجم علاوه بر ترجمه، تحقیقات و تعلیقات ارزشمندی به آن افزوده است.

مباحث کتاب در انتظار ققنوس بر اساس یک تقسیم‌بندی اصلی و چند تقسیم‌بندی فرعی، در قالب دو بخش و بیش از ده فصل تنظیم شده است.

مباحث کتاب به دو حوزه عمده تقسیم می‌شود:

بخش اول: موعودشناسی

بخش دوم: مهدی‌باوری

از این میان، مقدمه و چهار فصل بخش اول، تألیف استاد عمیدی است و تعلیقات بخش اول و مطالب بخش دوم کتاب، افزوده‌های مترجم را تشکیل می‌دهد.

سر آنکه مباحث کتاب در قالب این دو بخش سازماندهی شده، این است که مهدویت به مثابه یک عقیده، شامل دو بُعد قابل بررسی است:

۱. عنصر ایمان

۲. موضوع ایمان

بر پایه این دو بُعد اساسی است که دو محور کلان مسائل گفتمان مهدویت شکل می‌گیرد. از این دو محور یکی عهده‌دار شناسایی

موضوع مهدی باوری طی محورهای: تشخیص نام صحیح موعود آخر الزمان، تبارشناسی دقیق حضرت، اثبات تولد حضرت و چگونگی رخداد آن، مدت حیات حضرت، ادوار عمر مبارک حضرت، راهکارهای ارتباط برقرار ساختن امت با امام، فواید وجود شریف حضرت برای امت و علت حدوث غیبت می باشد.

و محور دیگر متکفل بررسی خود عقیده مهدی باوری به مثابه یک ایمان دینی است و در صدد تبیین مسائلی چون: مقومات و مؤلفه های مهدی باوری، آثار و نتایج مهدی باوری، گستره مهدی باوری، وظایف مهدی باوران، راهکارهای تقویت این باورمندی، برخورد نظام سلطه و کفر جهانی با مهدی باوری و ادبیات دینی و مهدی باوری.

مطالبی که استاد عمیدی در کتاب خود *المهدی المنتظر فی الفكر الاسلامی* آورده اند، با کمی تسامح، همگی به بخش اول مربوط می شود. زیرا محورهای کتاب در واقع پاسخی است به ابهام آفرینی های احمد الکاتب درباره مهدویت که به محور مهدی شناسی مربوط می شوند، نه به محور مهدی باوری. بر این اساس، مقدمه و چهار فصل کتاب همراه با تعلیقات مترجم در بخش اول کتاب با عنوان «موعودشناسی» جای گرفته و افزوده های مترجم در باب «مهدی باوری» بخش دوم را شکل می دهد.

در واقع مباحث بخش اول بیشتر صبغه کلامی - تاریخی دارد. حال آنکه محورهای بخش دوم برخی به حوزه روانشناسی دین، پاره ای به عرصه فلسفه کلام، بعضی به فضای جامعه شناسی معرفت و دسته ای به حوزه الهیات تعلق دارد.

چشم‌اندازی بر پنجاه کتاب / ۲۵۷

بخش دوم (مهدی باوری): شامل یک مقدمهٔ مختصر و هفت فصل با این عناوین است:

فصل اول: مهدی باوری و ضرورت تعمیق پیوندهای عاطفی با امام زمان

فصل دوم: مهدی باوری و امنیت روانی

فصل سوم: کالبدشکافی انتظار

فصل چهارم: بعثت انبیا و انقلاب مهدی

فصل پنجم: شیعه، قافله سالار کاروان انتظار

فصل ششم: توطئهٔ استکبار جهانی علیه مهدی باوری.

فصل هفتم: سر نهادن در سپهر ادب، شامل اشعار و غزلیات علمای

بزرگواری نظیر: امام خمینی، ملا محسن فیض کاشانی، ملاهادی سبزواری،

مرحوم کمپانی، شیخ فضل الله نوری و مرحوم الهی قمشه‌ای و آیت الله

مکارم شیرازی است که به عنوان حُسن ختام کتاب آورده شده است.

۲۷. در جستجوی نور

لطف الله صافی گلپایگانی، جعفر سبحانی، علی کورانی.

قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران. ۱۳۸۰.

این کتاب با هدف احیاء دوبارهٔ آن باور دیرین که در همهٔ ادیان، نسبت

به منجی موعود وجود داشته، در قالب ۳ مقاله با نامهای: باور داشت

مهدویت (آیت الله سبحانی) و در جستجوی نور (شیخ علی کورانی) به

معرفی مفهوم مهدویت و انتظار می‌پردازد.

۲۸. در ساحل انتظار

سید مهدی شمس‌الدین. قدس. ۱۳۷۵.

کتاب در ساحل انتظار درباره وظایف شیعیان در زمان غیبت امام زمان صحبت کرده است. در مقدمه کتاب اشاره شده است که گرچه کتب متعددی درباره حضرت حجت، وجود دارد، اما تاکنون کمتر کتابی به صورتی موجز و مختصر و در حوصله همگان به وظایف شیعیان در زمان غیبت پرداخته است.

این کتاب پنج فصل دارد:

فصل اول: به زندگانی و غیبت امام اختصاص یافته و به شرح حقوقی از جمله: وجود بقا، ذوی القربی، منعم، پدری، مولا، عالم و رهبر پرداخته است. فصل دوم: به مفهوم شناسی انتظار پرداخته است.

فصل سوم: وظایف خاص امت نام دارد و در آن به شرح انتظار فرج و دعا برای حضرت پرداخته شده است.

در فصل چهارم از وظیفه عام شیعیان سخن رفته است.

فصل پنجم نیز تحت عنوان «فیض دیدار» به شرح برخی دیدارهای حضرت پرداخته شده است.

۲۹. رجعت از دیدگاه عقل، قرآن، حدیث

قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم. ۱۳۷۵.

در این کتاب، رجعت به عنوان یک عقیده شیعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و اثبات شده است که عقیده رجعت نه مخالف کتاب است، نه مخالف حدیث رسول اکرم (ص) و نه با سنت حکیمانۀ خداوند در جهان آفرینش ناسازگاری دارد. نویسنده در این کتاب، عقیده رجعت را از دیدگاه کتاب و سنت و هماهنگی این دو با یکدیگر روشن مورد بحث قرار داده است.

۳۰. روح بهار

امام‌زمان در آینه دعا به ضمیمه بخشهایی از مناجات شعبانیه.
منیره زارعان. قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی) ۱۳۸۱.
در این اثر، نگارنده کوشیده تا با استفاده از ادعیه و نیایشهای وارده، باب
گفتگو و ندبه‌ای را با امام عصر بگشاید. در گفتار اول، با شخصیت امام
عصر در بین متون و ادعیه از دیدگاه منتظران و سائلان آن حضرت و در
فصل دوم با استفاده از بخشهایی از مناجات شعبانیه و با قلمی ادیبانه و
گفتگو با حضرت و شرح ادبی و روان این مناجات آشنا می‌گردیم.

۳۱. رهایی بخش

مسعود شریعت پناهی. تهران: نشر آفاق. ۱۳۷۹.

این تألیف در گفتارهایی چون: ضرورت اجتماعی رهبر، خدا در
مفهوم رهبری و...، به بررسی اصل مهدویت از نظر رهبری و نیز پاسخی
برای آنان که از فایده امام غایب پرسیده‌اند، پرداخته است. در این اثر
تلاش مؤلف در جهت آشنایی بیشتر با امام زمان و شناخت مسئولیت
عموم در قبال آن حضرت می‌باشد.

۳۲. زمینه‌سازان جهانی حضرت مهدی

سیداسدالله هاشمی شهیدی. قم: پرهیزگار. ۱۳۸۰.

زمینه‌سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی با هدف ارزیابی روایات
مربوط به قیام ایرانیان و انقلاب اسلامی آنان و نقش ایشان پیش از ظهور
حضرت مهدی نگارش یافته است. کتاب دارای پنج بخش است:
بخش اول به علائم عام و حتمیه ظهور، مانند خروج سفیانی، فرو
رفتن لشکریان سفیانی در سرزمین بیداء، گشته شدن نفس زکیه، صیحه و

ندای آسمانی، ظاهر شدن کف دستی در آسمان، گرفتن خورشید و ماه در ماه رمضان و... پرداخته و آنها را بتفصیل مورد نقد و بررسی قرار داده است. در بخش دوم چند نکته اساسی مانند: ایرانیان در حدیث و تاریخ، خروج پرچمهای سیاه، مشرق کجاست و خراسان کدام سرزمین است، قیام زمینه سازان دولت حضرت مهدی از مشرق آغاز می شود، وقوع حوادث فوق العاده در عراق، انقراض دولت شاهنشاهی در ایران، روایات امیر مؤمنان درباره مشرق به بحث تفصیلی گذاشته شده است.

بخش سوم مباحثی چون سید حسن کیست و خراسان کدام است؟ سید انقلابگر حسینی است نه حسنی؟ خروج سید حسنی از دیدگاه روایات و خروج سید حسنی از طبرستان را در بر می گیرد.

بخش چهارم به نقد و بررسی رهبری نهضت ایران پرداخته و سعی می کند روایات پیرامون این مسأله را به نقد و بررسی بگذارد.

بخش پنجم، عوامل پیروزی ایرانیان بر سپاه سفیانی از قبیل شایستگی رهبر، لیاقت فرمانده و نیروی مردمی را به بحث گذاشته و روایات مربوط به این موضوع را شرح و تفسیر می کند.

کتاب سعی می کند برخی از علائم ظهور، بویژه نهضت اسلامی ایرانیان را طبق روایات رسیده از معصومان (ع) شرح و بسط بدهد. نویسنده معتقد است، پیش از ظهور حضرت، سه سید در ایران رهبری را به عهده می گیرند که یکی از آنها پیش از ظهور رحلت می کند و دو دیگر یک ماه پس از ظهور حضرت با ایشان بیعت می کنند و جزو یاران حضرت مهدی (ع) قرار می گیرند.

۳۳. سیده‌امید (کاوشی در مهدویت)

حسین اسحاقی. قم: دفتر تبلیغات.

در این کتاب، مطالبی درباره‌ی زندگی و امامت حضرت صاحب‌الزمان (ع) به اهتمام مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما فراهم آمده است. کتاب با اشاره به تولد آن حضرت و شرح زندگی او تا دوران غیبت آغاز می‌شود. سپس پیشینه‌ی اعتقاد به مهدویت در سایر ادیان و ملل (هندوها، مسیحیت، زرتشت، یهود، اهل سنت و متفکران عرب) بررسی و ارزیابی می‌گردد. در پی آن، جایگاه امام زمان (ع) در قرآن کریم تبیین می‌شود. در پایان کتاب نیز چند پرسش و پاسخ درباره‌ی زندگی، غیبت، طول عمر، نواب اربعه، زمان ظهور امام زمان (ع) و نظایر آن فراهم آورده است.

۳۴. سیمای حضرت مهدی در قرآن

سیدهاشم حسینی بحران. ترجمه‌ی مهدی حائری قزوینی.

تهران: آفاق. ۱۳۷۶.

نویسنده در پیشگفتار، اثر خود را چنین معرفی می‌نماید: «این کتابی است لطیف، و نمونه‌ای است ارزشمند، در ذکر آیاتی از قرآن عزیز مجید... آیاتی که درباره‌ی قائم از آل محمد - صلی الله علیه و آله - نازل شده‌اند.»

در ذیل هرآیه، نویسنده روایات مرتبط با موضوع را نیز با ذکر ترجمه‌ی روان آورده است.

۳۵. سیمای مهدویت در قرآن

محمدجواد مولوی نیا. قم: انتشاراتی امام‌عصر. ۱۳۸۱.

قرآن کریم در زمینه‌ی ظهور و قیام حضرت مهدی موعود(ع) مانند

بسیاری از زمینه‌های دیگر، بدون اینکه به جزئیات پردازد، به صورت کلی و اصولی بحث نموده است. یعنی از تشکیل حکومت عدل جهانی و پیروزی نهایی صالحان در روی زمین سخن گفته است.

مفسران عالی قدر اسلامی به استناد روایات و اخبار معصومان (ع) این گونه آیات را که بیش از صد آیه می‌باشد بیانگر ظهور و قیام حضرت دانسته‌اند.

در کتاب حاضر هفتاد و پنج آیه از قرآن کریم مورد بحث واقع شده و ارتباط این آیات با موضوع مهدویت از زبان حضرات ائمه معصومان (ع) توضیح داده شده است.

۳۶. شوق مهدی (ع)

ملا محسن فیض کاشانی. تصحیح، تنظیم و مقدمه علی دوانی.

قم: انصاریان. ۱۳۷۹.

شوق مهدی اشعاری پُرشور از دانشمند عالی مقام و فقیه و محدث نامی، فیض کاشانی درباره حضرت ولی عصر (ع) است. اگرچه فیض کاشانی شاعر حرفه‌ای نبود، و نمی‌خواست از نظر شعری به پای شاعران بزرگ برسد ولی در عین حال اشعار او بویژه شوق مهدی از لطف و حال و شور و شوق خاصی برخوردار است. فیض کاشانی در شوق مهدی به تضمین غزلیات حافظ پرداخته و وجد و حال و شور و شوق خود را نسبت به حضرت مهدی (ع) در خلال این ابیات، به نوای حافظ بیان کرده است.

کتاب دارای سه بخش است:

بخش اول شامل سه مقدمه، یک پیشگفتار و مباحثی چون شوق

چشم‌اندازی بر پنجاه کتاب / ۲۶۳

مهدی و نظری اجمالی درباره آن، بامداد روشن در افقی نورانی، غیبت امام زمان، مسأله طول عمر امام عصر (ع)، برنامه دولت مهدی، درونمایه مهدی موعود، سراینده شوق مهدی ملافیض کاشانی، نگاهی به حافظ و غزلیات او، حافظ و قرآن، فیض و شوق مهدی، نگاهی به دیوان فیض و... است که توسط استاد علی دوانی به نگارش درآمده است.

بخش دوم متن شوق مهدی است که توسط ایشان تصحیح و تنظیم شده است.

فیض کاشانی در مقدمه انگیزه سرودن اشعار شوق مهدی را چنین بیان می‌کند: «مرا در عنفوان شباب، شور محبت امام زمان و شوق بقیه خلفای رحمان، قائم عترت و مهدی امت - سلام الله علیه و علی آبائه - در سر افتاد و شوقی عظیم به لقای کریم او در دل پدید آمد. نه تن را به مقصود راهی و نه جان را از صبر پناهی. به خاطر رسید که کاش کلمه‌ای چند موزون در وصف اشتیاق بودی، و مضمونی چند منظوم در شرح فراق رونمودی، تا گاهی به انشاء آن زنگ غبار از دل زدودی. پس در اشعار فصحا گردیده، شعری که ناخنی بر دل زند و تأثیری در نفس کند نیافت، مگر بیتی از غزلهای حافظ شیرازی. با خود اندیشیدم که از نتایج افکار خود سخنی چند شکسته بسته فراهم آورم و با آن جواهر ناسفته علی وجه التضمین والاقْتباس بیامیزم تا این را از آن زینتی من حیث الصورة و آن را از این ربتی من حیث المعنی حاصل گردد.

شاید که در این ترکیب و تألیف شرح درد دل خود - کما ینبغی - درج توان کرد و قصه سوز جان - کما هو حقه - بیان توانم نمود، و به وسیله انشاء آن داد این غم جانکاه توان داد.»

اولین بیت شوق مهدی به اقتباس از اولین بیت دیوان خواجه حافظ شیرازی چنین است:

ألا یا أیهاالمهدی مدامالوصل ناولها که در دوران هجرانت بسی افتاد مشکها

بخش پایانی کتاب، سه قصیده از سروده‌های فیض کاشانی است که به شیوه شاعران متقدم سروده شده است.

قصیده اول در مبدأ آفرینش ارواح ائمه هدی و قصه حضرت آدم و حوا است.

قصیده دوم در قائم بودن جهان به وجود امام زمان (ع) است و قصیده سوم بشارت به ظهور موعود و منقبت آن زبده موجودات است.

فیض در این سه قصیده نغز مخصوصاً قصیده نخست که در آن از آغاز آفرینش انسان و تطور و تکامل او تا پیدایش نبی اکرم و ائمه طاهرین (ع)، بر اساس احادیث معتبر اسلامی، سخن گفته، منتهای مهارت و استادی خود را به ثبوت رسانده است. فیض در این سه قصیده مضامین آیات قرآنی، و عمده احادیث و روایات اسلامی را به کار گرفته، و مخصوصاً در قصیده سوم علائم امام زمان و حالات و کارهای برجسته او را در زمان ظهور بیان کرده است.

۳۷. غریبه آشنا

(همسفر با ملیکا، مادر امام زمان (عج)، از قصر روم تا سامرا)

احمد پهلوانیان. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

غریبه آشنا، گوشه‌هایی از زندگی و نحوه ازدواج ملیکا (نرجس خاتون، مادر امام زمان و دختر قیصر روم) با حضرت امام حسن عسکری (ع) است که قالب داستان بازگو شده است.

۳۸. غیبت نعمانی

محمد بن ابراهیم بن جعفر الکاتب.

درباره نویسنده

نام ایشان، محمد بن ابراهیم بن جعفر الکاتب معروف به ابن ابی زینب است. در علم رجال، چند نفر به «کاتب» شهرت یافته‌اند که وی، یکی از آنهاست. کاتب محدث بزرگ، شیخ کلینی بوده و بخش بسیاری از کافی را نوشته است. وی اهل منطقه نعمانیة عراق بین واسط و بغداد و عراقی اصل بود و در سال ۱۳۶۰ هـ ق درگذشت.

نعمانی برای دستیابی به منابع حدیث، سفرهای فراوانی به مناطق مختلف کرد. وی به شیراز، بغداد، اردن و حلب سفر کرد. سفر او به حلب، سفر پُرباری بود؛ زیرا توانست در آنجا کتاب غیبت خود را منتشر کند. نگاشته‌های دیگری نیز مانند الفرائض، الرد علی الاسماعیلیة و التفسیر والتسلی دارد.

توضیحات مؤلف در مورد کتاب

حجم اصلی کتاب را احادیث اهل بیت (ع) شکل داده است، ولی مؤلف، در مقدمه مفصل خود و در لابلای احادیث، توضیحاتی افزوده که در مجموع حدود $\frac{۱}{۶}$ کتاب را به خود اختصاص داده است.

در مقدمه، انگیزه تألیف کتاب را انحراف اکثریت منتسبان به شیعه از راه درست به خاطر وقوع غیبت دانسته و اشاره کرده که بیشتر مردمان، با انگیزه‌های غیر صحیح، به این مذهب روی آورده‌اند. لذا با اندکی شبهه از آن روی برتافته‌اند. مؤلف، در این مقدمه، بر نکته جالبی تأکید می‌کند. او نوشته است: «با وجود حجم عظیم روایات که از ائمه معصومان (ع)

درباره غیبت به ما رسیده، اگر حادثه غیبت به وقوع نمی پیوست، مذهب امامت باطل می بود. بنابراین، وقوع غیبت، خود دلیل بر صدق گفتار ائمه (ع) است.»

مؤلف اشاره می کند که حیرت و تردید اکثریت شیعه در این موضوع، امری غیر منتظره نیست. زیرا امامان (ع) آن را پیشگویی کرده اند. فهرستی از مطالب کتاب پایان بخش مقدمه مؤلف است.

ابواب کتاب

الغیبة نعمانی در بیست و شش باب تنظیم شده است. اکثریت ابواب، نسبتاً کوتاه است. ابواب مفصل کتاب - که چهره کلی کتاب را شکل داده اند - عبارتند از:

باب چهارم: ما روی فی أن الائمة اثناعشر إماماً و أنهم من الله و اختیاره در پایان این باب، روایاتی چند از طرق عامه در اثبات عدد دوازده امام (ع) نقل شده است. در ضمن آن، به نقل عبارتی از تورات درباره نامهای امامان به زبان عربی می پردازد.

مؤلف باب ششم را درباره احادیث دوازده امام که از طریق عامه نقل شده، گشوده، که ظاهراً پس از تألیف کتاب افزوده شده است.

باب دهم: ما روی فی غیبة الإمام المنتظر او هو الثانی عشر

باب سیزدهم: ما روی فی سیرته و فعله و نزل من القرآن فیه

باب چهاردهم: ما جاء فی العلامات التي تكون قبل قیام القائم (ع)

در این چند باب گسترده، عناوین فرعی هم ذکر شده که نقل احادیث

را منظم تر می سازد.

چشم‌اندازی بر پنجاه کتاب / ۲۶۷

/ ابواب کتاب، تقریباً سه گونه‌اند: ابواب مقدماتی (مربوط به مبانی غیبت)، غیبت و دوران غیبت، عصر ظهور و علائم آن.

نه باب نخستین کتاب، به مبانی عقیدتی غیبت، مانند لزوم رازداری و الهی بودن منصب امامت و ضرورت وجود امام بر روی زمین و روایات مربوط به دوازده امام (ع) می‌پردازد.

سه باب بعدی - یعنی باب ۱۰ تا ۱۲ - به غیبت و گزارش دوران غیبت اختصاص دارد. باب ۱۵ و ۱۶ نیز به همین دوران مربوط می‌گردد.

بقیه ابواب کتاب، به دوران ظهور یا علائم ظهور می‌پردازد.

در این میان، یک باب - یعنی باب ۲۴ - موضوع خاصی را دنبال می‌کند. این باب، بطلان امامت اسماعیل - فرزند امام صادق (ع) - را اثبات می‌کند که در ارتباط با ادعای مهدویت خلیفه فاطمی است.

۳۹. غیبت و مهدویت در تشیع امامیه

دکتر جاسم حسین و دکتر ساشا دینا.

ترجمه محمود رضا افتخارزاده. تهران: مترجم.

کتاب حاضر ترجمه رساله‌ای است که مؤلف آن برای دوره فوق لیسانس نوشته و به یکی از دانشگاه‌های آمریکا و سپس انگلستان تقدیم کرده است. او به بررسی دو دیدگاه متعارض مکتوب پیرامون غیبت و مهدویت امام دوازدهم (ع) پرداخته و خود بر یکی از این دو دیدگاه تکیه کرده است. دیدگاهی که او طرفدار آن است حرف جدیدی نیست، پیشینه آن به اواخر دوره حضور و عصر اول غیبت می‌رسد و در واقع حرفهای فرقه‌های واقفیه شیعه امامیه است.

صاحب این دیدگاه آقای دکتر عبدالعزیز، عبدالحسین ساشادینا

است که مؤلف رساله حاضر به بررسی و طرفداری از آن پرداخته است. آقای ساشادینا از شیعیان امامی کشور آفریقایی تانزانیا است که در سالهای آخر دههٔ چهل در ایران (دانشگاه فردوسی - مشهد) به تحصیل مشغول بود.

آقای ساشادینا که فارسی را خوب می‌داند و نشان می‌دهد که به زبان عربی نیز آشنا است، سعی کرده تا دیدگاه خود را با منابع امامیه مستند سازد؛ و متأسفانه در این کار به مغلطه و سفسطه‌ای شگفت که از او اصلاً انتظار نبوده پرداخته است.

مترجم با مقدمه‌ای مفصل سعی می‌کند با رعایت احترام مغلطه‌ها و سفسطه‌های آقای ساشادینا را آشکار نموده و مبانی عقیدتی غیبت، مهدویت و تعیین هویت مهدی موعود را ارائه کند.

۴۰. قیام و انقلاب مهدی (ع) از دیدگاه فلسفه تاریخ

مرتضی مطهری. تهران: صدرا. ۱۳۷۸.

اگر چه عنوان کتاب قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ است، ولی در حقیقت کتاب به دنبال بررسی یک ایده اسلامی - یعنی انتظار از دیدگاه فلسفه تاریخ - است و در ضمن اشاره‌ای نیز به فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن و تاریخ، بینش دیالکتیکی یا ابزاری تاریخ، اصلاحات از نظر بینش ابزاری، بینش انسانی یا فطری تاریخ، اصلاحات از نظر بینش فطری، دوگونه تلقی از انسان، جامعهٔ ایده‌آل، انتظار ویرانگر و انتظار سازنده دارد، نگاه کتاب به قیام و انقلاب حضرت مهدی، بدیع و قابل تأمل است.

۴۱. مصلح جهانی

سید هادی خسروشاهی. تهران: مؤسسه اطلاعات. ۱۳۷۲.

نویسنده در ابتدای کتاب، به بیان دو مقدمه پرداخته. در مقدمه اول سه موضوع را به اختصار مطرح کرده است:

موضوع اول: طول عمر امام زمان. وی با استناد به آیه قرآن در مورد حضرت یونس (ع) و عمر حضرت نوح (ع)، طولانی شدن عمر را کاملاً طبیعی و ممکن الوقوع دانسته است.

موضوع دوم: مطرح کردن افسانه سرداب است. وی با اشاره به اتهامی که به شیعه زده‌اند، اصل این اعتقاد را نادرست شمرده، وجود چنین اعتقادی را در میان شیعه مردود و کذب آشکار دانسته است.

موضوع سوم: درباره برداشت سوء دشمنان از سخنان رهبرکبیر انقلاب، حضرت امام خمینی (ره)، در مورد قدرت حضرت مهدی (ع) برای برپایی عدالت است. نگارنده درباره آن، توضیحاتی داده است. وی در مقدمه دوم، دستیابی به دو رساله از شیخ عبدالمحسن العباد را - که درباره روایات و عقیده اهل سنت در مورد حضرت مهدی (ع) نوشته شده و نویسنده آنها را ترجمه کرده و در این کتاب آورده است - یادآوری کرده. در پایان این مقدمه، نام بیش از ۵۰ کتاب جدید را که درباره حضرت مهدی (ع) نوشته شده، آورده است.

او در بخشی دیگر دوگفتار از خودش را بیان کرده است، یکی با عنوان مصلح بزرگ جهانی و دیگری با عنوان «مصلح جهانی و مهدی موعود (ع)». در گفتار اول، موضوعاتی چون «فوتوریسم» از نظر اسلام و مطالبی دیگر و در گفتار دوم، مصلح جهانی از نظر اسلام، تصریح به نام

مهدی(ع) و عدد ائمه (ع)، و اسامی شریف ائمه(ع)، و تحریف کتب عامه و کتب ما در قبال اجتماع بیان شده است.

نویسنده سپس ترجمه دو رساله با عنوان «دیدگاه اهل سنت درباره مهدی منتظر» و «توضیح درباره احادیث مهدی(ع)» از عبدالمحسن العباد را آورده.

در رساله اول، موضوعاتی چون بیان اسامی اصحابی که احادیث مهدی(ع) را از پیامبر(ص) روایت کرده‌اند، اسامی کسانی که احادیث و آثار وارده درباره مهدی(ع) را در کتابهای خود آورده‌اند، اسامی علمایی که درباره مسأله مهدویت به تألیف پرداخته‌اند، بیان پاره‌ای از آنچه درباره مهدی(ع) در صحیحین آمده و عقیده برخی از علمای اهل سنت ذکر شده است.

در رساله دوم پاسخی به کسانی که احادیث صحیح پیرامون مهدی(ع) را نمی‌پذیرند، به علاوه ۴۰ پاسخ به علمای مختلف که درباره احادیث مهدی(ع) شک، اعتراض و انتقاد دارند و برخی موضوعات دیگر آمده است.

۴۲. منتخب الأثر فی الإمام الثانی مشر

لطف الله صافی گلپایگانی. قم.

کتاب منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر اثر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی، مجموع احادیثی است از کتابهای معتبر در زمینه امام مهدی(ع) که به مشکلی زیبا و منطقی در سه جلد تدوین، تبویب، تشریح موضوعی شده است. کتاب دارای یازده باب است: دو باب در جلد اول، چهارباب در جلد دوم و پنج باب در جلد سوم قرار دارد.

جلد اول حکایت از موضوعات زیر دارد:

۱. بخشی از احایث تصریح دارند که ائمه (ع) دوازده نفر هستند.
 ۲. قسمتی دیگر از احادیث تصریح دارند که ائمه (ع) از قریش و بنی هاشم می‌باشند.
 ۳. بعضی دیگر از احادیث تصریح به این دارند که شمار ائمه (ع) عدد نقباء بنی اسرائیل و موسی و حواری عیسی هستند.
- بخش چهارم احادیثی هستند که سه بخش پیشین را توضیح و شرح می‌دهند و خود بر چند قسمند:

۱. احادیثی که دلالت می‌کنند ائمه از اهل بیت هستند.
۲. احادیثی که دلالت می‌کنند، اولین آنها علی (ع) و آخرین آنها مهدی (ع) است.
۳. احادیثی که دلالت می‌کنند نه نفر از ائمه، از اولاد امام حسین (ع) هستند.
۴. احادیثی که دلالت می‌کنند نهمین فرزند امام حسین (ع) مهدی است.
۵. احادیث بسیاری به اسما، اشخاص و اوصاف ائمه بخصوص حضرت مهدی (ع) تصریح دارند.

جلد دوم دارای چهارباب و ۵۹ فصل است.

در باب سوم که دارای ۵۱ فصل است، از احادیثی بحث می‌شود که بر ظهور، اسما، صفات، خصایص، شمایل و بشارت در مورد حضرت مهدی دلالت دارد.

در باب چهارم احادیثی ذکر می‌شود که از ولادت، چگونگی ولادت،

تاریخ ولادت، بعضی از حالات مادر حضرت، معجزات حضرت در ایام کودکی سخن می گوید.

احادیث باب پنجم از حالات و معجزات حضرت در زمان غیبت صغری، از نواب چهارگانه و کسانی بحث می کنند که حضرت مهدی (عج) را دیده اند.

باب ششم از حالات و معجزات حضرت مهدی (ع) در زمان غیبت کبری بحث می کند و از برخی از کسانی نام می برد که تشریف حضور، پیدا کرده اند.

جلد سوم نیز دارای پنج باب است.

باب هفتم که دارای یازده فصل است از علائم ظهور و قبل از ظهور بحث می کند.

باب هشتم احادیثی را در بردارد که از وضعیت پس از ظهور خبر می دهند و دارای سیزده فصل است.

باب نهم دارای دو فصل است و از حالات اصحاب و انصار حضرت سخن می گوید.

باب دهم از سه فصل تشکیل شده است و مدت حکومت، کیفیت زندگی در میان مردم و اعمال و دعوت های امام زمان (عج) را بیان می کند.

باب یازدهم دارای شش فصل است و از منکران حضرت، فضیلت انتظار، تکالیف شیعیان در زمان غیبت، فضیلت رؤیت حضرت و چگونگی نماز و دعا سخن می گوید. بخش پایانی کتاب شامل چند رساله پیرامون زندگی حضرت مسیح و نزول وی از آسمان، دجال، و نقد کتاب اخبار دخیله می باشد.

۴۳. مهدی تجسم امید و نجات

عزیزالله حیدری. قم: انتشارات مسجد جمکران. ۱۳۸۱.

مسلمانان از سپیده دم طلوع خورشید اسلام تا به امروز، حقانیت بشارت رسول خدا(ع) به ظهور مردی از خاندان شریف خود در آخرالزمان به نام مهدی(ع) را باور داشته‌اند. کسی که پس از لبریز شدن جهان از ظلم و ستیز، عدل و آرامش را بر پهنه گیتی خواهد گسترانید.

چشم‌انتظاری و لحظه‌شماری برای ظهور مهدی موعود(ع) آن هم از خاندان پیامبر در طول قرون گذشته در میان امت اسلامی استمرار داشته و مسلمانان بر این عقیده اصرار داشته‌اند.

البته این امید و انتظار برای عدل و قسط جهانی، و گشایش و آرامش در مراحل پایانی حیات بشر، و ریشه کن شدن ظلم و تجاوز از پهنه کره زمین، تنها عقیده‌ای اسلامی نیست، بلکه پیروان سایر ادیان ابراهیمی چون یهودیان و مسیحیان و بخشهای مهمی از سایر ملل جهان نیز به آن عقیده داشته و دارند.

کتاب یاد شده تحقیقی است بسیار فشرده و خلاصه از دیدگاه‌های مختلف ادیان و ملل در زمینه امید به رهایی بشریت از ظلم و تجاوز و تاریکیها به سوی نور و آسایش.

۴۴. مهدی(عج) ده انقلاب در یک انقلاب

حسن رحیم پور (ازغدی). تهران: سروش. ۱۳۸۱.

کتاب، مجموعه سه سخنرانی از آقای رحیم‌پور در دانشگاه‌های تهران می‌باشد که با نامهای: دولت عاشقی و عدل جهانی؛ مهدی(عج)، نیمی شرقی، نیمی غربی و جهانی شدن، پایان تاریخ و مهدویت بیان

گردیده‌اند. در گفتار نخست، گوینده به تبیین ویژگیهای منحصر به فرد دولت مهدی و وجوه افتراق آن با دولتهای دیگر و در دومین گفتار به عمومیت جهانی حکومت مهدی و در آخرین گفتار به پایان تاریخ و مستقر شدن حکومت مهدی در جهان می‌پردازد.

۴۵. مهدی (ع) کیست؟

ابوطالب تجلیل. ترجمه جلیل تجلیلی.

قم: موسسه مطبوعاتی دارالکتاب. ۱۳۶۰.

این کتاب دارای فصلهای متعددی است که هر فصل شامل چند روایت از درباره حضرت مهدی (ع) است.

در یک فصل، سخنان پیامبر (ص) در مورد لزوم شناخت امام زمان (ع) از کتب اهل سنت نقل شده و در فصل دیگر پس از ذکر حدیث ثقلین، به مدارک آن از کتب اهل سنت، اشاره شده است.

در فصلی دیگر، بر اساس منابع اهل سنت سخنان پیامبر (ص) مبنی بر اینکه امامان دوازده تن هستند، و در فصل بعد نام یکایک امامان دوازده گانه به تصریح پیامبر (ص) از کتب اهل سنت نقل شده است.

در بخش دیگر درباره ویژگیهای حضرت مهدی (ع) و اینکه ایشان کسی است که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد پس از آنکه از ستم و ظلم به تنگ آمده باشد، مطالبی نقل شده و در فصل دیگر به ۶۰ حدیث با این مضمون که «زمین هیچ گاه از حجت خالی نیست» اشاره شده است.

در فصلهای دیگری از کتاب، ۱۲۸ روایت درباره غیبت امام زمان، دلیل غیبت امام زمان، وجه تأخیر در قیام آن حضرت، معرفی آن حضرت به نام و نام پدران گرامی اش از سوی پیامبر (ص) و حضرت علی (ع)،

چشم‌اندازی بر پنجاه کتاب / ۲۷۵

معرفی آن حضرت به عنوان نهمین فرزند امام حسین (ع) از طرف امام حسن (ع)، معرفی آن حضرت از طرف امام حسین (ع) با نام ایشان و نام پدران گرامی‌اش و همین‌طور معرفی آن حضرت از طرف همه امامان (ع) ذکر شده است.

تاریخ ولادت حضرت مهدی (ع) در کتب اهل سنت، برخی از کسانی که آن حضرت را در زمان حیات امام حسن عسکری (ع) دیده‌اند، برخی از کسانی که ایشان را در زمان غیبت دیده‌اند، برخی از کسانی که در زمان غیبت کبری به دیدار آن حضرت نایل شده‌اند و در پایان، وکیلان آن حضرت در زمان غیبت صغری، مطالب بخشهای دیگر کتاب را تشکیل دهد. این کتاب بیش از آنکه رنگ تاریخی داشته باشد، صبغه حدیثی دارد.

۴۶. مهدی (ع)، و مساله رجعت

سید ابوالحسن مولانا. قم: انتشارات نور ولایت.

این کتاب، موضوع رجعت را از دیدگاه بزرگانی چون: شیخ مفید، علامه مجلسی، شیخ صدوق، سید مرتضی، سید بن طاووس مطرح نموده است.

مهمترین ویژگی این اثر، پاسخ نویسنده به شبهات پیرامون رجعت است. در پایان دو موضوع «الملاحم و الفتن» و «انتظار فرج» نیز با شرحی مناسب فرا روی خوانندگان قرار می‌گیرد.

۴۷. مهر محبوب

سید حسین حسینی. تهران: آفاق. ۱۳۷۶.

این کتاب در حقیقت، متن تنظیم شده سخنرانیهای مختلف نویسنده

در محافل مذهبی دربارهٔ امام زمان است. موضوع اثر، بررسی و تحقیق در آثار و خواص محبت امام عصر(ع) است. کتاب شامل مقدمات و چهار بخش مستقل است. بخش دوم به موجبات محبت اختصاص دارد. بخش سوم خواص و آثار محبت نام دارد و شامل زیر بخشهای یکتاگزینی محبوب، مُحب در حصن حصین محبوب، خستگی ناپذیری در راه محبوب، ذکر محبوب، اقتباس نور، انقلاب ماهیت، انتظار در غیبت محبوب، و حشر با محبوب است. بخش چهارم نیز به صفات محبوب اختصاص یافته است.

از جذابترین قسمتهای بخش دوم فصل پنجم آن است که بیانگر دیدگاههای مستشرقان دربارهٔ حضرت است.

۴۸. وظایف منتظران

واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران.

قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران. ۱۳۷۸.

آثار زیادی با هدف آشنا ساختن مردم با وظایف خطیرشان در دورهٔ غیبت کبری تألیف و منتشر شده است.

در اثر حاضر که با استفاده از احادیث اهل بیت (ع) تدوین شده به نحو اختصار حدود بیست تکلیف از تکالیف زمان غیبت با زبانی روان و ساده، به گونه‌ای که همهٔ اقشار مخصوصاً قشر جوان بتوانند از آن استفاده نمایند، مورد بررسی قرار گرفته است. عناوین برخی از این تکالیف عبارتند از: شناخت امام(ع)، انتظار فرج، خودسازی، پیروی از فقهای جامع‌الشرایط، همیاری اجتماعی، دعا برای فرج امام زمان(ع)، ادای حقوق و اطاعت از دستورات امام(ع).

۴۹. یاد محبوب

سید حسین حسینی. تهران: نشر آفاق. ۱۳۷۹.

بعضی وقتها که می‌خواهیم درباره‌ی موضوعی اطلاع کسب کنیم، سراغ استاد و معلم، پدر و مادر یا کسانی می‌رویم که با آن موضوع بیشتر و بهتر آشنایی دارند و می‌توانند به ما اطلاعات صحیح و درست بدهند. اگر اهل مطالعه و تحقیق هم باشیم و حوصله و زمانی را برای رفتن به کتابخانه یا خرید کتاب تخصیص دهیم، سراغ کتابهایی می‌رویم که پاسخ سوالات ما را بخوبی داده باشند. درباره‌ی موضوع مهدویت و وجود مقدس حضرت مهدی (ع)، نیز کتابهای زیادی در قالب شعر، داستان، مقاله و... نوشته شده که می‌تواند ما را در جهت آشنایی هرچه بیشتر با آن حضرت راهنمایی کند. بعضی از نویسندگان هم برای سهولت دسترسی مخاطبان و علاقه‌مندان به این موضوع، به تألیف کتاب یا گردآوری مطالبی پرداخته‌اند که در قالب پرسش و پاسخ نوشته شده است.

یاد محبوب یکی از نمونه‌های چنین کتبی است. در این کتاب، ابتدا سؤالی درباره‌ی امام عصر (ع) مطرح، سپس با استناد به آیات قرآن کریم و احادیث ائمه اطهار (ع) پاسخ آن داده شده است. در پایان هر پاسخ نیز منابعی برای آگاهی و مطالعه بیشتر - البته با ذکر شماره فصل و صفحاتی از کتاب که اختصاص به موضوع سؤال دارد - آورده شده است.

چرا حضرت مهدی دو غیبت (صغری و کبری) دارد؟ چرا دیدار امام عصر، نصیب همه مشتاقان نمی‌شود؟ و چرا از بین انبیا و اولیا، تنها امام زمان (ع) می‌تواند به خواسته خدا و امید مردم جامعه عمل بپوشاند؟

آیا تا به حال فکر کردی که حضرت مهدی (ع)، در دوران غیبت

چگونه به مردم تمام جهان رسیدگی می‌کند؟ آیا یکایک مردم را می‌شناسد؟ و این رسیدگی در روزگار ظهور چگونه است؟ از جمله سؤالاتی است که در این کتاب به آنها پاسخ گفته شده است.

جلد دوم یاد محبوب - که ما در اینجا به معرفی آن پرداختیم - مجموعاً به ۳۰ سؤال درباره امامت و مهدویت، بشارت کتب آسمانی، دیدارها و تشرفات در دوران غیبت، عمر طولانی امام، وظایف منتظران و... پاسخ داده است.

۵۰. یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج)

علیرضا رجالی تهرانی. قم: نبوغ. ۱۳۸۰.

نویسنده در این کتاب با جمع‌آوری و پاسخگویی ۱۰۰ پرسش از امام زمان (ع) از متون مختلف اسلامی، مجموعه‌ای از شناخت نامه حضرت را به صورت پرسش و پاسخ عرضه کرده است. این کتاب در هشت فصل تحت عناوین ذیل تقسیم بندی گردیده است:

۱ - مهدودیت در قرآن، روایات و ادیان دیگر

۲ - امام مهدی (ع) از تولد تا غیبت

۳ - مهدی (ع) در عصر غیبت

۴ - شرایط و علائم ظهور

۵ - امام مهدی بعد از ظهور

۶ - تکالیف و وظایف شیعه در عصر غیبت

۷ - مسأله رجعت

۸ - مسجد جمکران.

ج. فهرستواره

کتب مہدویت

۱. آثار تألیفی پیش از ولادت:

۱. إثبات الرجعة : فضل بن شاذان نیشابوری.
۲. إثبات الغيبة : همو.
۳. التنبية من الحيرة و التيه : همو.
۴. الحجّة فی إبطاء القائم : همو.
۵. الرجعة : حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی.
۶. السقیفة : سلیم بن قیس هلالی (گرچه کتاب مستغنی درباره مهدی (ع) نیست، ولی قدیمی ترین کتابی است که در آن از امام یاد شده است).
۷. الغيبة : أبواسحاق ابراهیم بن صالح أنماطی.
۸. الغيبة : أبوالحسن طائی جرمی.
۹. الغيبة : أبوالحسن علی بن اعمر أعرج.
۱۰. الغيبة : أبوالحسن علی بن محمد بن علی سواق.

۱۱. الغيبة : أبو الفضل عباس بن هاشم ناشري.
۱۲. الغيبة : أبو علي حسن بن محمد بن سماعه.
۱۳. الغيبة : حسن بن علي بن أبو حمزه بطائني.
۱۴. الغيبة والحيرة : عبدالله بن جعفر حميري.
۱۵. الغيبة والملاحم : علي بن حسن بن علي بن فضال.
۱۶. الغيبة و مسائله : همو.
۱۷. الفترة و الغيبة : عبدالله بن جعفر حميري.
۱۸. الفتن و الملاحم : حافظ نعيم بن حماد.
۱۹. الملاحم : حسن بن علي بن فضال.
۲۰. الملاحم : علي بن مهزيار اهوازي.
۲۱. الملاحم : فضل بن شاذان نيشابوري.
۲۲. أخبار المهدي : أبو سعيد عبّاد بن يعقوب رواجني.
۲۳. حذو النعل بالنعل : همو.
۲۴. دلائل خروج القائم : أبو علي حسن بن أحمد صفار.
۲۵. صاحب الزمان : أبو العنيس محمد بن اسحاق ابراهيم (این کتاب پیش از غیبت کبرا تألیف شده است).
۲۶. قرب الاسناد إلى صاحب الأمر : عبدالله بن جعفر حميري.
۲۷. کتاب الغيبة : ابراهيم بن اسحاق احمری.
۲۸. کتاب القائم الصغير : حسن بن علي بن أبي حمزه بطائني.
۲۹. کتاب القائم : علي بن مهزيار اهوازي.
۳۰. کتاب الملاحم : حسن بن علي بن أبي حمزه بطائني.

۲. آثار تألیفی مستقل، از آغاز عصر غیبت تا پیش از سدهٔ اخیر:

الف. آثار اهل سنت:

۱. ابراز الوهم من کلام ابن حزم: أحمد بن صدیق بخاری
۲. أحادیث المهدی: أبو بکر خثیمة
۳. أحوال صاحب الزمان: سعدالدین حموی
۴. أخبار الدولة فی ظهور المهدی: أحمد بن ابراهیم بن جزار قیروانی
۵. أخبار المهدی: بدرالدین حسن بن محمد بن ابراهیم نابلسی
۶. أربعین حدیث فی المهدی: أبو العلاء همدانی
۷. إرشاد المستهدی فی نقل بعض أحادیث المهدی: محمد علی حسین بکری مدنی

۸. الأحادیث القاضیة بخروج المهدی: محمد بن اسماعیل امیر یمانی
۹. الإذاعة: أبو الطیب بن أبی احمد بن أبی الحسن الحسینی
۱۰. الإذاعة لما كان و يكون بین یدی الساعة: سید محمد صدیق

قنوجی بخاری

۱۱. الأربعین: أبو نعیم اصفهانی^۱
۱۲. الإضاءة لأشراط الساعة: برزنجی شافعی
۱۳. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان: متقی هندی
۱۴. البعث و النشور: امام بیهقی
۱۵. البیان فی علامات مهدی آخر الزمان: کنجی شافعی

۱. مرحوم مقدس اردبیلی در کتاب گرانسنگ حدیقة الشیعة که به زبان فارسی نگاشته، چهل حدیث ابونعیم را ترجمه کرده است. ر.ک: حدیقة الشیعة / صص ۷۱۷ - ۷۲۵.

١٦. التوضيح في تواتر ما جاء في المنتظر و الدجال والمسيح: الشوكاني.

١٧. الجواب المقنع الحرر...: محمد حبيب الله جكنى شنقيطي

١٨. الرد على من قضى أنّ المهدي الموعود جاء و مضى: ملا علي

قاري هروي

١٩. العرف الوردى في أخبار المهدي: جلال الدين سيوطي

٢٠. العرف الوردى في أخبار المهدي: عبدالرحمن بن مصطفى

٢١. العرف الوردى في أخبار المهدي: يوسف بن يحيى دمشقي شافعي

٢٢. العطر الوردى في شرح القطر الشهدي: محمد بن محمد بليسي

٢٣. الفتن و الملاحم الواقعة في آخر الزمان: أبي القداء ابن كثير دمشقي

٢٤. القطر الشهدي في أوصاف المهدي (منظوم): شهاب الدني حلواني

٢٥. القناعة: أبو الخير السخاري.

٢٦. القول المختصر في علامات المهدي المنتظر: ابن حجر هيتمي شافعي

٢٧. الكشف المخفي في مناقب المهدي: كنجي شافعي (در البيان از

آن نام برده است).

٢٨. المشرب الوردى في مذهب المهدي: ملا علي قاري هروي حنفي

٢٩. الملاحم: أبي الحسن بن المنادي

٣٠. المهدي: أبو العلاء ادريس عراقى مغربى

٣١. المهدي إلى ما ورد في المهدي: محمد بن طولون

٣٢. المهدي: امام أبوداود سجستاني

٣٣. المهدي: حافظ ابن قيم جوزية

٣٤. النظم الواضح المبين: عبدالقادر بن محمد سالم

۳۵. النهاية، فتن و أهوال آخر الزمان: أبى القداء ابن كثير دمشقى
۳۶. الوهم المكنون فى الردّ على ابن خلدون: أبو العباس بن عبد المؤمن مغربى
۳۷. الهداية النديّة للأمة المحمدية فى فضل الذات المهدية: شيخ مصطفى بكرى
۳۸. الهدية المهدوية: أبو الرجاء محمد هندی
۳۹. أمارات الساعة: شاه رفيع الدين بن امام شاه ولى الله دهلوى
۴۰. أهوال يوم القيامة وعلاماتها الكبرى: شيخ محمد سفاربنى
۴۱. الوعاء المختوم فى السرّ المكتوم فى أخبار المهدي: محى الدين بن عربى اندلسى
۴۲. رسالة فى المهدي: ابن حجر مكى
۴۳. طرق حديث المهدي: حافظ ولى الدين أبوزرعة عراقى
۴۴. عقد الدرر فى أخبار المهدي المنتظر: مقدسى شافعى
۴۵. عقد الدرر فى تحقيق القول بالمهدي المنتظر: أحمد بن زينى دحلان
۴۶. علامات المهدي: جلال الدين سيوطى
۴۷. علامات المهدي: صدر الدين قونوى
۴۸. علامات يوم القيامة: حافظ قرطبى مالكى
۴۹. عنقاء المغرب فى بيان المهدي ووزرائه: محى الدين بن عربى اندلسى
۵۰. فتح المنان: المنينى
۵۱. فرائد فوائد الفكر فى المهدي المنتظر: مرعى بن يوسف كرمى حنفى
۵۲. مرآة الفكر فى المهدي المنتظر: مرعى بن يوسف مقدسى

٥٣. مسألة في الغيبة: قاضي عبدالجبار معتزلي

٥٤. مشاهدة الآيات في أشرط الساعة و ظهور العلامات: محمد بن

مؤيد حمويني

٥٥. مُشرق الأكوان: سليمان بن ابراهيم قندوزي حنفي

٥٦. مناقب المهدي: حافظ أبونعيم اصفهاني

٥٧. مهدي آل الرسول: علي بن سلطان محمد هروي حنفي

٥٨. نبأ الدجال: شمس الدين محمد ذهبي

٥٩. نعت المهدي: حافظ أبونعيم اصفهاني

ب. آثار شيعة:

١. إثبات وجود القائم: شيخ بهاء الدين عاملي

٢. إثبات الهداة (ج ٣): شيخ حرّ عاملي

٣. إزالة الرّان عن قلوب الإخوان: ابن جنيد

٤. الاستطراف: أبوالفتح كراجكي طرابلسي

٥. استقصاء الافحام: ميرحامد حسين هندي (صاحب عبقات)

٦. إكمال الدين و تمام النعمة: شيخ صدوق

٧. إيقاظ الهجعة في اثبات الرجعة: شيخ حرّ عاملي

٨. بحار الأنوار (ج ٥١، ٥٢ و ٥٣): علامه مجلسي

٩. البرهان على صحّة طول عمر صاحب الزمان: أبوالفتح كراجكي

طرابلسي

١٠. تبصرة الولي في من رأى القائم المهدي: سيّد هاشم تويلى

بجرانی (صاحب تفسیر البرہان).

۱۱. ترتیب الأدلّة: أحمد بن حسین بن عبد اللہ مہرانی
۱۲. التشریف بالمتن فی التعریف بالفتن: رضی الدین سیّد بن طاووس
۱۳. الجزيرة الخضراء: فضل بن یحیی طیبی کوفی
۱۴. جنا الجنّین فی ذکر ولد العسکریّین: قطب الدین راوندی
۱۵. جنّة المأوی: میرزا حسین نوری طبرسی (صاحب مستدرک)
۱۶. جنّة المقام (ترجمہ فارسی إکمال الدین: سیّد علی عریضی امامی
۱۷. جواب المولی اسماعیل: حاج مولی ہادی سبزواری (صاحب منظومہ)
۱۸. الرجعة: محمد مؤمن استرآبادی
۱۹. الرجعة: محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی (صاحب تفسیر عیاشی)
۲۰. خمس رسائل فی إثبات الحجّة: شیخ مفید
۲۱. الردّ علی ابن حجر: سیّد مہدی طباطبائی بحر العلوم
۲۲. الرسالة فی حرمة التسمیة: شیخ سلیمان ماحوزی
۲۳. رسالہ مہدیّہ: شاہ نعمت اللہ ولی
۲۴. السرّ المکتوم إلی الوقت المعلوم: شیخ صدوق
۲۵. سرور أهل الايمان: نبأ الدین حسینی نبلی
۲۶. سلطان الفرّج: ہمو
۲۷. شرح دعای عهد: میرزا محمد بن محمد حسن ہرنندی
۲۸. شرعة التسمیة: میر محمد باقر (معلم ثالث) معروف بہ میر داماد.
۲۹. شفا و جلا: احمد بن علی رازی خضیب آبادی
۳۰. شوق مہدی (منظوم): مولی محسن فیض کاشانی

٣١. صاحب الزمان: محمد بن جمهور قمى
٣٢. الصحيفة المهدوية: شهيد شيخ فضل الله نورى
٣٣. العبقرى الحسان: شيخ على اكبر نهاوندى
٣٤. الغيبة: محمد بن ابراهيم نعمانى
٣٥. الغيبة: محمد بن حسن طوسى
٣٦. الغيبة: حسن بن حمزه علوى طبرى مرعشى
٣٧. الغيبة: سيّد دلدار على نقوى هندى
٣٨. الغيبة: نبأ الدين حسين نبلى
٣٩. الغيبة: أبوالمظفر حمدانى
٤٠. الغيبة: محمد بن مسعود عياشى
٤١. الغيبة و كشف الحيرة: سلامة بن محمد بن اسماعيل
٤٢. رسالة غيبت براى اهل رى: شيخ صدوق
٤٣. الفرج الكبير: أبو عبدالله طرابلسى
٤٤. الفلك المشحون: سيّد باقر قزوينى
٤٥. فى ذكر القائم: أحمد بن رميح مروزى
٤٦. كشف التعمية فى حكم التسمية: شيخ حرّ عاملى
٤٧. كشف المخفى فى مناقب المهدي: ابن بطريق حلى
٤٨. كفاية المهتدى فى أحوال المهدي: سيّد محمد بن محمد لوحى نقيبى
٤٩. المحجّة فى ما نزل فى القائم الحجّة: سيد هاشم توبلى بحراني
٥٠. مختصر ما نزل من القرآن فى صاحب الأمر: أبو عبدالله عياشى
٥١. المقنع فى الغيبة: علم الهدى، سيّد مرتضى

۵۲. المناظرات مع ابن الآلوسی: شیخ الشریعة اصفهانی
۵۳. المهدی: أبو موسی، عیسی بن مهران
۵۴. مولد القائم: سید هاشم تویلی بحرانی
۵۵. نجم ثاقب در احوال امام غائب: میرزا حسین نوری طبرسی
۵۶. وسیلة الفوز و الأمان (منظوم): شیخ بهاء الدین عاملی^۱

۱. برای ارائه این فهرست از کتاب در انتظار ققنوس استفاده شد.

۳. آثار منتشره از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۱:

۱. آئینه اسرار؛ حسین کریمی؛ قم: مسجد مقدس (جمکران)، ۱۳۸۰.
۲. آثار اعتقاد به امام زمان (ع)؛ هادی قندهاری؛ تهران: منیر، ۱۳۸۰.
۳. آثار دعا برای فرج امام زمان (عج)؛ نویسنده: حسین هاشمی نژاد؛ ویراستار: سیروس صدوقی؛ تهران: سبحان، ۱۳۷۹.
۴. آخرین امام (عج)؛ حمید قلندری بردسیری؛ تهران: آفرینه، ۱۳۷۹.
۵. آخرین امام ولایت و زندگی و ظهور قائم آل محمد؛ حمید قلندری بردسیری؛ تهران: آفرینه، ۱۳۷۹.
۶. آخرین فریادرس؛ گروه نویسندگان؛ مشهد: مکتب مقداد، ۱۴۱۳ ق.
۷. آخرین گل؛ عزیزالله جعفریان و محمد جعفریان؛ تهران: عسکری، ۱۴۰۲ ق.
۸. آشنایی با امام زمان (ع)؛ محسن امیری؛ تهران: طور، ۱۳۷۵.
۹. آشنایی با بیست اثر منتخب درباره حضرت ولی عصر؛ تهران: بی نا، ۱۳۷۸.
۱۰. آشنایی با حضرت مهدی؛ عباس حق دوست؛ تهران: گلستان کوثر، ۱۳۸۰.
۱۱. آشنایی با معصومین (ع)؛ مهدی آیت اللهی؛ تهران: جهان آرا، ۱۳۷۶.
۱۲. آنان که مهدی را دیده اند؛ عبدالحسین اشعری؛ قم: عسکری، ۱۳۶۴.
۱۳. آن سوی شب (نگاهی گذرا به زندگانی حضرت مهدی)؛ سعید آل رسول؛ تهران: نیک معارف نرگس، ۱۳۸۰.
۱۴. آیا به یاد امام زمان هستید؟؛ محمد تقی صرفی؛ قم: نشریه برگزیده، ۱۳۷۸.
۱۵. آیا ظهور نزدیک است؟؛ قم: مهدی یار، ۱۳۸۰.
۱۶. آینده جهان (در سایه حکومت اسلامی حضرت مهدی)؛ محسن همتی؛ تهران: نذیر، ۱۳۸۰.

۱۷. آینده و آینده‌سازان (ارزیابی تحولات آینده جهان و نقش ایرانیان در ظهور حضرت مهدی)؛ محمد دشتی؛ قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۷۵.
۱۸. اتفاق در مهدی موعود؛ سید علی اکبر قریشی؛ قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۹. اتفاق در مهدی موعود؛ سید علی اکبر قریشی؛ قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰.
۲۰. اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن؛ علی صفایی کاشانی؛ تهران: مفید، ۱۳۷۶.
۲۱. اثبات طول عمر امام زمان؛ سید محمد میرسعید قاضی؛ تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵.
۲۲. احادیث قدسی پیرامون حضرت مهدی؛ حسن طارمی، و عبدالحسین طالعی، تهران: میقات، ۱۴۰۷.
۲۳. از خاتم الانبیاء تا خاتم الاوصیاء؛ گروه نویسندگان؛ تهران: کانون نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.
۲۴. اشتیاق جمال (پیرامون حضرت مهدی)؛ علی شاد؛ تهران: عابد، ۱۳۸۰.
۲۵. اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن؛ مهدی فقیه‌ایمانی؛ قم: مؤلف، ۱۳۷۶.
۲۶. اصالت مهدویت؛ لطف‌الله صافی؛ قم: حضرت معصومه (س)، ۱۳۷۵.
۲۷. اصالت مهدویت؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی؛ قم: هادی، ۱۳۶۰.
۲۸. اگر امام یاور می‌داشت؛ شیخ مفید؛ تهران: انجمن حجتیه، ۱۳۶۰.
۲۹. الامام حجّة بن الحسن العسکری؛ مهدی منجی؛ تهران: علمی.
۳۰. البيعة لله (رسالت جهانی حضرت مهدی)؛ فریده گل محمدی آرمان؛ قم: دارالنشر اسلامی، ۱۳۷۸.
۳۱. الحجّة المنتظر فی أحوال الإمام الثانی عشر؛ حاج سید ضیاء‌الدین استرآبادی؛

تهران: مدرسهٔ چهل ستون، ۱۳۶۱.

۳۲. امامت و مهدویت (ولایت و امامت خاصه و عامه)؛ قم: آستان مقدسه حضرت معصومه (س)، ۱۳۷۷.

۳۳. امام حجة بن الحسن العسكري، صاحب الزمان؛ موسی خسروی؛ تهران: اسلامیة، ۱۳۶۰.

۳۴. امام زمان، امید شایستگان؛ محمد مهدی اشتهاردی؛ قم: پیام اسلام، ۱۳۶۳.

۳۵. امام زمان بهار دلها؛ جمال الدین حجازی؛ قم: مولود کعبه، ۱۳۷۵.

۳۶. امام زمان بهار دلها؛ محمد تقی جعفری تبریزی؛ قم: مولود کعبه، ۱۳۷۸.

۳۷. امام زمان در گفتار دیگران؛ علی دوانی؛ تهران: ندای ایمان، ۱۳۹۹ ق. آفاق، ۱۴۰۳ ق.

۳۸. امام زمان را اباصالح چرا؟!؛ علی هجرانی؛ قم: مهدی یار، ۱۳۸۰.

۳۹. امام زمان و ایرانیان؛ محسن همتی؛ تهران: نذیر، ۱۳۸۰.

۴۰. امام زمان و سیدابن طاووس (ره)؛ جعفر رفیعی؛ قم: یاران قائم، ۱۳۷۸.

۴۱. امام زمان و سیدبهرالعلوم (ره)؛ جعفر رفیعی؛ قم: یاران قائم، ۱۳۷۹.

۴۲. امام زمان و شیخ مفید؛ جعفر رفیعی؛ قم: یاران قائم، ۱۳۷۹.

۴۳. امام زمان؛ محمد تقی جعفری تبریزی؛ تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.

۴۴. امام مهدی آخرین یادگار الهی؛ حسن استاد ولی؛ تهران: شبیر، ۱۳۸۰.

۴۵. امام مهدی از دیدگاه قرآن و عترت؛ قم، ۱۴۰۴ ق.

۴۶. امام مهدی از ولادت تا ظهور؛ نویسنده: محمد کاظم قزوینی؛ مترجم: حسین فریدونی؛ تهران: آفاق، ۱۳۷۹.

۴۷. امام مهدی امتحان الهی؛ محمد حسین صفاخواه؛ تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.

فهرستواره کتب مهدویت / ۲۹۳

۴۸. امام مهدی، امید ملتها؛ حسن موسی الصفار؛ مترجم: محمد علی مجیدیان؛ تهران: آفاق، ۱۳۷۵.

۴۹. امام مهدی حجة بن الحسن؛ کاظم ارفع؛ تهران: فیض کاشانی، ۱۳۷۳.

۵۰. امام مهدی سیمای دلربا؛ مصطفی مصباح؛ تهران: صاحب اثر، ۱۳۸۰.

۵۱. امام مهدی طاووس بهشت؛ اکبر حمیدی هشترودی؛ تهران: عابد، ۱۳۸۰.

۵۲. امام مهدی مصلح جهانی؛ مرکز فرهنگی انتشاراتی شبر؛ تهران: شبر، ۱۳۸۰.

۵۳. امام مهدی نقطه مشترک وحدت اسلامی؛ علی اصغر اکبری؛ تهران: واج گستران، ۱۳۷۹.

۵۴. امام مهدی و منتظران (نکاتی پیرامون آفاق مهدویت)؛ محمد حسین صفاخواه، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.

۵۵. امام مهدی؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۰.

۵۶. امدادهای غیبی امام زمان؛ حسین اصغری؛ مشهد: فدک، ۱۴۰۷ ق.

۵۷. انتظارات امام زمان؛ مهدی شمس‌الدین؛ قم: مؤسسه توسعه فرهنگی قرآنی، ۱۳۸۰.

۵۸. انتظارات حضرت مهدی از شیعیان؛ جواد رضوی؛ قم: دارالنور، ۱۳۸۰.

۵۹. انتظار، عامل مقاومت و حرکت؛ لطف‌الله صافی؛ تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۶۵.

۶۰. انتظار فرج حضرت مهدی (عج)؛ مترجم: محمود شریفی؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۰.

۶۱. انتظار، مذهب اعتراض؛ دکتر علی شریعتی؛ تهران.

۶۲. انتظار و انسان معاصر؛ عزیزالله حیدری؛ قم: مسجد مقدس (جمکران)، ۱۳۷۷.

۶۳. انقلاب جهانی امام مهدی؛ علی اصغر اکبری؛ تهران: گنجینه، ۱۳۶۰.

۶۴. انقلاب مهدی و پندارها؛ سید محمدباقر صدر؛ تهران: یاسر، ۱۳۶۰.
۶۵. او خواهد آمد؛ داود الهامی و علی اکبر مهدی پور؛ قم: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق. ۵
۶۶. او می آید؛ رضا شیرازی؛ تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۴.
۶۷. او می آید؛ بازنویسی: رضا شیرازی؛ تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۹.
۶۸. با انقلاب و حکومت دادگستر جهانی مهدی؛ محمدعلی شمشیری میلانی؛ تهران: چاپخانه نور، ۱۳۶۱.
۶۹. با محرمان راز؛ محمد موسوی جزایری؛ قم: دارالکتاب، ۱۳۷۷.
۷۰. بانوان تشرف یافته به حضور منتظر محبوب حضرت مهدی (عج)؛ طاهره موسی؛ قم: ۱۳۷۸.
۷۱. باورداشت مهدویت؛ لطف الله صافی؛ قم: حضرت معصومه (س)، ۱۳۷۵.
۷۲. بچه ها و سید دانا (پرسش و پاسخ درباره زندگانی حضرت مهدی)؛ حسن روشن؛ تهران: نشر نی، ۱۳۷۵.
۷۳. بخشهایی از توقیعات و زیارات مقدس بقیه الله الاعظم (عج)؛ محمد حسین آسوده؛ قم: مهدی یار ۱۳۸۰.
۷۴. بررسی طول عمر و ملاقات با امام زمان از رؤیا تا واقعیت؛ محسن علوی پیام؛ قم: نصر، ۱۳۷۸.
۷۵. برستیغ آرمانها؛ سید محسن امین عاملی؛ تهران: طور، ۱۳۶۴.
۷۶. برستیغ آرمانها (در آشنایی با امام زمان، ترجمه اعیان الشیعة، جزء امام مهدی)؛ محسن امین؛ تهران: طور، ۱۳۸۰.
۷۷. برکات حضرت ولی عصر (ع) (خلاصه العبقری الحسان)؛ جواد معلم و علی اکبر نهاوندی؛ مشهد: عروج اندیشه، ۱۳۸۰.

۷۸. بر کرانه ظهور؛ گروه نویسندگان؛ تهران: انجمن حجیه، ۱۳۶۰.
۷۹. برگزیدگان حضرت امام مهدی؛ عبدالله طاهرخانی؛ تهران: بنیادبعثت، ۱۳۷۴.
۸۰. برگزیدگان (سیری کوتاه در زندگی چهارده معصوم علیهم السلام، حضرت مهدی (ع)، برای نوجوانان)؛ مهدی رحیمی؛ تهران: بنیادبعثت، ۱۳۷۹.
۸۱. برگزیده فرج بعد از شدت؛ حسن بن اسعد دهستانی؛ تهران: نوسی، ۱۳۷۲.
۸۲. بشارات قرآن درباره امام زمان؛ علی اکبر شعیفی؛ اصفهان: دین و دانش، ۱۳۷۱.
۸۳. بشارت ظهور؛ مجید نوری؛ قم: سلسبیل، ۱۳۸۰.
۸۴. بشارت نبوی به ظهور مهدوی؛ محمدحسین صفاخواه؛ تهران: فیض کاشانی، ۱۳۷۶.
۸۵. بقیةالله ارواحنا فداه؛ گروهی از نویسندگان؛ تهران: مسجد صدریه، ۱۴۰۲ ق.
۸۶. به احترام آفتاب؛ علی کاشفی خوانساری؛ تهران: موعود، ۱۳۸۰.
۸۷. به سوی دولت کریمه؛ لطف الله صافی؛ تبریز: مسجد آیت الله انگجی، ۱۴۱۲ ق.
۸۸. به یاد حضرت مهدی؛ احمد قاضی زاهدی؛ قم: معارف اسلامی، ۱۳۶۲.
۸۹. به یاد مهدی؛ ناصر مکارم شیرازی؛ قم: ناشر مؤلف، ۱۴۰۴ ق.
۹۰. بیا ای مهدی موعود؛ شاعر: ابوالفضل عظیمی؛ تبریز: عظیمی، ۱۳۸۰.
۹۱. بیان حقیقت، بیانات ولی عصر ارواحنا فداه؛ حاج احمد زمردیان؛ تهران: اسلامی، ۱۳۶۲.
۹۲. پا به پای نوجوانان به یاد امام زمان؛ گروه نویسندگان؛ تهران: مؤسسه امام مهدی، ۱۳۶۰.
۹۳. پاداش پایداری در ایمان به حضرت مهدی؛ نادر فضلی؛ تهران: رایحه، ۱۳۷۹.
۹۴. پاسخ ده پرسش پیرامون امامت، خصائص و اوصاف حضرت مهدی؛

لطف‌الله صافی؛ قم: حضرت معصومه (س)، ۱۳۷۵.

۹۵. پرتوی از زندگی چهارده معصوم (نگاهی بر زندگی حضرت مهدی)؛ محمد محمدی اشتهاردی؛ تهران: مطهر، ۱۳۷۵.

۹۶. پرسش و پاسخ درباره امام زمان (عج)؛ مصطفی بهرمن؛ اصفهان: حسینیه کربلائیهای اصفهان، ۱۳۷۸.

۹۷. پژوهشی پیرامون زندگانی نواب‌خاص امام زمان؛ علی غفارزاده؛ قم: نبوغ، ۱۳۷۷.

۹۸. پنجاه داستان از شیفتگان حضرت مهدی؛ محمدحسین رجایی؛ مشهد: خاطره، ۱۳۷۹.

۹۹. پنجاه داستان از شیفتگان حضرت مهدی؛ محمدحسین رجائی؛ مشهد: کانون نشر رسالت، ۱۳۶۲.

۱۰۰. پیام امام زمان؛ سید جمال‌الدین حجازی؛ تهران: مؤسسه الغدیر، ۱۴۰۸ق.

۱۰۱. پیام امام زمان؛ جمال‌الدین حجازی؛ قم: مولود کعبه، ۱۳۷۸.

۱۰۲. پیام شادی (۲)، هدیه به منتظران مهدی (ع)؛ فریده گل محمدی آرمان؛ قم: دارالنشر، ۱۳۷۷.

۱۰۳. پیامهای امام زمان؛ محمد مهدی تاج‌لنگرودی؛ تهران: خاطره، ۱۳۷۶.

۱۰۴. پیامهای امام زمان حضرت مهدی؛ محمد مهدی تاج‌لنگرودی؛ تهران: ممتاز، ۱۳۷۶.

۱۰۵. پیدای پنهان (نگاهی کوتاه به حیات، سیرت و آثار حضرت مهدی)؛ مسعود پور سید آقایی؛ قم: حضور، ۱۳۸۰.

۱۰۶. پیرامون ظهور حضرت امام مهدی (عج)؛ عبدالحمید مهاجر؛ مترجم: حمیدرضا کفا؛ تهران: عابد، ۱۳۸۰.

فهرستواره کتب مهدویت / ۲۹۷

۱۰۷. پیرامون مقام امام زمان (ع)؛ جمال‌الدین حجازی؛ قم: مولود کعبه، ۱۳۸۰.
۱۰۸. اپیروزی حتمی در حکومت جهانی مهدی؛ مهدی باقری؛ تهران: فضیلت، ۱۳۶۵.
۱۰۹. پیشگویی‌های آخرالزمان؛ شیخ علی فلسفی؛ مشهد: ناشر مؤلف، ۱۳۶۰.
۱۱۰. پیشوایان صدیقین؛ محمدتقی مدرسی و انتصار شوشتری‌زاده؛ تهران: محبان‌الحسین (ع)، ۱۳۸۰.
۱۱۱. پیشوای دوازدهم امام زمان حضرت حجة‌بن‌الحسن المهدی؛ شورای نویسندگان؛ قم: در راه حق، ۱۳۶۳.
۱۱۲. پیشوای دوازدهم امام زمان؛ محسن زمانی؛ قم: مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۷.
۱۱۳. پیوند معنوی با ساحت مقدس مهدوی؛ دبیرالدین علی‌اکبر صدرالاسلام همدانی؛ تهران: بدر، ۱۴۰۲ ق.
۱۱۴. تاریخ زندگانی حضرت مهدی (عج)؛ مهدی صادقی؛ تهران: تربیت، ۱۳۸۰.
۱۱۵. تاریخ غیبت کبری؛ مؤلف: سید محمد صدر؛ مترجم: دکتر سید حسن افتخارزاده؛ تهران: مؤسسه الامام المهدی، ۱۳۶۱.
۱۱۶. تپش قلم؛ عباس‌علی کامرانیان؛ تهران: کیهان، ۱۳۸۰.
۱۱۷. تحفة الطالب لحضرة الإمام الغائب؛ سیدابوطالب واعظ تبریزی؛ تهران: مؤلف، ۱۳۶۸.
۱۱۸. تحقیق تاریخی و علمی درباره تشیع، امامت، امامان، مهدویت (به دو زبان فارسی و انگلیسی)؛ یحیی نوری؛ تهران: بنیاد علمی و اسلامی مدرسه شهدا، مجمع مطالعات و تحقیقات، ۱۳۷۰.
۱۱۹. تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی مهدی؛ یاسر محمدی ری‌شهری؛ قم: ۱۴۰۱ ق.

۱۲۰. ترجمه قرائم الایمان فی توفیقات مولانا صاحب العصر و الزمان؛ سید علی علم الهدی؛ قم: مجمع فکری و خدمات اسلامی، ۱۳۶۳.

۱۲۱. تشرف به محضر مهدی موعود امام زمان (عج)؛ عباس شبگاهی شبستری؛ مقدمه: حسین بروجردی کاظمینی؛ تهران: حروفیه، ۱۳۷۹.

۱۲۲. تقوا در گفتار امام زمان (ع)؛ حسین حسینی؛ تهران: نیک معارف، ۱۳۷۴.

۱۲۳. تمنای ظهور؛ احمد قندهاری؛ تهران: دیار، ۱۳۷۹.

۱۲۴. تمنای ظهور؛ احمد قندهاری؛ تهران: دیار، ۱۳۸۰.

۱۲۵. تنها پناه جهان؛ دکتر حسین فریدونی؛ تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۶۲.

۱۲۶. توسلنامه امام زمان (عج)؛ تهران: آشنا، ۱۳۷۶.

۱۲۷. جدول خانواده (ویژه نامه حضرت مهدی)؛ رضا فیروز؛ تهران: داود، ۱۳۷۸.

۱۲۸. جستجو و گفتگو پیرامون امام مهدی؛ محمد باقر صدر؛ تهران: نیا، ۱۳۸۰.

۱۲۹. جلوه نگار (پاسخ حضرت مهدی به چهل سؤال)؛ احمد حیدری؛ قم: یاقوت، ۱۳۸۰.

۱۳۰. جلوه های پنهانی امام عصر؛ حسین علی پور؛ قم: مسجد مقدس ۱۳۸۰.

۱۳۱. جلوه های تقوا؛ محمد حسن حائری یزدی؛ مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۷.

۱۳۲. جهان بعد از ظهور یا فروغ بی نهایت؛ محمد خادمی شیرازی؛ تهران: مؤسسه نشر و تبلیغ، ۱۴۰۶ ق.

۱۳۳. جهان در آینده؛ سید محمد حسن موسوی کاشانی، قم: ۱۳۷۰.

۱۳۴. جهان در آینده با علائم ظهور حضرت مهدی؛ محمد حسن موسوی کاشانی؛ قم: صاحب اثر، ۱۳۷۳.

فهرستواره کتب مهدویت / ۲۹۹

۱۳۵. جهانگشای عادل؛ سید جمال‌الدین دین‌پرور؛ تهران: مؤسسه الامام مهدی، ۱۳۶۱.

۱۳۶. جهانگشای عادل، تاریخچه و گزیده‌ای از روایات مربوط به امام زمان؛ جمال‌الدین دین‌پرور؛ تهران: بنیاد نهج‌البلاغه، ۱۳۷۶.

۱۳۷. چگونگی ملاقات با امام زمان در بیداری و خواب؛ محدث‌نوری؛ قم: مهدی‌یار، ۱۳۸۰.

۱۳۸. چهل حدیث امام مهدی (عج) در کلام امیرالمؤمنین (ع)؛ صادق سید نژاد؛ قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۹.

۱۳۹. چهل حدیث پیرامون نور یزدان؛ علی‌اکبر مهدی‌پور؛ قم: حاذق، ۱۴۱۴.ق.

۱۴۰. چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا؛ علی‌اکبر مهدی‌پور؛ قم: حاذق، ۱۴۱۳.ق.

۱۴۱. چهل حدیث حضرت مهدی (عج)؛ مترجم: محمود شریفی؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۴.

۱۴۲. چهل حدیث در پرتو چهل آیه در فضایل حضرت ولی عصر (عج)؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۸.

۱۴۳. چهل حدیث در شناخت امام زمان؛ گروه تحقیقاتی انتشارات دلیل؛ قم: دلیل ما، ۱۳۸۰.

۱۴۴. چهل حدیث در فضایل حضرت ولی عصر از منابع تشیع و تسنن؛ تهران: حدیث، ۱۳۷۵.

۱۴۵. چهل قنوت در پیوند با مهدی موعود؛ علی لباف؛ تهران: جلی، ۱۳۷۵.

۱۴۶. حافظ در اشتیاق ظهور؛ عبدالعظیم صاعدی؛ تهران: نور فاطمه، ۱۳۷۵.

۱۴۷. حافظ در اشتیاق ظهور (تحلیل موضوع مهدویت و معرفی غزل‌های حافظ

- شیراز در وصف مهدی موعود)؛ عبدالعظیم صاعدی؛ تهران: نورفاطمه، ۱۳۷۵.
۱۴۸. حافظ و مهدویت امام مهدی (ع) در اشعار حافظ؛ مجتبی معظمی؛ تهران: آسمان آبی، ۱۳۸۰.
۱۴۹. حاکمیت در اسلام (بررسی مراحل ده گانه ولایت فقیه در عصر غیبت امام زمان)؛ محمدمهدی موسوی خلخالی؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۵۰. حضرت امام زمان (عج)؛ مهدی آیت‌اللهی؛ تهران: جهان آرا، ۱۳۸۰.
۱۵۱. حضرت امام مهدی، امام دوازدهم؛ عباس قدیانی؛ تهران: فردابه، ۱۳۷۸.
۱۵۲. حضرت امام مهدی در قیخ حدیث؛ یازان قورولو؛ تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۱.
۱۵۳. حضرت امام مهدی؛ مؤسسه در راه حق؛ قم: نوراسلام، ۱۳۷۱.
۱۵۴. حضرت حجة بن الحسن؛ فضل‌الله کمپانی؛ تهران: مفید، ۱۳۷۰.
۱۵۵. حضرت مهدی تجسم امید و نجات؛ عزیزالله حیدری شاهرودی؛ قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰.
۱۵۶. حضرت مهدی در بشارت‌های آسمانی؛ محمد فقیه‌نیا؛ قم: نورالاصفیا، ۱۳۷۹.
۱۵۷. حضرت مهدی فروغ تابان؛ محمد محمدی اشتهاردی؛ قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰.
۱۵۸. حضرت مهدی منتظر (ع) در اندیشه اسلامی؛ ثامر هاشم عمیدی؛ مترجم: محمدباقر محبوب‌القلوب؛ قم: مسجد مقدس (جمکران)، ۱۳۸۰.
۱۵۹. حضرت مهدی و روایات؛ عبدالامیر فرهاد زاده؛ تهران: اعلمی، ۱۳۶۲.
۱۶۰. حقوق فراموش شده امام زمان؛ علی کریمی جهرمی؛ تبریز: احرار، ۱۳۷۳.
۱۶۱. حکومت جهانی امام عصر؛ محمد تقی فلسفی؛ قم: نصائح، ۱۴۱۶ ق.

فهرستواره کتب مهدویت / ۳۰۱

۱۶۲. حکومت جهانی حضرت مهدی از دیدگاه قرآن و عترت؛ محمود شریعت‌زاده خراسانی؛ قم: دارالصادقین، ۱۳۷۸.

۱۶۳. حکومت عدل‌گستر؛ حسین حیدری؛ قم: دفترانتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.

۱۶۴. حنانه (ده کوتاه نوشت خطاب به امام زمان درباره خود ایشان، امام حسین (ع) و عاشوراییان)؛ مرتضی کربلایی لو؛ قم: طه، ۱۳۸۰.

۱۶۵. خصال یاوران مهدی؛ گروه نویسندگان؛ تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۶۲.

۱۶۶. خلاصه‌ای از مطالب دین اسلام در احوالات امام زمان (امامت، ولادت و غیبت آن حضرت و وظایف شیعه)؛ محمدباقر نجفی یزدی؛ تهران: عصر ظهور، ۱۳۸۰.

۱۶۷. خلاصه کتاب مهدی منتظر؛ عبدالمحسن عباد؛ تهران: شبیر، ۱۳۷۹.

۱۶۸. خورشید پنهان؛ محمدبن یوسف بن محمد نوفلی گنجی شافعی؛ مترجم: سید محمدجواد مرعشی نجفی؛ تهران: فراهانی، ۱۴۰۲ ق.

۱۶۹. خورشید تابناک (پیرامون شناخت حضرت مهدی، ویژه نوجوانان)؛ عابد عقیلی پور؛ تهران: ۱۳۸۰.

۱۷۰. خورشید کعبه (درباره قیام قائم آل محمد)؛ محمدرضا حجتی ابردهی؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛ ۱۳۷۴.

۱۷۱. خورشید منتظر: نگاهی دیگر به زندگی و غیبت امام زمان؛ مهدی نایه؛ تهران: افاقی، ۱۳۷۸.

۱۷۲. خورشید هدایت، شرح مبسوط بر سخنان امام خمینی پیرامون عظمت و شخصیت منجی آخرالزمان؛ علیرضا نعمتی؛ قم: خورشید مکه، ۱۳۷۹.

۱۷۳. خورشیدی که از مکه طلوع می‌کند؛ محمد خادمی شیرازی؛ قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۳ ق.

۸

۱۷۴. خوشه‌های طلایی از خرمن فضایل و مناقب یگانه منجی عالم بشریت؛ محمد علی مجاهدی؛ قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰.
۱۷۵. دائرة المعارف حضرت مهدی (در ۷ جلد)؛ محمد باقر شریعت؛ قم: ۱۳۶۹.
۱۷۶. دارالاسلام در احوالات حضرت مهدی (عج) و علائم ظهور؛ محمود عراقی میثمی؛ قم: ایران نگین، ۱۳۸۰.
۱۷۷. داستان زندگی حضرت مهدی؛ بازنویسی: امیر مهدی مرادحاصل؛ تهران: گل‌های بهشت پیام نور، ۱۳۸۰.
۱۷۸. داستان‌هایی از امام زمان، برگرفته از بحار الانوار؛ حسن ارشاد؛ قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰.
۱۷۹. دانستی‌هایی در شناخت امام زمان؛ محمد رضا صادقی؛ قم: نوید اسلام، ۱۳۷۷.
۱۸۰. در آرزوی وصال؛ لطف‌الله صافی؛ قم: ۱۲۱۷ ق.
۱۸۱. در انتظار خورشید ولایت؛ عبدالرحمن انصاری؛ قم: ۱۳۷۲.
۱۸۲. در اوج تنهایی (در فراق حضرت ولی عصر)؛ علیرضا نعمتی؛ قم: مؤلف، ۱۳۷۷.
۱۸۳. در جستجوی قائم؛ سید مجید پورطباطبایی؛ قم: انتشارات مسجد جمکران، ۱۴۱۱ ق.
۱۸۴. در ساحل انتظار (وظایف شیعیان در زمان غیبت امام زمان)؛ مهدی شمس‌الدین؛ قم: قدس، ۱۳۷۵.
۱۸۵. درک فلسفه و اسرار غیبت؛ معتمد خراسانی؛ تهران: هیأت قائمیه تهران، ۱۴۰۵ ق.
۱۸۶. در محضر دوست؛ مهدی رجایی؛ اصفهان: کانون پژوهش، ۱۳۷۶.
۱۸۷. در مسیر نور تا خورشید؛ رجب‌علی مظلومی؛ تهران: مکتب امام زمان، ۱۳۶۶.

فهرستواره کتب مهدویت / ۳۰۳

۱۸۸. دعاء برای امام زمان (عج) تعالی فرجه الشریف و فواید آن؛ علی اصغر واعظ موسوی؛ مشهد: محب، ۱۳۸۰.

۱۸۹. دعا، زمینه‌ساز ظهور؛ محمد مهدوی؛ تهران: بدر، ۱۳۶۴.

۱۹۰. دلبری برگزیده‌ام (تحقیق درباره مهدویت و انسان کامل در اشعار حافظ)؛ مجتبی معظمی؛ تهران: آباء، ۱۳۷۹.

۱۹۱. دوازدهمین خورشیدگیتی؛ گروهی از نویسندگان؛ تهران: مسجد حضرت ابوالفضل، ۱۴۰۱ ق.

۱۹۲. دورنمایی از دولت عدل الهی؛ رجبعلی مزروعی؛ تهران: مؤسسه امام مهدی، ۱۳۶۰.

۱۹۳. ده بحث پیرامون حضرت حجت؛ سید حسین هاشمی؛ قم: رؤف، ۱۴۰۱ ق.

۱۹۴. ده انتقاد و پاسخ پیرامون غیبت امام مهدی؛ محمد بن محمد مفید؛ مترجم: محمد باقر خالصی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.

۱۹۵. دیدار با امام زمان در مکه و مدینه؛ محمد حسن ضرابی؛ مشهد: هاتف، ۱۳۷۶.

۱۹۶. ذهنیت مستشرقین و اصالت مهدویت؛ حسین منتظر؛ تهران: آفاق، ۱۴۰۳ ق.

۱۹۷. ذهنیت مستشرقین (پژوهشی در اصالت اندیشه مهدویت و نقد گفتار شرق‌شناسان)؛ عبدالحسین فخاری؛ تهران: آفاق، ۱۳۷۹.

۱۹۸. رابطه با مهدی؛ حاج علی خورشیدی؛ قم: بهار آزادی، ۱۳۶۲.

۱۹۹. رابطه و توجهات امام زمان (عج) با امام حسین (ع) و شیفتگانش؛ عباس موسوی مطلق؛ قم: نجبا، ۱۳۸۰.

۲۰۰. راز طول عمر امام زمان (عج) از دیدگاه علم و ادیان؛ علی اکبر مهدی پور؛ قم: طاووس بهشت، ۱۳۷۸.

۲۰۱. راز مکان زندگی امام زمان؛ محسن همتی؛ تهران: نذیر، ۱۳۸۰.

۲۰۲. راه وصال امام زمان روحی فداه؛ حسین عبدالمهدی؛ تهران: مهتاب، ۱۳۸۰.

۲۰۳. راه وصال (وظایف مؤمنین در زمان غیبت امام زمان)؛ رضا حسینی مطلق؛ قم: پارسایان، ۱۳۷۹.

۲۰۴. راهی به سوی نور (پیرامون ارتباط روحی با امام زمان)؛ علیرضا نعمتی؛ قم: خورشید مکه، ۱۳۸۰.

۲۰۵. رسالت اسلامی در عصر غیبت؛ سید محمد صدر؛ تهران: بدر، ۱۴۰۱ ق.

۲۰۶. رساله غیبت؛ سید حسن افتخارزاده؛ تهران: انجمن حجتیه، ۱۳۶۰.

۲۰۷. رساله مزیل الشبهات در بیان پاره‌ای از خصوصیات ولی عصر؛ علی نورالهدی؛ زاهدان: بی‌نا، ۱۳۷۷.

۲۰۸. رسول اکرم (ص) و نشانه‌های ظهور؛ محمد خادمی شیرازی؛ قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰.

۲۰۹. رمز ظهور نور (تحقیقی کوتاه پیرامون نقش دعا در تعجل ظهور امام زمان)؛ محمد حسین رحیمیان، قم: دلیل ما، ۱۳۸۰.

۲۱۰. رموز تشرفات به محضر مبارک صاحب‌الامر امام زمان؛ سید مصطفی خاتمی؛ قم: کانون نشر اندیشه‌های اسلامی، ۱۴۱۰ ق.

۲۱۱. روایت شوق (سروده‌ها و سرودها در ستایش ولی عصر حجة‌بن‌الحسن عسکری، امام زمان)؛ جعفر رسول‌زاده؛ قم: روح، ۱۳۷۴.

۲۱۲. روزنه‌ای به خورشید (حکایات باریافتگان به حضور حضرت مهدی)؛ هاشم بن سلیمان بحرانی؛ مترجم: حسن افتخارزاده سبزواری؛ تهران: نیک‌معارف، ۱۳۷۸.

۲۱۳. روزهایی در سایه قیام مهدی؛ مؤلف: کامل سلیمان؛ مترجم: احمد فدایی؛ قم: طباطبایی، ۱۳۶۲.

فهرستواره کتب مهدویت / ۳۰۵

۲۱۴. رهبری بر فراز قرون (پژوهشی درباره امام مهدی)؛ محمدباقر صدر؛ مترجم: مصطفی شفیع‌ی؛ تهران: موعود، ۱۳۸۰.
۲۱۵. ره پویان حضرت مهدی تا حریم وصال؛ مصطفی هادوی (شهید اصفهانی) و ابوالحسن سپه‌کار؛ اصفهان: گل افشان، ۱۳۷۷.
۲۱۶. زمزمه انتظار؛ علی اصغر یونسیان؛ تهران: گل‌ریز، ۱۳۷۳.
۲۱۷. زمینه‌سازان انقلاب جهانی مهدی؛ سیداسدالله شهیدی؛ قم: المهدی، ۱۳۶۴.
۲۱۸. زمینه‌سازان حکومت امام زمان در اخبار اهل سنت؛ مؤلف: شیخ مهدی فنلاوی؛ مترجم: انتشارات توحید؛ تهران: توحید، ۱۳۶۶.
۲۱۹. زندگانی امام زمان (عج)؛ منصور کریمیان؛ تهران: اشرفی، ۱۳۷۹.
۲۲۰. زندگانی حضرت امام حجة بن الحسن؛ رضااستادی؛ قم: دفتر نشر برگزیده، ۱۳۸۰.
۲۲۱. زندگانی حضرت امام مهدی (عج)؛ جمعی از علمای لبنان؛ مترجم: حمیدرضا کفا؛ تهران: عابد، ۱۳۸۰.
۲۲۲. زندگانی خاتم الاوصیاء، امام مهدی (عج)؛ باقر شریف فرشی؛ مترجم: ابوالفضل اسلامی؛ قم: فقاہت، ۱۳۷۸.
۲۲۳. زندگانی و قیام حضرت مهدی؛ سید جمال الدین حجازی؛ تهران: نصر، ۱۴۰۴ ق.
۲۲۴. زندگی حضرت مهدی؛ حسن سعید؛ تهران: کتابخانه چهل ستون، ۱۳۶۳.
۲۲۵. زندگی و رهبری امام مهدی؛ ابوالفضل هدایتی فخر داود؛ قم: شهریار، ۱۳۷۹.
۲۲۶. سایه‌سار رحمت (زندگانی حضرت امام زمان)، مهدی شمس‌الدین؛ قم: دورنگار، ۱۳۷۷.
۲۲۷. سپیده‌امید (کاوشی در مهدویت)؛ حسین اسحاقی؛ قم: بوستان‌کتاب، ۱۳۸۰.

۲۲۸. ستارگان درخشان؛ محمدجواد نجفی؛ تهران: اسلامیه، ۱۳۶۱.
۲۲۹. ستاره پنهان (داستانها و نکته‌های علمی پیرامون مقام امام زمان)؛ جمال‌الدین حجازی؛ به اهتمام: خرمی، حمید، تهران: لوح محفوظ، ۱۳۷۷.
۲۳۰. ستاره مؤمنان (آشنایی با امام زمان)؛ حمید علم‌الهدی؛ قم: هویزه، ۱۳۷۵.
۲۳۱. سخنان حضرت مهدی؛ عمران علیزاده؛ قم: خضراء، ۱۴۰۴ ق.
۲۳۲. سخنان حضرت مهدی؛ عمران علیزاده؛ قم: رسالت، ۱۳۷۷.
۲۳۳. سخنان گهربار حضرت امام زمان؛ منصور کریمیان؛ تهران: اشرفی، ۱۳۸۰.
۲۳۴. سخنی چند از ولایت تا غیبت حضرت ولی عصر (عج)؛ موسی سیف امیرحسینی؛ تهران: صاحب اثر؛ ۱۳۷۱.
۲۳۵. سرود مهدی، به ضمیمه زندگانی مبارک مجاهد بزرگ حضرت آیه‌الله العظمی مرحوم سعیدالعلماء بارفروشی (ره)؛ مهدی کامران؛ بابل: مبعث، ۱۳۷۷.
۲۳۶. سروده‌های امام مهدی، قائم آل محمد، پرچمدار هدایت جهان؛ حسین حق‌جو؛ قم: ارم، ۱۳۷۹.
۲۳۷. سروش انتظار (مجموعه شعر ستایش حجة بن الحسن العسکری، امام زمان حضرت مهدی)؛ جعفر رسول‌زاده؛ قم: رواق اندیشه، ۱۳۷۶.
۲۳۸. سروش منتظران؛ محمدحسن یوسفی؛ قم: عصر ظهور، ۱۳۷۶.
۲۳۹. سورة والعصر حضرت امام زمان است؛ حاج عباس راسخی نجفی؛ قم: قیام، ۱۳۷۲ ق.
۲۴۰. سوز هجران (مجموعه اشعار درباره امام زمان)؛ محمدباقر فقیه‌ایمانی؛ قم: بی‌نا، ۱۳۷۷.
۲۴۱. سوشیانت یا سیر اندیشه ایرانیان درباره موعود آخرالزمان؛ علی اصغر

مصطفوی؛ تهران: ندا، ۱۳۶۱.

۲۴۲. سیره عملی اهل بیت (ع)؛ کاظم ارفع؛ تهران: فیض کاشانی، ۱۳۷۶.
۲۴۳. سیره معصومان؛ محسن امین؛ مترجم: علی حجتی کرمانی؛ تهران: سرو، ۱۳۷۶.
۲۴۴. سیری در کلام معصوم (شرح دعای اللهم ارزقنا توفیق الطاعة حضرت مهدی صلوات الله علیه)؛ علی اصغر حداد؛ تهران: فرزام، ۱۳۷۹.
۲۴۵. سیصد و چهارده علامت از ظهور حضرت حجت؛ احمد بن ملافرج هروی یزدی؛ یزد: گلپهار یزد، ۱۳۷۰.
۲۴۶. سیطره کمیت و علائم آخر الزمان؛ مؤلف: رنه گنون؛ مترجم: دکتر علی مدد کاروان؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۱.
۲۴۷. سیمای آفتاب (سیری در زندگانی حضرت مهدی)؛ حبیب الله طاهری؛ قم: زائر، ۱۳۸۰.
۲۴۸. سیمای امام زمان حضرت مهدی؛ محمد مهدی تاج لنگرودی؛ تهران: ممتاز، ۱۳۸۰.
۲۴۹. سیمای حضرت مهدی در قرآن؛ هاشم حسینی بحرانی؛ مترجم: مهدی حائری قزوینی؛ تهران: آفاق، ۱۳۷۶.
۲۵۰. سیمای حضرت مهدی در قرآن؛ سید هاشم بحرانی؛ مترجم: سید مهدی حائری قزوینی؛ تهران: آفاق، ۱۳۶۷.
۲۵۱. سیمای دلربا؛ مصطفی مصباح؛ تهران: ۱۳۷۰.
۲۵۲. سیمای مصلح جهان و ملاقات با امام زمان؛ مراد فیضی؛ تهران: ایزد، ۱۳۸۰.
۲۵۳. سیمای مهدی موعود در آئینه شعر فارسی؛ محمد علی مجاهدی؛ تهران: مسجد مقدس (جمکران)، ۱۳۸۰.

۲۵۴. شجره احمدی؛ شیخ محمد محدث خراسانی؛ مشهد: ۱۳۷۳.
۲۵۵. شفا یافتگان متوسلین به حضرت مهدی (عج)؛ علی اکبر میر؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۲۵۶. شگفتیها و عجایب دنیا در بعد از ظهور امام زمان (ع) به همراه اوصاف و ویژگیهای خاص آن حضرت؛ قم: گل یاس، ۱۳۷۹.
۲۵۷. شمه‌ای از آثار ادعیه و انفاس قدسیه؛ حسن صحفی؛ قم: شهاب، ۱۳۷۸.
۲۵۸. شناخت امام زمان؛ محمود علوی؛ تهران: مهام، ۱۳۸۰.
۲۵۹. شناخت امام یار راه‌رهایی از مرگ جاهلی؛ مهدی فقیه‌ایمانی؛ قم: ۱۴۱۲ ق.
۲۶۰. شوق مهدی؛ محمد بن شاه مرتضی فیض‌کاشانی؛ مصحح: علی دوانی؛ قم: انصاریان، ۱۳۷۹.
۲۶۱. شیفتگان حضرت مهدی؛ احمد قاضی زاهدی؛ قم: حاذق، ۱۳۷۰.
۲۶۲. شیفتگان حضرت مهدی؛ احمد قاضی زاهدی؛ قم: حاذق، ۱۳۷۹.
۲۶۳. شیوه‌های یاری قائم آل محمد؛ محمد باقر فقیه‌ایمانی؛ قم: محقق، ۱۳۷۷.
۲۶۴. طلوع آفتاب مهدی؛ گروهی از نویسندگان؛ تهران: الغدیر، ۱۴۰۱ ق.
۲۶۵. طول عمر امام زمان از دیدگاه علوم و ادیان؛ علی اکبر مهدی‌پور؛ تهران: کعبه، ۱۴۰۴ ق.
۲۶۶. ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان؛ اسدالله هاشمی شهیدی؛ قم: مسجد مقدس صاحب‌الزمان (جمکران)، ۱۳۸۰.
۲۶۷. ظهور نور (ترجمه کتاب الشموس المضيئه)؛ علی سعادت‌پرور؛ مترجم: محمد جواد وزیری فرد؛ تهران: احیاء کتاب، ۱۳۸۰.
۲۶۸. عاشقان حضرت مهدی (عج)؛ طالب زاده؛ اصفهان: گل افشان، ۱۳۷۸.

۲۶۹. عاشق مهدی چه کند؛ صدیقه مدنی؛ مشهد: فردوسی، ۱۳۶۲.
۲۷۰. عجایب و معجزات شگفت‌انگیزی از امام زمان؛ قم: گل یاس، ۱۳۷۹.
۲۷۱. عدل منتظر؛ گروهی از نویسندگان؛ تهران: مسجد صدریه، ۱۴۰۴ ق.
۲۷۲. عصاره خلقت (درباره امام زمان)؛ عبدالله جوادی آملی؛ قم: اسراء، ۱۳۷۹.
۲۷۳. عصر انتظار؛ محمد علی مردانی؛ تهران: مردانی، ۱۳۷۷.
۲۷۴. عصر طلایی ظهور؛ قم: مولود کعبه، ۱۳۷۹.
۲۷۵. عقاید امام راحل (ره)؛ نمایندگی ولی فقیه؛ تهران: نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۲.
۲۷۶. عقیده نجات بخش (پیرامون عقیده به ظهور و حکومت حضرت مهدی)؛ لطف‌الله صافی؛ قم: حضرت معصوم (س)، ۱۳۷۵.
۲۷۷. علائم دوره آخرالزمان؛ شیخ محمد جواد خراسانی؛ قم: شهید، ۱۳۶۰.
۲۷۸. علائم ظهور حجة ابن الحسن عسگری قائم آل محمد؛ مریم دستغیب؛ شیراز: صاحب اثر، ۱۳۷۱.
۲۷۹. علائم ظهور، مروری بر وقایع آخرالزمان؛ محسن همتی؛ تهران: نذیر، ۱۳۸۰.
۲۸۰. عنایات حضرت بقیة الله ارواحنا فداء به آثار امام حسین (ع)؛ محمدرضا باقی اصفهانی؛ قم: امام حسن مجتبی (ع)، ۱۳۸۰.
۲۸۱. عنایات حضرت مهدی به علما و طلاب؛ محمدرضا باقی اصفهانی؛ قم: نصاب، ۱۳۷۹.
۲۸۲. عنایات حضرت مهدی موعود به علما و مراجع تقلید؛ علی کریمی جهرمی؛ مشهد: نشر و تبلیغ، ۱۴۰۷ ق.
۲۸۳. عهدنامه حضرت ولی عصر (عج)؛ تهران: کانون پژوهش، ۱۳۸۰.

۲۸۴. غریبہ آشنا (همسفر با ملیکا - مادر امام زمان - از قصر قیصر روم تا سامرا)؛ پهلوانیان، احمد؛ قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۰.
۲۸۵. غیبت امام عصر یا پنهانی خورشید عدالت؛ محمد خادمی شیرازی.
۲۸۶. غیبت و مهدویت در تشیع امامیه؛ جاسم حسین ساشادینا؛ مترجم: محمودرضا افتخارزاده؛ تهران: مترجم، ۱۳۷۲.
۲۸۷. فجر امید؛ گروه نویسندگان؛ تهران: جهاد سازندگی، ۱۳۶۰.
۲۸۸. فروغ مهدویت؛ محمد حسین صفاخواه؛ تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.
۲۸۹. فرهنگ انتظار (شرح دعای مشهور غیبت حضرت مهدی)؛ عبدالله فاطمی نیا؛ تهران: رسائل، ۱۳۷۵.
۲۹۰. فضیلت انتظار؛ سید محمد تقی موسوی یزدی؛ یزد: مهدیه اشگذر، ۱۳۶۱.
۲۹۱. فلسفہ غیبت امام زمان؛ سید محمد حسن موسوی جزائری؛ تهران: ۱۳۶۶.
۲۹۲. فلسفہ نیکو (جلد ۴)؛ حاج میرزا حسن نیکو بروجردی؛ تهران: مؤسسه خاور، ۱۳۰۶.
۲۹۳. فوز اکبر؛ حاج شیخ محمد باقر فقیه ایمانی؛ تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۶۷.
۲۹۴. فوز اکبر: در توسلات به امام منتظر؛ محمد باقر فقیه ایمانی؛ قم: مسجد مقدس (جمکران)، ۱۳۷۹.
۲۹۵. قاطع البیان فی الایات المؤولة بصاحب الزمان؛ فضل الله عابدی خراسانی؛ مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۴ ق.
۲۹۶. قدیس (رهیافتی علمی، عقلی و عرفانی پیرامون امام مهدی (عج)، نجات بخش بشریت)؛ شعبانعلی لامعی؛ تهران: رامند، ۱۳۸۰.
۲۹۷. قصص الظهور یا داستانهایی از ظهور مهدی آل محمد؛ قاسم میرخلفزاده؛

قم: روحانی، ۱۳۸۰.

۲۹۸. قصص الحجّتیة یا داستانهایی از حضرت مهدی؛ علی میرخلفزاده؛ قم: مهدی یار، ۱۳۷۹.

۲۹۹. قیام مهدی، روزنجات؛ گروهی از نویسندگان؛ تهران: مسجد صدریه، ۱۴۰۳ ق.
۳۰۰. قیام و انقلاب مهدی؛ مرتضی مطهری؛ تهران.

۳۰۱. کتاب مستطاب دارالسلام (در ذکر حالات حضرت امام عصر و ناموس دهر و حجت منتظر عجل الله فرجه الشریف)؛ محمود عراقی میثمی؛ مصحح: محمود زندی؛ مقدمه: فضل الله ملک الواعظین؛ تهران: اسلامیه، ۱۳۸۰.

۳۰۲. کرامات الحجّتیة، با معجزاتی از حضرت مهدی (عج)؛ علی میرخلفزاده؛ قم: مهدی یار، ۱۳۷۹.

۳۰۳. کرامات حضرت مهدی و فرازهایی از توقیعات مقدس بقیة الله الاعظم؛ واحد تحقیقات مسجد مقدس صاحب الزمان (جمکران)؛ قم: مسجد مقدس صاحب الزمان (جمکران)، ۱۳۷۹.

۳۰۴. کرامتهای حضرت مهدی (عج)؛ قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰.

۳۰۵. کشف السترة عن وجه الغیبة؛ سیّد محمد وحیدی؛ قم: ۱۳۶۶.

۳۰۶. کلمة الامام المهدی؛ سیّد حسن شیرازی؛ مترجم: دکتر سیّد حسن افتخارزاده سبزواری؛ تهران: آفاق، ۱۴۰۷ ق.

۳۰۷. کمال هستی در عصر طلایی ظهور؛ محمدباقر علم الهدی؛ مترجم: جلال برنجیان؛ تهران: میقات، ۱۳۸۰.

۳۰۸. گامی در جهت شناخت امام مهدی (عج) و نواب اربعه آن حضرت؛ حمیدرضا کفا؛ تهران: عابد، ۱۳۸۰.

۳۰۹. گامی در جهت شناخت امام مهدی (عج) و نواب اربعه (ویژه دانش‌آموزان)؛ حمیدرضا کفا؛ تهران: ۱۳۸۰.
۳۱۰. گفتار امیرالمؤمنان در شناخت امام و حوادث آخرالزمان؛ گروه نویسندگان؛ تهران: جلی، ۱۳۷۵.
۳۱۱. گفتارهایی در پیرامون امام زمان؛ حسن افتخارزاده سبزواری؛ تهران: نیک‌معارف، ۱۳۷۹.
۳۱۲. گفتمان مهدویت؛ ابراهیم امینی و دیگران؛ قم: انتظار نور، ۱۳۸۰.
۳۱۳. گفتمان مهدویت؛ علی صافی گلپایگانی؛ قم: مسجد مقدس (جمکران)، ۱۳۸۰.
۳۱۴. ما امام زمان را دیده‌ایم (بخشهایی از کتاب شریف نجم‌الثاقب)؛ واحد تحقیقاتی گل یاس؛ قم: گل‌نرگس، ۱۳۸۰.
۳۱۵. مجالس شبهای شنبه؛ عباس حاجیانی‌دشتی؛ قم: محلاتی، ۱۳۷۷.
۳۱۶. مجالس شبهای شنبه (بحثهایی پیرامون زندگانی حضرت امام زمان)؛ مرضیه نعمت‌الله‌زاده؛ کرمان: محلاتی، ۱۳۷۴.
۳۱۷. مجله‌ انتظار؛ گروه نویسندگان؛ تهران: انجمن حجتیه، ۱۳۶۰.
۳۱۸. مجموعه سخنان، توقیعات و ادعیه حضرت بقیةالله؛ محمد خادمی شیرازی؛ قم: رسالت، ۱۳۷۷.
۳۱۹. مجموعه فرمایشات حضرت بقیةالله ارواحنا فداه؛ محمد خادمی شیرازی؛ قم: مؤسسه الغدير، ۱۳۶۸.
۳۲۰. مجموعه مقالات و گفتارها پیرامون حضرت مهدی؛ گروه نویسندگان؛ تبریز: ستاد نیمه شعبان، ۱۴۱۳ ق.
۳۲۱. مجموعه مقالات و گفتارها پیرامون حضرت مهدی، به انضمام ۳۰ کلمه

فهرستواره کتب مهدویت / ۳۱۳

- نورانی؛ حسن حسن زاده آملی؛ تهران: واحد برگزاری مراسم نیمه شعبان، ۱۳۷۲.
- ۲۲ بهردی که خواهد آمد، حضرت امام مهدی؛ امیر مهدی مراد حاصل؛ تهران: ۱۳۸۰.
۳۲۳. مسأله غیبت امام زمان در آثار شیخ مفید؛ امامی کاشانی؛ قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۳۲۴. مسجد مقدس جمکران تجلیگاه صاحب الزمان؛ سید جعفر میر عظیمی؛ قم: رسالت، ۱۴۱۵ ق.
۳۲۵. مشخصات امام زمان (عج)؛ قم: مسجد حضرت معصومه (س)، ۱۳۷۴.
۳۲۶. مشعشعیان (مدعیان دروغین امام زمان)؛ احمد کسروی؛ به اهتمام: عزیزاده، عزیزالله؛ تهران: فردوس، ۱۳۷۸.
۳۲۷. مصلح آخر الزمان (اولین سمپوزیوم بین المللی اسلام و مسیحیت از ۲۴ تا ۲۶ آذرماه ۶۹ آتن)؛ حسن ابطحی؛ تهران: بطحا، ۱۳۷۶.
۳۲۸. مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت؛ عبدالمحسن عباد؛ مترجم: هادی خسروشاهی؛ تهران: اطلاعات، ۱۳۷۴.
۳۲۹. مصلح حقیقی؛ سید حسن ابطحی؛ تهران: مقدم، ۱۴۰۵ ق.
۳۳۰. مصلح غیبی؛ سید حسن ابطحی؛ تهران: آل یاسین، ۱۴۰۵ ق.
۳۳۱. مصلح غیبی؛ حسن ابطحی؛ قم: بطحا، ۱۳۸۰.
۳۳۲. مصلح کل (حضرت مهدی فرمانده انقلاب جهانی اسلامی)؛ علی صفایی کاشانی؛ تهران: مفید، ۱۳۷۴.
۳۳۳. معجزات امام زمان؛ محمد مهدی تاج لنگرودی؛ تهران: ممتاز، ۱۳۸۰.
۳۳۴. معرفت حجت خدا؛ لطف الله صافی؛ قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۳۳۵. مقام امام زمان؛ جمال الدین حجازی؛ قم: مولود کعبه، ۱۳۷۵.

۳۳۶. ملاقات با امام زمان (عج)؛ حسن ابطحی؛ قم: یاران قائم، ۱۳۷۹.
۳۳۷. ملاقات علماء بزرگ اسلام با امام زمان (عج)؛ قم: گل یاس، ۱۳۷۹.
۳۳۸. منتخب صحیفه مهدیه؛ مرتضی مجتهدی سیستانی؛ مترجم: محمد حسین رحیمیان؛ قم: الماس، ۱۳۸۰.
۳۳۹. منتظر تا صبح فردا (مجموعه‌ای مفید و خواندنی درباره حضرت ولی عصر شهید مدرس)؛ فاطمه صالح مدرسه‌ای؛ اصفهان: شهید مدرس، ۱۳۷۷.
۳۴۰. منتظر تاریخ؛ مؤلف: سید علاءالدین مدرس؛ مترجم: سید محمد علی مدرس مطلق؛ تهران: مفید، ۱۴۱۲ ق.
۳۴۱. منتظر تاریخ (ترجمان رساله تذکرة المهدی)؛ علاءالدین مدرس؛ مترجم: محمد علی مدرس مطلق؛ تهران: مفید، ۱۳۷۰.
۳۴۲. موعود جهانی؛ حاج سید ابوالفضل موسوی زنجانی؛ ۱۳۶۳.
۳۴۳. موعود قرآن؛ سید صادق شیرازی؛ تهران: مؤسسه الامام مهدی، ۱۳۶۰.
۳۴۴. مهدویت و آینده بشر؛ حاج سید محمود طالقانی؛ تهران: قلم، ۱۴۰۱ ق.
۳۴۵. مهدی، امام حاضر؛ مهدی بهادری نژاد؛ تهران: دایره، ۱۳۷۹.
۳۴۶. مهدی، رهبر بزرگترین انقلاب جهانی؛ حسن شجاعیان؛ قم: اهل بیت، ۱۳۶۱.
۳۴۷. مهدی، ماه راه گشای عالم غیب؛ حاج شیخ حسن سعید؛ قم: چهل ستون، ۱۴۰۴ ق.
۳۴۸. مهدی، مقتدای مسیح؛ شیخ علی کریمی جهرمی؛ تبریز: اصرار، ۱۳۷۴.
۳۴۹. مهدی منتظر از دیدگاه اهل سنت؛ حسن طاهری پور؛ تهران: شبر، ۱۳۷۹.
۳۵۰. مهدی منتظر در نهج البلاغه؛ مهدی فقیه ایمانی؛ اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین، ۱۴۰۳ ق.

فهرستواره کتب مهدویت / ۳۱۵

۳۵۱. مهدی منتظر در نهج البلاغه؛ مهدی فقیه ایمانی؛ اصفهان: عمادزاده، ۱۳۷۵.

۳۵۲. مهدی منتظر، یا ناموس اعظم حق در کلام امام هشتم؛ محسن کتابچی؛ مشهد: به نشر، ۱۳۸۰.

۳۵۳. مهدی منتظر؛ محمد جواد خراسانی؛ قم: نورالاصفیا، ۱۳۸۰.

۳۵۴. مهدی موعود آخرین امید؛ رضا سعیدی؛ تهران: به دید، ۱۳۷۷.

۳۵۵. مهدی موعود پیدای پنهان؛ شاهزاده شریفی؛ اهواز: انتشارات خوزستان، ۱۳۸۰.

۳۵۶. مهدی موعود در مکتب اهل بیت؛ سید محمد نجفی یزدی؛ قم: ۱۳۶۶.

۳۵۷. مهدی موعود؛ سید عبدالحسین دستغیب؛ تهران: حمید، ۱۳۶۲.

۳۵۸. مهدی موعود؛ عبدالحسین دستغیب شیرازی؛ تهران: نادر، ۱۳۷۴.

۳۵۹. مهدی موعود؛ هیأت تحریریه مکتب اسلام؛ تهران: فرهنگ قرآن، ۱۴۰۳ ق.

۳۶۰. مهر بیکران (نگاهی به رافت امام زمان)؛ محمد حسن شاه آبادی؛ قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰.

۳۶۱. میعاد با خورشید؛ رضا سرفراز؛ تهران: مؤسسه الامام مهدی، ۱۳۶۰.

۳۶۲. میعاد با خورشید؛ سید جمال الدین حجازی؛ مشهد: حامد، ۱۳۶۳.

۳۶۳. میلاد امام عدالت و تقوا؛ گروه نویسندگان؛ تهران: سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰.

۳۶۴. میلاد نور؛ علی اکبر مهدی پور؛ تهران: مسجد صدریه، ۱۴۰۵ ق. ✕

۳۶۵. ناپیدا ولی با ما؛ مسجد مقدس جمکران؛ قم: مسجد مقدس (جمکران)، ۱۳۷۹.

۳۶۶. ناله های فراق؛ سید حسین هاشمی نژاد؛ تهران: مرکز نشر و چاپ، ۱۳۶۸.

۳۶۷. نام محبوب؛ سید حسین حسینی؛ تهران: آفاق، ۱۳۷۵.

۳۶۸. نام نامه مهدی (ع)؛ محمد کاظم بهنیا؛ تهران: رایحه، ۱۳۷۶.

۳۶۹. نجات بخشی در ادیان؛ محمد تقی راشد محصل؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات، ۱۳۶۹.

۳۷۰. نجوای منتظران؛ علی اصغر یونسیان؛ تهران: میقات، ۱۴۰۹ ق

۳۷۱. نشان صبح سپید (گفتارهایی از امیر مؤمنان علی (ع) پیرامون امام زمان)؛ محمدرضا دین پرور؛ تهران: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۹.

۳۷۲. نشانه ظهور او؛ محمد خادمی شیرازی؛ قم: مسجد مقدس (جمکران)، ۱۳۸۰.

۳۷۳. نشانه ظهور؛ علی اصغر سادات مدی؛ مقدمه: محمد باقر داودی؛ تهران: منیر، ۱۳۷۸.

۳۷۴. نشانی از امام غایب؛ دکتر محمد مهدی رکنی؛ مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۸.

۳۷۵. نصیحت به فریبخوردگان باب و بها؛ شیخ محمد جواد بلاغی؛ مترجم: سید علی فانی اصفهانی؛ قم: اسلام، ۱۴۰۵ ق.

۳۷۶. نظام حقوق زن در اسلام؛ مرتضی مطهری؛ تهران: صدرا، ۱۳۸۰.

۳۷۷. نغمه‌هایی از بلبل بوستان حضرت مهدی (مجموعه سخنرانیهای حاج شیخ احمد کافی خراسانی)؛ علی اکبر محدث شوشتری؛ قم: قیام، ۱۳۸۰.

۳۷۸. نغمه مشتاقان؛ صافی گلپایگانی؛ مؤسسه نشر و تبلیغ، ۱۳۶۶.

۳۷۹. نقش انتظار در سیر تاریخ؛ عباس علی اختری؛ تهران: مؤسسه امام مهدی، ۱۳۶۰.

۳۸۰. نقش سازندگی انتظار؛ علی قائمی؛ تهران: یاسر، ۱۳۶۱.

۳۸۱. گاهی به سر نوشت جهان، انسان، تاریخ؛ محمد کریمی؛ مشهد: موحد، ۱۳۷۴.

۳۸۲. نگرشی نوین بر حماسه عاشورا، انقلاب حضرت مهدی (عج) و حکومت در عصر غیبت؛ احمد علی افتخاری؛ تهران: مهشاد، ۱۳۷۵.

فهرستواره کتب مهدویت / ۳۱۷

۳۸۳. نماز و عبادت امام زمان (عج)؛ عباس عزیزی؛ قم: صلاء، ۱۳۸۰.
۳۸۴. نوائب الدهور فی علائم الظهور (۴ جلد)؛ سید حسن میرجهانی؛ تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۶۹.
۳۸۵. نوای بندگی؛ مهدی حق پرست؛ تهران: بدر، ۱۳۶۴.
۳۸۶. نواب اربعه؛ عباس راسخی نجفی؛ تهران: ۱۳۶۶.
۳۸۷. نور امید (نگرشی کوتاه بر حدیث تولد امام مهدی)؛ حسن فیروزخانی؛ تهران: مفید، ۱۳۷۶.
۳۸۸. نورپنهان در افاق قرآن، حضرت مهدی؛ جعفر شیخ الاسلامی؛ تهران: یکان، ۱۳۷۹.
۳۸۹. نوستر آداموس و ظهور حضرت مهدی (عج) به ضمیمه بشقاب پرنده‌ها از دیدگاه متون اسلامی؛ نصیر سید کماری؛ تهران: فردوس، ۱۳۷۸.
۳۹۰. نوید اسلام؛ سید مصطفی آل حیدر کاظمی؛ مترجم: سید محمد حسن موسوی جزائری؛ تهران: علمی، ۱۳۶۳.
۳۹۱. نوید امن و امان (پیرامون شخصیت، زندگانی، غیبت و ظهور حضرت ولی عصر)؛ لطف الله صافی؛ قم: حضرت معصومه (س)، ۱۳۷۵.
۳۹۲. نوید و پیام؛ بدرالسادات محقق شیرازی؛ قم: رسالت، ۱۳۷۴.
۳۹۳. نهج الولاية (بررسی مستند در شناخت امام زمان)؛ حسن حسن زاده آملی؛ قم: قیام، ۱۳۸۰.
۳۹۴. وابستگی جهان به امام زمان؛ لطف الله صافی؛ تهران: بعثت، ۱۳۶۱.
۳۹۵. وابستگی جهان به امام زمان؛ لطف الله صافی؛ قم: حضرت معصومه، ۱۳۷۵.
۳۹۶. وظایف منتظران؛ مسجد مقدس؛ قم: مسجد مقدس (جمکران)، ۱۳۷۸.
۳۹۷. وقت معلوم (پیرامون نحوه فعالیت‌های شیطان علیه امام زمان و بررسی علل

آن؛ محمد حسن گنجی فرد؛ قم: بطحاء، ۱۳۷۸.

۳۹۸. ویژگیهای امام مهدی (عج) مصلح جهانی؛ تهران: شبیر، ۱۳۸۰.

۳۹۹. هدایتگران راه نور (زندگانی بقیة الله الاعظم حضرت مهدی)؛ محمد تقی

مدرسی؛ مترجم: محمد صادق شریعت؛ تهران: محبان الحسین (ع)، ۱۳۸۰.

۴۰۰. هدیه احمدیه، به ضمیمه دعای فرج و دعای حضرت مهدی (عج)؛ قم:

مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۸.

۴۰۱. هفت سؤال پیرامون حضرت مهدی؛ سید محمد باقر صدر؛ مترجم: حاج

شیخ عباس مخبر دزفولی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸.

۴۰۲. هفت سؤال پیرامون حضرت مهدی (ترجمه بحث حول المهدی)؛ محمد باقر

صدر؛ مترجم: عباس مخبر دزفولی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.

۴۰۳. یادمان امام مهدی؛ علی اکبر تلافی؛ تهران: رایحه، ۱۳۸۰.

۴۰۴. یاد محبوب (پرسش و پاسخ درباره آخرین مصلح آسمانی)؛ حسین

حسینی؛ تهران: آفاق، ۱۳۸۰.

۴۰۵. یاد مهدی؛ محمد خادمی شیرازی؛ قم: مسجد مقدس (جمکران)، ۱۳۸۰.

۴۰۶. یار غائب از نظر؛ محمد حجتی؛ قم: مسجد مقدس (جمکران)، ۱۳۸۰.

۴۰۷. یک آسمان نگاه؛ راشدی لطیف؛ تهران: پیام محراب، ۱۳۷۸.

۴۰۸. یک درخواست؛ علیرضا نعمتی؛ قم: خورشید مکه، ۱۳۸۰.

۴۰۹. ۱۱۰ شعر پیرامون مدح امام زمان (عج)؛ قم: دارالنور، ۱۳۸۰.

۴۱۰. یوسف زهرا (عج)؛ محمد نجفی یزدی؛ قم: نصایح، ۱۳۸۰.

* چون منابع درباره امام مهدی (عج) فراوان است و برای اجتناب از تکرار،

برای اطلاعات بیشتر به کتابشناسیهای ذیل مراجعه کنید:

کتابنامه‌ها:

۴۱۱. در جستجوی قائم (ع)؛ سید طباطبایی مجیدپور؛ قم: انتشارات مسجد جمکران، ۱۴۱۱ق - ۱۳۷۰ش، ۵۳ ص.

(در پنج بخش به معرفی حدود ۱۸۵۰ عنوان از کتابهای مستقل، کتابهای ضمنی، کتابهای متفرقه، مجلات و رسائل، اشعار و ادبیات پرداخته است).
۴۱۲. فهرستواره کتب مهدویت؛ علی اکبر تلافی؛ تهران: دیار، ۱۳۸۰، ۴۰ ص.

۴۱۳. کتابنامه امام مهدی (ع)؛ به اهتمام جمعی از نویسندگان؛ تهران: انجمن حجّیه، ۱۳۹۷ق، ۱۲۷ ص.

(در این کتابنامه، ۳۱۳ کتاب معرفی شده است. در چاپ بعد سال ۱۳۹۸ق تکمیل شد و در ۲۲۴ صفحه با معرفی ۳۵۵ اثر منتشر گردید. و در سال بعد (۱۳۹۹ق) با معرفی ۳۹۴ کتاب مجدداً منتشر شد.)

۴۱۴. کتابنامه حضرت مهدی (ع)؛ علی اکبر مهدی پور؛ ۲ جلد؛ قم: الهادی، ۱۳۷۵.
(در این اثر حدود ۲۰۰۰ عنوان کتاب درباره امام زمان به صورت توصیفی معرفی شده است. نویسنده بیست سال از عمر خود را صرف تدوین این کتابنامه نموده و با مسافرت‌های مختلف داخلی و خارجی و مطالعه کتابخانه‌های متعدد بر غنای آن افزوده است.)

۴۱۵. کتابنامه ائمه اطهار؛ ناصرالدین انصاری قمی؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.

۴۱۶. مهدی منتظر را بهتر بشناسید؛ مهدی فقیه‌ایمانی؛ اصفهان: مسجد الهادی، ۱۳۸۴ق، ۱۰۸ ص.

(در این کتاب حدود ۳۸۹ اثر درباره امام، معرفی شده است.)